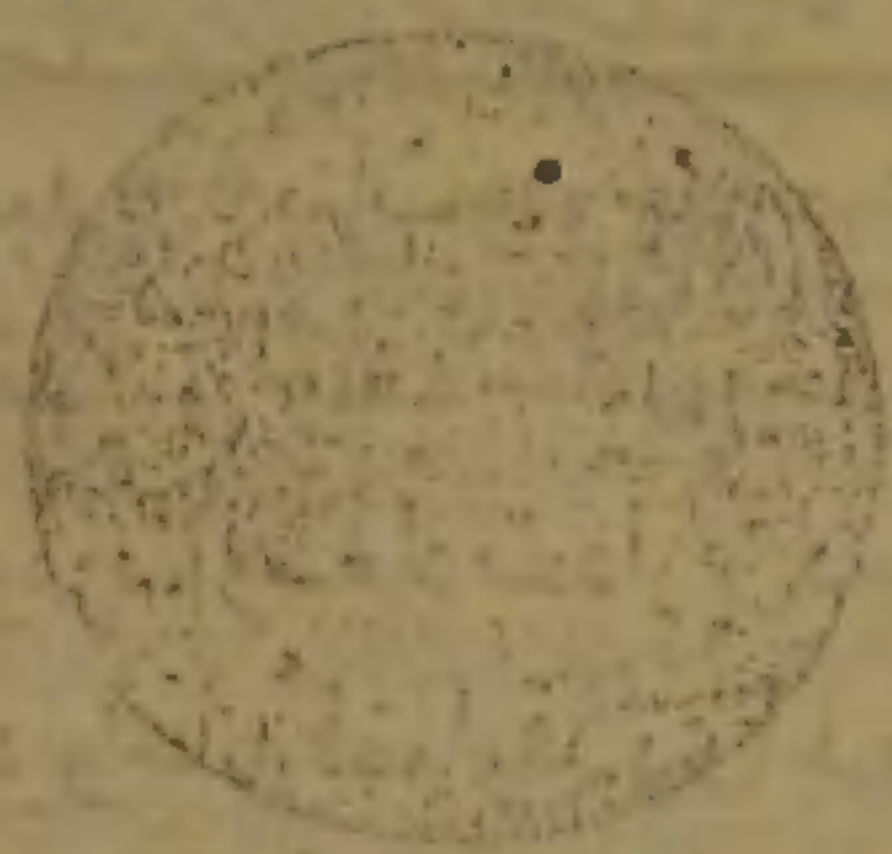


BIBLIOTHECA

254

A. Ham

وقائع تاريخ



203

بسم الله الرحمن الرحيم و بسم الله تعالی

حامد ز اکیات اول مبدع کائنات و موجد مصنوعات جنابک انخاف کرده معلا ساحة تقدیسی اولمغه شایان و حقیق قدر که صحایف مکنونات نکاشته قلم ابدامی و عزت و سعادت دارین دسنیاری عیایت و توفیقی و ذلت و کدایی حکم دیوانخانه قضا و قدری ابد و کن قل اللهم مالک الملائکة تؤت الملائکة من تشاء و تنزع الملائکة من تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدير کلام مجیدی ایلله باصره کایله انظار و تویاسای تنویر و محمد بد قلمش در وصلوات نامیات و تحیات فایحات اول خلاصه موجودات و نقاوه ممکنات جنابک حوض مورد لثنتنکان امت و منبع ذلال فیاض فیض شفاعت اولان خاک پاک مشکساینه شایان ابلاغ و اهدا در که وجود شریفی باعث ترتیب مقدمات مصنوعات و ذات قدسی الصفا فی سبب ترکیب بسایط و مرکبات و ترضیه و تعظیات صافیات حمات دین مبین و هدای راه یقین نجوم الزهرات ال و اصحاب و اتباعه رواد و که سعی و همتلری مقیر ماند کان دیجور حیرته نجم هدایت و غبار سمنند جهاد پیشه لری مجاهدان صمیم الاجتهاد که تویای بصر بصیرنلر بدر ابعاد سبب تحریر کتاب مشکین نقاب اولدر که جناب نسق ساز کارگاه جهان و شیرازه بندنه کتب اسمان جل شانہ و عم نواله حضرتنلری اقتضای حکمت علیه و سبق عنایت از لیه ایلله محمد بد قواعد دین مبین و احیای سنن نخر اولین ایچون علی وفق العاده اسباب خیر و صلاحی اماده ایدوب و قنا که نوبت خلافت روز افزون عثمانی و عطیه کبرای وراثت تحت سلطانی خلاصه دودمان خلافت و نقاوه خاندان

سلطنت صاحب قران دور زمان طلسم دهنه امن و امان مطهر تا بیذات می و قیوم مولی ملوک العرب و العجم و الروم الا و هو السلطان الاعظم ابن السلطان المعظم ابو الفتوح و المغازی السلطان الغازی احمد خان ایلله الله الملائک المنان حضرتنلرینک شرفند باب دولتاری اولمق مقدور و مپسر اولدی عهد میمنت ما نوسلرند پیرایه کتابه روزگار اولمغه شایان نیجه نیجه معالی امور و مصالح جمهور پیاپی جلوه کر مجلای ظهور و اولوب نظم سنین در انتظام هجرة نبویه بیک یوز قرق بر حدینه و اصل و عهد خلافت علیه بکرمی الی سنه یه متواصل اولدقه انقن اعمال حسن اشتمال اولان سناهد نور سیده صناعات طبع عالم مثال دن منصه ظهورده طرازنده حله وجود ایلله خرامیده اولارق عرض دبدار ایلدی پس بوفن بدیع الغور و عجیب الطور ایلله تکثیر کتب و احیای معارف و فنون و زمره طلبه علوم بویوزدن شاد و مسرور و یورلق همتنه التفات رجاسیله حالادولت علیه ابد استمرارده تشریف ساز مقام صدارت عظمای سایه انداز مسند و کالت کبری وزیر بر جیس فطنت مشیر عالی همت باب مداین الطاف و کرم داماد شهریار معظم اعنی به حضرت ابراهیم پاشایسر الله مایروم و مایشاه حضرتنلرینک پیشگاه مکارم دستکاهلربنه عرضحال اولند قد بتایج افکار اصابت شعار لری و تفاریح ارای ملکات ارالری مقترن صلاح اهل عالم و متضمن نظام احوال ام او اب بوفن مفیدک حصولنه رغبت و زمره موحدینه بو طریقیه امداد و اعانت لازمه ذمت علوه همت و مهمه اساطین دولت ابد و کی علم عالم شموللرند ظاهر اولمغه هماندم عقلاء اولی الابصار و فصلاء ذوی الافکار ایلله عجاله افداح مشاور و مدبران اصابت اپین ارکان دولت ایلله فتح باب

محاوره بیوروب بوامر ذیشانک اساس و مبناسی قواعد شرع مبین
 راسخه البنیانه تطبیق و توفیق ابله مرصوص و ماسس قانع و ای رزین
 صواب دبداری بیورملغه حالا متعهد امانت کبری فرمان فرمای مسند
 فتوای کسای مشکلات خلق عالم سنج مشایخ خیرام علامه عصر
 فرید دهر مولانا عبد الله افندی حضرت نرندن استفتا و لنوب اشرف
 مساعی و احسن صنایع اولمغه منافع عامه فی متضمن برفن مفید اولدوغین
 اشعار و قلم مجزیه حکمت امیز لر بله افتا و بیان بیورملر بله موجب
 عمل اولمق بایند جانب شهر یاری عالم پناهدن خط همایون شرف
 مقرون شرف یافته صدور میمنت و ورود بله دامن قیامت دکن عنوان
 مفاخرت و ذکر بالجمله وسیله اولمچون سرد فترما محمد نلری بیورادی
 بناء علی ذلک بو طبع مطبوع و رسم مرغوبک اغوزج و جودی و غونه
 ظهوری اولمق ایچون اقدام مبادی فنون عربیت و عنوان علوم شریعت
 اولان فن لغت ابله ابتدا مناسب کور بلوب کتب لغات میاتند صحاح
 جوهری ترجمه سی اولان وان قولی نام کتابک جودت و ندرتی و طلاب
 علومک رغبتی و تحصیلک عسرتی مقرر اولمغه طبع و رسمه مباشرت
 اولندی لکن نسخه لری کیاب و ظفر یاب اولدوغز نسخ دخی ضبط
 و خطادن خالی اولمیب خط همایون و اشارت علیه ابله نسخه مأمور
 اولان فضلانک تهذیب و تنقیه اشتغال لری اثناسند کارخانه طباعت
 عمده سی کاه بکاه خالی قالب تصبیع او قاندن تحاشی ملاحظه سیله
 مرحوم و مغفور له کاتب چلبی الملقب بحاجی خلیفه خالص النیت شاگرد
 النعمت خیر خواه دین و دولت بر ذات عالی همت اولوب بالجمله موافقانی
 تعظیم

تعظیم شان دولت اهنما میله ذبیت و زینت بولمغه تحفه الکبار فی اسفار
 البحار نام کتاب لطیفی اگر چه قلیل الاوراق جمعی صغیر لکن معنا و مفادده
 فی نظیر حقا که سالکان راه جهاد کبریا و بحرار هجر حازقی و غازیان مجاهدان
 صمیم الاجتهاد کمر همتای صادق نصایح و وصایای خلوص امیزی جهاد
 اندیشانک مابه التیمیزی بر نسخه نفیسه اولمغه تا ایف عید و تصانیف
 مفیده سندن انتخاب اولنوب لکن دخی عباراتی طبع و تمثیل و اشکال
 و صورتی تصویر و تشکیل و بعض محسنات ضعیفی ابله عاجزانه توضیح
 اولنوب ابدی خواص و عوامده تحفه سینه بر بر گزار و غنچه نوشکفته
 بهیه بر یاد کار اولمق امید بله طبعنه شروع و عنایت حق ابله ایکی نسخه
 مرغوبه دخی حسن ختامه رسیده اولمق خلا الله مالک شرقیه ده مدت
 مدیده دن برومتد اوله اموری حاوی و اول اقطار ده زمین ایراند طوایف
 اغوانیان و عجمیان و ملل سایر میاتند ظهور و حدوث ابدن و قایمی
 محتوی تاریخ سیاح در بیان ظهور اغوانیان و سبب انهدام بناء دولت
 شاهان صفویان نام کتاب عبرت و بصیرت افزایه ظفر یاب اولوب اسان
 لا پندن ترکیه تبدیل و ترجمه و بسمه خطوطیله توفیری بایند اذن
 و رخصتی متضمن فرمان عالی ارزانی بیورملغه نسخه مرقومه نلک مطبعه
 شروع اولنوب فلاله الحمد والمنه اتقانی میسر اولدی اصحاب انصافدن
 نیاز مندانه تمنی اولنور که تعبیر واداده و رسم و املا ده
 واقع اولان هفوات و عشراتی عفو و قصور
 و کسور یزی صفح جمیل ابله
 شهریور لر

صورت امر شریف
ترجمه مذکور نك نفعی عام و سبب تیقظ اولی الافهام اولمعه التشار منافع چون
بسمه خطوطیه نكثیر بنه اذن و رخصت و بر ملكه ممانعت و انیمه دیو حکم

صورت عرض حال
دولت و سعادتلو
حضرت ناری صانع اولسون
خاک پای دولت لرینه حقیرانه عرض اولنان ترجمه تاریخ سیاح در بیان
ظهور اغوانیان و انهدام بناء دولت شاهان نام بحاله نك فن بسمه ابله توفیری
و ایادی ناسه و صولی رای رزین اصف نظیر لرنده مناسب کور بلورایسه
بسمه سی بانه اذن شریف لرین متضمن امر شریف عنایت بیور لوق بانه
امر و فرمان دولة او سلطانم حضرت ناری نك دو
بنده
ابراهیم

فهرست کتاب	مقدمه در بیان ظهور دولت شاهان و مدت حکومت ایشان ۲	زبل در بیان بقیه احوال شاه عباس ثانی ۳
تفصیل احوال شاه سلیمان ۴	احوال مادر شهزاده ۶	بیان احوال میرزا عباس ۷
وفات شاه سلیمان ۵	احوال شاه حسین ۸	عدد شاهان صفویان و مدت حکومت ایشان علی و فقی تواریخ عثمانیه ۹
النکات فی زوال دولت شاهان ۹	عدد ممالک ایران ۱۰	بیان احوال اغوانیان و سبب ظهور ایشان ۱۲
بیان احوال جنگ اغوانیان ۱۳	ذکر مسالك و مسافات من شهر اصفهان الی قلعه قندهار ۱۰	اوصاف قندهار ۱۶
سبب استیلای شاهان عجمیان بقلعه قندهار ۱۶	نیمه مافی الباب ۱۷	بیان عصیان یورکی خان والی کورجستان و انهم زامش ۱۷

آمدن یورکی خان باصفهان واعتماد کردنش در پیشگاه شاه جمجاه ۱۷	آمدن باباجی از جانب پادشاه هند برای استرداد قندهار ۱۸	ندبیر کردن شاه و رجال و فرستادن یورکی خان بالشکر کوچستان ۱۸
برای استحکام قلعه قندهار و دفع مطالبه پادشاه هند ۱۸	بیان احوال میراویس ۱۹	آمدن میراویس باصفهان و احوال سائرش باشاه و رجال ۱۹
عرفحال دادن میراویس در پیشگاه شاه برای رفتن بحج شریف ۲۱	استفتاء کردن میر اویس از علماء حجاز ۲۲	عودت کردن میراویس باصفهان از طریق حج ۲۳
آمدن پیام باباجی از جانب چار مسقو باصفهان	و مشورت رجال در احوالش ۲۳	ندبیر میراویس در احوال باباجی مسقو ۲۴
عزیت کردن میراویس از شهر اصفهان بجانب قندهار ۲۶	وصول میراویس بقندهار	وندبیر کردن برای قتل پورکی خان والی قندهار ۲۶
مشورت کردن میراویس باغوانیان بعد قتل پورکی خان ۲۷	عزیت کردن میراویس برای فتح قلعه قندهار ۲۸	مشورت کردن اغوانیان بعد فتح قلعه ۲۹

مکاتبات و مراسلات عن جانب میراویس با رجال پادشاه هند ۳۰	سفر عجم در قندهار و سر عسکری خسرو خان و محاصره قندهار ۳۱	ندارک کردن میاویس برای مقبله بالشکر خسرو خان ۳۲
فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه قندهار ۳۳	و فرار کردنش و انزمام شدنش ۳۳	وفات میراویس ۳۴
جلوس میر عبد الله در تخت قندهار ۳۴	بیان احوال میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوسش در تخت قندهار ۳۵	سفر کردن عجم فی الدفعة الثانیة برای تحلیص قلعه قندهار ۳۵
سر عسکری صفی قولی خان و احوال فرزندش خان نوجوان ۳۵	انزمام عسکر عجم ۳۵	و قتل شدن سر عسکر صفی قولی خان و فرزندش نوجوان خان ۳۷
ندبیر رجال عجم برای سفر بجانب اغوانیان ۷۳	و سر عسکری لطفی علی خان و احوال جزیره بحرین ۳۷	استمداد عجم از دولت پور نقال ۳۸
آمدن میر محمود بکرمان و محاصره و تسخیر کردن کرمان و جنگ کردن ۳۸	بالشکر لطفی علی خان و انزمام میر محمود و فرارش در قندهار ۳۸	تفاق رجال عجم در حق لطفی علی خان ۳۸

بیان احوال اعتماد الدوله فتحی علی خان و زویرات رجال رد حقش ۳۹	قلع کردن دیه کاز اعتماد الدوله بنفای رجال عجم ۴۰	احضار شدن لطیفی علی خان از شیراز و حبس شدن شر در شهر اصفهان ۴۱
دیوان کردن شاه و مرافعه شدن خصم با اعتماد الدوله ۴۰	الجواب عن جانب اعتماد الدوله ۴۲	بیان کردن احوال لطیفی علی خان ۴۷
نمونه در بیان بقیه احوال لطیفی علی خان ۴۸	بیان ظهور علامات سماوی و ارضیه فی الدوله الصفویه ۴۹	عزیمت کردن میرمحمد بجانب مملکت کرمان ۴۹
عزیمت کردن میرمحمد از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان هویزه	از جانب شاه برای تجسس احوال میرمحمد و خروج لشکر عجم از شهر اصفهان ۵۰	تحریر و ندادن کردن عسکر در شهر اصفهان برای مقابله بالشکر میرمحمد ۵۱
قدوم لشکر میرمحمد در جوار اصفهان و مشاوره کردن رجال عجم ۵۰	برای مقابله بالشکر اغویان ۵۱	مقابله کردن لشکر عجم بالشکر اغوان و انهرام شدن لشکر عجم ۵۲
ضبط کردن اغویان اورد وی عجمیان بعد الغلبه ۵۳	مشورت کردن اغویان بعد الغلبه برای رجعت در کرمان ۳۵	فرستاده شدن خان هویزه برای تجسس احوال اغویان ۵۴

ارسال شدن مکاتوب از جانب خان هویزه برای مصالحه با غویان ۴۰	فراغت کردن اغویان از هوای رجعت در کرمان ۵۵	وعزیمت ایشان بشهر اصفهان ۵۵
احوال جولفه ۵۶	مباشرت اغویان بمحاصره اصفهان از جانب جولفه ۵۷	بیان احوال فرح آباد ۵۶ انهرام اغویان در هجوم بجسر شیراز ۵۸
وعزیمت کردن اغویان با امر مصالحه با عجمیان ۵۸	رسیدن پیام از جانب خان هویزه با غویان و فراغت ایشان از رغبت مصالحه ۵۹	ندار کردن ذخایر از جانب اغویان برای محاصره ۵۹
رساله شدن خان هویزه از جانب شاه برای مصالحه با غویان ۵۹	هجوم اغویان بجسر اب ساباد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر ۶۰	محاربه اهالی بن اصفهان با غویان و اخذ ذخیره از دست ایشان ۶۰
انهرام میرمحمد در جنگ اهالی قصبه بن اصفهان ۶۱	احوال آمدن عسکر عجم برای آمدن اصفهان و انهرام قرنداش علی مردان ۶۱	استمداد شاه عجم از جانب وختان خان والی کورجستان ۶۱
احوال شهزاده طهماسب ۶۲	احوال میرزا ساجان و میرزا صفی ۶۳	تأهل کردن طهماسب در شهر قزوین بخریک رجال بد نهادش ۶۳

زیر در بیان وقایع غریبه در اصفهان از شدت محاصره ۶۳	و جمع و مراجعت کردن ناس بدولت خانه ۶۴	مراجعت کردن ناس بجانب خان هویزه ۶۳
هجوم و غلو کردن ناس بسرای شاهی ۶۵	بیان احوال خادم احمد اغا ۶۵	بیان احوال قحط در شهر اصفهان ۶۶
عدد مقتولان از شمشیر و هلاک شدگان از قحط در شهر اصفهان ۶۸	تسلیم کردن شاه حسین تاج شاهی و تخت ایرانی بجانب میرمحمود ۶۹	وضبط شهر اصفهان واحوال سائر درمیان اغوان و عجم ۶۹
ضبط شهر اصفهان و ترتیب الای و رفتن میر محمود و شاه حسین ۷۱	بدولت خانه و جلوس میرمحمود در تخت شاهی ۷۱	احوال جمع و تحصیل خزینہ از جانب میر محمود ۷۳
ارسال کردن عسکر برای فتح قزوین و وقعه قزوین ۷۳	بیان قتل عظیم در اصفهان ۷۳	کفتاری پند امیر سیاح ۷۵
ترفع شدن قدر اغوان و تعیین حدود و مرائب در میان ناس ۷۶	ندارک کردن ذخایر برای اصفهان ۷۶	مشورت کردن اغوان با برای ندارک عسکر ۷۷

ندارک اغوانیان برای فتح و تسخیر بلاد در حوالی اصفهان ۷۷	فرستادن عسکر برای فتح شیراز ۷۸	سر عسکری فریدون خان از جانب طهماسب و عزیمت بایالت بریه ۷۰
اطاعت کردن اهالی ککشان ۸۲	وقعه امان الله خان ۸۲	عزیمت کردن میرمحمود برای تأدیب اهالی شهر کز ۸۳
طهور جنون میرمحمود ۸۵	قتل کردن و اسنیمال کردن میرمحمود شهرزاده کان عجم ۸۵	روایت کاذب فی سبب اسنیمال شهرزاده کان ۸۶
بیماری میرمحمود ۸۶	فرستادن سید علی خان بجانب قزوین وانهزامی اوست ۸۷	جلوس اشرف بجای محمود و قتل کردن محمدا ۸۷
اوصاف و مناقب میرمحمود ۸۸	بیان احوال برادر میرمحمود ۸۸	بیان مقدار عسکر اغوان و عدد ایشان ۸۹
احوال اشرف سلطان ۸۹	بیان فرستاده کردن میر محمود اشرف خان را یزندان ۹۰	اسمائات دادن اشرف خان با اهالی ایران ۹۱

تطیب کردن اشرف خان شاه حسین را ونسلی دادن خاطر اوست ۹۱	وارسال کردن نعشه شهرادگان بشهرقم ۹۱	تجربه کردن اشرف خان شاه حسین را درارزوی شاهی ۹۲
تکلیف کردن شاه حسین نرویحی دخترش باشرف خان ۹۳	فرستادن اباجی از جانب اشرف سلطان بجانب طهماسب ۹۳	پیمان فرستادن نامه از جانب اشرف بجانب طهماسب ۹۴
عزیمت کردن ارسلان خان از جانب طهماسب بجانب شهرقم و قدوم ۹۹	عسکر اشرف خان یقزوین و مقابله وانهزام لشکر عجم ۹۶	اهتمام کردن اشرف خان برای جمع و تحصیل خزینه ۹۶
احوال امان الله خان ۹۶	احوال میانی میرمحمود ۹۶	احوال فرنداش اشرف خان ۹۷
احوال مادر میرمحمود ۹۷	خاتمه ۹۷	

مخفی اولیه که اشبود استان ظهور اغوانیانی و انهدام بناء دولت شاهانی
 متضمن ترجمه نك اصل اصیلی اولان كتاب عبرتآب حیرت انسابك
 مسودی ملت مسیحیه دن عالم فسیحه الفضاده سیر و سیاحتی ملتزم
 و امور غریبه و وقایع بدیعه ضبط و تحریر بر ملازم ارباب سیاحتدن قابل
 سداد ملحوظ ارتسام رشاد طوبت شان هدایت نشان بر شخص سیاح
 مرجو الفلاح مأمول الصلاح اولوب فی الواقع منصفانه تحریراتی و حکیمانانه
 ادا و تعبیراتی سیاح مرقومك متجسس الامور صاحب فراست دانای قواعد
 حکمت اشناای قوانین سیاست تمیز احوال ملك و ملت اهل خبرت بر مرد
 عاقل و تجربه دقایق اموره صاحب فطنت فرد کامل ابد و کنه دلیل کافی
 اولد و غندن ناشی لسان لاتن اوزن جمع و ترتیب ابلد و کی تاریخك سباق
 و سیاقنه تعرض و مضمون عبارته زیاده و نقصان و تحویل و تغییر مراد
 اولمبوب لسان رتکیه تبدیل و ترجمه ده و معنایی ادا و تعبیرده عین
 مقصوده موافقت بولمق اوزن صرف مکنت عاجزانه قلنشد در فالله
 التوفیق للصواب والیه المرجع والمآب ترجمه الحقیق و الفقیه

ابراهیم من متفرق کان

درگاه عالی

بسم الله الرحمن الرحيم و بسمه تعالی

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی جمیع الانبیاء والمرسلین اما بعد
 بو عبد عاجز و فقیر حقینا چیزه و اقل رها پندن سیاحان سیهار مسکن
 شعار طریق یزیدیه سیه و سلوکیله تحصیل مال و منال سودا سندن فارغ
 البال و ماسوای جناب خالق الموجودات کف عنان امال اجتهاد
 کند و مه نسبت حسب حال و بوندن اوز که مسند و معال اولمد و کی
 خارج دایره قیل و قال ابد و کن یقینا بلوب بو عالم کون و فساد فسیحه
 انقضاده بیانی تک و تاز ابله دار و دیاری شماری سیه و تماشاهو اسی لاجرم
 ارتکاب تعب طریق سیاحت و تحمل بار کیران مسافرند و اگر چه تجربه
 امور سودا سی لابد هواد روز کار ناهموار ابله منکسر خاطر و فی الیال
 و النهار ظهور و قایع مختلفه الاطوار ابله دل و درون کدر الود اولمقدن
 صبارند و انجق یوما فیوما بلکه انا فانا مشاهد آثار قدرت نامتناهی
 و مطالعة آیات باهرات جناب خدای ذوالجلالی ذوق روحانی و موجب
 نشاط و انبساط درونی ابد و کی دخی ولی الابصار ذوی الاعتبار قمتد خفی
 و پوشیده دکلدر بنابرین بوبنده کترین دستمایه شوق رؤیت عجایب
 و تازیانه از روی تجربه غرایبات سوق دلفریبی تقریبیله لازمه ذمت
 طریق اولان سیه و سیاحت سمته عطف عنان عزیت و اقطار غریبه دن
 بلاد و امصار شرقیه جانبایرینه اماله زمام عاجزانه همت برله بعد مدت
 دار ملک زمین ایران کرسی ممالک شاهان افتخار صفویان شهر شهر

اصفهان

اصفهان و وصول بو اوب بو خطه جلیله حکمت علمیه ربانیه مقتضا سنجه
 حقیر بر مدت جای قرار و باشخوری پاپند سمند اختیار اولمعه ایام مکث
 و اقامت و هنگام ارام و راحت و انتساب لسان تقریبیله گاه سرگذشت
 عجمانی منضم کتب معتبره توار یخلر بنی تتبع برله صرف اوقات گاه ارباب
 دانش ابله صحبت و اختلاطی التزام و گاه ظهور و حدوث ابدن و قایع
 غریبه و دواهی عظیمه و شذر و منذر اقوام متنوعه و هرج و مرج طوایف
 مختلفه عجمیان و اغوائیان ابله سرکردان وادی حیرت اولوب بالجهار ره ی
 زمینده ممکن اجناس ناسه دوام و قیام دولت اسبابی ادر اکره برابینه مجلا
 و طوایف مختلفه و ملل متفرقه عالم اولی الابصارینه باعث انهدام بنیان
 دولت اولان احوال و اطواری ذعانده برمرآت عبرت فاه ذوی الافکار اولان
 مدققین و محققینه بصیرت افزا و لائق ملاحظه سیهار روز بروز بالمشاهده
 اطلاع و بالمعاينه علم و وقوف تحصیل ابلدیغ امور جمع ابد و بر عجاله
 یازدم و نفی عام اولمق ایچون ادای مقصودده السنه حکمادن اولان
 لسان لایق اختیار ایتدم مقدمه در بیان ظهور دولت شاهان مدت
 حکومت ایشان منظومه سلاک سفین هجرته منسلک تاریخ و قتا که طقوف
 یوزالتنجی سنه یه بالغ اولوب نظم پراته نظام سلاطین محبت آثار عثمانیه
 نوبت خلافت سلطان سیم خان علیه الرحمة و الغفران حضرت ناریک
 پد اماتلرینه مفوض اولوب قلم و حکم عرب و عجم و روم اولمق تقدیر
 لم یزل اشکار اولمش ابدی عهد سلطنت سعادت قرانلرند ممالک شرقیه دن
 خطه ازربایچانده بانی بناء دولت شاهان و مؤسس اساس جمهور خانه دان
 عجمیان اولان شاه اسماعیل اردبیلی بن شیخ حیدر بن شیخ جنید بن شیخ ابراهیم

بن شیخ علی بن شیخ موسی بن صفی الدین الحق ظهور ابدوب دول سابقه دن
دوات فارسیه تعبیر ابله شهرت زده اتفاق عالم اولان دولت قدیمه یی
زعیمه احباسوداسیله واول دولت رجالندن تعداد اولتیق هواسیله
مسند نشینی داراوجم ادعاسنی کند ویه حسب حال قلوب باعث حدوث
دولت صفویه اولدی سلطان سلیم خان ابله واقع معارکدیه کابجه کوکی
اقباله کورینوب بعد الانهزام بجئی برگشته وچوق زمان مرور ایتیموب
کندوسی دخی گرفتار بجه شیراجل و تاج و تختی ترک ابدوب یرینه اوغلی
طهماسب شاه اولدی اندن صکره نك اوغلی اسماعیل بعد خدایند بعد
عباس بعد صفی بعد دیکر عباس شاه اولد بیلر واشمو عباس اول بیوک
عباس دیکله شهرت بولوب تاریخ هجرتك طقوز یوز طقسان دورت
سنه سنه تخت شاهی یه جلوس و قرق بش سنه مدت شاه اولمشدر
ومالك عجمه بجه ولايتلر ضم والحاق ابله دولت صفویه یه استحکام
ویرمشدر بيك اوتوز دورته قندهاں سفر ابدوب اول اولکده یی هند
پادشاهی النذن الوب دولتنه ضمیمه قاشدر بيك قرق بر ربيع الاخر نه
فرح آباد نام محله وفات ابدوب یرینه بنیره سی شاه صفی اون سکر یاشنده
ایکین شاه اولوب اون دورت سنه مدت شاه اولمشدر بيك الی بر تاریخند
ینه عجم دولتنه نوعا ضعف طاری اولغله هند پادشاهی عسکر کوندر وب
قندهاں قلعه سی واولکده سی عجم استیلا سندن تخلیص وفتح و تسخیر
ابدوب دولتی ضمایندن قاشدر تاریخ مز بورده سلطان مراد خان
بغدادی فتح و تسخیر ابدوب ممالك عثمانیه یه الحاق شاه صفی ایسه جانبینه
حواب و مقابله دن عجز بنی ادراك ابدوب دولت علیه ابله مصالحه یی ترجیح

ورای

۳ ورای صواب کوروب بوجا بندن مامون الغالبه اولد و غی برله قلعه
قندهاں یی هند بیلر النذن فتح و تسخیر سوداسیله الی بش تاریخند ماه
شعبانك التجی کوننده اصفهان دن حرکت و اول جانبه عطف عنان عزیمت
قلوب قسطنطنیه نام شهره واصل اولد قده اجل ایریشوب راه قندهاں دن
فارغ و شهر رمضانك اون ایکنجی کونی طریق اخر ته رو براه اولمشدر و کوچك
شاه عباس نام اوغلی اون ایکی یاشنده ایکین یرینه تخت شاهی یه صعود
ابدوب شاهلقد بر مدت استقرار و دولتنه نظام و یروب استحکام بولر قده
قندهاں تسخیری اهتمامنه دوشوب بيك الشمس تاریخند مهمات کثیره
و عسکر و افره ابله اول جانبه عزیمت و جوار قندهاں وصول بولر قده
هند پادشاهی طرفندن عسکر کثیر ابله مامور اولان پادشاه زاده
حروب شدیده و قتال عظیمه دن صکره عاقبت مغلوب اولوب منهزما
فرار و طوایف اغوانك هند بیلر عصیان و عجزله امداد و اعانتلری
نقر بیله قندهاں قلعه سی واولکده سی ینه عجم شاهلری نك دست
استیلا سنه گرفتار اولدی زیل در بیان بقیه احوال شاه عباس ثانی
مقدمه اهند عسکری قندهاں اولکده سی عجم النذن قلع و نزع ایلدکاری
اشاده خراسان اقلیمه دخی دست درازلق ابدوب ضبط و تسخیر ایلر یله
خراسان ملکی اول وقعه ده فرار و بر جانبه چکیلوب اختفا پاش ابدی
بود فعه عجملر هند بیلر غالب کلوب قندهاں اولکده سی ضرب است ابله
اخذ و ضبط ایلدکاری بی ملک مرقوم تحقیق ایلد و کی برله هند بیلر النذن
ملکی تخلیص هواسی و اخذ انتقام سوداسی جای گیر ضمیری اولغله شاه
عباسه ایچی کوندر وب و عبودیت نامه یازوب ضمونه ملاطفه یوللو

کنايات تحریر و بوی مخلصه کز ابا عن جد بالارث و لاستحقاق اقلیم خراسان
مالکی اولوب خانه دان صفویه جانبینه برد و رلوسوه قصد یز سبقت ایتیش
دکل ایکن جانب شرقیدن سواد الوجه به سیمع ظهور و طرفلر بکزه
اولان مضرت قناعت ایتیموب سزک تقریبکرا بله ملک موروثی بدیدن
نزع و تحت و تاجی غصب و ر بوده قلق سزک علوشانکزه عالمه عالی نامکن
و طرفلر ذن حقوق جوان هر حاله حرکت و رعایت سسی و اهتنامز و ارا بکن
شایسته میدرد و بوی کونه عبارات و کنايات تحریری رله ملک مرقوم
مشاهدن استمداد ایلدی و من بعد دخی شاهک خلوص و صداقتند
نابت قدم و خیر اندیشلقه راسخ الدم اولمق اوزن تعهدلر ایلدی بنه
علی هذا اسم عباس فرصتی غنیمت عدا بدوب کرکی کی ندارد ابله خراسانه
سفر و اقلیم مرقومی هند بلر لندن الوب نمالکته ضم و الحاق و ملک خراسان
ابله شروط و قیودی متضمن عهد و میثاق عقد ابدوب ملک مزبوری
حکومتند ابقا و تقریر و نسلی منقرض اولنجیه دکن حکومت خراسان
کند و رنده قالوب عجم شاهلری طرفلر ندن تعرض اولنماق اوزن منشورلر
یا ز بلوب ویرلدی و بعد الانقرض عجم شاهلری طرفلر ندن کیف ماشا و
اقلیم مرقومه حاکم نصب و تعیین اولنه دیو عهد نامه لر الوب ویرلدی
شاه مرقوم دخی بکرمی بش سنه مقداری مدت تحت شاهیده کامران
اولوب خرم آباد نام محله وفات و تحت و تاجی غیری به سپارش قلدی
فعلی هذه بیک بئش طقوز تار یخنده ماه محرمک بکرمی بشی کوننده ابکنی
میرزا صفی تخت شاهیه جلوس ابدوب فرمان فرمای ملک زمین ایران
اولدی شاه مرقوم ایسه انهای حکومتند بر مهیب و هولناک رویا کور و

خوف

خوف و تشویشه دوشدی و تبدیل نام ابله تغییر قضای ازل نمکند
ملاحظه سیه صغی نسیمه اول نورابکن اسمی سلیمان اسمنه تغییر ابدوب
من بعد شاه سلیمان نسیمه اول نوردی و کورد وکی هولناک رؤیانک اثری
اگرچه کند و عهد نه ظهور ایتدی لکن فرزندی شاه حسینک شاهانی
زمانه بالمعاینه وجوده کلدی تفصیل احوال شاه سلیمان شاه
مرقومک برسلطاندن اوج فرزندی وجوده کلوب سنا صغری شاه
حسین ابدی و شاه سلیمان مرقوم بدجبلت و مذموم الاخلاق عجول
و غضوب بنی رحمونی شفقت غایت ابله خودبین و خشین بر مرد ناقص
اولوب برکون فرزند امجدینک مرضیسی اولیان بعض نا هموار حرکتی
مسموعی اولدوغی برله نارغصبی اشتعال بو اوب نه شفق پدران طبعنه
ذن د کلو هیجان و نه مشفعین رجا و نیاز لری درونده ا بکیرامکان اولوب
درد مندی ادا نجرم ابله قتل ایتدردی دیگر فرزندی پدری شاهک
بو گونه تحور بنی و غضب الود حالتی کوروب کند و یه خوف و هراس عارض
و وهم تشویشه تابع اولوب پیشگاه شاهیدن نفرت و ابا و نچه زمان پدری
حضورینه و ارمیوب عزات نشین زاویه تجرد اولمش ایکن شاه سلیمان
عاقبت فرزند امجدینی بی جرم قتل ابلد و کنه نوعاندامت و تاسف ال
و یروب اور تانجه او غلونی کورمک ار زو سیه حضورینه دعوت ایچون
امر کوندردی لکن شهزاده نوجوان برادری مقتولک احوالده پریشان
الخطر اولوب وهم و خوف کند و یه غالب وادی حیرنده عاجز و درمانده
بیم جان عزیز ابله السعید من اعط بغیره کلامی مضمون فکر ابدوب بر او گردن
شاهک پیشگاهنه وارمدن تحاشی و اجتناب ابدرک پدرینی برادر مقتولنک

حالتند اندامته القا و کندی حقنه مروت و شفقت پدرانه همچنانکه تحریک
و ترغیب و بوباید ارشاد و الزام اسمانی ندارد که اشتعالند ایکن بونپتنه
تمشیت بولد و مقامید بله بر کون پدری شاهک خاص یا یغجه سنه دخول
والنه تبرالوب انظار شاهانه و تریسه ملوکانه لر بله پرورش یافته اشجار
بالا بلند و مثمره دن بر نهال سر و قدی اظهار تهور یله صورتا قطع ابلک
مباشرتن کوستردی شهزاده درد منک مقصودی شاهی ارشاد و الزامه
محصور ایکن عکس قضیه ظهور ایدوب شاه خشین و خود بین و غایت
ایله کند طبیعت اولغله شهزاده نظریفک تراکت امیز شفقت انکیز
حرکتی فهم و ادراک ایله مقید اولیوب انحق تهورانه وضع و حرکتی
اندیشه سنه دوشوب احوال سایره بی صرف ذهن ایتمیوب شاه بی
مروتک تنور غضبی بونک دخی حقنه پر نار و قتل و اسنیمصا ان حکم و
قوریجی باشی سنی چاغر دوب بلا امان قتل ابلک اوزن امر و تنبیه ایلدی
قوریجی باشی مرقوم عاقل و دانا صا حب رای و ند بیر وار باب شفقت
و مرحمتدن بر مرد کامل اولوب ولی نعمتی بولنان شاه سلیمانک جکر گوشه سی
و فرزند معصومینک قتلنه صادر اولان امر و عزیت ناشایسته سی طور
طبایع ادمیان دایره سندن دور اولوب با خصوص بوبله بر معصومک
خون ناحق کندی دست مباشرتیه افشان اولغی زیاده کریه کوروب
بووادی عزیت حیرت اشماله بر زمان مختیر و سرگردان اولدی و بذل
مقدور بله بوباید شاهک نار غضبی تسکین و نایره سوء قصدی اطفا
و سکونت بولغی اسمانی ندارد کندی شمیر ساق همام ایدوب پیشگاه شادی
مروند بوبونه کلام مصلحت امیزه آغاز ایلدی نیم مروندلو شاه ولی نعمتم

مرحمت

مرحمت شعار افتدم سلطانم حضرتلری بوعبد احقر صداقت پرور
کترین قوللری عنایت کوستر شاه مروندلو افندیک محض عنایت
واحسانلرندن مالک اولوب قوشاندیغ شمشر تیزم مجرد شاهیک
دوشمنلری اولانلرک خونین ریزان و افشان و اعدای دولتندن اخذ
لتقام بله دنیاده برنام و نشان قومق ایچوندروالان و نعمتیه پرورده
و انظار علیه شاهانه لر بله پرورش یافته اولدوغ خاندان عظیم الشانه
بوگونه خیانت و ولی نعمت افندیک نور دیده لری اولان فرزندانی
کناهلرک ناحق ره سفک دمالینه مباشرت و بوطر یقیله الیوم القیام
هدف لغت خواص و عوام اولغله العیاذ بالله تعالی وسیله اولغ ایچون
دکدر بوامر منکره تصدی قولکره کون حیزامکان اولیوب شاهیک
فرزندانی کنایه نیم کی نجه لرک قتلی اولی و بکانسبت اسهل و اهوندرو
بلکه شاهیدن بکا لطف و احساند رزیرا بوندن اقدام فرزند امجد بکری
قتله امر و جواز بیوردیغ فکراننده بو خصوص میان خلقده عظیم کفت
و کو اولوب قلوب ناسه نوعا برودت ایراث و بالجه قوللر بکرک جناب
شاهیلرینه اولان میل محبتلرینه فتور کتوروب بارگاه دولت پناه کردن
نجه لرینک نفرت و وحشتلرینه سبب اولمش ابدی دیوب مرقوم
قوریجی باشی هجه مشروح اوزن حضور شاهیده گاه واقع حالی عرض
و اعلام و گاه دروغ پر فروغ و ضرور مصلحت امیزلر ایراد و حسن تعبیر ایله
کلامین تربین و پند و نصیحت یوللو تضرع و نیاز طریقلرینه سلوکیله
هاقبت الامر شاه بی مروت و پشیمانی و ندامت الی و یروب فرزندانی قتل
ایتدر مک نیت قبیحه دن و بوامر ناشایسته یه عزیتدن فراغت یوزین

کوستر مغله قوریچی باشی یه انجامنده خطاب ایدوب دبد بکه ناره غصم
اطفا و سکونت بولدی و بو خصوصه بکندامت ال ویردی بنی ایقاط
ایلد بکک خدمت مبرون ک و و بالدن صقند یغک غیرت و حیت و افره
و خلوص و صداقت اوزن خاندانزه اولان خیر اندیشلغک ظاهر
واشکار اولوب عند یزده مقبول و پسندیده اولدی امثال و اقرا نیک پند
باعث امتیاز برسی جمیلده بولنوب اثارن مشاهده ایدرسن انجق بونیت
و عزیت ناشایسته مزو بو خطا لود حرکتمن بعد اپکیز پند ستر و کتم
اولنوب بوسرخنی و مکتوم اوله و افراد افریدن دن بفر دبو حاله واقف
اولموب بوماده نسیانسیا فراموش اولنوب زینهار و زینهار فرزندم
دخی ماجرادن برنقر بیله خبر و اگاه اولیه دیوشاه مرقوم قوریچی
باشی یه محکم تنبیه و تائید ایلدی قوریچی باشی دخی شاهک صداقتکار
بنده سی و دولت صفویه نک رفعت خواهی اولمق فکر و ملاحظه سیله
اگرچه بوسرورازی دیکرانه کشف ایتدی و لکن حسن تدبیر و رای
رژین اولمق اعتقاد بیه شاه زاده بی دوستانه ایقاط و من بعد رضای
شاهی یه موافق حرکت بولمق و هر حاله امرینه رام و شاهک منفوری
اولان وضع و حرکت متصدی اولماق تنبیهی متضمن پند و نصیحتلر
ایله طرح و تسویه قلدیغی بناء تدبیرینه استحکام و یروب غفلت ایله
بر مخالف شی ظهور ایلماک ایچون شاه زاده بی ماجرادن خبر و اگاه
قلبی امر صواب مد ایلوب محرم اسرار قلدی پس کل ماجاوز الاثنین
شاع کلامی مفهومندن تغافلدن غیری سوء تدبیره سالک و ناقصه العقل
نسوان طایفه سنه حقه سرمکتومی و دیعه قلمق رای ناصوابه متصدی

اولوب اول امرده شاه زاده نک والد سنه خفیه خبر کوندروب واقع
حالی بلدردی و اوغلی شهزاده یه شفقت مادرانه مقتضاسیجه پند و نصیحت
ایدوب من بعد عاقلانه وضع و حرکت حکیمانه و ادبانه شاهک درگاهنه
ملازمتده قصور ایلماک اوزن توصیه و تربیه و بوسر مکتومدن بفردی
اگاه قلماق اوزن تائید و اکید تنبیه و سپارشلر ایلدی احوال مادر
شهزاده چون شهزاده مادری ماجرادن اگاه اولدی دروخته خوف
و هراس مستولی و فکر و اندیشه کندویه غلبه ایدوب واقع حالی اگرچه
خفی و مکتوم اولمق اوزن شهزاده یه اعلام و افاده ایلدی و شفقت
مقتضاسیجه تربیه و توصیه ده دقیقه فوت ایتدی لکن نسوانه مقدور
نقصان عقل و رای و تدبیرده عجز و فتور خلق و رویت و تشبیه
امورده قصور حبلی حسبیله بوامر مو حشک فکر و اندیشه سیله غم
و کدر و الم کون بکون افزایش بولدی و من بعد غضب شاهیدن امنیت
اعتقادی با لکلیه فاسد اولدی تا که برکون فرزند ی شهزاده ایله نهانی
کورشد که طبعنده شفقت مادرانه بالضرور هیجان ایتیکله اوغلونه
بو گونه پند و نصیحت ایلدی که نیم نورد بدم او غم قنداشک بی چاره دن
نه منند جرم صادر اولمش ایدی که پدیری بی مروت اول مظلومی قتل
ایتدردی مادامکه شاه بکو نه غضب و ظلم و غدر بیه الوده طبیعت
وارد و مزاجنه افراط تهوور غالبدر ادنا بهانه ایله سنی دخی قتل ایلک
امر مقرر در انک ندامت بی ثباته اعتماد و بشیانی سریع الزوالنه طبعق
و مروت و شفقت پدرانه سنه اینانق محضی حماقتدر شمشیر خونریزندن
رها بولمده اوز که طریق بودر که تغییر نام و تبدیل جامه قلوب لیس

درویشان کیره سن وعزم سیاحت ابدوب بودیاردن نابود وناپیدا
اوله سن وکوزک کوردوکی یره کیدوب بر زمان کم نام اوله سن جلادی امان
شمشیرتیزینه طعمه اولدن شاید کدبو طریقیله رها بولمقد بزل مقدور
ایله سن دید که شهزاده نورسید جوانک در بند مادر مشفقنک بند
و نصیحتی جا بکیر اولوب سوز بله عامل اولغه قایل و بوجه اوزن
اسباب نجاته تشبیه ما بل اولوب هماندم کسوه درویشان رغبت
وصوب مقصوده عزیت برله مادر مشفقه سیله و داع و سرای شاهی
اولان دولت خانه دن بر تقریب غریب ابله چقوب هی و ذی درویشان
و تبدیل نام و شانیه اول دیاردن نابود وناپیدا اولدی بر قاج ایام مرورنده
شاه سلیمان شهزاده نک احوال ملامت مورثه واقف اولیحق اطراف
واکنافه ادمار تعیین ورتقلار ارسال ابدوب شهزاده نک بولنوب اله
کتور لمسنه هر جانبه نک و عظیم نقید و اهنام قلدر و هر چند که بویا بده
جستجو ایدوب سعی و کوشش قلدر شهرزاده نک نام و نشاندن اربولوبوب
مایوس و نا امید اولد بلر شاه سلیمانک دخ سینه پر کینده فرزندی غم
و عاری و بوقضیه نک حجاب ناری یوما فیوما از یاد بولدی چون
شهزاده نک حقنه صدور و ورود بولان سوء قصد بی وقتل و ازاله ستمه
ذاهب اولدوکی عزیت ناهموارینی بر فرد بلیوب بو خصمه واقف
قلدیغی محرم اسراری انجیق قوریجی باشی ابدی واقعه باعث و بادی
اولدر دیوب قتلنه فرمان ابدوب بار سردن دور و اس مقطوعی سرای
میدانده غلطان قلدر قوریجی باشینک قتلی ماده سی میان ناسده
گفت وکوا اولوب عاقبت شهزاده فرارینک مادری اولان سلطانی

دخی مسیوحی اولیحقنی جان بیوهم ووسوسه غالب و فرزند ی شهزاده نک
غیبتنده مدخلی ابد وکنه شاه واقف اولمش فکر واندیشه سیله اسکجه
شاهدن خلاص بولمق ملا حظه سیله اول دخ کندوی تلف
ایلك اسبابنه مباشرت ایلدی عاقبت بوقصد بله بر کون بالای بام سرای
چقوب کندوسن زمینه انداخته قلوب خرد خاش اولدی بو خبر
موحش ندامت انکیز دخ شاه سلیمانک کوشنه لاحق اولیحق الم و کدری
صد درجه از دیاد بولوب دل مجروحنه حزن داغ اوزن داغ اولدی
سلطانیه علاقه دار بولمغله بو طریقیله تلفنه غایت متکدر اولدی
واگرچه ماسبقه اشدندامت ابله نادم و پشیمان اولدی لکن کوفت کوی
خلقه و شماتت ناسه کوچیله مقبل اولدی منوال محرر اوزن شاه سلیمان
ایکی نفر فرزندی دیدارندن محروم اولیحق میل و محبت پدرانه بالضرور
طبعنه حرکت و قلب بی رحمیه شفقت و مرحمت بر مقدار ر میله اولوب
میل و مودتی او چنجی فرزندی میرزا حسینیه عطف و اماله برله علاقه
ایلدی میرزای مرقومک بیوک والده سی هنوز سرای شاهیده مقیمه
بولمغله شاه جانیندن مرقومه یه رعایت و التفات ابله نوازش خاطر
قلنوب میرزا حسینیه یاتده موجود بولنوب والده سی مقامنده
مشفقانه تربیه و مادرانه نظارت سپارش اولندی و معلم تعیین اولنوب
تحصیل علوم و فنون و معارف اسبابی اهنمانده دقیقه فوت اولندی
میرزا مرقوم دخ اگرچه نظرد خور و حقیر و قصیر القامه قدملری
دخی بیتاق ابدی لکن عقل و زکاده و فهم و فراست عاقل اهل اولوب
صاحب استعداد اولمغله پدری شاه سلیمانک مرقومک حقنه میل

و محبتی یوما فیوما ترقی بولدی و حضور شاهای به مداومتدن منفک
 اولیوب شاهک رضاسنه موافق وضع و حرکتی سعی و کوشش ابله
 شاهک درون جذب و تحصیل علوم و معارفه سعی یلیغ ایدوب بدو
 و مادرینک حسن نظر لری و شاهانه تربیه و پرورشلرینه اهل و مستعد
 او اوب همتلر ابله مدت قلیله ده صاحب کمال اولدی حضور شاهید
 حرکات و سکناتی پسندیده اولدوغندن غیری رجال دولتی قاتند دخی
 مقبول و مرغوب جمله نک قلوبن صید و شکار ایش ایدی حتی بدرینک
 حال حیاتند ولی عهد تعیین اولتی اتفاقی گفت و گو او ایش ایدی بیان
 احوال میرزا عباس شاه سلیمانک دیگر سلطانندن میرزا عباس نامند
 بر فرزند دخی اولوب لکن میرزا مرقوم پدری کی کند طبیعت و خشین
 او اوب تحصیل علوم و معارفه نامستعد لکن فارس و جنگ اور و ذاتند
 بهادر جسور و دلاور و آلات حرب استعمالی فتنه ماهر اولوب اکثری
 اوقاتن سلحشور لاق و تیر و توفنک انداز لغه صرف ایدوب بوفند
 فرید و بیکانه لکن علم و معرفتند بی بهره جاهل و نادان قالمش ایدی وفات
 شاه سلیمان بر مدت سلطنتدن صکره شاه سلیمان علیل المزاج و صاحب
 فراش اولوب بالین موده باش قودی حیاتند نا امید اولیحق رجال
 دولتی حضورینه دعوت و جمع ایدوب پند و نصیح یوللو وصیتلر ایلدی
 میرزا احسینک علم و حلمی و معارف و فنونده فضل و کالینی تفصیل و بیان
 و میرزا عباسک جهل و نادانلغنی و حروب و قتاله میل و استعدادینی
 تعریف و عیان و شرح و بیان ایلد کده تخت و تاج شاهای بی میرزا احسین
 و دیعه و وصیت قلدی و بو حال اوزنه وفات ایدوب داراخرته کیتدی

فی الحال میرزا احسینک بیوک والده سی قیزلر اغاسیله اتفاق اوزن سرکاران
 دولت اولان رجاله مراجعت و متوفی شاهک وصیتی اوزن میرزا احسینک
 تخت شاهای به جلوسنه اقدام و کین منصوبند ابقا و استقرار کین ترفیع
 قدر و منزلت برله کامیاب کینه بر مبلغ نقد و ویرملک و عده سیله ترغیب
 و تحریص قلوب میرزا عباس تحت شاهای به قائم اولتی تقدیرند غضوب
 و خشین و خود رأی اولدوغنه نچکزی حقارت ابله قتل و منصوب و مال
 و منالندن دور ایدو چکی بدیهی اولدوغندن غیری باب جنگ و قتالی
 فتح ایدوب آرامش دولت الدن کیدوب بالجله راحت و آرامکز مشقته
 مبدل اولور دیو میرزا عباسه میل و رغبتدن جمله بی تنفیر ایتد یلر
 و فی الواقع رجال عجم دخی فریضه جهادی رقبه لرندن اسقاط ایدوب
 حضور و راحت حضری تعب و مشقت سفره ترجیح برله تن پرورلر
 و ذوق و صفا پرستلر اولوب کمال خواهش ابله میرزا احسیننه میل و رغبت
 و هماندم تخت شاهای به اجلاس ایتدوب میرزا عباسی حبس ایلد یلر
 احوال شاه حسین چون شاه حسین ذاتند معتدل حلیم و کریم و عالم
 و فاضل کسند ایدی تحت شاهای ده استقرار بولد کده بر نجه مدت صلاح
 و تقوا طر بقدرینه سلوکیله زهد و اهتمام و منهیاندن ادنا بر فعلی مرتکب
 او ایش دکل ایدی لکن تقدیر ازل برله نجه زماندن بومزاج دولت صفویان
 معلول و بناء نظام اتفاق و اتحاد جمهور لری شقاق و نفاقه مبدل و خرابه
 یوز طو توپ انهدامه مشرف اولمش ایدی الناس علی دین ملوککم
 مغهومی امکان پذیر ظهور اولیوب مجرد شاهک صلاح حالی و اعتدال
 و تقوایه سلوکی بیماری فساد طبایع ناسه درمان کافی و اصلاح

مزاج دوات بیمار لرینه علاج وافق اوله میوب بالاخره شاه حسینی دخی
تقوا طریقتدن فراغت و خلقنه اقتدا و موافقت برله مجبور قلد پلر
لللا صه نتیجه حالاری برقیافته کیردی که شاه و رجال عوام و خواص
خواب غفلت ابله و عیش و عشرته متغیله برکونه مستغرق اولد پلر که
بالجمله وقایع لیل و نهار دن بی خبر لر اولوب امور دولتری و مصالح
جمهور لری رؤیت و تشبته مقید و ملتفت بر کلامی نافذ صاحب
بصیرت کسینه لری قالمیوب شاه دخی خواب غفلتدن ایضا قاده
برخیر اندیشلری بولندی مسود تاریخ اولان سیاح مرجو الفلاح
عجم تاریخ لرندن اولق اوزن شاهان صفویانک عددلری و مدت دولتری
ضبطندک نقل و روایت ایلدیغی صورت بودر که تحریر اولندی مترجم تاریخ
بو حقیر بر تقصیر دخی عاجزانه ظفر یاب اولد و غم کتب توارخ عثمانیه ده
ضبط اولندیغی اوزن شاهان صفویان احوالی علی الترتیب جمع و درج
و خلاصه ایدوب شاهان صفویانک ظهور لری تاریخی و عدد و ترتیب لری
و هر برینک تارخ و لادتی و تاریخ جلوسی و مدت دولتی و عزل و وفاتی
تاریخی ضبط اولنوب بوجمله ثبت و قید اولندی و مسود تاریخ اولان
سیاح مرجو الفلاح شاهلرک حقندک نقل و روایت ایلد و کی
احوال کتب توارخ عثمانیه ده ضبط و تحریر اولندیغنه چندان مخالف
اولمیوب روایتین بیننده انجق بر قاج سینه تفاوت اقتضا ایدر غالباً بو
اختلاف دخی کتب تاریخ نسخه لری ایادی نسا خدن ضبط و خطا
اوزن تحریر اولندیغندن ناشی واقع اولمشدر پس کتب معتبره
توارخ عثمانیه ترنپ شاهان بو منوال اوزن ضبط اولمشدو

اول شاهان صفویان شاه اسماعیل بن شیخ حیدر طقوز یوزانی تاریخند
اون دورت یاشنده ایکن خروج ایدوب و شاه عنایتی طاقنوب بکرمی دورت
سنه حکومتد صکره اوتوز سکر یاشنده وفات ایتشد رانی شاهان صفویان
شاه طهماسب بن شاه اسماعیل طقوز بوز اوتوز تاریخند اون بچق یاشنده
ایکن تخت شاهی به جلوس واللی دورت سنه سلطنت ایدوب التمش
اوج بچق یاشنده پسر کهتری حیدر میرزا و مادری مهابشر تیله نسیم اولنوب
هلاک اولمشدر مراد خان ثالث عهدنده تهنیه سلطنت ایچون اشبو شاه
طهما سب طرفندن نامه وهدایا ابله حاکم روان و نجوان طوقاق خان
ایلیچی کوندربلوب طقوز یوز تمش دورت سنه سی اوایلند محرز شرف
تقبیل رکاب افتاب تاب اولمشدر ثالث شاهان شاه اسماعیل ثانی طهما سب
طقوز یوز سکسن دورت تاریخند اوتوز سکر یاشنده ایکن تخت شاهی به
جلوس و برسنه و بدی ای شاهلق ایدوب اوتوز طقوز سنه بکی ای عمر دن
صکره وفات ایتشد رابع شاهان صفویان سلطان محمد خداینده طقوز
بوز سکسن بش تاریخند تخت شاهی به جلوس واون سنه سلطنتدن
صکره عزل اولمشدر خامس شاهان صفویان شاه عباس اول بن
خداینده طقوز یوز طقسان بش تاریخند اون سکر یاشنده ایکن باباسی
یرینه تخت شاهی به جلوس و قرق ابکی سنه سلطنتدن صکره التمش
یاشنده وفات ایتشد رسادس شاهان شاه صفی بن صفی میرزا ابن شاه
عباس بیگ اوتوز سکر تاریخند اون سکر یاشنده ایکن تخت شاهی به
جلوس واون دورت سنه سلطنتدن صکره اوتوز ابکی یاشنده وفات
ایتشد ر سابع شاهان شاه عباس ثانی ابن شاه صفی بیگ اللی ابکی تاریخند

اون ایکی یاشنده ایکن تختہ جلوس و بکرمی بش سنہ سلطنت ابدوب
اونوز بدی یاشنده وفات ایتشدور نامن شاهان شاه سلیمان که مقدما
صفی نسیمیه اولنوردی ابن عباس ثانی بیگ یتیمش بدی تاریخند بکرمی
یاشنده ایکن تخت شاهی به جلوس و بکرمی سکر سنہ سلطنت ابدوب
قرق سکر یاشنده وفات ایتشدور تاسع شاهان و اخرا ایشان شاه حسین
بن شاه سلیمان بیگ یوز اوج تاریخند بکرمی بش یاشنده ایکن تخت
شاهی به جلوس و بکرمی طقوز سنہ سلطنتدن صکره تخت و تاج ایرانی
میر محوده تسلیم ایلدی فعلی هذا اول شاهان صفویان اولوب بانی بناء
دولت روافض اولان شاه اسماعیلک ظهورندن آخر شاهان اولان
شاه حسین تخت و تاج ایرانی سرده ارغوانیان اولان میر محوده تسلیم
ایندجه طقوز نفر شاهلرک مدت دولتلری کتب تواریخند ضبط اولندوخی
اوزنه ایکیوز بکرمی سکر سنہ مقداری زمان اولمش اولور انکات فی زوال
دولت شاهان اگرچه بوعالم کون و فسادده سابقده ولا حقده ظهور
کلان دولتلرک طلوعی وزوالی و اعمارنک مدت امتدادی و انطوا سی
و ظهور وزوالده تقدیم و تاخیری همان افرادینی ادمک ولادت و مماتنه
وسنین عمرینک وفرت و قلمتنه مشایه جناب خدای متعالک ارادت
علیه و تقدیر ازایه سنہ منوط درو بومد عامعرفت الله برله بهره یاب بالجمله
ملل متنوعه وادیان مختلفه عالم اربابنده مقبول و مسلدر انحق عقد
وحل امور جمهورده قصور و فتن و رتق مهام دولته فتور و رای و ندبیر
مصالح ناسده اہمال و نھاون و کسور مقوله سی نقایص ظهور قضا و قدن
بادی و باعث اولمق اعتقاد ببله دولت صفویه نیک رتبه انقراضده ادبارینه

احباب

۱۰ احباب دقت و ارباب فر است ظاہر او معتابو کونه اسباب و علل ایراد و بیان
ایلمشدر اولاخنی اولیمه که دولت صفویہ تعبیر اولنور جمهور عجمک
بانی بناء دولتلری اولان شاه اسماعیلدن شاه حسینہ کلنجہ مدت مابینده
شاهلرک استیلا ابدوب قبضہ تصرفلرینه اذ خال ایلد کاری ممالک
اون انی عدد مقداری اقلیم عرفیه به بالغ اولور که قلملری بونلردو
عراق عجم خوزستان لرستان فارس کرمان مکران سجستان قندھار
زابلستان خراسان مازندران کیلان ازربایجان رمان شروان طاعتان
و کورجستان و شاه اسماعیل مرقومک ظهوری زماننده اقالیم مذکورنک
هر برینده مستقل برویا ایکی و یا اوج ملک بولنوب و هربری بر مقدار
مملکتہ باشلوباشنه ممالک و متصرف تانیورک دست استیلا سی اول
دیاردن کوتاہ اولوب چکلوب زایل اولدیغی زمانندن بروشاهلرک
ظهورینه کلنجہ طوایف ملوک اولمشلر ابدی بو حال اوزن فیما بینهم اتفاق
و اتحاد بولندیفندن غیری ملک و مملکت نزاعی بران خالی اولمیوب
متفرقه القلوب و پریشان الاحوال بلوک بلوک اولوب بولمشلر ابدی
جماہیر عجمیان ایسه اول ظهورلرندن برنجہ مدته کلنجہ بازار کارزار
مدعالرینه رواج و یرمده و تاسیس دولترینه سعی و اہتمامده بالضرور
متفق الدرون بولندقلری اجلدن ممالک مرقومه فی تعب یسیر و رحمت
قلیلہ ابلہ قبضہ تصرفہ کتوروب دائره دولترینی از زمانده وسعت
عظیمہ ابلہ توسیع قلمشدر در و اون انی عدد اقالیم عرفیه ده بکرمی
سکر دن زیاده سنی و سنوی مذهب ملوک اسلام بولنوب شاهان
بدنھادر جملة سن قتلدن صکره اولاد و انسابلرینی دخی قتل و استیصال

ایلمش درو بو امر بر حکمت غریبه در که بونجه اقالیمک متصرفی اولان
 طوایف ملوک اهل ای اسلا مدن سنی سنوی اعتقاد لریکن روافض
 ظهورند ملک و مملکت تراغندن و باغ و باغچه و تارلا غوغاسندن ناشی
 بغض و عداوت و کین و غرض و برودت اتفاقا رینه مانع حاجز و اتحاد
 اوزن مدافعه قیدند اولملرینه سد سد اولوب بری برلرینک ملک
 و عرض و ناموسی زوالنه و بناء دولتلری انهدام و اضحلالنه بقرق
 محتمل اولد بلر و بوندن اغریدر که فرزندان دانا یان هم بو حکمت
 باهره یی اذعان یتیموب بونجه دارودیان استیلا رینه باعث سهولتلری
 اولان معنایی فهم و ادراک اید میوب قبضه تصرفلرینه اذخالی ایلدکاری
 ممالکک ضبط و ربطند قاعدی تا بیدی دستور العمل قلوب هر بر
 اقامی اولاد و اولاده ارثیه انتقال ایلک اوزن برر خانه و یروب ضبط
 ایتدرد بلر مرور یا میله خانلر نصب و عزلدن امینار و مملکتلرند مستقلار
 اولوب انلر دخی طوایف ملوک حکمنده اولد بلر وقت حاجتده هر فرد
 کند ی حالیه مقید اولوب شاهلرینک و بری برلرینک امداد و اعانتلرینی
 مهم ایدند بلر و متصرف اولد قلمری مملکت کندولرینه ارثیه منتقله اولغله
 بونعمت جلیله شاهلرینک دوام دولتندن ایدوکن بلد بلر و نصب
 و عزل و تادیب و قتل کندولرندن مرفوع اولغله شاهلرینه چندان
 طاعتلری و ملیوب حقوق دیوانیه لرینی دخی خزینه شاهی یار سالده تکاسلاری
 کالده اولوب هوا و هوسلرینه تابع اولد بلر ثانیاعجم دولتمک فریضه
 جهادی احیا اید جک عدوی قوی الاقتدارلری و ملیوب بونجه زماندن
 برو وقوع بولان جنک و جدال لری اکثر یا رعایا مقوله سی عجزه

وضعفا

وضعفا ابله اولوب دولتلرند وجودی مهم مهمات سفریه و آلات حرب
 و قتال ندار کنده و ترتیب و تجهیز عسکر مهمه سند اهمال و تکاسل اوزن
 اولوب بو امر واجب الاذعانده غفلت اوزن اولد بلر ثالثا شاه عباسه
 کابجه عجم شاهلری حکم و حکومتلرند و عزل و نصب و سایر امورلرند
 مستقلار اولوب شاه عباسدن صکره کلان شاهان زبون دست تسلط
 خدام اولملر یله بنیان دولتلری مشرف انهدام اولمش ایدی رابعاً شرب
 خمر بیوک شاه عباس زماندن برو اذن عام صادر اولمش یوللو عوام
 و خواص ناس میانشه بر در لو ممنوع اولمیوب صغیر و کبیر لری اشکان عیش
 و عشرته مبتلا مورد و لتلری کورلمه دن قالمش ایدی حتی شاه حسین
 تحت شاهیده استقرار بولد قده صلاح و تقوایه میلی غالب اولغله
 بو فساد عظیمک علاجی ندبیر و ندار کنده مباشرت ایدوب شرب خمری
 اشد عقوبت ابله منع و نفیس اصفهانده و اتصالیده واقع چولقه ده
 بولنان خمری با نکلیه یره دو کدروب ملوک نصار ایلچلرندن غیری بریده
 قطره خمر بولند قدن صکره شیرانی من بعد خمر ایتمسونلر دیوانیده
 و شدید تنبیه ایلش ایدی انجام کارینه منتج اولدی بومرضه مبتلا اولمش
 خلق صبر و تحمل اید میوب و ما لوف اولد قلمری شربدن امسا که
 قدر تلری قالمیوب علی الاتفاق صغار و کبار لری بریره جمع اولوب
 بو بایده چوق مشورتلر ایلد بلر و کافی الاول شرب خمره شاهدن اذن المق
 ندبیری ندار کنده اولد بلر عاقبت شاهک بیوک والده سنی بومرادر لری
 حصوانه واسطه ایدنوب حیلله طریق قلمرینه تشبث قلد بلر و شاهک
 بیوک والده سی اتفاقا رینه تارض ایدوب طیبیلره حیلله تعالیم و بوداء

مهلكه تناول خمر دن غیری درمان مبسر دكلدر دبدرتدبلا اصفهان
وچوافه ده باده آری بولمیب ملوك اچیلرینه مراجعت ایلدیلر چون
مرادلی حیلله یه مبنی ایدی همان برابکی قدح می تناول ونوشیله شاهك
میوك والد سنك بحرانی محته یوزطوندی بوتقر پدله شاه حسین دخی
مشفقانه پندونصح مننده ابرام والاحاج ابدوب اباواجدادینك مسلكنه
توغیب ایدرك سوزن کچوردی و برابکی پیاله ایلله مشق ایدرك دفع
غم مرتبه سنه واردیلر بوگون دفع غم یارین دعوت کیف دیهرك شاه
مزبور برکونه مبتلا اولدیکه امورینی کورمکدن بالکلیه فارغ اولوب
ذوق و صفایه مشغول و خواننده و سازنده لر بله مجلس اراولوب امور
دوئیینه رجاله سپارش قلدی چون زمام حکومت رجالک الینه کیردی
وقصد فاسدلی بو یوزدن تشبث بولدی من بعد امصار واقطارده
غادر و مغدور ظالم و مظلوم حق و باطل اراغیب ایراد و مصرفلری
بانمیب روح دولتلری حالت نزع و اردی روایت اولنور که شاه حسین
تماما عمرنده قزلرنك لباس کیدی و عادنلری اوزن خانلرخانی اولانلر
قرمزی رنك لباس کیمیب ابحق برکسنه قتل اولنق اقتضا ایلدو کی
کونلرده کیرلر شاه حسین ایسه برفردی قتل ایلیموب برفعه باعجه سنده
قوشلره توفنك اتوب برقاچن دوو شرب و قتل ایلکله بو بایده دخی
گندویه ندامت ال و یروب خزینه خاصه دن اکیوز تو من اچیه تصدق
ابلیش کریم الطمع محب فقر احایم و سلیم صاحب جود و احسان کسنه
ایدی لکن پادشاهلره کون السیف و الاحسان تو امان کلامی مفهومندن
غفلت ایلله انقلاب دولتلری زمانته مصداقت ایلدی ماشا الله کان

ومالم

۱۲ ومالم یشالم یکن خامس اطوایف عجم اهالی اسلامدن کچنوب اسلام
دعوا سنده غایت ایلله اصرار اوزن اولدقلری حالده بو عجبدر که شعائر
اسلامدن معدود فرایض و سننی اسقاط و اهمال ابدوب باخصوص
رابطه قویه و اعظم سبب نظام دولت اولان قانون شرع اصفهانده و بلاد
سایره ده اجرا اولنمقده اهتناملری اولمیب بو بایده وضع و حرکتلری
مختل و مشوش اولمش ایدی حتی شاه عباس زمانته نقود اچیه دایره
دولتلرندن طشره اخردیان کتسون ملاحظه سیله فریضه خجی دخی
منع و اسقاط ابدوب مملکتلرنده بولنان مقبره لرینی زیارت ایلله اکتفا
اولنق حیلله سیله ینه اموال و نقود دیارلرنده قالمق ندبیرلینه قرار و یروب
من بعد حجه کیدنلری کاه سراو کاه حکامه اذن ایچون مبلغ عظیم و یروب
بومرادلرینه مصارف کتیره و مشقت عظیمه ایلله واصل اولورلردی
و بو خصوص شاهلرک سوء تدبیر و طمع خاملرندن ناشی برمعنا اولمق
اعتقاد بیلله صلاح و تقوایه راغب اولوب حجه کتک ارز و سننده اولان
عوام و خواص لیل و نهار شاهلرینك دولتی زوالینی قنی و درگاه ذوالجلاله
مناجاندن خالی اولمازلر ایدی و کذا سایر مظلوم و مغدور عجزه وضعفا
شاهلرینك زوال دولتی دعاسنی باحکمت خداورد زبان ایدغشملر ایدی
سادسایاچله رجال عجم ابکی فرقه متفرقه اولوب بری برلرینه ضد کامل
اولشملر ایدی اموردولتلرنده برفرقه نك مناسب کوردوخی خصوصی
البتده اول برفرقه معقول کور میوب بوشقاق عظیم جمله دن زیاده انهدام
دولتلرینه باعث بلکه علت مسنقله اولمشدر بیان احوال اغوانیان
وسبب ظهور ایشان ارباب وقوف و اصحاب دانش اولانلر بو بیلله نقل

وروایت اول نور که طوایف اغوان فی الاصل بحر جز ساحله طافستان
 اتصالند واقع شروان اول که سنده یا خود باب الابواب خارجند طافستان
 زبلند واقع بحر آمده ساکنه و مجهوله الاصل بر طایفه در ویا بونلر قوم
 جزو یا نلردن بر قوم و یا خود بر شعبه اوله طایفه مرقومه عادت
 مسخره سی اوزن ایران زمینه و سایر اتصالند واقع بلکه اقل ابدوب اول
 دیاری نهب و غارت ایتملر یله تیمور ظهوری اثناسند اول نواحی فتح
 و تسخیر اولنوب اهالی ایران بونلردن تشکی و ظلم و فساد لرینی اعلام
 ایلد کړند تیمور خان طایفه مزبون ی دیار اخره اجلاویوز قوناق
 مسافه لرلندن تبعید ایلد متهدد و ملتزم اولوب جانب شرقی ایران زمین
 نهایتند قندهار اطرافند هند ایلد مایند و واقع بحر او بریه لرلده
 اسکان ایلدی تا کم بو طر بقله زمین ایلک جانب غربند واقع بلکه
 اهالیسی مرقومونک نهب و غارت ایلد معتاد لری اولان ایصال مضمرلرندن
 راحت واسوده حال اوله لر بعض کتب توار یخده طایفه مزبون ارمنیان
 جنسندن اولق اوزن نقل و روایت اول نور ز را شروان اول که سی
 سابقده البانی اسمیه اولنوب اهالیسنه البانیلر دبد کړی کتب
 جغرافیه مسطور و مصر حد در بو یله اولجه اغوانیلر البانیلر غلطی
 اولق غالب احتمالدر و حالا شروان اتصالند قره باغ ناحیه سنده
 واقع ارمنیان مناستری قند سار اسمیه اولنوب سر طریقلرینه اغوانیچ
 دیر که ارمنی لسانی اوزن اغوانلرک باش بوخی دیک اولور وایالت کجه
 وروان و نجوان و اخیلرند و کیلان حدودند ساکن و صفقناق تعبیر اولنور
 جباله ممکن امانه طایفه سی حالا بونامیلد افشار ایدوب اغوانلق

دعواسن

دعواسن ایدرلر و احتمالدر که سر طریقلری اولان قند سار باش بوخی
 اسکانلری اثناسند قندهارده ممکن اولغله قندهار لفظی دخی مرور
 ایامیلد قند ساردن غلط اولمش اوله زیر قلعه مرقومه بعض کتب
 اسکندر بناسی اولق اوزن تحریر اولمشدر طوایف مرقومه اسکانلری
 اثناسند ارمنیلر این و مذ هبند اولد قاری دخی محقق اولوب چون
 وطن اصلیه لرندن دور و مهجور و بالکلیه یاب و زهابدن ممنوع و منقطع
 اولد بلر اهالی هند ایلد اختلاط و الفت و موافقت پیدا ایدوب علی مهل
 جمله سی مسلمان اولد بلر و حالا طایفه مرقومونک کند ولری بشر د کړی
 اتمک اوزن خاج هاری برنشل قورلر غالباً این ارمنیانند اولد قاری زمان
 جاهلیتلرندن قالمش بر سمدرو فی الاصل نهب و غارت ایلد اباعن جد
 مألوفلر و خلقتلری دخی یاغما و تاراج هواسی اوزن مجعول اولوب
 مسکنلری دخی سرحد اولغله جنک اور اولمشدر برمان احوال جنک
 اغوانیان طایفه مزبون نک جنک و قتالده معتاد لری اولان طور و طرز لری
 بو یله در که اولایچلرند اعلی و ادنا ضابط نامند وافر کسند لری اولوب انلرک
 معرفت لر یله مراد ایلد کړی و قتله در حال الی لرن قوروب فی الحال صف
 صف اولور لر یجه زماندن بر و تعلیم تربیه اولمش عسکر مثلاً و جنکه
 الای وصف اولق نظامی طریقلرینی کند و قاعد لری اوزن خوشجه
 بلورلر و بو خصوص جمله ضابطان و نفراتک معلوم و مضبوطی اولغله
 سرکار ده اولملرینه چندان زحمت دخی و یرمز لر جنکه مباشرت
 ایلد کړند صفای ترتیب و تنظیم اولنوب جمله ضابطان عسکرک ایلر و سنده
 طور لر و جمله دن اقدام ضابطلری جنکه اقدام و مباشرت ایدرلر

اسانلری اوزن ضابطلرینه نساچی و پلوان دیرلر تمام کازار جنگ
قز شوب اشنداد بولدقه ضابطان کیر و چکلوب کیرودن عسکره
و کیفیت جنگه نظارت ایدرلر و دشمندن یوز چوروب کیرودوش
کسنه اولور ایسه بلا امان قتل ایدرلر و بومقوله لک قان و قتل هدر دیرلر
حتی اصفهان محاصره سنده ابوسایاد دیکله معروف جسرک قریبند عجم
ایله اغوانک محاربه لری اولدقه بو حقیر بویله مشاهده ایلدم که
اغواندن برکسهنک جنگه صاغ الی مقطوع اولوب دشمندن کیرو
دوش عسکرک قفا سنده طوروب نساچی تعبیر اولنان ضابطلر مرقومی
جنگدن قاچمش ظن ایدوب قتل ایلک مراد ایلدیلر اولدخی حالنی بیان و صاغ
قولی جنگه مقطوع اولدوغن بلد ردکه یینه ضابطلر کیرو
دوند و کنه راضی اولمیوب ای غنند و نابکار صاغ قولک کیتدیسه او غور
دینه صول قولک ایله جنگ ایله اولدخی کیدرسه اغزک ایله دشمنه
صال تاکه بو وجه اوزن اجر جز بله نازل اوله سن دیوینه جنگه سورددیلر
برغرب حاللری دخی بودرکه عسکر قفا سنده اولان ضابطلر جنگه
مقتول اولانلرک جسدلرینی چقارمغه مأمورلردر لکن یوزن
دشمندن دوندردکن عسکره مقتول اولانلری وارایسه سائرله عبرت ایچون
اولمقوله لک جسدلرن چقارمازلر و قالدرمیوب میدانه براغوب دفن ایتزلر
ضابت ایله مزراق و قلیچی ایو قوللنور و لرو سریع و چاپکلا اولوب قلیچی
ویا مزراقیره دوشسه اند زاینزدن فی الحال یردن الورلر کامل فارس لردر
فی الجملة توفنک اند ازلق دخی بلورلر اصفهان کلدکارنده چپلاق و عریان
ایدیلر بعد اللرینه اموال و افره کیروب لباسلرینی و الت حربلرینی مکمل

قلدیلر

۱۴ قلدیلر و جنگه کثرت مداومت طریقیه فنون خربیه ده برقات دخی
مهارت حاصل ایتدیلر میدان جنگلری غایت ایله مدوح و معتبر و ممتاز
اوزن در زیر میمنه و میسر و میانه الایلر و صغیر بغایوب دشمنه حمله و
هجومه ییک درون اقبال و ادبارده جمله سی یک شناس معاتوجه و معار جعت
ایدرلر و لکن برقلعه و یا بر شهر محاصره سی طریقلرینی هنوز بلزلر و مترسینه
ایدو کندن بی خبرلردر حالا اصفهان ایالتنه صوبی ایچند کفایت
لوزن اولان نجه نجه بلاد و قرا قبضه تصرفلرینه کیرمالمش ایدی زیرا
کندولرینه استحکام و یروب محکم مترسلر ایله قورینورلردی اغوانیان دخی
بومقوله لده تلف نفوسی و اکور میوب چندان اهنام ایدغزلردی صوبی
طشهر دن قنوات ایله کلان امصار و بلادک صوبین قطع ایدوب
یسرت ایله الوب ضبط ایدولردی طایفه مزبون عسکری جنگ و جداله
دائر امورده حاکم و ضابطلرینه فوق الغایه منقاد و مطاعلردر بر مرتبه ده که
هیچ ملو کدن برینک عسکری بونلره قیاس و نماز حتی بالدفعات مشاهده
اولندیکه عسکرلری پراکنده هر فرد کند و ایشنه مشغول و سیرو بیاند کز
ایکن ضابطلری طرفندن برادنا کسنه کلوب فلان یره جمع اولاق ایله
مأمور سکزدیو خبر و یردوکی برله هر فرد مشغول اولدوغی ایشی و طعام
اوزن دخی بولنسه ناولی ترک ایدوب فی الحال محل مأمورده جمع اولوب
حاضر و اماده بولنورلردی سردارلرینک امر و نهینه انقیاد و امتثال
جمله دن اغرب حاللری بودرکه قلاع و بلاد و امصار دن یرین ضرب
دستلر بله فتح ایلدکارنده اولیرلر لکن اهاپسی جواهر و نقودنی علمنا
باشنه قویوب کزوب یور یسه عسکر بدن و توابعدن بر فردزن دکلو

تعرضه و دست دراز لغه تصدی ابلزلر حتی زیده ذکر اولندوغی اوزن
 محمد خان ایله اشرف خان جلوسلری زاعنده اغوان عسکری ایکی شق
 اولوب و شهر اصفهان اهاالسی نهب و غارت احمالندن دکانلرینی قیایوب
 و هر فرد خوف و وحشته دوشمش ایکن بو حالت اشرف خان سمعنه
 لاحق اولدوغی بوله مناد بیلرند ایدوب هر فرد بلا توقف دکانی اچوب
 کافی الاول کار و کسبه مشغول اولوب بوبله برهنکام اختلافه بر فرد زن
 مقداری ضرر و کزنند ترب ایلدی اسرایی فیما بینهم بیع و شریه چندان
 و غبت ابلزلر کتایته کسوب خدمتلهینه استخدا ایدرلر و ازاد ایتمکی سورلر
 و چوق کسنه لری قتال و قتمنه تقریبیله قتل ایتمش بولملر بوله اولاد لری نی
 کندولرینه اولاد ایدنگ عادتله بدرزنا و لواطه بینلرند نادر بولنور
 و بومقوله لک جزای تربینی فوت ایتمزلر اوردولری و سائر منازلاری
 بی نظام و ملوسددر بر حیوان اوردولرند مرده بولنسه لاشه بدر ایحه دخی
 اولسه تحمل ایدوب تخلیه ایتمزلر و کندولری دخی طوار لری اراسنده
 یا قوب قالقمغی اعتیاد ایدغشلردر طعاملری قلت اوزن اولوب و انواع
 اطعمه بلیوب جزئی شی ایله قناعت ایدرلر اثنای سفر لرنده صغیره کبیر لری
 محمد خانه و ارنجه طواده قاورلمش بغدادی اکلیمه اکمتفا ایدرلر دی
 بالجمله امور لرنده متوکملر در فی الاصل رعایا مقوله سی و بریه
 خلقی اولملر بوله کسوده و اطعمه ده هنوز تن پرورلق ایله مألوف
 اولماشلردر چولغه شهرینی فتح ایلدکارند انچه لری صابونی پنبه و یاسکر
 صابون جامه لری نی کندو ولایتلری جامور بوله بیقارلردی نباتات برینک
 اکثرینی باخصوص لخنه بی حیوان مثالویرلر اثناء سفر لرنده بر باغرسغه

۱۰ صوطولدر وب بللرینه قوشانورلر وقت حاجتده استعمال ایدرلر نقل
 اولنور که چولغه فتحندن صکره اغوانک لری بر حاجت ایچون برامینک اوینه
 واروب اولدخی اکر ام مراد ایدوب هندستاندن کلش تازه قرتغید ایله
 ملو بر قوانوس مربایی اوکونه قویوب الننه بر قاشق و یرمش اغوان تناول
 ایتدکده حظ ایدوب بتون مربایی ییوب کند و سنه بر ضرر ترب ایلماش
 طعام بدکارند بر در او تکلف لری و سبزی و صفره و پشکر غایله لری اولمیوب
 هر نه یرده اولور سه اوتور وب اتی و پینری و سایر املرینی اتمک
 اوزرینه قویوب لرلر و اطعمه نفیسه دن بر در لو طعام بلزلر و صودن
 غیری برشی ایچمزلر لباسلری بر ملتک لباسنه مشابه اولمیوب غایت
 عجوبه هیئتدر باخصوص قفتانلری بر در لو هب اوکنده دوشربلی
 فیل خورطرمی کبیر بر بچاقلری چپلاق و قبازدن بول پاچالی دیزلق کیوب
 اته سوار اولدقلرند طوماق کبی ایقلرینه بر پارچه دری چکوب بنرلر
 اعلا و ادنی نک آموزنده بر رشالی اولوب کندولرین کونشدن و سلحلمرین
 یغموردن انکله حفظ ایدرلر بیاض ویشل و قرمزی الوان بزلری بریره
 کتوروب باشلرینه صاررلر اوکلرند اوچن کوستروب اکسه ده یاری
 میله و ارنجه طیلسمان مثالو صارق درلر و اکثر یا اورته یاسملو اولانلری
 دخی زاف تاشورلر لکن عجمه غلبه دن صکره طور عجم اوزن کینوب
 مندلدن غیر یسنی استعمال ایدوب دیزه و ارنجه زرباق قفتانلر کید بلر
 انجق بول پایا لود بر اقلر بنی ترک ایتد بلر و هر نه یرده اولور سه دوشمه
 ارامیوب توز و طوپراغه بقمیوب حلقه حلقه اوتورلر نسوانلری
 نقاب ایلیموب بوزلری اچق کز لر حسنالری بک نادر اولور

اکثر یا کریمه المنظر بد چهره را اولوب نقابه دخی حاجت لری یوق قولاً قلرینه
وند بک بلورلرینه وارنجه عجملر بار کیرلری بویینه صد قلری کبی دورلو
دورلو بونجه قلر طاقنورلر باشلرینه شبوه را اورلر بار کیرلر قویروغن کسوب
صاچلرینه ضم والحاق ایدرلر قوشاقلرینی بالای سینه ده مه لری التونه
قوشانورلر باکه مه لری سارقوب ظاهر اوله ایقلرینه عجم پاچو جن کیرلر
چامور بولاشد یغی برله اللربنه الوب عریان ایق کیدرلر نچون بوبله
ایدرسکز دبدیکمزده ایاق بیقانورلکن پاچوج ملوس اولد که جدیدن
المق اقتضا ایدر دبو جواب ایدرلردی ذکر مسالک ومسافات من شهر
اصفهان الی قلعه قندهار کرسی ممالک ایران ومقر حکومت شاهان
اولان شهر اصفهان زمین ایرانک جانب غربی سنده اقلیم عراق عجمک
وسطند مقتضای فن جغرافیا اوزره بنش سکز درجه طولده واقع
اولوب کذلک قاعده مملکت قندهار اولان قلعه قندهار ایران زمینک
جانب شرقی سنده هند اتصالنده یوزدرجه طولده واقع اولوب مسافده
مابین بکرمی ایکی درجه اوور که خط مستقیم اوزن کاربان بومقدار
مسافده فی النش الی کونده و سوار مجرد قرق دورت کونده واولاغیله
کیدن بکرمی ایکی کونده قطع ایدر انجق مقتضای فن اوزن استقامت
واستوای طریق شرط اولوب بومثل و مسافده بعیده ده ایسه شروط
مذکور هک و جودی حیزامکانده اولیب اعوجاج وانحراف طریق
وارتفاع وانحطاط جبال ووهاد زمین محقق اولغله مسالک مرقومه
واقع مطابق ذکر و بیان اولنسه شایاندر پس فی زمانها هذا واردین
وصادر بک متواتر نقل وضبطنه موافق اولان بودر که اصفهانندن

قندهان

۱۶ قندهان ایکی طریق وارد در بری معور و آبادان و بری بریه و چولستان اولوب
باد سمومدن دخی خالی دکادر معور اولان یولدن کاربان طقسان کونده
وارر و چپار یعنی منزل کچه بور میوب انجق کوندز یوریکله الی کونده
وارر بریه دن اولان یولدن انش کونده واررلر و یاز کونده ذکر اولنان
یولدن عسکر و کاربان مرور ایدر مزقش کونلرینه مخصوص
یولدر معور یولدن دخی کیتد کارنده نهر سجستان کنارینه وارد قلرند
برقاج کون مکث ایدوب کیرکی کبی صولنوب بوجوه اوزن چولدن
قندهان کیدرلر اصفهانندن قندهان معروف و مشهور اولان طریق
یولدر در انجق عجم شاهلری قزوینده و طهرانده اقامت اوزن بولند قلرند
قندهان کوندرد کیری عسکر اکثر یا مشهد و هرات یولیه کیدوب
کلشلمدر و بوبول زیاده معور و آباداندر اوصاف قندهار قلعه قندهار
روم ایلنده اولان قلعه لر رسم و شکله در علی روایه اسکندریناسی
اولوب بعد هندی پادشاهی بروقتده قبضه تصرفنه کتوروب تجدید
ایتشد و فراجه معمارلرینه بنایندروب متانت و یرمشدر و سرحد هند
بولغله استحکامنه کیرکی کبی همت و اهتمام اولمشدر سبب استیلای شاهان
عجمیان در قلعه قندهار وقتکه طوایف اعوان دست قهر نیمور خانیه
رک وطن ابله شروان اولکسی سمترلندن تبعید واجلا و هند بریه لرینه
اسکان و ایطان اولندیلر برمدت اول بریه لرده ساکن اولوب مرور ایام ابله
جبال و صحرا ره یا بلوب وافر عشا یرو قبایل اولدیلر و کیمی قونار و کوچر
و کیمی بلاد و قراده متمکن و هند بلر بله الفت و موافقت ایدوب اهل اسلامدن
اولدیلر و هند پادشاهنک کاه رعیتنه و کاه محافظه سرحدلری خدمتند

بولوب غالباً قلعه قندهار مرو را ياميله دخی بوبله برتقر ييله دست
 رسلری اولوب کندولرینه استحکام و یرد بیلر ایران زمیننه اقل و عجم یرلر بی
 کافی الاول نهب و غارندن بران خالی اولد بیلر شاه عباسه کله بوفساد
 و شقاوت علاچی بولمیب اغوانلرک طغیانیه زمین ایرانیه مضرتلری
 دفعه رفع اولمق چیز امکان اولدی بوحال اوزن ابکن شاه عباس تحت
 شاهی یه جلوس ایدوب اغوان طایفه سنک زمین ایراندن دفع
 مضرتلری ند بیر وند ارکنده اولدی بالد دفعات مکالمه و مراسله برله
 بومصلحتک حصولنه سعی و اهتمام ایدوب فایده یرمدی بالاخره هند
 پادشاهی ابله عجم شاهی بینده خصومت و عداوت غلبه ایدوب تش
 حرب و قتال استعمال بولدی فرصت ظفر و غلبه شاه عباس طرفنه
 ال و یرهب هند عسکری مغلوب ایدی بوقت ییله قلع قندهار بالجمله
 ذواب و لواحقیه و طوایف اغوانان ابله هجرتک بیک او توز تار یخنده
 ضرب دست شاه عباسیه فتح و تسخیر اولوب من بعد محکوم شاهان عجم
 اولد بیلر چوق کچیموب هند پادشاهی ابله شاه عباس بینده قندهار
 اولکده سی مع لواحقه عجم شاهلری ضبطه تصرفند ترک اولمق اساسی
 اوزن صلح و صلاح عقد و تمهید اولوب شاه عباس قندهار قلعه سنه
 استحکام و یرهب طوایف عجمدن کفایت مقداری محوطه نصب و تعیین
 و قبایل اغوانک نظام و انتظاملری باینده اهتمام تام و هند پادشاهی ابله
 ماینلرند منعقد مصالحه نک شروط قیودینه مخالف وضع و حرکت
 اغوانیانک من بعد مکنت اقلند اری قالماق ایچون اوزر لرینه عاقل
 و مدبر اصحاب رای وند بیرولات و حکام و محافظه نصب و تعیین ایلدی

نمّه مافی الباب عفی اولمیه که قندهار تابع طوایف اغواندن غیر حضاری ۱۷
 تعبیر اولنور برجنس اغوان دخی وارد رکه بوطایفه دخی نجه نجه عشایر
 و قبایله منقسم قندهار اولکده سی شمالی و اتصالی اوز بک یرلر ببله نواحی
 قندهار بیننده ممکن اولور لکن قندهار اغوانی سنی مذهب حضاری
 اغوانی ايسه زفاشی اولوب بوطایفه اوتته دن بره رفض و اعتزالدهم مذهب
 عجم اولملر ببله بروقتده عجم شاهلری اطاعتندن روگردان اولمیب هند
 طرفلر پنه و یاغیری یه کرها و طوعا میل و لطاعت ایتماسلردن تا اول وقت
 کله که قندهار تصرفی دست اغوانیانده استقلال بولوب نوبت حکومت
 اغوانیان میر محمدک بد استقلالنه و دبعه قانش اولدی میرمر قوم تحت
 قندهار ده قرار داده اولدوغی برله سنی اولان اغوانلره اذن و یروب حضاری
 اغوانی نهب و غارتیه مشغول اولد بیلر انلر دخی مقاومت قادر اولمیب
 احوال لر بی پیشگاه شاهه عرض و محضر لر ایدوب تشکی و نظم و استمداد
 ایلد بیلر بر نجه زمان شاهک امداد و اعانتنه متر قیلر عاقبت الامر ما یوس
 و نا امید لر اولمق میر محموده تابع و اکا عسکر اولد بیلر و جنه کله معا کیدوب
 بولند بیلر بیان عصیان یورکی خان والی کورجستان و انهر اش بوندن اقدام
 بیک یوز اوزن دورت تاریخی اثناسند عجمه تابع کورجستان و الیسی یورکی
 خان شاهک اطاعتندن روگردان و هواسند تابع اولوب بوفساده
 غریت و تمشیت اسبابی ندارکنده ابکن جاسوسلر شاهی ابقا طایفدوب
 شاه دخی ناره فتنه نک اطفال و اسکانی ند بیر پنه صرف مکنت شاهانه
 و خفیة ادملر کوندروب کورجستانک بوی بکله یینه وعد و وعید لر ایله
 استمالث و یورکی خانه متابعت و طغیان و عصیانده موافقت ایلماک اوزن

ایضا طوا کید و شد بد تنبیه و تا کید را ایلدی لکن مزبور یورکی خان
 دماغند مضر فسادی اجرا ایلکه محکم تدارک کورمش بولمغله
 آخر بوفسادی کتم و ستر مکن اولیوب بر زمان مرو رنده عصیان و مخالفی
 طاهر و اشکار اولدی شاه دخی واقف قضیه اولیحق عسکر تدارک و کجه
 والیسی کلب علی خانی سر عسکر نصب و تعیین ایدوب یورکی
 خان تا دیننه کوندردی جانبینک عسکری تلافی ایلد جک یورکی
 خانک بوی بکری جنکدن متعاشی بر جانبیه کیدوب چکلد پلر سار عسکر
 طایفه سی بونلری کوروب انلره دخی فتورال و یروب یورکی خان جانبی
 مغلوب اولیحق خان مرقوم مننه مافرا ایلدی چوز بازار کارزار زمگاه
 صاوولوب بر طرف اولدی کورجستان بکری نه سر عسکر عجم کلب علی خان
 جانبندن علی مراتبهم نوازش خاطر و اکرام و افره اولند قده محل معار کدن
 قاقوب تفلپس جانبینه عزیت ایلد پلر قلعه مرقومه اها الیسی مدافعه یه
 اقدام ایللیوب کورجستان بکری توسطلر بله فی الحال قلعه تفلپسی
 کلب علی خان طرفنه تسلیم ایلد پلر آمدن یورکی خان باصفهان
 و اعتذار کردنش در پیشگاه شاه جمجاه مرقوم یورکی خان طاغله
 محسن ایدوب یاننده عسکر قالیحق افعال نااهوارینه نادم اولدی مرقومک
 قرنداشی شاه یاننده دیوان بکی اولوب شاهک خدمتند بولمغله فی الحال
 مکتوبلری ازوب اعتذار و استغفار جاسنده اولدی و کندوسی دخی غیری
 سلامته چان بوللیوب در حال اصفهانه متوجه اولدی وصول بوالیحق
 کند و قلیچن بو پیننه اصوب شاهک دیوانه واردی شاهک یاغنه
 دوشوب کمال ابتهال و مسکنت ایلد تضرع و نیاز لایلدی شاهم جرم
 و عصیان

۱۸ و عصیان مرقوم معترف و نادم و پشیمان در گاهنه کادم دیلر سک کند و
 قلیچمه بار سردن بی دور ایلد دیلر سک کرمندن بوجرم بندنی عفو
 و ازاد ایلد دبد کد قرنداشی دیوان بکی و سایر هوادارلری اولان مقرر بلری
 دخی و الکاظمین للغیظ مضمون اعلان و عفو ایلد معامله اولی اولد و دخی
 جانبی رجیح و بیان و شان و شوکت شاهان مجرملره انعام و احساندر یوللو
 گفتارلر بله شاهه ابرام و الحاح ایتملر بله خان مرقومک جرایم ماجر اسندن
 شاهی بالکلیه کچورد پلر و شاهک کرمنه هزار تحسین و افرینلر دبوب
 هزار و صد هزار القیشلر چاغر شد پلر آمدن الچی از جانب پادشاه هند برای
 استرداد قندهار کیف ما اتفق هنوز یورکی خانک داستان احوالی افواه
 ناسد کفت و کوایکن هند پادشاهی کمال کرمیت ایلد قندهار قلعه سنک
 استرداد دی سودا سنه دوشمش و بود عوا ایلد الچی تعیین ایدوب و اولد دخی
 ات بوی ننه دوشوب رو براه اولمش دیوسر حد ایران و الیلری بارگاه
 شاهه عرض و اعلام ایتملر بله بو پیام ملامت انجام متواتر و شاه ورجاله
 فکر و اندیشه مورت بر معنای مو حش اولمغله ارباب مشاور و اصحاب محاون
 اولان رجال و اعیان بریده جمع اولوب باب مکالمه فی کشاده قلدیلر
 و ایلچی مرقومک حقنه عنفیه معامله اولنوب جواب یاس ایلد عودت
 ایتدر ملک و یا خود ایلچی یه معتاد دولت اوزن اکرام اولنوب برمدت
 جوابی تا خیر ایلد تدارک کوریلد دیو و افر مناظره ایتد پلر اخلاصه
 ایلچینک ورودندن اول بومهمه کور بلوب الچی یه لازم کلان
 جواب دخی صورته افراغ اولنق لازمه همت اساطین دولتدر
 دیو اتفاق ارای شاه ورجال بولمغله قلعه قندهار کرکی کبی متانت
 و تدارک مهمات ایلد کاهو حقه استحکام و یر بلوب عجاله محافظه سیچون

بر مدت مسافران مکث و اقامتدن صکره جواب قطع و پیام یا س ابله
ارجاع و اعاده اولند دیو قضایای مشروطتری بویوزدن نتیجه بندیر اولمغله
رای و ندبیرلری استصواب اولنوب جمله دن امضای قبول ابله ختم کلام
اولندی لکن بوامرک تنفیذ و تشبیه بر عاقل و دانا رسید و توانا سر عسکر
نصب و تعیین اولنوب بحاله صوب مرامه ارسال و محله ایصال الزم
لوازم لازمه و اهم مهمه و امور عظیمه دن اولمغله اتفاقا یورکی خانک
وقعه سی و شهر اصفه اند صورت و سیاق مذکور اوزن موجود بولمغله سی
بوزمان مضایقه و وقت احتیاجه مصادفت ابلدی تدبیر کردن شاه
و رجال و فرستادن یورکی خان بالشکر کورجستان برای استحکام
قلعه قندهار و دفع مطالبه پادشاه هند پس یورکی خان اتفاق رای شاه
و رجال ابله بین الاقران و الامثال انتخاب و امتیاز اولنوب مملکت کورجستان
ینه کنندی به توجیه و منشوری نام بدنامنه یاز بلوب قندهار محافظی
نصب و تعیین اولندی و بوضع و ندبیر فرزندان دور اندیشان عجمیانه
خجلی خوش کورینوب و وی نشاط و سمت خطوط و انبساط اظهار ابدوب
دبیلر که اولایورکی خان تقریبیه کورجستان عسکری قندهار
چکلوب کیتد که کورجستان عسکر دن خالی و ایچ اول طرفلردن
مأمون الغابله او اورز ثانیایورکی خان شاهمزرک ازاد کرده و عفو و عنایت
دیده بند سی اولمغله مأمولدر که ما جرای من بعد فراموش المیوب
خدمات دولته و او غور شاهیده باش و جائیه خدمت و صدق و خلوص
برله بذل مکت ابدوب من بعد عصیان و طغیان فکر بنی دخی ابلیمه ناله ابو ابله
بررار و نامد از خایله و مکمل و جنک جوی عسکر بهادر ابله قندهار

محافظه

۱۹ محافظه سنه استحکام و یرد بکمر حالت هند پادشاهنک مسموم و معلومی
اولیچ احتمالدر که دعوا دن فراغت و قلعه قندهار استرداد یابنده
چندان افراط ابرام و اطاح اوزن اولیمه فعلی هذا یورکی خان مهمات
و لوازم کوروب یرته قنداشی او غلی خسرو خانی کورجستانه قائم
مقام تعیین و کورجستان عسکر نی الوب قندهار چقوب کیتدی
وصول بولد قلعه قندهار متانت و استحکام و یردی طوایف اغوانی
ضبط و ربطنه الوب نظام و انتظام و یردی اطرافه هجوم و اقیندن
و با جمله همجوان ایصال مضرندن دست تعرضلرین کوتاه ابدوب حکم
و ضبط اکید و شدید ابله جمله سن مضبوط و محکوم قلدی بووجه ابله
عجم شاهنه صدق و خلوص برله خدمات مبرور و وجوده کتوردی
و اتفاقا بویامده میراویس دخی اغوان طایفه لری اوزن کلدار یعنی محصل
الاموال نصب و تعیین اولمش بولندی بیان احوال میراویس میرمرقوم
طوایف اغوان بپنلرنده غایت ابله معتبر عزیز و مکرم ممول عنقا کسنه
اولوب بالجمله اغوانیانک میرمرقومه کمال انقیاد و اطاعت و توجهلری
اولد و غندن کنند و یرمه مقدار غرور دخی عارض اولمش ایدی هند
اهالیسی ابله علاقه ابدینوب کند و مالی ابله بر قاج بلوک کاربان هند
تاجر لبله معاتجارت و هند کیدوب کلورلر ایدی و الی قندهار یورکی
خان واقف احوال اولیچ میرمرقومک بوکونه طور و طرز بله تعظمتی
حضم ابد مینوب ندلیل و تحقیری ندبیر بنه بلکه اموال کثیره به طمع ابله
زوالی قیدنه دوشدی حضورینه کتوردوب اگرام و اسمالت و نوازش
خاطر مراسمنه کاپنبی رعایت ابله خاطرین الوب ایناندردی

و بر همه ایراد ایدوب عاقل و مدبر را ولد و غن کن زویت و تمشینی ایچون
سنی اصفهانه کوند رملک مراد مدر دیوب حصوله کلدوکی تقدیرده
نجه نجه وعده لر ایلدی آمدن میراویس باصفهان و احوال سائرش باشاه
و رجال میرمرقوم خانک سوزینه راضی اولوب اصفهانه روانه اولدی و ویراه
اولدغی برله والی مرقوم مکتوبلری یازوب دولت شاهیی به خلافت عرض
ایلدی و حامل مکتوب میراویس بود یارک ذی قدر تلرند و مجرد بود یارده
وجودی باعث فتنه درو عصیان و طغیان دماغنه مضمر درو وصولند
اخذ و ضبط اولوب بردخی بودیان کله سنه جواز ویرلیه دیوتا کید ایلله
خبریه در عقب چهار ایلله طریق اخردن شاه جانینه ارساله شتاب ایلدی
میرمرقوم اصفهانه داخل اولدوغی برله کوز جیسنه قودیلرینه اوغرادوغن
بلوب مغموم و متکدر اولدی برنجه ایام بو حال اوزن فکر و اندیشه ده
اولدی عاقبت شاه جمجاه دولتی مختل و مسوش اولوب ایکی فرقه
متضاده به منقسمه و بری برلرینک علیهنده اولدقلرینه واقف اولیحق
بر مقدار متسلی اولدی سلامت ایلله رها طریق لرینه تشبث ایدوب
برطر بقیله اعتماد الدوله و دیوان بکی و سائر سرکارده اولان رجال دولت
ایلله کورشمکه و یساقچیلر معیتیه شهرک مسیره برلرینی کزوب سیر
و تماشایه اذن الدی در حال اعتماد الدوله به واروب خاکپایینه یوز سوردی
کرانبها کشمیری شالاردن و ذی قیمت هندتفارق لرندن هدیه بهیه لر
اخذ و اهدا ایلدی اعتماد الدوله نیک طرفه کیرلری ایلله دخی فراد او فرادا
کوریشوب هر برینه علی حدهم هدایا عرض ایلدی ایرته سی کون
شاهک دیوان بکنه واردی اکادخی کون کون هدیه عرض ایدوب

انک و

۲۰ و انک طرفه کیرلر بله دخی کور شوب هدایا و یردی بر قاج کون
مرورنده قندهار و البسی یورکی خانک قندهاشی اولوب شاهک دیوان بکی
اولانک عظیم جمعیتی اولدوغن خبر الوب علی طریق الزیاره حضورینه
واردی اکرام و رعایت ایدوب یاتنده الیه قودی مجلس محبت تمام اولیحق
قندهاشی یورکی خانک وضع و حرکتی سوا الیلدی میرمرقوم دخی
حکیمانه طور ایلله باب مداهنه یی فتح ایدوب مدارا طریقیله یورکی
خانک مدح ناسنده مبالغه ایلدی یورکی خان عاقل و مدبر صاحب رای
وزین رعایا پرور جسور و دلاور شاه جمجاهک صادق بنده سی اصل
و اصیل بر مرد کامل در و بواناده قندهان والی نصب اولدوغی محض
اصابت در هند پیاد شاهی دخی واقف احوال اولیحق دعوی قندهار دن
فارغ اولمه سی شاهد عادل درو بر قاج ایام سعی و همتی ایلله اول دیار فوق
الما مول معور و آبادان اولقی امر مقرر در دبد کده دیوان بکی صبره
تحمل اید میوب حاضر بالمجلس اولانلره خطاب بوللو کلامه اغاز ایدوب
دبد بکنه بنم قندهاشم احق اولمشدر بو گونه مدح و تئاسنده او بوب هزار
و صد هزار تومن دینارک صرفیه تحصیل میکن اولمیان صادق دوستی
ادراک اید میوب خلافتی عرض ایلک نه حماقتدر و ایرته سی کون
قندهاشنه مکتوبلری یازوب واقع حالی بلدردی شاهک سرانی سنک
مدح و ثنا کله ملو قلوب غیرتک ایلله خاکپای اولان برحج صاقینی بچون
شاهه خلاف انها عرض ایلدک دبو وافر تعزیر و سرزنش لرا ایلدی میر
مرقوم برابکی کون حلولنده اعتماد الدوله طرفه کیرلر بله مجلس ارا ولد قلمرینی
خبر الوب علی سبیل الزیان اول ارایه عازم اولدی ابتهال و تواضع برله

جمله نك دست و دامن بوس و عاقلانه تدلل اظهار ابدوب قارشولنده
قايم اولدى بر مقدار امدن صكره اعتماد الدوله كلامه آغاز ابدوب ديدى كه
يكن كرنلرده طرفه كلد پكرده مشغله كثره مزدن ناشى قندهار و الپسى
يوركى خانك كيفيت حوالن سوال ايلكى فراموش ايتدك واقف اولدو غك
مرتبه اول طرفلك حالن بزه افاده ايله ديدكده چون ميرمر قوم رجال عجمك
شفاق اوزن اولدو غن تحقique قائلش ابدى جمله سى ايكى فرقه متضاده
اولوب د ايجارى بر ايتك عليه نه نفاق و غرض و بغض و عداوت اوزن
اولد قاريني بالمشاعره و بالمعاينه كورب احوال ناهم وارلر ينه كركى كى علم
و اطلاع حاصل ايلش ابدى اسلوب حكيمانه اوزره حركت و جوابه جبارنده
لمصاحبه بر مقدار تردد اوزن اولدى اعتماد الدوله ابرام ابدى حكمت شفاقلرينه
موافق احضار قلديغى جواب مذمتك قصور قوم ميوب بوركى خانك
سوء حالن تمام شرح و بيان فرست ياب اولدى سوزلى مسموع ابدو كن
فهم و ادراك ابدو حكمت مندن اخذ و انتقامه سعى و كوشش ابلدى
انجامنده بوركى خان بر قاج سنده بوندن بويله قندهار و الپسى اولورسه
اول دييارده فساد عظيم ظهور ايدجكى امر محققدر كندوسى سحر و شام
مست مدام عسكرينه ك ضبط و ربطى الله اولميوب هر فرد هوا سنده
تابع رعايابرايانك عرضنه و ماله و اهل عياله دست درازلقلرى حدن
متجاوز اولادلر ينى كاه غصب و كاه سرقه و بلوك بلوك كورجستانه كوتورروب
عادتلرى زن فروخت ابدلر كندوسى دى عسكر و خزينه جمعى
سوداسيله عسكره بوز و يروب غالباً كورجستانه اجر ابدو كى عصيان
و طغيان فسادينى بواشاده فرصت بولوب فعله كتورمك طمعنده در

بو محله

۲۱
بو محله عسكر كثره و خزينه و افره جمعنه سعى و كوششى عن قريب
هند بادشاهيله اتفاق و اتحاد عزيمتنه و با خود غيرى برفساد عظيمه
جسارتنه دليل و افكدر شاه دار احشمتك مورد بده كار از موده ابا عن
جد مجرب الاطوار خان زاده خانلرى هم دين وهم مذهب معندلرى
وارا يكن بر كافرو جاهل و نادان بى ايمان والى نصب اولنوب اهل اسلامه
تسليط و اول سد سديد سرحد شاهى اميرنى بويله بر محس ناجنسه
توفيق محضى سوء تدبير و طوز و طرر عقلدن دور و بعيد بر امرند ات
انجام ابدو كى ظهر من الشمس و ابين من الامسدر ديدكده چون ديوان
يكى فرقه سى اعتماد الدوله فرقه سنك خلافتنه ابدى ميرمر قومك
بوكونه بسط كلامندن اعتماد الدوله و طرفكي رلر فوق الغايه ممنون
و مخطوط او ايچتى فرقه مخالفه واقف احوال اولدو غى تقديرده ميرمر قومى
مضر نندن صيانت ملاحظه سيله اعتماد الدوله پند و نصيحت بوللو
كلاميله عرض حال تسويد ابدوب حجه كنهك شاهدن اذ طلب ايله ديو
مير او يسه خطاب و سلامت طريقه تشبته رمز و ايمال ابلدى مير او يس
بوكونه اسلوب حكيمانه اوزن حركت و شقين فر بيقينى دل خواهرلرينه
موافق مدارايوللر بنيه سعى و سلوكيله طرفند ميل ايتدر دوب ايكى فرقه
ار بابى دى ميرمر قومك صلاح حالنه و زهد و تقوا سنده و شاه دار
احتشامك خالص و فخاص بنيه سى اولدو غنه حضور شاهيده شهادت
و حقه شفاعت و يوركى خان ميرمر قومك حقه يازدو كى احوال مجرد
نفسانيت و اغراض فاسد و افكار باطله دن ناشيدرديو تفصيل و بيان
ايلد ك لرنه شاه جمجاه اعتماد و ميرمر قومك بالجمله جرايمندن

چکوب حقنه عفو تام ابله معامله و معرفت رک تعریفارینه مطابق بنده کن
خیر اندیشاندن عدو شمار ابلدی بو خبر مسرت مالدن میراویس
خبر واکاها ایچق کاه شاد و مسرور و کاه فر بقیدک شقاق و نفاقندن
بر اثر موخس ظهور ایدرا حمالیه غم مدردن خالی املدی عرض حال دادن
میراویس در بدشکاه شاه برای رفتن حج شریف میرمرقوم دور بین
و عاقبت اندیش اود و فتنه بنه نور طوند دو کولک کرک مفهومی
اوزن بر قاج ایام مرورنده مفصل عرض حال یازوب حج شریفه اذن طلب
ابلدی مفهومی بوقول لرینک مقصودی بالجمله غوابل دنیایی ترک
ابله من بعد بقیه عمر عزیزی مقدور مرتبه سی صلاح و تقوی به سعی
وسلوکیه لیل و نهار دعای دوام دولت شاهینی ورد زبان ابدنوب
بر قاج سنه اول مقامات متبرکه ده مسکنت اوزن مکت و اقامت و قاضی
الحاجات درگاه ذوالجلاله توجه برله عبودیت عجزانه صرف مقدمه
مقصود اولوب بعد زمان بنه عودت و شاه جمجاه مردنلو افندیک
عنایت مالا غایه لری عبد حقیر لری حقنه مبذول بیور بلور ایسه
عزم اخر اولد قچه خطه اصفهانده مقیم و اهل عیالم بنده لر نی دخی بود بار
جلایه کتور دوب اذن و رخصت شاهانه لری در کار بیور بلور
ایسه قبیله می دخی شهر اصفهان فر بنده فرمان بیور لدغی محله اسکان
و ایطان ایلک مخلو بدردید ب مفهوم عرض حال شاه جمجاهک معلومی
اویچق میرم قو ملک حج شریفه عزیمت اذن و رخصت ارزانی و بر فرد
مانع مزاحم علیه دیویم تمیمه ابلدی بنابرین میرمرقوم ندارکن
کوروب بالجمله خدم و حشمه در حال اصفهانندن چقوب حج شریفه

عازم به متوجه اولدی مکه مکرمه به واروب علما و صلحا و اشراف ناس
ابله کوریشوب انلره دخی علی حد هم عجم دیاری تفار بقلرندن هدایا
بذل ابلدی ادای فریضه هجده صکره مدینه منوره کادی مقامات
متبرکه کی زیارتدن صکره انده دخی علما و صلحا ابله کوریشوب هدیه لر
و یروپ اشنالک پید ابلدی بعد الا یام بنه مکه مکرمه به کیدوب انده
بر مدت مقیم و مجاور اولدی علما مجلسنه مداومت ابدوب فضل و کمال
اظهار ابلدی علم مباحثه لری اولان محله ملازمت ابدوب مکه مکرمه
فضلا سی کند و یومیل و محبت ابلدی استفتا کردن میراویس از علماء حجاز
بعد زمان فضلا ی مدققین ابله کند و سنه مخصوص اولوب دره نده
مکتوم و مضمر اولان احوالی کشف ابدوب اعتماد و اطمینان تحصیل
ابلدی کی کسینه لر ابله خفیه مذاکره و مکالمه مباشر اولوب و انلاردن
نجه نجه مورنده استفتاء مراد ابدوب کند و مظلومی بوسیاقده تسوید
ابدوب عرض ابلدی بزم ملک ایرانک نهایت شرف پسند ملک هدیه صلوات
اهل اسلامدن سنی سنوی برالای عشائر و قبائله منقسم خلق از بر نجه
مدت روافضه دن عجم شاه لری اوزر لر یزه غلبه ابدوب زبردست قهر
و تخت تسلط لرنده عاجز و درمانده محکوم لری و لاشزد در حالا تحت
رعیت لرنده اولد و غم طا بغه عجم بی حد و بی حساب و انواع تعدیلرندن
غیری یوز یزه و کوز یزه قارشو چهار یار کوز بنک بعضی لرینه ششم
و دشنامی اشکار ایدر لر و حالا اوزر یزه حاکم و والی اولق اوزر بر جادل
و نادان کافر بی ایمان کورجی خانینی کورجی عسکر بله محافظه نامیده
تبعین ابدوب خلاف شرع مبین نجه نجه اموری زکامه کرده و جبر و عجزه

واهل و عیال مزه تعرض و دست درازلق و اولاد دیزی گاه غصبت و کا
 سرقه طریقه یقینله الوب کور جستانه کوندروب فر دخت ایدرلر و نسوانگری
 رفاخی و کورجی کافرلی جبر و قهر اتزو میچ ایدرلر بزعا جزله غیرت دینیه
 ال و یروب بونلره قلیچ چکسک سرعاجا اثر میدرو و بوامرک تشیتر حرب
 وقتاله موودی اولد قده قانلر غازی مقتولر شهید اولورمی و عون جنای
 حق ابله باد ظفر و غلبه طرفزه و زان اولد قده و افضک اموالی حلال
 و غنیمت اولورمی و انلری سبی و استرقاق یا خود مملکتی جوار و اتصال مزده
 اولوب اسلام اوزن اولان هند پاشاهنه تسلیم ایلرک شرعاً رخصت
 ورامیدر بزه بیان بیورک دیو رجایلد کده جواز بنه دایر متعدد فتوالر
 ویردیلر و بالجه فضیله مدینه و مکه جواز بنه مشعر تصدیق و امضال
 ایتدیلر میرمقوم دروننده مکتوم و مضمربیت و عزیت امر بنی و تنفیذ
 و تشییتی بوجه مشروح اساس شرع اوزن مبنی قلد قده مدت مجاورت
 نهایته یروب جانب اصفهان ره براه اولدی ننه مافی الباب عجم شاهلرنده
 نوبت حکومت ایران بیورک شاه عباسه کله طوا و ایت عجم فریضه
 حی ادا یه مداومت ایدوب سنه بسنه انلردن جم کثیر حجه متوجه
 اولوب اهالی مکه و مدینه انلردن منافع و افره ابله منتفع اولورلر مش شاه
 عباس بو حکمی تغییره سعی ایدوب بالاده اشارت اولند و غی اوزن اموال
 ناس مملکتنده قالمق فکر ابله اماملرک مقابر و یار نیله اکتفا اولنق ندیرین
 ایش و عوام ناسدن نجه لری بونی اعتقاد ایدخش ایدی اول اجلدن
 عجم طایفه سی خراسان اولکه سنده مشهد امام رضایه و بغداد اولکه سی
 اول ائناده قبضه تصرفلرنده بولنغله جوارنده واقع مشهد امام علییه

و مشهود

۲۳ و مشهد امام حسینیه متوجه اولدیلر و مقامات مذکور بی زیارت
 ایدن زوار کر بلا یی نسیمه اولنوب حالا بو قدر ابله حجه وارمدن عوام
 ناسدن نجه لری اکتفا ایدرلر لکن بوفر یضه بی بالکلیه اسقاط ممکن
 اولمیوب بنه بعضیلری فرصت و امکان بولد قچه حجه وار مقد بادل مال
 ایدوب سعی و کوشش ایدرلر و بو خصوص عجم شاهلر ابله اهالی مکه
 و مدینه میانده سبب برودت عظیمه اوامشدر عودت کردن میراویس
 در اصفهان از طریق حج میرمقوم ادای فریضه تحدد نصکره عودت
 ایدوب شهر اصفهان وصول بولد قده رجال عجم ابله کور بشوب مکه
 مکرمه جانبدن احضار ایلدو کی عود و عنبر مثلاً و هدایای کربنها
 بخششی ابله نجه لرک درون صید و جذب ایدرک احباب کثیره پیدا
 ایلدی و رجال دوات بیننده معتبر اولوب مظهر الطفات اولدی حسن
 حالتی و عاقلانه وادبانه وضع حرکتی و خلوص و صداقت الود بر مرد کامل
 ایدو کنی شاهه قول قول عرض ایلد کارنده شاه دخی میرمقومه محبت
 ایدوب بعضی اموردلر مشورتلر بنه ادخال ایدلر دیو تنبیه ایلدی
 آمدن پیام ایلی از جانب چار مسعود در اصفهان و مشورت رجال در
 احوالش کیف ما اتفق اول ائناده مسعود چاری طرفندن بر ایلی
 انتخاب و تعیین اولنوب حدوده گلش و شاه جمجاهه کلمک ایچون
 اذن طلب ایدر دیو سرحد و ایملری جانبدن عرض و اعلام اولمش
 رجال عجم بو خبری کتورن کسینه بی احضار ایدوب اول ایلی نه منند
 ایچیدر اسمی نه در ونه جنسدر دیو سؤل ایلد ککرند اسمی

اسرائیل در بدر جنس ارمنیدر مولدی قپان نام محلد در دیو جواب
ویرد که ارمنی الاصل اولدوغن اشتد کارند مختل الدماغ اولد بلر اصلند
قیانلی اولوب بزم رعایا مزایکن مسقو چارینه برطر بقله انتساب سببیه
شمدی اچیلک پله شاهمزك حضورند رسم اچیان اوزن او تور بزدخی رجال
دولت رعایا مز مقوله سی ارمنی کافرینه التیام واکرام قیرند اولمق بوجهله
معقول و مناسب اولوب بوزك کلسنه رخصت ویرلمسون مسقو چاری
کندی جنسندن برغیری اچلی کوندرسون دیو مشاوه لرینه نتیجه
ویرد کارندن صکره اول وقتک شهر اصفهاند فرایچه پادشاهی طرفندن
اقامت اوزن بولنان موسی بمشل نام اچلیه دخی خبر کوندروب سوال
ایلد بلر که مسقو طرفندن بر اچلی خبری کلوب ادینه اسرا بل دیرلر مش
اول شخص نممنند کسنه درنه جنسدر و مسقو چارینه انتسابی نه
تقر بیه در معلوم کنایسه بر قائمه یازوب طر فرزه دوستانه فاده ایدک دیو
التماس اید بلر اول دخی جوابند کلان اچیلک اصلی ارمنیدر تجار مقوله
صمدن اولوب فرنگستاند و شمش فرایچه عسکری ارمنند بر مدت قهوه
جیلک ایدوب بعد جنگچی یازلمش و افر سفر لده موجود بولمعله
کند سنه و بیضا بطلک ویرلمش بعد نمچیه کیدوب اسان ادینی تقر بیه
ایو پولدش نام قوجه قرالک بعضی خدمتند بولمش اندن دخی مسقوه
کیدوب زاق قلعه سندن کند بیه بیک باشی ضابطلمفی ویرلمش بو تقر بیه
وطن اصلیه سنه قریت حاصل ایدوب صلدر حم ارزو سنه دوشمش
ونچ چاساری طرفندن مسقو چارینه شفاعت ایدردوب التماسیه
اچلی تعیین اولمش بر اصل راده کسنه اولوب رعایا کز مقوله سی و لمغله

ایپاچیلک

ایچیلک عنوانیه شاه جضوزینه واروب او تور مغه شایان ارباب اگر آمدن
اولوب سفلی الجنس دخی الاصل برارمنیدر چون اول زمانده فرایچه اوایله
نمچ لو بینند قتال وجدال در کار ایدی اچلی مرقوم ایسه نمچ چاساری
شفاعتیه اچیلک پاییه سنی اکتساب ایش ایدی اول اجلدن مقتضای
وظایف اچیان اوزن فرایچه اچلسنه دخی اسرا بل مرقوملا حقند اول
وقتده عداوت اوزن معامله حسب حال اولمش ایدی غریبه قهره باغ
اولکه سندن متوطن ارمنیان سر طریقلری خلقه خبر ویروب کاملارندن
استخراج اولمش و کتابلرنده یازلمش اولمق اوزن بوسنه لده زمین ابرنده
ارمنیلر جنسندن بر پادشاه ظهور ایدرو بو پرله غالب اولوب تحت
حکومتنه ادخال ایدرو ارمنیان دولتی قدیمده اولده غی اوزن وضع
اولنه عودت ایدردیو میان ارمنیانده گفت وگو اولوب نمچلری اعتقاد
وانتظارند اولمش بر معنای غریب و لمغله شاه دلتنه دخی اخبار اولمش ایدی
اچلی مرقوم مسقو جانندن بحر جزایله شر وان اولکه سندن ساحل بحر ده
واقع نیاز اباد نام محله کلوب اندن شهر شماخی به کایحه اول طرف ارمنیلرندن
یانه او جیوز ادم یاز بلوب عظیم حشمت و وفار اوزن شماخی شهر پنه بش
بوز نفر ادم بله واصل اولدوغی متواتر اولمش ایدی و اچلی دخی حیلله کار اولوب
جلب منفعتی ایچون تنهاده بولدوغی ارمنیه در ارمنیلر پادشاهلری
نسلندتم دیو خبره یروپ بندلرنده بومدعا عظیم شیوع اولمش ایدی
کتابلر یزده یاز بلان چقدی ظهور ایدی بوزه پادشاه اوله جقدر
ولایت دعواسنه کلش در غارت و حشمت بزمدر دیو رعایا بر یا غیرته
دوشمش ایدی فرایچه اچلسی واقف احوال اولمق شاه دولتمه خیر

گویند در دینکه بوخصوص ارمنیان عالمینک اسخر اچی اولق اوزن
کتابلرنده یازلدیغی تقدیرده اسرایل اوری لفظنک مرو فی قلب مکان اولنسه
السراروی اولوب لسان سریانده پادشاه دیک اولور بو گونه ظنیات
ووهمیات عبث اید وکنه ساده دل اولان عوام انتقال اید میوب و مدحی
حمله کار بو گونه صنایع ایلله مدعاسنه ره اچ ویرمک قیدند اولور سه
بوندن یرفساد عظیم ظهور ایتیمک غالب احوال و وقتیلله دفع ندرکی
کورلمک مهم در دینک واقع حال شاهه عرض اولیحق فکرواندیشه یه
واردی ودر حال اعتماد الدوله بی چاغردوب اچی مرقومک کله سی می
مناسب یو خسه کیرو عودت ایتدیرلمه سی می مناسب ارباب مشاؤون
مشورت ایدوب بران اول بونک قیدی کولسون دیوتنبیه ایلدی
ند بیر میراویس در احوال اچی مسقوینا برین بالجه ایمان در حال دوات
بریره کلوب چوق محاور ایلدیلر عاقبت بو عقد مشکل بنده کلی
دستوار الحصول اولغله میراویسی دخی دعوت ایدوب مشورلرینه
ادخال ایتدیلر چون باب محاور فتح اولوب دارمکالمه کشاده اولدی
هر فرد عقلی وادراکی مرتبه ده سوزسو بلکه ما ذون اولوب کیمی اچی
مرقومک کله سن و کیمی کیروکنه سن مناسب کوروب اهورن الشرین
تر جمیع اولندیغندن چوق قیل وقال اولدی انجامنده میراویسه خطاب
اولنوب سزدخی شاه جهجاهک صداقت پرور بنده سی اموردیده وکار
ازموده عالم وفاضل خیر اندیشی اولدیغکزه بر فردک ریب واشنباشی
قالمیوب لایقدرکه سزدخی بو بایده ذاتکزه جمیلی خلوص و طوویت
و عقد و حال امورده استقامت لمعکرمقتضیا سنجه صواب دیند کز اولان

۲۰ جهتی عیان و بوقضیه ده عند بکزه مرجع اولان شکلی تصویر و بیان
ایده سزدید کلرنده میراویس هضمانه عتذار و احتقار طریقاری
مراسمی تمام ادا و تکمیل و کستاخانه وضع و حرکته غایت محاشی
واجتناب اوزن اولدوغی صورت و سباقی اظهارند نصکره یه جمله نک
ایرام و الحاحی مشتمل اولیحق منازع فیها ماده ییدار بو گونه تقریریه مباشر
اولدی بوداعی دولتکرتک رای ناجیز و عقل کم اندیشه کون اچی
مرقومک بوجانبه کله سی مرجع و موجه کورینور زیر اوارایه
کلدکه الیکزده بولونوش اولور برفتنه یقاطنه فرصت بولمازه مباشرت
سوداسنده اولدوغی فهم اولنسه علاجی بولنوب یا حبس اولنور و یا
مسموما اهلاکی اسبابنه تشبث اولنور لکن اذن و یرلیوب بو شهره
کلدوکی صورته مسقوچار بنه کیرو عودت ایتدیرلمه سی اقتضا
ایلدوکی تقدیرجه مسقوچاری ایلجسی قبول اولنوب کیره کوندرلد وکنه
لا محاله عاره حجاب ایدوب کورجنسه کرکدر بونار عار ایلله غریته دوشوب
بر بیوک نار غوغا علوی اشتعال بولوب فساد عظیمه باعث و یادی بر
معنا اولسه کرکدر با خصوص که یورکی خانک بوندن اقدام خیانت ایلله
فرار ایدن سانه زرمی خان نام قرنداشی مسقوده ایلکن بو فرصت لئه
کیره ب مسقو قرانی لغو او ترغیب وعلیمکزه تحریکده دقیقه فوت
ایتمیوب و ساطیلله دولتکزدن اخذ انتقام سوداسنده اولسه کرکدر
مشهور و معلوم کرد که سابقه مسقو لو طرفندن کاش اولق اوزن
شر و اندک برشتی صاحب فساد ظهور ایلدکه دفع و رفعی غایله سی
دولتکزی اتعاب ایدوب نه مرتبه ده خزینه کثیر کز و عسکر و افره کز

انلافنه باعث اولشد و شمدي ايسه مسقو چاري غيرت جاهيله سي
مقتضايه بنفسه حرکت و اوزهر بکزه کلمه مسارعت ايدرسه دفعي
مشکل برداهيه و اهيه اولور غالب احتمال دخی بودر که اچلی مرقومی
کیرود و ندرمک مراد ایدنسکز سوز بکز ايله عامل اولمیب درونده مضمیر
ولکن علاماتی ظاهر فتنه بی شروان اولکه سنده فعله کتور مکه متصدی
اوله حال بوکه با جمله مملکتک زک عیاسی ارمیلر و مقول کسنه لر اولوب
ادنا بانه ايله تبعیت ایدوب خزینه دخی ویرلر نتیجه کار العیاذ بالله تعالی
سفلت دما بی حدی متضمن قتال وجدال مستند و ممتد مؤدی اولور
کورجستان خلایق هم ایین وهم مذهب ارمیان اوللر ايله موافقت
ایدوب نلر دخی ای وجه کان مسقوی تحریک و طر فلرینه جذب و جلب
ایدوب الکفر ملة واحدة مضمونی اوزن نجه یوز بیک عنده و مرده دن مرکب
گروه باطله اوله جقلرینی ذکر و ملا حظہ بیورک باوجود قندهار و البسی
یورکی خان ايله دخی مخاره طریقی الدن قومیب و اول دخی سابقه اچرایه
قادر اولمید و غریض فاسدی تشبیه فرصت یاب و تحصیل ایلدوکی
خزاین کثیره بذلیله قندهار اطرافنده واقع ملل مختلفه دن جمینه قادر
اولدوخی عسکر ايله حرکت و هند بادشاهنی دخی مملکت ویرمک و عدیلله
تحریک و نجه امورند استمداد ایدله و احتمالدر که طوائف اغوانی دخی
بر تقریبه طرفنه جذب ایدوب کندوسنه عسکر ایدنه زیرا بن قولکز
طوائف مزبون نلک کلداری ایکن صغیر و کبیری سوز مدن خارج
ناهموار ایشه وضع و حرکت ایتد کارینی کوروب و عین الیقین بابوب
بی خلاف آنها ايله اول دیاردن طرد و تبعید ایلدوکی مجرد بوکونه نیت

فاسدینه

۳۶ فاسدینه تشبیه ویرمک ایچوند روحالا العیاذ بالله قضیه مخزون روفا
اولسه دخی بن قولکز اغوانلر ایچنده اولدقچه بر درلو فساد و متصدی
اولمیب طاعت شاه جمجاهده با جمله ثابت قدم و راسخ الدم اولجقلرینه
متکفل و بکام موافقت ايله تکمیل ناموس دولت شاهیده بذل مقدور ایدله
جکلرینه ضامن و متهمد همان سر وقت حاجتده برو طر فلرک ندرکتی
کورک الخلاصه دفع مخذورات ایچون اچلی مرقومی بران اول طرفکرزه
کتور مکه بذل همتکز مناسبدر و الاینه سزاعلمسزد بد کد میر مرقومک
کلامین جمله تحسین و عاقل و مدبر دور بین و عاقبت اندیش خیر
خواهی دولت بر مرد کامل اولد و غنه مداد انصافله نتیجه نسلمی چکوب
انکشت افرین ايله حجتن مهور و امضا قلدیلر و میرک تقریرین قلمه الوب
نقیرو قطمیر شاهه عرض ایلدیلر حضور شاهیده متبول و پسندیده
اولوب نوازش خاطرینه هتمام قلدیلر و خاقتلر کیدروب اغوانیان
اوزن کافی الاول بلکلر کلدان نصب و تعیین ایدوب مسارعت اوزن قندهار
گوندزدیلر و اچینک کلسنه دخی قرار ویریلوب در عقب احضاری
ایچون ادملر تعیین اولنوب اثنای راهده لوازمی کورمک اوزن رقلر یازدیلر
عزیت کردن میراویس از شهر اصفهان بجانب قندهار چون میر
مرقومک حصول مافی الضمیرینه بومقدار غونه وجود پذیر اولدی
قندهار و البسی کندوسیه حسن زندگانه بیر عایت ایلک یابنده اکید
و شد بد نتیجه کاغذلری ویرلدی امثال بهننده امتیاز و کافی الاول اغوانیان
یک تعیین اولنوب کنده التفتات اگر املر سپارش اولندی واعتماد الدولة
سرانه تربیه و مکتومانه توصیه لر ایدوب دولت شاهیده مخوف اولان

اختلال نمونه دار اولمق تقر بیلله قندهار و الپسندن سوء نیت فهم و حسن
اولنور سه فرصت یاب اولد قده بلات اخیر قتل و دولته عرض وفاده یه
توقف ایله دیونتمیه ایلدی و بدینه بومعنائی متضمن مهور و مضی سند
دخی و یردی شاهک دیوان بکی دخی قنداشی مرقوم یورکی خانه مکتوبیلر
یازوب میرمرقوم دولتک مجرب الاطوار خیر خواهی و شاهک نظر کرده سی
اولدوغن شرح و بیان و خانک دخی محب صادقی و هر حاله ثنا کاری
اولدوغن تفصیل و عیار ایدوب تطیب خاطر میر ایله تقید و اهتمام بایمه
کرمیت اوزن اولدخی سپارشلر ایلدی و اصول میراویس بقندهار
وئد بیر کزدن برای قتل یورکی خان والی قندهار میراویس دخی من بعد
توقفی جائز کور میوب رسم و داعی یرینه کتوروب وطن اصلیه سی اولان
جانب قندهار متوجه و عازم راه اولدی کاه شاد و مسرور طی مراحل
کاه فکر انجام کار به قطع منازل ایدرک وقتا کد صوب مقصودینه وصوله
قریب اولدی لایلر قور بلوب عزت و اکرام به قلعه قندهار داخل ایدی
والی و اغوان اگر امنه اهتمام ایدوب بوجه مسافرت بر قاج کون زیارت
و تبریک قدومه رعایت قلدیلر بعد خان طرفدن اذن و یر بلوب
چفتلکنه و ارمنجه تشییع قلدیلر چفتلکنه مکت و ارام ایدوب شنایان
و بیکانیه ان دخی تبریک قدوم و تبریک ایله زیارتنه مداومت ایتدیلر بعد
الایام عشائر و قبایلدن و حومه ناس و اصدقاء قدیمه ایله عمرمانه صحبت
و کشف اب نیت قلوب عمده مرامه موصل طریق تحصیلند کمال تحری
قلدیلر طوائف بالو جک دخی سر قبیله لری داخل مجلس اووب محرم
اسرار اولدیلر انما قلمند ثابت الاقدام و تشبثنه جان و ناشر ایله اقدام

تعهد ایلله

۲۷ تعهد ایلله جملة معاهده ال اوروب معاهدلر بنه استحکام و یردیلر اعناد
الدولتک یورکی خان حقمنه و یردوکی سندی از یر ایدوب من عند الله
کندولر بنه نعمت و بو فرصتی غنیمت عد ایلدیلر قزلباش و روافض
و کورجیانک ظلم جور بیز ذکر و یاد و اهل عیال لرینه تعذالرینی و نجه نجه
افعال و اقوال شنیعه لرینی ایراد و تعداد ایدوب غیرت اسلامی در خاطر
ایتدیلر بالجملة امورده میراویسک رای و تدبیرینه متابعی برقات دخی
در عهده و ایمانیه التزام ایتدیلر و قتا که قضایای مقصود لری اتحاد
نتیجه سن و یردی ندر کار کور بلوب اسباب تمشیت مرام اماده
قلندی چون بو بنانک طرحی لا محاله بنیان دروغ با فروغه و بو مصلحتک
حصولی لا جرم حیلله و خدعه رسم و شکله افراغه محتاج ایدی میر
میران اغوانیان هادم خاندان شاهان فتنه عجیبان الحاجی میراویس
غیرت نشان جهت عنوان رکون بر مغلطه ایلله الی قندهار اولان یورکی
خانه کلوب قبایل بالو جدن فریاد و فغان و انلردن تشکی نظر اظهار
والان طوائف مزبور استقیاسی کلوب ز اغوانلرک او بیلر بنه حمله و هجوم
و بالجملة امواله اشیا لرینی نهب و غارت قلدیلر و مواشی نامند حیوانات لرینی
سوروب کیمتدیلر دپودروغنه فروغ و یردکله یورکی خانه غیرت
ال و یروب کورجی عسکرینک سر بلو کارینی احضار و فی الحال طوائف
عسکر حاضر و اماده اولوب در حال اللوج استقیاسنی تعقیب ادک و بنی دخی
بعد العصر قیو خلقم ایلله سوار اولوب بیکامنتظر اولک دیرا یسه دخی
خطاب ایدوب سن دخی شتاب ایلله ندرکنه قدر اولد غلغله اداک
ایلله فلاں محله بیکامترقب اول و اول محله ملاقی اولد و غر د نصکره

پيشمزمده اماده اولان كورجی عسکرينه واصل اولوب جمله مز يك جسم
 كچه سرعت و وقت سحرده سرعت ايله على الغفله بالوج اولر ينه جمله و
 هجوم ايله روز ديوم نوال مز بورا وزن نعيمه و تا كيد ايلد كده جمله مى عجلاله
 حاضر و اماده صوب ما مورلر ينه راهى اولديلر ميراويس دخی كال
 سرعت و عجله برله بالوج قبايلى بالو باشلارندن محرم اسرار و متفق اغراض
 اولنلر ينه خبر اوچروب انلری وقعه دن خبر و خواب غفلتدن ايفاظ
 ايدوب غيرت كوفى بوكوندر ما بيشمزمده معقود شروط عهد و ميثاق
 بوكون اجرا و انجق وقت فرصت در ديو اول طرفى اگاه قلد قده بروده
 عجلاله تدارك ايلد و كى اوج بيك سوارى اغوانله محل معهوده شتاب ايدوب
 جان و دلدن يوركى خانك و رودينه مترقب و فرصته مترصد اولدى
 بر خطه زمان مرورنده يوركى خان بر مقدار قيو خلقيله ساده نغره ايله
 چقوب كلدى اغوانلر ايكى شق اولوب سلامنه ديزلد پلر يوركى خان
 هنوز احوال دن غافل اورته يرلر ينه كلد و كى برله بحر زخار انتقام اغوانيان
 حرکت و جانب كورجيانه سيلان ايدوب يوركى خان نادان ميان
 جداران صفين ده مثال فرعون بنى امان غريق بحر هلاك اولدى و بو
 مهلكه دن برفرد ساحل سلامت چقمدى و قندها ن خبر ويره جاك
 بر كسنه بولندى مشورت كردن ميراويس باغوانيان بعد قتل يوركى
 خان مقصود اغوانيان بو يوزدن حاصل اولجق ميراويس جمله اغوانى
 بريره كتوروب مشورت ايلدى و ينه پند وضع و وعد و وعيدلر ايله
 و مصاحبت اميزد و غلر بيله اغوان طائفه سنى نيت و عزيمت لرند
 دوام و ثبات و بو طريقه تشبث امور لرند باش و جان ايله اقدامه رغبت

و تحریر

و تحریر ايلدى اولان تحسین و افرینلر و مدح و ثنار ايدوب بخوردار
 اوله سزدین اسلام اوغورنده حقار خدمت مبرهنه ده بولند يكر سكه يي
 مرمرده قازوب روز قیامة دكن السنه عالمه ذكر و ياد بکزه باعث بر
 اثر جميل قود بکزه جمله كرك قضاسى مبارك و سعي بکزه مشكور اولسون لكن
 معلومكز اولسونكه اعتماد دوله نك يوركى خان قتلنه اولوب سزه ايراق
 ايلديكم فرمانك اصلى اوليوب ساخته ايدى انجق غيرت دينيه ظهور
 ايدوب من بعد صبر و تحمله طاقتم قالمیوب سزى دخی بو بيله برور طهيه
 او غرتمه غيرت و حجت ديندن ناشى مجبور و مضطر اولدم مضامه مضامه
 بوند نصيكره بزه لازم اولان بودركه جمله مز يك دل و يك درون غيرت
 قوشاغن ميان اجتهاده بند ايدوب دين محديه او غرينه چانغزى باشمى
 فد ايله وز چونكه بو تقريله عجم شاهلر ينه دصيان ايتمش بولندق
 بوندن بو بيله عجملر يانته اديز عامى و باغى اولوب لاحاله عسکر تداركند
 اولوب اخذ انتقام قيدند اولورلر العياذ بالله فرصت بولوب غلبه
 طر فلرند واقع اوله جق اولور سه ذ كورجى با جمله قلمچدن چكوروب
 نسوانغزى و اولادغزى سبي و اسير ايدرلر ديد و كنده اغوانيان بو مهلكه يه
 القای ايادى ايلد كارينه نواعندامت ال و يروب پير و اختيارلرى سوزه
 افاز ايدوب عجم دولتى ذى قوت و قدرت صاحب باس و مكنيت بر
 دولت عظيمه اولوب زايسته انلره نسبت پراوج قبايلى و عشائر رعيت
 مقوله سى خلق ايكن انلر ايله مقاومت و پيخته قهر لرندن رها و سلامت
 نه جای امکان و نه حيز تصور در ديد كارند مير مرقوم عالم و دانا و فصاحت
 و بلاغت دخی مير مشار بالبنانى اولغله كم من فئمه قليله غلبت ايت

قرآنیہ فی قراءت و مضمونہ موافق پند و نصیح ابلہ درونلرینہ تقویہ
 و یردی ینہ بعضیلر اطمینان و خاجان درونلری سکونت بولیبوب
 بزجلہ مز عجم شاهلر ینہ خیانت اتمامک و اطاعتلرندن بر طریق ابلہ
 روکردان اولماق اوزن متعهد اولمش و بوعهد مز یین مز ابلہ
 تا کید ایشزد در حال بولہ ایکن انلر ابلہ مقالہ یه مباشرت مز مشرع
 اولور می دید کارند میر کلام مرقوم جوانند عجم طایفه سی حدی
 تجاوز ایدوب نجه زماندن برو عرض مز و اهل و عیال مز تعرض و حالا
 اوز ریزه بر کافر بی دین حاکم نصب و بوجله دن اشنع چهار یار کر ینہ
 شتم و دشنامی یوز ریزه قارشوعن قصد ارتکاب و التزام ابلر بلہ عهد
 نامہ مز شروطنی تغییر و معاہدہ مز نقص و فسخ ابلد کاری جانبلرندن
 واقع اولدوغی مقرر در و انلر ابلہ قتال اوز ریزه فرض عین اولمش در دیوب
 علماء حجازک بوجله یه دائر و یردکاری فتاویٰ شریفہ فی و بوندن اقدام
 علمای هند و علمای اوراء النہر جانبلرندن دارک ابلد و کی متعدد فتاویٰ
 ابراز ایدوب بومشکلرینی دخی بوجله اوزن حل ابلد کد اکثر ینہ
 غیرت ال و یروب جهادہ میل و رغبت قلندیلر و راغب اولمینلر دخی
 خواه ناخواہ تبعیت کوستر دبلر عزیت کردن میراویس برای
 فتح قلعه قند ہار غبری نفیذا امورلر ینہ مباشرلر اولوب اوکار نجه کیدن
 کورچی عسکرینی قرمق ایچون طاغلر دہ و اوہ لردہ ساکن طوائف
 بلالوجہ عجالہ ادملر کوندورب محل مرور و عبورلرینی محکم سد
 و بند ابلدیلر و انلرک چوغی بلالوج و اغوان الارندہ اسیر و تلف اولوب
 کورجستانہ سلامت ایلہ عودت ایدنلری اقل قلیل اولدی میر

مشیر صاحب رأی و تدبیر دخی یانند موجود اوج بیک مقداری اغوانیلہ
 می وزی کورجیان و عجمیانیلہ متوکلا علی اللہ قلعه قند ہار جانینہ
 متوجه اولوب بین العشائین مساعدہ بخت برلہ علی الغفلہ قلعه مرقومہ
 اسهل وجہ اوزن دخول و عجم ضابطانی و بقیہ السبوف کورجیان قتل
 و استیصال برلہ قلعه یی محکم ضبط و مخوف و مخاطره اولان یرلہ وقت
 سحرہ دکن محافظہ ل و قرہ غوللر تعیین ابلدیلر مشورت کردن اغوانیان
 بعد فتح قلعه صباح اولد کد جمعیت عظیمہ و دیوان اولوب شاهہ میل
 و رغبت کوستروب بو حرکتہ رضادادہ اولمینلری دخی قتل ایدوب
 ظهور فتنہ احتمالی دخی بو طریقہ دفع و رفع ابلدیلر بعد ینہ ادا اقداح
 مشاؤون ایدوب کند و امورلری مذاکرہ سنہ شروع برلہ تعداد احتمالات
 و ہر حالہ احتیاطی کندولر ینہ حسب حال بلدیلر پس چون بوقدر
 وقعہ پنجه قہر شاہیدن خلاصہ کفایت ایتد و کئی اذعان و عجم دولتی
 کندولرندن اخذ انتقامہ و ارقوقی بازویہ کتورجکئی فکر و اندیشہ
 و مقاومتہ عجز و قصورلرینی ملاحظہ قلندیلر بعضیلر برای احتیاط
 ماجرای ہند یاد شاہنہ عرض و اعلام و غیرت دینہ مقتضاسنجه
 وقت حاجتہ امداد و اعانتلر ینہ حاضر و امادہ اولمق رجاستی مناسب
 کوردیلر لکن میر مشارالیه بوکونہ ارایہ راضی اولیبوب ینہ تقویہ
 قلوبلری بابندہ بوضورت اوزن بسط کلام ابلدی ای قوم اغوان اللہ
 متوکل اولوب خاطر یکزی خوش طوتک بزم نیت خالصہ مزوار ایکن عون
 جناب حق ابلہ مکنت عاجزانہ مز برلہ بزعا جزلر و افض توانلر ینہ غالب
 ولور زمبہادی عزیز نمزدہ طرف حقندن بزہ مہسر اولان سہوات الیمزدہ

بوسند قو بدرمع هذا که دوات شاهان نا اهل اللز نه قالوب بچه زماندن
برو مشرف انهدام اولمشدر اصفهانده اقامتم اثناسنده بالجمله حالرينه
واقف اولمشدر رجال دولتلى ابكى فرقه اولوب راى وتدبيرده برى
برينه ضد كمال هر فرد نفسى نفسى ديوب مدام عيش عشرته شغل
ابدوب مهام دولتى فراموش اولمشدر نه اسباب سفره ونه نظام
ملكته صرف ذهن ابدن اهل بصيرتلى قالمشدر طرف حقندن دخی
كندولر نه بلاياناز اولمقده در مسعودن اباجى كلوب شروان واذر بايجان
لومنيلى نى عصيان ايتدر دوب كورجستان دخی مسقوه تابع اولوب
هرات شاهى ظهور بلا وهجوم اعدايله عظيم تر لرله در بوكونه غايله وارا بكن
اوز ريزه سفر امر دستوار در اولور سه دخی ندر ك تاممكن اولمىوب عون
باور ياوريز اولوب ينه نصرت وظفر بزمدر نغوذ بالله مقاومته مكنت
اولدوغى صورت رها اولسه هند پادشاهنه تحصن واتجا حاضر يزدر
ولكن بذل وجوز ايله كسب ابلد يكمز مال وملك غنيمتى بلاط ابل اخر ك انه
ويرمك ورعيتى قبول ايتمك رواد كدر همت عالى ابدوب قند هاردن
يوميه بجه راجع دورت وقيه التوفى واطرافدن حاصل اولان اموالى
كندومزه امساك وسائر مال غنائم ايله محتاج لر يزى اغنايه سعى ابدلم
ديد وكند جملنه قوت قلبينه قوت حاصل ومن بعد قريصه جهادى احيائه
واغبار اولوب بوبابده اتفاق واتجا دور فروددن مخالفت صادر اولماق
اوزن مصحف شريفه لاوروب بين غليظ ايله معاهده لر نى تا كيد
ايتد بلمر وميراويسى كندولر ينه سردار اتخا ابدوب صغير وكبير بيعت
ايتد بلمر اسلات ومكاتبات از جانب مير اويس بجانب شاه عجم چون

ميرمى قوم وجه محرراوزن خلقنه پند و نصيح ايله تقويه بولدردى كندوسى
دخی استقلال بولوب مقرر حكومت قند هارده استقرار بولدى خدعه
حريمه طريقلرينه رعایت ابدوب حكيمانه وضع ايله مدارا ومروت
سمتلى نى الدن قومىوب شاه طرفنده اعناده دولته مصنع مكتوبلى
يازوب بلاتا خييار ساله شتاب ايتدى مضمونده بنم مروندو عنايتلى
ولى نعمتم افندم سلطانم حضر تلى كترين بنده لى شهر اصفهانده اقامتم
اثناسنده بواحق لر ينه خاك كپاى ولى نعمى يه يوزلر سورمكه اذن
شريف ارزانى پورلدوغى تقر ييله قندهار واليسى يوركى خانك احوالى
نفس بيور بولوب سوء حركتى وعاقبت اول ملكته باعث فتنه اوله جفى
خاك كپاى دولتار ينه حقير انه افاده اولمش ابدى الحاله هذه بو عبد عاجز
قندهان وصول بولدوغم اثنا ده چوق كچمىوب طواف اغوان تجمع و يوركى
خانك ظلم وجور مالا نهايه سنه حمل و طاقت كتور مد كلرندن عاقبت
خدعه ايله كندوسنى قلعه دن طشره چقروب و بر محله جمه سى هجوم برله
قتل اولمشدر در بعد برتقر بى غرب ايله قلعه يى دخی الوب كندولرى
ضبط اولمشدر درو بو عبد حقير بگزى دخی بولوب بولدروب چفتل كدن
كشان كشان افتان وخيزان قندهان كتور ب حير اوكر ها كندولر ينه حاكم
وسردار اتخا ابلمشدر دروشم ديك بو بوزدن عصيانلى ثابت ولمغله جمعيت
عظيمه لى واردر اتحق بوبنده لى دولت شاهى نك خير انديشى وقوللغنده
ثابت قدم صداقت پرور برعيد مملوكى اولدوغم ر بى واشتبايه ميور لمىوب
بو بله بروقت اختلاله كندولر ينه برنادان و ناخق شناسى باش بوغ
ايتد بلمر بوبو عبد احقر كى شاهك صداقتكار بنده سنى اوزر لر ينه حاكم

نصب ابدکاری حالت ینه قوت بخت دولت گردند زریاب و قلاری اوزر لرنده
اولد چیه بواختللك دفع ورفعه جان و دادن سعی ایدوب انشاالله
تعالی حسن رای و تدبیر توسطیه هر مشکل اسان اولورو بوناثره فتنه اب
تدریج ايله اطفاء و سکونت بولوب کافی الاول مملکت شاهي نظام ماهوالمرام
ایله انتظام بولور لکن بو خصوصی صورت آخری ده خاکپای دولتکزه عرض
واقاده ایدر لر ايسه وجود ویرلمیه همان بوطر فلرک احوالی بوقواکزه
تقویض اولنوب بر مدت اغماض العین ايله معامله بیور بيله و تهویر ایدوب
خود بینلرک سوز بيله بولر برفتنه اوزر ینه عسکر کوندر لمیه زیر اجمله سی
ایاقده اولوب یا مقاومت سودا سبله قتاله جسارت ایدر لر و یا خود دوات
طرفندن عسکر گرت اوزن کله چکن ایشدوب مقاومت قدرت لری
اولدوغن حس ایدر لر سه الان بعضی یارینک اساتندن جاری اولدوغی
اوزن خوفه دوشوب سلامت لری ملاحظه سیله مملکتی هند پادشاهنه
تسلیم ایدر لر اخلاصه تدریج و تانی و حزم و احتیاط بوعقده مشکل
بتدک حلنده لازم و مهم اولمغه بوطر فلرک نظامی بوعبد عاجز لری ینه تقویض
بیور بیلوب اشارته جسارت اولندوغی اوزن بر مدت ایهال و ایهال
صورتنده تدریج و تانی اصولی قواعدنه رعایت اولنور سه عون حق ايله
و همت یی همتا کز بر له غایت سهولت اوزن مقصود و مراده ايسه حصوله
کاور مکاتبات و مراسلات عن جانب میراویس بارجال پادشاه هند میرقوم
اوتهدن برواغیا و اسخیا دن غایت ايله ممول هنده تجارت ايله مخصوص
کاربانی کاور کید و عنقا و نامدار کسنه اولمغه هند دولتی رجاله باخصوص
هند سرحد لرنده اولان ولات ايله دوستلق اوزن معامله طریق لرنده

۳۱ قصود و میوب کند و سنه وافر اشنا و احباب و خیر خواه پیدایش ابدی
پس انلردن مقرب پادشاه و نافذ الکلام اولانلره مودت نامه لر تحریر
و وساطت لریله وقعه مرقومه هند پادشاهنه عرض و اعلام اولمق
مناسب عد ابدی و معتمد و قابل خطاب سواله و جوابه قادر کند و سنه
خیر خواه کسنه لر ايله ارسال ایدوب هر برینه اقتضای لوزن حالنه
مناسب و شائسته لایق هدایا دخی فرستاده قلمدی مضامن مکاتب
بو صورتیه فراغ اولمش ابد بکه ماجرا تفصیلا شرح بیان اولنوب مفهوم کز
اولدقه بودخی معلوم کز اوله که بزم اغونلرک بوا مر خطیره جسارت لری ینه
باعث و بادی مجرد پادشاهان اسلامیان دن همجواری اولان پادشاه
علو الشان پادشاه هند حضرت لری نیک عنایت لری ینه مغرور ادر و وقت حاجته
غیرت دینیه مقتضایه امداد و اعانت و حمایه و عیانت پادشاهان لری
اغوانیان اوزر لرندن بی دریغ بیور ملری رجا و امید یله در و عهد
و اتفاق لری و قول و قرار و اتحاد لری بو کام بنیدر که اگر عجم شاه اوزر ینه
عسکر کوندر سه اغور دینه بذل وجود ایدوب دین باهره تحدییه
یولنده جهادی التزام ایدر زر و وافض بد نهادک تحت حکومتند اولمغی
من بعد قبول ایتیموب اهل اسلام دن بر پادشاه ذی الاقتدارک زیر جناح
حمایه سنه التجا ایدوب کند و مزه مسند و ملجا ابدینور ز و مملکتی دخی
دست مملکته تسلیم ایدر زردیونیتلرنده ثابت قدم لرو جمله سی یک دل و یک
جهت لردن پس وقوع و تانی اولنور که واقع حالی شوکتلو و قدرتلو پادشاه
اسلام پناه هند پادشاهی مروتلو افندیزک پیشکاه مکارم دستکاهلری ینه
تعبیرات حسنه بر له عرض و اعلام بیور سز و وافض بد فعال بزلردن اخذ

انتقام سودا سیه مضایقه ویرز سه صاحب چقه لری مقتضای غیرت
دینیه و لازمه شان و شوکت پادشاهانه لری بدر علی ای وجه کان ملک
حفظ و حراست نه عدم مکنیزی ادراک ایدوب طرف پادشاهلر بنه
تسام ایدرز قدینه برو کند و افند بلر یز در ورجال و اهالیسی بالجمله
دین قزند اشملر یز در انحق اول امر ده فسخ مصالحه جانبلرندن واقع
اولیوب صرف خزینه ایله عسکر تدارک وارسالده عجله بیور مسونلر
شمس پلاک دعای خیر ایله حسن همت پادشاهانه لری ونظر و توجه کما
اثار لری طرفره محض امداد و اعانت اولوب انشاء الله تعالی دعای خیر لری
توسط ایله اعدای دینه عاجزانه مقدور یز ایله غالب اولور ز اغوانیان دخی
وحشی قوم اولوب ایکی عسکر بریره کلد که بعضی قصا طهوری احتمالیله
شاید کد بعضیلری عجم طرفلرینه میل ایله باعث فتنه اوله منوال مشروح
اوزن واقع حال هند پادشاهی رکبنه عرض اولند که محظوظ اولوب
میرمرقومک ادملرینه کرکی کبی رعایت واکرامدن صکره مطلوبلر بنه
موافق جوابلری یز بلوب عودت اولند بلر میرمشار ایله بو گونه مکاتب
مدارات امینلر بله جانبینه خواب غفلت ایچون پستراحنی بسط و تهید
ایدوب اول جانبلر دن محمل الظهور محظوری برمدت تا خیر و تبعد ایلد که
ترتیب عسکر و تنظیم امور مملکت صرف مقدور ایدوب ایکی جانبه میل
و رغبت کوستر نلر دن دخی وافر کسینه لری قتل و استیصال ایلدی سفر
عجم در قندهار و سر عسکری خسروخان و محاصره قندهار برمدت
حلولنده میراویسک احوالی شاه ورجاله حقیقی اوزن عیان و عصیان
و طغیان روز بروز زیاده بولدوکی غایان او ایحق دفع ندیرلرینه مباشر
اولد بلر

۳۲ اولد بلر و بویامده سابق الذکر اسرا بیل اوری نام مسقوا با چوسی دخی
اصفهان کلوب نامه سن تسلیم ایلد که مضمونی مجرد مراسم دوستلغی
تجدید و احیایه محصور اولوب اچینک لساندن دخی مملکت دعوا سنده
وارمنیلره پادشاه اولق فکر و سودا سنده اولدوکی معلوم و بعضی
ارمنیلره پادشاه نسلند غم دیدوکی مطلق انلره تعظم و رعایت واکرامده
امتیاز بولق ملاحظه سیله ایدوکی محقق او ایحق شاه ورجال محظوظ
اولوب حدندن زیاده اکرام و ادای رسالتدن صکره نامه و یروب
عودت ایتدر د بلر اولد دخی ار درهان قلعه سنه وصول بولد که مرد اولمش
دیومتو اتر اولوب بو غایله لری بالکلیا مندفع او ایحق قندهار تسخیری
ایچون عسکر کوندرمکه قرار ویرد بلر وارکان دولتلی شقاق و نفاق اولد
یونمغله بوماده دخی کاه اتفاق و کاه اختلاف ایلری درکار اولوب انجامنده
کورجیلر انتقامنده کورجی عسکری مقدم اولور و کورجستان عسکر دن
خالی او ایحق اول طرفدن دخی امنیت کلی حاصل اولور ملاحظه سیله
مقتول یورکی خلیف قزنداشی اوغلی خسروخانی کورجستان
منسوب یله سپه سالار نصب و تعیین ایدوب بالجمله کورجستاندن
ندار کمنه قادر اولدوکی کورجی عسکر بله قندهار فتح و تسخیرینه
کوندرمکه قرار ویرد بلر لکن چون رجال عجمک امور مهه مشورتلی
عیش و عشرت و محاور جمعیتلری ادا اقداح می نابدن عبارت بر کیفیت
اولمش ایدی بو حال ناهمور لری البته اختلافلرینه بادی اولوردی بوندن
قطع نظر رجالک بفرقه سی هر حالده کورجیلرک علمیهند بولنق معتاد لری
اولوب فرقه مرقومه بود فعه دخی خسروخانک سپه سالار رنبه سپه رفیع

قلند یکنه حظ ایتموب عاقبت خسرو خان کورجی عسکر به قلندهاری فتح
ایلدو کی تقدیرده کورجیلره غرور حاصل اولوب اطاعت شاهیده ثابت
الاقدام اولمازلرد بو حجه صغری و کبری ایدیه انجامنده کورجی عسکرینک
معیتلرینه اون الی بیك قزلباش عسکری ضم والحاق و عباس قولی بك
اوزرلرینه باش بوغ تعیین و خسرو خان نه مصارف سفر ایچون مطلوبی
اولان ایکیوز بیك تومن اچمه فرقه مخالفه نك سوقیله بالکر التمش بیك
تومنه حصار و عباس قولی بك عجمه باش بوغ و جمله یه ناظر و مصرف
اولوب بیك یوز بکرمی دورت تار یخنده مشهد بولیله قلندار سفرینه عزم
راه ایلدیلرندارک کردن میراویس برای مقابله بالشکر خسرو خان میر
مرقوم عجم دولتی طرفندن قلندهار نسخیرینه کورجیان و عجمیاندن مرکب
لشکر و افره تدارک اولنوب صوب مأمور عزیمت اوزن اولد قلیزنی استماع
ایلد کده کندویه متانت و استحکام قیدنده اولدی اکیملری بیچدروب
ایچرویه الدی و عجم عسکری کلجکی یوللرده اون قوناق مقداری مسافه
یردن بالجمله محصولاتی درج و قلعه یه نقل و ساراوتلری اتشه و یردی
دورت بش سنه مدت کفایت ایدیه جک زاد و زخیره یی ایکی سنه ده جمع
ایتدی اطراف و اکنافده یول اوزرنده اولرده واقع قریلری صعب الطريق
طاغاره جقردی سواری عسکرینک اکثرینی دربندلره و کچدلره تعیین
ایلدوب کندو بنفسه بالجمله پیاده و بر مقدار سواری عسکر به قلعه یه
قیانندی عجم عسکری کچ کلکله میرمرقوم محاصره ده محتاج اولدوغی اوازمین
کرکی کی کوردی بعد زمان عجم عسکری اتنای خربنده قاسمه قریب وقتده
چقه کادی کوردیلر که قلندهار اطرافی جمله خراب کوی کندی قالماش عجم

عسکرینک

۳۳ عسکرینک کتوردکاری زخیره دخی قلت اوزن اولوب وادی حیرتده
سرکردان قالدیلر نه چان قلعه یی محاصره ایدوب جنکه مباشرت ایدیه
مجبور اولدیلر میراویس ایسه قزلباش عسکرینک کثرتن کوروب
وزخیره لری قلت اوزن ایدو کین بلوب طشره چقمغه مناسب کور میوب
قلعه دن جنک ایلدی فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه فندهار
و فرار کردنش و انهرام شدنش قلعه متانت اوزن اولوب مدت مدیده
محاصره یه محتاج ایدو غن عجم عسکری ادرک ایدیه جک مایوس اولدیلر
و بویامده زخیره لری دو کینوب اطراف و اکناف دخی یک پان خراب
اوتلری یاخش بولنوب ایام شتا دخی تقرب ایتیمکله عجملرک احوالی دیکر
کون اولدی نه طور مکه قدرت و نه عود ته مکنت حیزتصور اولدی
میان عسکرده ظهور فتنه و خسرو خانه قصد هجوم مقرر اولیحق مشورت
ایلدوب قلعه نه بخیری سودا سندن چارناچار فراغت ایتدیلر برای
سلامت عجم عسکری بریولدن عازم راه اولدی کورجی عسکری دخی
ایکی بلوک اولوب بر بلوکی مهمات ایدیه اخریولدن کیدوب خسرو خان
دخی الی بیك کزیده کورجی عسکر به قفادار اولدی عسکره ناظر اولان
عباس قولی بك اختلافی کوروب قلندهان هرار و عجم عسکرینک حال
دیکر کونندن نفیر و قطمیر چاچاق خبر و یردی میراویس دخی بالجمله
احوال عجمه و سلامتیله عودنلر بنه وسیله اتخاذ ایدند کاری طریقلرینه
ونجاندلری امید به واقع رای و تدبیر ناصوابلر بنه واقف اولیحق فی الحال
سواری عسکرینه خبر کوندروب یاتنه جمع ایتدی و سکر یوز عدد مایه
دوه احضار و انلره ایکی شش ادم بندردی و زنه برق تعمیر اولنور برقاج عدد

طوب دوه لره تمیل وکند و بنفسه عسکرینک اوکونه دوستوب عجم
 عسکرینه قفادن وصوله اقدام تام ایتدی سپه سالار عجمیان اولان
 خسرو خانه ینشوب حمله و هجومه مسارعت و جنگ وجدالده دلیرانه
 غیرت ایدوب عاقبت خسرو خان منهزم و مقتول و کورجیاندن بش
 یوز نفر مقداری چاپک فرار سلامت بولوب باقیلری جه قطع شمشیرتیز
 اولوب یانلرنده موجود مهمات سفیری لری تمام امیر اویس طرفندن اخذ
 و ضبط اولندی ایتسی کون قزلباش عسکری راهی اولدوغی یوله مبادرت
 ایدوب انلرک دخی باش و بوغلری اولماغله بدرلو دشمندن احتیاط
 ایدوب جنگ نظاملری بولنمیب علی الغله اوزلرینه حمله و هجوم ایتدکارند
 بدرلو مقاومت اقتدارلری بولنماغله ایلرندن بر فرد خلاص بولمیب
 جمله سی اغوانلر الله مقتول اولدیلر بعد اغرلق ایله کیدن کورجی عسکرینی
 قعقیمه متوجه اولدیلر لکن خسرو خان معارکه سندن سلامت بولان
 کورجیلر بولره ملاقی اولمش و ماجرادن خبرالمش بولنماغله مهمالکن
 مدافعه ندارکنده اولملر بله اغوان عسکری اوکارینی سد ایتد
 قیدنده ایکن السفور الما بوس فهو اسفجه جمله کورجیانیک دل و یک جهت
 سل شمشیر ایدوب اغوانلر اوزرینه حمله قلدیلر اغوانلر ایکی شق اولوب
 بو طریق ایله کورجیلر یول بولوب میانلرندن کچوب کیتدیلر چون
 اغوانلره دخی بر قاج کون ایچنده وقوع بولان وقایع تعب و زحمت و یروب
 کند ولرینه نوعا ضعف و همتلرینه فتور عارض اولمش ایدی پس
 قحانلری قومیه لم عنایت حقندن بوقدر یوز اقلنی بزه نعمت عظماد
 بونک شکرین بله لم دیوب کورجیانی تعقیبدن فارغ اولدیلر و سالم اشد

۳۳ و مسرور قندها رجعت و اموال غنائی جمع و نقل ایدوب تقسیم ایتدیلر
 غنیلر اولوب شنگلکار ایلدیلر و بوندن صکره دخی میراویسک و فائنه
 کافجه الییدی سنه مرورینه دکن هر سنه عجم طرفندن قندها تسخیرینه
 عسکر تعیین و ارسال اولنوب با حکمت خدا قزلباش عسکری هر بار
 مغلوب و منهزم کیدر لردی وفات میراویسیدی سنه مقداری زمان میر
 مشیر و نامدار مقرر حکومت قندها رده استقلال اوزن قرار داده اولوب
 حسن رأی و ندبیر بله عجم دولتی کبی بر قوی الاطوار دشمن ابله مقاومت
 اقتدار حاصل ایلش ایدی بواننده میرمرقومک بنای وجودی تعاقب
 امراض ابله متزلزل اولوب مشرف انهدام اولماغله بالین اجله سر نهاده اولدی
 بو حالت ملات ماثربالمله اغوانیه حزن و کدرو پروب غایت ایلر پریشان
 انظار اولدیلر پیرو دنا لری عیاده سنه ملازمت ایدوب امورلرینه توصیه
 و پند و نصیح نیازینه مداوم اولدیلر میرمرقوم ضعف درونلرینی مشاهد
 ایدیمکینه تقویه و تسلیمه لرینه باعث نصیحتلر و امور جمهورلری قوام
 و دوامنه بادی و صیتلر ایلدی اولامور پکزی جناب حقه نفویض
 ایدوب طریق جهادده بذل مقدور ثانیاهر حالده همتکزی عالی ایدوب
 جمله کز متفقیك لحم و یک جسم اولوک من بعد و افضیه سرفرو ایتیموب
 جان و با شکر ایله دفع مضر نلرنده اجتهاد ایدک عجم دولتی رجالی شقاقدن
 نری و با جمله خلقی نفاقدن خالی اولمیب دولتلری مشرف انهدام اولمشد
 انلرک کثرتندن و حشمت کاذبه لرندن سزه و حشمت و دهشت طاری
 اولمیه سز اتفاق قلب و اتحاد درون اوزن حرکتده اووب متوکلا علی الله
 انلره غالب اولوب اصفهانده دخی ظفر یاب اولور سکر مقوله سی و صیاددن

صکره وفات ایدوب دار بقایه انتقال ایلدی جلوس میر عبد الله در تخت
قندهار چون میراویس وفات ایلدی برینه قندداشتی میر عبد الله مقرر
حکومت قندهارده استقرار بولدی و میرمرقوم باطبع جنگ وجدالی
سومیدوب راحت حضری تعب سفره ترجیح ایدوب بر قاج ایام مرورندن
صکره اغوانلری یاتنه جمع و علی طریق المشورت بویه بسط مرام ایلد بیکه
هر بار جنگ ایدوب بویه قورقورلوز چتلمر چکمدن مراد یز اوزن عجم ایلد
مصالحه ایدوب راحت و امنیت اوزن اولمق یزه اولی دکلیدر شمد بیکه
حاله قنداشمک وفاتی تقریبیه بو مقصودی تحصیل سی ایدجک بر
فرصت دروغالب احتمال بودر که شاه بویه سوز یزی رد ایتیمه پس بر
ادم کوندن لم شاه قندهار اولکک سنی توابع لر بیه بزم و اولاد و اولاد یزک
تصرفند ابقا ومن بعد ارامزه قزلباش قار شیموب تکالیف شاقه بی
دخی اوزر یزدن رفع ایدوب سنه ده شاهک خزینه سنه وانی دخی کند و مز
تحصیل و تسلیم شرطیه بر مقدار و معتدل حقوق دیوانیه و یروب وجه
مشروح اوزن شاه ایلد صلح و صلاحه طالب اولسک مناسب و شاه دخی
ما مول اولنور که بوضو رند صلحه قایل و راضی اولور دبد کند اغوان
طائفه سی میرمرقومک بو گونه کلامندن حظ ایتیمه بیدلرند اختلاله
یادی و میرمرقومک حقنه جمله نک محبتی عداوت منقلب اولوب درونلری
نفرت و برودت اوزن اولمغه یوز طوئدی و وافض النندن رها بولش ایکن
ینه رعیتی قبولدن غیر یوز یزه قار شو چهار یار کزینه شتم و کوز یزه قارشو
اهل و عیال مزه دست درازلق و ادنا بهانه ایلد بزم ایلد معاهدی فی فسخ
ایدجک لری امر محقق ایکن صلحه نچه راضی اولم دیو بیدلرند چوق گفت
و کواولدی ومن بعد جهاده بیدل مجهود ایلد افناء عمر ایدجک لری بیری

برلر بیه

۳۰
برلر بیه عهد و میثاق ایلد بلر لکن میر عبد الله بویه گونه عزیمتند مصر
اولوب و اغوانلندن بعضیلرینی وعد و وعیدلر ایلد و ای وند بیرینه رغبت
ایتدر دوب طرفکی لر غنه میل ایتدر مش ایدی و بو مضمونی متضمن مکتوب
یازوب بر معتمد ایلد حقیقه شاهه ارسال ایلد اوزن ایدی بیان احوال
میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوسش در تخت قندهار اول شاده
میر محمود اوزن سکزیاشند بر نور سید جوان بولنوب عوجه سی میر
عبد اللهک تحت تربیه سنه ایدی زیر ایدری میراویس وفات ایلد که
ذکور دن اوج اولاد ترک ایدوب بونلر ایچنده محوده میل و شفقتی غالب
ایدی و جمله جنگ کرده بدر بیه معابولنوب جنگه استعدادی کاله ایدی
قنداشنه سپارش و یاننده یو یوب تربیه اولمقی و صبت و ودیعه ایلش
ایدی بولناده محودی اغوانلر ما و قعدن ایقاز ایدجک لیل و نهار
عوجه سی مجلسلرینه مداومت ایدوب بوسره واقف اولمغه جد و اهتمام
ایلدی عاقبت بر کون یازیلان مکتوب انه کیروب مطالعه ایلدی بوسری
کتم ایدوب مترصد فرصت اولدی بر کون اراق بولوب قلیجن اله الدی
عوجه سی میر عبد الله او یقوده ایکن قتل ایلدی دیار عجمک بعضی سر
حد لرند و قندهارده دخی معتاد قدیلری بویه در که شهرک میداتند
نواقت تعبیر اولنور بر یوکسک قول بولنا ایدرلر و اول قوله اوزر بینه ایکی کوس
وضع ایدرلر شاه طرفندن و یا غیریدن خلقه اعلام اولمقی بر امر مهم
واقع اولسه اول کوسلری ضرب ایدوب صداسی اشدلد و کی برله جمله
ناس اول میدانه جمع اولورلر پس محمود عوجه سی قتل ایلد و کی برله
مکتوبلری انه الوب سرعت ایلد نواخته چقدی کوسلری ضرب ایدوب
جمله اغوان اول محله کلوب جمع اولدی میر محمود دخی او قور یازار دانش

از باندن اولمغله نصرت و فريضه جهاده دارنچه نچه ايات قرآنيه و الجهاد
 حرفتى و خلقى حديث نبويى قراءت ابدوب فضيلت جهادى شرح
 و بيان دن صكره عم مير عبد الله قومنه خيانت ابدوب كند و ذوق
 و حكومت بر قاج كون را حنى فكر بله بزي ينه و افض النه و يرمك استر
 ديوب مير عبد الله شاهه يازدوغى مكتوبى اغوانلرك اليه ويردى
 و صوت بلند ايله اگاه اولك كه بن انى قتل ايلدم ديد كه اغوانلرك مكتوبى
 او قريوب مضرونى مجودك تقرير بنه موافق بولنوب و فى الاصل مجود پدى
 زمانه واقع معارك لك جمله سنده موجود بولنوب دانند شجيع و فارس
 و جمله نك كند و سنده ميل و محبى دخی در كار اولمغله مجود اون سكر
 ياشنده حاكم نصب اولنوب جمله سى بيعت ايلد بيلر و سنابوك قزنداشنى
 قند هار و اليسى تعيين ايلد بيلر وجه مشروح اوزن مير مجود تخت قند هارده
 استقرار بواجق شاهه مكتوب ياز مقدمه مير عبد الله ايله متفق اولانلرى
 بكان يكان قتل ايلدى و عسكر نظامى قيدند اولوب اول مرده جوار
 قند هارده واقع حضارى تعمير اولنور و افض اغوانلر اوزلر يينه سفر ايدوب
 انلرى نهب و غارت ايله مشغول اولدى طوايف مرقومه شاهه احوالارىنى
 عرض و افاده و استمداد ايلد بيلر شاه طرفندن اهمال و مسامحه اولنوب
 فر يادر سلى اولما مغله اخر انلر دخی اغوانلره تابع اولوب يك دل و يك
 جهت اولد بيلر عجمك مشكلى برا بكن ابكى اولدى اغوانك متفق اجناسى
 دخی ابكى ابكى اوچ اولدى سقر كردن عجم فى الدفعة الثانية براى
 تخليص قلعه قند هار و سر عسكرى صفى قولى خان و احوال فرزندش خان
 نوجوان چون اغوانياندن اوچ طايفه متفق الحال اولدوغى خبر دولت
 شاهى يه واصل اولد كه بوماده كند و لر بنه زياده كدر و يروب مشورت

ايلد بيلر

۳۶ ايلد بيلر اغوانلر على حاله بر مدت دخی ترك و اهمال اولنوب علاجلى
 گويامد و كى تقدير جهه عاقبت دولت شاهيد برفتنه عظيمه و وقوعه باعث
 اولورلر بونلرك ندر كى كور بيلوب دفع مضرتلى امور مهامدند و باى
 طريق كان كور لملودرد يوقرار و يرد كارندن صكره كليتلو و عسكر تدارك
 اولنوب صفى قولى خان سر عسكر تعيين اولنوق اوزن اتفاق ايلد بيلر
 مرقوم صفى قولى خان مقدمه ماصفهانده حاكم اولوب رجال دولتلرينك
 امورد بده و كاراز موده معتدل و دانا كسنه لى ايدى شاه حسينك كوتند
 رجالك ابكى فرقه اولوب اختلافلى تقريريله عزل اولنوب كند و
 خانه سنده كوشه و حداثه منزوى اولمش ايدى بود دفعه سر عسكر لك
 تكليف و ايجاق قبول ايتدى بعد شاه حسين طرفندن صفى قولى خانك
 اياغنه خلعت و عادتلى اوزن جواهر ايله مرصع تاج كوند بيلوب نامنه
 سر عسكر لك منشورى يازلدى خان مرقوم يينه قبولدن اجتناب
 و بوندن اقدام خصوص مزبون تعيين اولنان سر عسكر لر بوايشك
 عهد سندن كلكه قادر اولد بيلر زير اسر عسكر لر امور لر نده مستقل اوليوب
 اوزلر يينه ناظر نصب اولنوق سر عسكر ك مرادلى اوزن حر كتمه مانع بر امر
 ناصوابدر مطلق طوايف عسكر سر عسكر دن خوف و رجاده اولد قجه
 جنك شد تنه تحمل ايتز بوندن دخی استنوع بودر كه مادامكه دولت شاهى
 ابكى فرقه مختلفه در دشمندن اخذ انتقام بوجهله حيز تصور دكلدر
 زير ابو صورنده سر عسكر اولانلرك چار و ياتهاون اوزن اولوب غالب و مغلوب
 اولمى بكساندر على كلاله تقديرين فرقتينك برى خلافتده بولنسه
 كر كدر و بن دخی بو خدمتك عهد سندن كلم ديو عذر لر بيان ابدوب

سر عسکر لکن ابا ایلدی ینه رجال دولت مشاونه رغبت ایدوب
بو خصوصی مکالمه دن خالی اولد بلر لکن کند و جنسارنده صغی قوی
خاندن غیری بوا مرد شوارک عهد سندن کله جک برکسینه بولنیوب
مر قومی ارضا والزام قیدنده اولد بلر التزاملری فایده و یرمیوب حیل
طریقلرینه ذاهب اولد بلر مکر صغی قوی خاتک اون بدی یاشنده
بر نوجوان اوغلی وار ایدی جمله نیک اتفاقیه اوغلانه خاتلق و سر عسکر لک
و یرمک مناسب کورلدی تا کم بو طریقیله پدری اوغلونه اولان محبت
مقتضای سنجه غیرته کلوب و سفره معاکیدوب امور بنه نظارت ایدی فی الواقع
جوان نور سیده شاه جمجاه جانیندن خلعت و مجوهر تاج و خاتلق
متشوری و سر عسکر لک عنوانیه مکرم و ایحق قبولنده مسارعت ایدوب
پدرینک یاغنه دوشدی هزار و صد هزار رجا و نیاز لر بله پدرینک
گوکل میل ایتدردوب سفره معاکمک اوزن ارضا ایلدی پس پدری صغی
قوی خان لغا مالکم و اولاد کم غتنه لکم ایت قرانیه مفهومی اوزن فرزندینه
اولان میل و مودت سوقیله مهماتن کورمکه مباشر اولوب انجامنده
معتاد لری اوزن شاه جمجاه طرفندن عالی ضیافت اولوب مرصع تاج
کیوب قلیق قوشانوب دو تمشات و یربلوب و اولاته سوار اولوب شاه
سرلیدن اول کونده مکمل الیلر ایلد قزویندن چقوب راه مشهد و هرات
ایله عازم سفر قندهار اولد بلر صغی قوی خان اوغلونی امور سفره
قطعا قارشد و میوب جمله مباشرتی بالذات کندوسی التزام ایلش ایدی
فی الحقیقه خان مر قوم مالک ایرانده نامور و جمله نیک عندنده معتبر بر صاحب
رئی و ند پیر کسینه اولمغله سرای شاهیده اوغلی قاچ قوشانوب تاج

و خلعت

۳۷ و خلعت کیوب بو کونه التفات شاهانه ایلد ملتفت اولد و غندن نفس
قزویندن و طراف و اکنافدن ذکور و انانیدن الیلری سیرینه بی حد و بی
شمار خلق جمع اولوب حاضر اولمشلر ایدی وجه محرر اوزن صغی قوی خان
واو غلی سر عسکر نوجوان خان اون لئی بیک قزلباش عسکر بله اصفهانندن
چقوب مکتب و شاقلری دخی حاضر و آماده کی پشروکی پشروکی مین و کی
میسر فریاد فغانلر و صوت بلند ایلد دعالر ایدرک چقوب کیتد بلر انهم عسکر
عجم و قتل شدن سر عسکر صغی قوی خان و فرزندش نوجوان خان حضاری
اغوانی عجم عسکر بنک و رودی خبرن اشید یجک فی الحال میرمچوده واقع حالی
بلدروب استمداد ایلد یلر میرمچود دخی قطعا توقف ایتمیوب امداد لر بنه
عسکر تعیین ایدوب عجم عسکرینک استقباله مبادرت ایتد یلر صغی قوی
خان عسکرک روحی مثابه سنده اولمغله عسکر دن منفک اولمازدی اوغلی
ایسه نوجوان اولمغله اوچموز نفر مقدار سواران فارسان ایلد صید و شکار
ایدرک عسکر دن ایر یلوب ایلروده بولندی کیف ما اتفاق اغوانلرک قره
غولنه مصادفت ایدوب بلا توقف هجوم ایتد یلر طرفیندن جنک
وجدال اشتهاد بولیحق خان نوجوان اغوانلر انده مقتول اولدی سایر
معبتنده اولان قزلباشلر دخی هلاک اولوب بشالنی نفر چاپک فرار لری
کوجیله قورتلوب صغی قوی خانه بو خبری ملالت اثری بلدرد یلر استماع
ایلد و کی برله مد هوش و لای عقل عسکرک تربیب و تنظیمی مهمه سنی فراموش
و بومهلکه دن غفلت ایدوب در حال سل سبف ایلد اغوانلر جانبینه
وصول شتاب ایلدی عجم عسکر صغی قوی خانک کمال غضب و تهور
ایله عنان اختیار ی الدن کیتد و فن کور و ب سرعت ایلد پیر و اولد بلر

اغوانلرك دخی میراسد الله نامنه برکسنه لری وافر عسکر یله کلوب
امداد لر بنه بنشدی ایکی عسکر ملاقی اولیحق صغی قوی خان جبهه
عسکرده بولمغله جمله دن اول اغوانلر ایچنه اوغرایوب جنکه اقدام ایلدی
بازار کار کزار قتال رواج بولمغله صغی قوی خان قتل اولنوب عجم عسکری
منهز مافران یوز طوندی جزئی عسکر قورقلوب اکثری هلاک اولدی لر
اسد الله مهماتی اخذ و جمع ایلدوب ولایتنه نقل ایلدی اغوانلر بویوزدن
غنیلر و عظیم شاد و مسرور اولدیلر من بعد اغوانیان قلب قوت بولوب
عجملرک بخنی اولجانبه برکشته اولدی ند بیرر حال عجم برای سفر در جانب
اغوانیان و سر عسکری لطف علی خان و احوال جزیره بحرین بو خبر
موحش عجم دولتک سمعنه لاحق اولیحق غایت ابله مکدر و پریشان
الطاهر اولدیلر و من بعد بودردک علاجی ند بیرنه عاجز قالدیلر نه چاره
ینه مشاؤون مجالسی قورقلوب ند بیرنه باشلدیلر اغوانلری علی حالهم ترک
آتمک دخی بر طریقیله مناسب کورلیوب وار قوتی بازویه کتور مکله یینه
کلبتلی عسکر و برمد بر سر عسکر تعیین اولمغله اوزن قراروردیلر واعتماد
الدوله نکه انشته سی لطفی علی خانی جمله سی مناسب کوروب مأمور قلدیلر
عسکرندارک اولنوب مهمات سفریه کوریلور ایکن جزیره بحرین
جانبندن فریاد جیلر کلوب جزیره مرقومه یی بر قایح سنه دن برو مسکت
امامی عجم الندن الوب ضبط ایلد و کندن غیری بندر عباسه تعدالی
حدن بیرون اولمغله تقدیم اهم الزمدر ملاحظه سیله خان مرقومک
کوریلان ندارک ابله بحرین سفرینه عزیزی اولی در دیو بعضی رجال دولت
پورای و ند بیرنه ذاهب اولمغله بنه اثار شفاق میان رجال طهون کلوب

مصاحبتک

مصاحبتک فوئنه باعث اولدی و جزیره بحرین بصره دن اشاغله بحر
فارسک ساحل غریبسنده ساحله قریب مخرج در مرورد بر محل اولوب
وقروده دخی بر قایح ناحیه توابع لرلی اولوب بوجانبه سفر قندهان
سفر دن اسهل کوریلوب قریب مسافه ده بولمغله اکثری رجال بحرین سفری
تقدیمی ترجیح ایلدیلر اسناد عجم از دنمای پورتقال لکن جزیره مرقومه یه
عجم دولتک عسکر و مهمات نقل ایتدن جنگ سفینه لری اولیوب دیو
جزیره سنه ادم کوندروب پورتقال کفره سندن اجرت ایله سفینه لر
طلب ایلدیلر پورتقال دخی شاه عباس زمانندن شاحسپنه کجه عجم
شاهلری طرفندن زه ویرله کلدوی صریهی و یروب ایلدیلر بکتر تقدیرده
نه مقدار سفینه اسر سکر و پرزدیو جواب ایلدیلر کله ایچی مرقومک
یویابله رخصتی بولمغله در عهد ایلدی و فی الحال سفینه لری حاضر
واماده قلنوب یوله روانه اولدیلر قرق اللی بیك مقداری قزلباش
عسکری دخی صوب مأمورلر بنه روانه اولدیلر بندر عباس قریبده
ساحل بحر و وصول لر نه پورتقال سفینه لری دخی کلوب او محله بنشدیلر
جزیره بحرینه مرور مراد ایلدیلر کله سفینه لر اوزرینه باش بوغ اولان
قیودان وعد اولنان ایچنه نکه کلدوغن خبر الدوی برله سفینه لر بی الارغه
ایلدوب کسنه یی سفینه لر المدی لطفی علی خان دخی یوله روانه اولدوغی
برله خلا فنده اولان فرقه فرجه بولوب شاهم بحرین ایچون بو قدر ایچنه
پورتقاله ویرمک مناسب دکلر بواقچه بوندن اهم بر مهمه صرف
اولنسه اولی در و بونک بر مقدار بی مسکت امامنه ویردیکم تقدیرده
جزیره یی طرفه رد ایلدوب مجدد اصح و صلاح دخی عقد اولنور مثالو

سوزلر بله اچهنك دخی ویرلمه سی منع اولنش ابدی پور تقال قیودانی
 اچهنك كلدوكن تحقیق ایلدوکی برله کیلرینی یلمکن ابدی دیوه عودت
 ایلدی قزلباش عسکری خایب و خاصر بقه قالدیلر آمدن میرمچود بکرمان
 و محاصره و تسخیر کردن کرمان و جنك کردن بالشکر لطفی علی خان وانهزام
 میرمچود و فرارش در قندهار بوار القده میرمچود کرمانه کلوب محاصره ابله
 کرمان شهر بنی و قلعه سنی الدی عجم عسکرینك فی الاصل مقصودی
 بوابدی که بحرین فتحی میسر اولد قده کرمانه کیلر واندن کرکی کی ندارك ابله
 قندهان و انلر چون میرمچودك کرمانی الدوکی خبر سر عسکر لطفی علی
 خاتك معلومی اولدی عجم عسکر بله سرعت ابدوب کرمانه واصل اولدی
 عجم عسکری و فرت اوزن بولمغه اغوانلر ابله عظیم جنك ایلدیلر عاقبت
 غالب اولوب کرمانی الدیلر مچود دخی منهزم اولوب قندهار جانبینه فرار
 ایلدی نفاق رجال عجم در حق لطفی علی حان چون بو خصوصی لطفی علی
 خان شاه دولتنه عرض ایدوب و عسکره علوفه و ذخیره طلب ایلدی
 لطفی علی خاتك خلافت اولوب حسد ابدنلری شاهی اغفال ابدوب میر
 مچود دن النان غنائم و اولطر فلده ندارك اوانان ذخیره کفایت ایدردیو
 شاهی اچهن ویرمدن منع ایلدیلر لطفی علی خانه کیفیت احوال معلوم
 اولمچو عجم رجالینك کرماندن شیرازه کلجه هر نقد رمالکانه و چفتا کلاری
 بولند یسه جمله سنی غارت ایتدوب ذخیره لرین عسکره توجیه ایلدی
 و بولار کی دوه و سائر حیواناتی اخذ ایدوب خلافت اولانلر و غنائم عسکره
 اعلاوفه لرینی و بخشش لرینی دخی ندارك ابدوب توزیع ایلدی بعد عسکری
 الوب شیرازه روانه اولدی شیراز شهری اصفهان دن اون ابکی قوناق
 مسافه ده اولوب عجم رجالی اصفهان لطفی علی خاتك بو گونه حرکتی اسماع

ایلد کارنده

۳۹ ایلد کارنده مرقومه بغض و غرض و کین وعداوتلری قات اندر قات اولدی
 و شاهه واروب لطفی علی خاندن شکایتلر و اظهار نظرلر ایلدیلر خان
 مرقوم ما مور اولدوکی جانبیه کثیموب ولایت خراب ابدرك شیرازه بو گونه
 حشمت و قهور ابله کلدوغی دماغنه فساد اولدوغنه علامت در دبدیلر لکن
 شاه بود فعه مرقوملرک سوزلرینه التفات ایتیموب اغوانلره غالب
 کلدیغندن غایت ابله شاد و مسرور اولدوغندن لطفی علی خاتك
 هرند کلو جرمی و ارایسه ده عفو ایلدم دیو جواب یرمکله مسفورلری
 اسکات ایلدی بیان احوال اعتماد الدوله فتحی علی خان و تزویرات رجال
 عجم در حقش لطفی علی خاتك خلافت لری شاهك بو گونه مودت امیز
 کللا من استید بچك نار حسد لری ثور سینه پر کینلر نده اشتعال بولوب
 اتش غرض ابله اذوب یا قلوب هلاک اوله یاز دبلر نه چان بنه بو گروه مرد
 بریر جمع و مقتضای بد نهاد لری اوزن مشورت و لطفی علی خاتك علیه نه
 باش و جانلر بله حمله ندیرلر نده و ارمقدورلرین صرف ابدوب لطفی
 علی خان حالا اعتماد الدوله ك انشته سی و مخصوص چراغ افروخته سی
 و اعتماد الدوله دخی شاهك نظر کرده سی و معتمدی اولوب خان مرقومه
 سر عسکرلک ابقا اولوب بد فعه دخی اغوانلره غالب اوله جك اولورسه
 شاهك کایتیه میل و محبتی و نلرک جانبیه منعطف اولوب بولر بزه غالب
 و سوزلری حقمزده نافذ اولوب مضرتلری محقق اولور مثال سوزلر بله
 بری لرینی تحریص و تحریک ابدرك حمله بوللر ندهك و تازایتدیلر عاقبت
 حمله و تزویرانیله بوماده لری تشبیتی طول و درازد شوارا حل مشکل
 الفصل بر صورت افراغ ایلدیلر چون بوانند شاه حسین دخی بالحملة
 رجالیه اصفهان شمال پسند اون ابکی قوناق مسافه ده واقع طهران شهر نده

مکت و اقامت اوزن ابد بیلر بوفرقه ضلالت طریق محل و مقامه مناسب
حیله نصیم ابدوب منلا باشی و حکیم باشی و سادطلمر بله تشبته بوسیاق
اوزن مباشر اولد بیلر اولاسوه قصدر بنی اعتماد الدوله ثانیانسته سی
و چراغ افروخته سی اولان لطفی علی خاتک حقنه اجرایه قرار و یرد بیلر
منلا باشی و حکیم باشی ایسه اندرون سرای شاهیدن معدود مقر بلردن
اولمغه حضور شاه یه وارملمر بنه عاد تا مانع و مزاحم اولیبوب برکون
ایکپسید پیشگاه شاهید مندلر بنی چقاروب فریاد و فغانه باشلد بیلر
و اعتماد الدوله طرفندن حدود عثمانیه یه قریب محله ساکن اکراد
بکلمر بنه یازلمش بر قطعه مکتوب شاهک الله صوند بیلر مضمونده اوتهدن
برو بنمزده معهود و مکتوم اولوب فرصته مترصد اولدوغر خصوصک
حصولی روغ اولدی همان عجاله اوج نیک لالو تدارک ابدوب بران اول
طهران عزیمت و وقت ایلمه شاهک سرانیه سرعت ایدوب جمعه عالم پستر
راحت و شاه و توابع خواب غفلتد ایکن سرایه هجوم و دخول و شاهی
اخذ و صرف همت ابد و سر دیو تحریر اولنش ایدی مضمون مکتوب
شاهک مفهومی اولیحق مبهوت و متخیر ساده دل اولدوغندن حیله
احتمالی فکرندن غافل نه ابد و جک و نه دپیبه جکی بلدی بنه مرقومان کار
کزار بازار حیله یه راه و یرمده جد و اهتمام ایله کوردکی می شاهم معتدک
اولان اعتماد الدوله سکا نه رنبه خیانت و جسارت ایلدی لطفی علی خاتک
بونجه عسکر یله شیرازده جمعیتی مجرد بونک را پیله در مرادی مطلق سزی
کوردلر ماخذ ایتدردوب کندوسی دخی شیرازدن عسکر بله عجاله کلوب
اصفهان ضبط و تسلطندرو بونک قیدی کورلمکده عجله بیورمکراهم
مهامدند مکتوبک حیله یه احتمالی عدم امکانده دوزیر اعتماد الدوله نک

۴۰ کند و مهر یله اولدوغی مشهود بیکزدرفی الواقع دقت ایله مکتوبک مهری
شاهک منظوری اولد قده اعتماد الدوله نک مهری اولدوغی لاشبهه اولیحق
شاهه اعتماد کلوب در عقب قوریچی باشی بی احضار و اعتماد الدوله نک
سرمقتوعن حضور شاه یه کتورمک اوزن فرمان ایلدی قلع کردن
دیدن کان اعتماد الدوله بنفاق رجال عجم بنه مفسدان مرقومان رجاء
طریقنه سلوک یله بناء ترو یرلر بنه استحکام و دروغ بی فروغلمری کشف
اولماق ایچون برقات لباس حیله دخی لباس ابدوب شاهم تهور یله قتل
اولسون باری کوزلرین چقارمق ایله اکتفا اولسون دیو نیازمند
اولد بیلر و بویله اولسه دولتک دخی کند و سندن سوالی لازم بجه امور
معطل و بونجه مال و منال و جوهری ضایع اولماز دیو دلیل چکد بیلر
و بوا ثناده هر چند که شاه اعتماد الدوله بی حبس و یا خود حضور بنه
کتورمک مراد ایلدی مرقومان دامن غیری در میان ابدوب شاهی منع
و عاقبت ایکی دپه لرین چقاردوب بو حال ایله جبر ایتدیلر شاه بو حالت
غریبه ظهورنده کیتد کچه فکر و اندیشد بھرینه طالیدی کاه نار غضب
و تهور یله یاندی یا قلدی کاه خطا اولق احتمالی خاطرینه خطورایله
ندامت چکدی و بویله بر مجرب الاطوار صادق قولندن بو گونه خیانت
صدوری حیزامکا نیدرد بو ملاحظه یه واردی مکدر الحال و مضطرب
الاحوال اکل و شرب و خوایی ترک بیدوب اول کچه کند و سن محافظه ایتدردی
و بوجبه تفکر بله نجه قالدی عاقبت عجله ایلد و کنه پشیمان اولوب
منلا باشی و حکیم باشی بی احضار و سزی بیوماده ده غالباً خطایه سوق
ایتد بکزد و بونک حقیقتنه واقف اولق اقصای مراد مدار اعتماد الدوله
کوزلر بنه نهار اولسون دبو حکم تنبیه ایلدی احضار شدن

احضار شدن لطفی علی خان ارشیراز و حبس شدنش در شهر اصفهان
بواثنا ده شیراز حاکم منته رقم یازیلوب لطفی علی خانی اخذ و قید
و بند ابله اصفهان و کوندر ملک اوزن تنبیه اولندی شیراز حاکمی مضمون امری
عمله کتور ملک طر بقلر بن تفکر ایدوب برکون لطفی علی خانی آورد و سندن
خانه سنه دعوت و کند و سنه بر عالی ضیافت ترتیب ایدوب اثنا
محبته بر مقدار خلوت و مجلسی اغیار دن تعی قلوب شاهدن لطفی علی
خانک حقنه صادر اولان امری النه و یردی خان مرقوم مضمون امره واقف
اولحق قطعاً مخالفت سمتن کوستر میوب عاد نلری اوزن ابکی اللری نری بری
اوزن نه وضع و سمعنا و طعننا دیوب امر شاهه تسام اولدی بو منوال اوزن
اصفهان ارسال اولنوب محبوس قلنددی دیوان کردن شاه و مرافعه
شدن خصما با اعتماد الدوله بویامده اعتماد الدوله نک خلا فکیر لری فرصت
یابلر اولد قچه اعتماد الدوله حقنه نفاق و نغمه و انواع حیل و تره برائیل شاه
حضورنده مدعای نه فروغ و تقویه و یرمه دن خالی اولم دبلر لکن شاهه
بوماده ده شبهه عارض اولوب غرض فاسد اید و کنه بر مقدار میل
و یرمش ایدی اولاجلدن حزم و احتیاط و بوماده نک حقیقتنه بعد
حرب الکوفه واقف اولمق ایچون غلبه دیوان اولسون و هر فرد بلد و کنی
و کوردوغنی حضور شاهیده اعتماد الدوله نک مواجهه سنه ایراد ابلسون دیو
تنبیه ایلدی چون اعتماد الدوله نک قلع اولنان دبله جهان دیدلر پنک
یاره لری بر مقدار ابوجه اولمش ایدی بر دیوان عظیم قوریلوب انک دخی
احضاری مراد اولنوب خصما سیمله رو برو حضور شاهیده مرافعه
اولملری فرمان اولندی شاه دخی دقت و اهتمام ایدوب ندرج و تانی اوزن

طریقینک

۴۲
نویانی اوزن طریقینک سوال و جوابی فهم و ادراک ایدرک سمع بصیرت
ایله بود عوایی استماع ایلک مراد ایلدی دیوان قوریلوب جمله رجال
واعیان وار باب دیوان جمع اولد قده اعتماد الدوله نک دخی کوزلرین
بغلیوب کشان کشان حضور شاهیده دیوانه کتوروب برکوشه ده
اوتورنده بلر چون مجلس دیوانلری حاضر و اماده اولدی شاه جمعا
فرمان ایدوب اعتماد الدوله فتح علی خان حقنه هر فرد بلد و کنی حضور
شاهیده مرقومک مواجهه سنه سو بلیه و سندی نایسه ایراز اید
و اعتماد الدوله دخی قدرتی مرتبه سی مدافعه و حقنه اراد اولنان مواده
علی الانفراد جوابی و ارایسه سو بلیه دیو فرمان صادر اولدی و مناد بلر ندا
و بود دیوان و دعوی اذن نام و رخصت نام و یرلدی فعلی هذا منا طره یه
اغاز اولنه دیو شاهدن خطاب صادر اولحق تلمیس ابلرس نهاد قزلباشک
بری فی الحال یا غه قالقوب میدان زو یرده کر بند غیرت ابله قائم و بو کوته
کفتان اغاز قلدی اولا اعتماد الدوله نک اغزندن اشدوب معند و معتبر
کسنه دن بو بله استماع ایلدم که اعتماد الدوله برکون شاه حسینک یدری
متوفی شاه سلیمانک صور تازیار تنه واروب قبری اوزن طوروب شتم
غلیظ ابله خطاب وای شاه سلیمان شمدی حالک نجه در بنم یدرمی
بی کنه قتل ایلدک بن دخی اوغلاک شاه حسین بنی عن قریب یدرم انتقامی
ایچون قتل ایتد رمکه صرف مقدور ایدرم دیش ثانیاً بو غرضی اجرا
ایچون اگر ادبکله نه یازد و کی مکتوب کیجه کوندز جیمنده محفوظ
و کند و سنه مخصوص مهر بله مهر درر بونک ساخته اولمق حتمالی و امکانی
دخی یوقدر ثلثاد ولته دار مهمه مشور نلری اقتضا ایلد که کند و

دائرة سنده اولان طرف کیرلر بله مشورت وانلر ابله مذاکره و مکالمه وانلرک
راي و تدبیرلر بله مباشرت ابدوب شاهزک دائره سنده اولان رجال دولتی
مشورت اذ خال ایتیموب دانشموب قطعا مورد دولته قارشد ر میوب حجر
و حجر مقوله سی شاهزک دائره سی رجال و خدامی تحقیر و تذلیلدن
خالی اولدی رابعاً تماماً ایران زمینده دائره دولت شاهیده واقع ممالک
اهلی بر مرتبه طرفنه جذب و بند ابلش که شاهزک بر خصوص ایچون
وقی یعنی خطی و فرمانی اول دیان وارسه اهل بسی اعتبار ایتیموب اعتماد
الدوله تعلیغه یعنی مکتوبنه رغبت و اعتبار و مضمون بیل عمل ابدلر خامسا
کند و قیزلر نی و قیزلری و اغوللری قیزلر نی شاه دولته صاحب شان نام
مناسب و مملکت متصرف فی اولان خانلره تزویج طریقه طرفنه جذب
ايلدی و کی دماغنه اولان فساد بی وقتنه اچ ایه تحصیل مکنه ایچوندر
سادسا اعتماد الدوله سنی مذ هیدر ازکی طایفه لر بنده معیندر و حالا
طایفه مرقومه نك عصیان و طغیان اعتماد الدوله نك رای و تدبیر بله در
دیده کده بودر و غه فروغ و یرمک ایچون مهر یله مهور بر قطعه مکتوب
ايراز ابدوب سز که ازکی بکری سز خوف و اندیشه ده اولیوب همان
شرواندن حرکت و روان قلعه سنده کلجه واقع یرلری اند و ضبطه
مبادرت ابدوب سز بنم قرداشم اوغلی روانه خاندنر بو خصوص کند و سنده
افاده اولمش اغاض العین ابدوب اوزر یکه عسکر کوندرمیه دیو تنبیه
اولمش مضمون مکتوب بوسیاق اوزن حجر اولمش ابدی سابعاً قرداشی
اوغللری هنوز صغیر و نارسیده اوغلچقلر ایکن انلره خانلق و یروب
بر سر حده والی نصب ایلدی تامنا انشته سی لطفی علی حاتی مسکت

امامی

امامی اوزرینه سر عسکر نصب ابدوب بوجه عسکر ادارک اولمش
و پورتقالدن سفینه لر کلوب بحرینه نقل ابله تخلیصی حد امکان اولمش
ایکن نه بحرینه کچدی و نه کرماندن اغوللری تعقب ابدوب قندها
کتدی نلاف خزینه دن غیری مملکت شاهي نی نهب و غارت ایتدر دوب
خراب ایلدی و کندی طرف کیرلری اولانلرک چفته ملک لر بی صیانت ابدوب
شاه دائره سنده اولانلرک اموال و ارزاقلرینه تعرض ایلدی بوندن
ظاهر اولان بودر که بر جانبدن مسکت امامی بر جانبدن ازکی و بر جانبدن
اغوان ممالک شاهي یه اعتماد الدوله رای یله استیلا ایدوب کند و سی
تمشیت مافی الضمیرینه فرصت یاب وانلر ابله متفق و متحد اوله تاسعا
اعتماد الدوله نك بو گونه اط اوزن کند و یه مخصوص خزینه جمعنه
باعث و حالا بو باده کمال اهتمام و حرصه بادی نه در الان انواع جواهر
والتون کشالات و اودان و ذی قیم اسباب و اشیا و امتعه بی حسابدن
غیری طقوزیه زیپک تومانی متجاوز بقود خزینه سنده موج دعو
دید کده مواد مرقومه اعتماد الدوله نك مواحهده سنده تقریر و قلمه لند کده
شاه اعتماد الدوله به خطاب ابدوب بونلره دار جوابک و رایسه سن دخی
فرد افراد ایمان ابله سکاذن شاهنم در کار در اشیدلم واقعیدن
بله لم دید کده اعتماد الدوله قیام ابدوب تمهید کلام ابله بو گونه تقریر
اغاز ایلدی بنم شاه جمجام مرجع کتمه فندم سلطتم خبر تلری ایچون
اودات شاهانه لری واقع حاله اطلاع تحصیل و حق باطلی بله علم
حاصل هه فریک عالی و حسن و قبح ظاهر و اشکار اولوب معلوم علم
عالم راری بیدلر ایچون بوقرلر بی سو بلمکه تعلیق ایلدی ایچون دیده

جهان بینلرمی چقارمزدن اول نبی سو پلندیکز اعدای بدخواهلمریک
اکاذیب واراجیف و تزویرات صریحه لرینه بوندن بویله وقوف حاصل
ایلدیغکز بوقوللرینه نه فانه یید ویرر بورسوا یلغله زنده اولمقدن
شمشیرشاهیدن قتل التیق بکانبست اولی وارزوی دل و دره مندو
باعث حقارت مجردشاهمه اولان صداقت و استقامتدیر یوریه سویلنن
سوزلر بالجمله کذب صریحدر حیل و بهتان و افک و فتنه دن عبارتدو
بیانه شروع ایلسم حیللری عیان و خدمات شاهید طریق استقامتدن
زن مقداری عدم انحراف غایان اولوق مقرر در انحق خوفم بودرکه شاهم
واقف قضیه اولحق ندامت المنه کرفتار اولوق ایله معذب ورنجیده
خاطر اوله سزو بوندن کزی دخی قتلدن کف بدایدوب بو حال
ملامت اشتغال اوزن نبی حیاتده قویه سزدیو کفتار ملالت آثار سطوع
ایکن ماده متعلق جوابک واریسه انی کون لم دیو شاه جانبندن
عتاب امیر خطاب صادر اولمغله اعتماد الدوله بیان کذب ماده عطف
لسان ایلدی الجواب عن جانب اعتماد الدوله جواب اول شاه سلیمان
قبری ماده سنه داتر شاهم دولت شاهید اعتماد الدوله اولانلر
زیارت قبور مراد ایلد کلرند معتاد قدیم اوزن بالجمله قیو خلقلری ایله
معا کیدوب زیارت ایله کلملردر بوقولکزیسه زیارته واردکده
قیو خلقمندن غیری نجه نجه رجال دولت و علما و صاحبامعیتلر بله
گیتدیکم جمله یه معلوم قیمره قارشوشم امیز کلام ناشایسته می نچون بر
شخصدن غیری کسنه اشتدی و اول دخی شقاوتی سببیلله بوندن قدم
تا دپ و قیومدن قورولمش اولوب بویله برشتی مفسدک خبر واحدی

اعتماد سزاسمند اولورمی انصاف بیور بله حضورشاهید بر قاج دکنک
ایله تخویف بیوراسون در حال کذب و کیمارک تحریک و اغوا سی
اولدوغی غایان اوور جواب دخی بنم مهرم ایله شاهمک خلافتنه اولان
مکتوب ساخته درزیرا معلوم مژدرکه برنجدن ماندن برود و لقمیزده پیدا
اولان ساخته حیلر فرمان و مکتوب و سکه دخی یا پوب تقلید ایدرلر
ونجه لری قبل اولوب بالکلیه استیصال ممکن اولدی وندیک التوتنه
تقلید ایدوب حضور بکزه کتورلدو کی وقتد شخص و تمیزده عاجز
قالمش ایدک بنم مهری تقلیدلری خوش بوندن اسهلدر یازی بنم
دکدر معلوم کدر بوندن قطع نظر مکتوبیه یازمش که تاریخ مکتوبک
ارتسی کونی کجه سی اوج بیک دم ایله کلوب شاهک سرانی بصره سز
حدود عثمانیه جوارنده ساکن اگر ادبکلی هر نه مرتبه ده سرعت و عجله
ایلسه لر اون بش کونده طهرانه کللری حدامکانده دکدر و شاهک
سرانی بصمق اوج بیک ادمک ایشی دکدر و بن دخی بونلردن خبیر
اولوب ندارک اوزن اولوق کرک ایدم مع هذا که اول کون قوریچی
باشینک نبی اخذ ایلدو کی کون اولوب بر درلوند ارکده اولدم و حرمندن
طشره چقمدم العیاذ بالله بنده بوملعت اولمش اولسه وعدولر بیک
ادعاسنه کون انشتم لطفی علی خانیه بوفسادده یلک دل یولمش
اولسم خان مرقوم بونجه مهیا عسکر بله قرب و جوار اصفهانده حاضر
ایکن اگر اده مراجعت نه لازم ایدی حقیقتی بلمک مراد بکزیسه مکتوبی
سزه ویرندن سؤال اولنسون کیمدن المش و نه طریقه الله کیرمش
دغیش بیورلسون غورینه بو طریقه و اقصا اولورسکز بعد واقع حال

بلنوب مکر اعتماد الدوله برکون کيفه مغلوب ايکن خلافتند اولانلرک
تحریرکی و بر مبلغ آنچه ویرمیلر یله مقرب و محرمی اولان خدمتکارلرینک
بری مهر بنی قویسندن چقاروب بر ایکی بیاض کاغذ مهر لیوب اللرینه
ویرمش لا حقه خفی اولمیه که عجم دولتمند قانون قدیم اوزن اعتماد الدوله
اولانلر بالجه امورده مستقلا اولمیوب کندولرینه مقرر اولان
دائرة دولتمند واقع بمالک اهلایسنک اموری و دعوا و نزاعلرینک
فصله یان ی و سایر مملکت اموری نه واریسه بونلر سپارش اولنوب
امور سائر دیه وضع بد ایلمزلر مکر که شاه طرفندن کندولرینه اول
ایشلرک **ک** رله سی تنبیه اولنه سفر لر اموری یا یجیلرک خصوصی
سر عسکرلرک عزل و نصبی قطع حدود احوالی و بونلرک امثال اموری
بالدات شاهلر کوروب رایلمر یسه موقوفدر و اوتدن برورسم قدیملری
بو ایکن بعضی شاهلر کند و ده و مراحتلری قیدند اولوب بالجه اموری
اعتماد الدوله اولانلر سپارش ایلمک دخی واقع اولمغله شاه حسین دخی
بوتاره قیاس ابله بالجه امورده لئی اعتماد الدوله سنه سپارش ایدوب
کندوسی ذوق و راحت مشغول اولمش ایدی و فی الواقع اعتماد الدوله
شاهک صادق بنده سی و هر حاله خیر خواه دولتی اولوب بالجه
امورنده اعتماد سزایر مرد کامل ایدی بناء علی هذا جواب ثالث تقریرینه
بویوزدن شروع ایلدی شاهم کند و یه مخصوصه ص امور ی بنده لرینه
سپارش ایلدی و کی زماندن بره شاهک دائرة سنه اولان رجال و خدام و
مقر بن حسد و عداوت ایدب امور دولتی کند و مه مخصوص معتمدلریم
ایلمد اگر یه محتاج اولمش ایدم شاه دائرة سنه اولانلری هر چند که امور

۴۴ مهمه مذاکره سنه ادخال باش اولدم هر حاله بکار غما حسن رأی و تدبیری
قبول ایتمیوب دولتک فایده و ضرر بنی ارامیوب کندولری نفسانیت
ایله قضایانک عکسی ظهورینه جد و اهتمام ایدرلردی و بوجه شاهمه
معلومدر دیوب بر نیجه مواد بیان ایلدی جواب رابع مالک شاهیدن
بر مملکت شاهک رقی یعنی فرمانی وارد قدیمه مضمونیه علامه اهتمام اولنوب
خلقک امر شاهی یی رینه کتور مکمل نکاسل و نهادنه جسامتارینه
سبب و بنم مکتوبه وارد قدیمه بلاعات و بهانه مراد اولنان خصوصک
تمشیتند جان و یاشیله اقدام و هتلم ایلدکلرینه باعث بودر که طرفدن
وارن مکتوب مضمونیه علامه اهمال و مسامحه ایلدکلری چینه عندمه
شفاعت و عذرو عالیت و هدایا و رشوت بر درلو قبول اولنوب امریه
مخالف بولند قلرنده لایحه قتل اولجقار بنی یقیتا بلوب و بر طریقیله
نجات بولمیه جقار بنی ادراک و اذعان ایشلر ایدی شاهمک دائرة سنه
اولانلر ایسه هر بری علی حاله بر شاهد رنفع و ضرر عالم و شان و ناموس
دولت نه اید و کنی فهم ایتمیوب و ارامیوب مجرد کند و فایده لر ی طمعیه
بوگون شاهدن بر مهم ایچون صادر اولان امره یارین مخالف امر صادر ابله
کندولرندن خوف رفع و زایل و شاهی باطل و عاقل لکن ظاهرده
مصنوع و صورت امزین اکاذیب و اراجیف گفتارلر بله خطا و غلطه سوق
ایدرلردی جواب خامس شاهم اعتماد الدوله قیزلر بنی صاحب نام
و شان خانلره تزویج ایلدی دبد کلری واقع حالدر زیر شاهمک ایام
دولتمند قیزلری همکفلری اولیان ناجنس فرومایه لره ویرمک روامیدر
بوندن قطع نظر شاهمک دشمنلرینه ویرمیوب خدمات دولتمند

خاندان شاه جمجاهه خلوص و صداقت ايله ابا عن جد مجرب الاطوار
مدوح الاحوال قدیمی امتدارل پزوه قیز و یرد بکم محل اتهام میدرانلر کبری
شاهک قوللری غاسی رسم ثانی رسم میرزادرکه خدمات دولتکرده
خلوص و استقامت ايله شهرت بولمشد و یری دخی محمد قولی خان درکه
حالا شهر شهر اصفهانده قائم مقام اولوب دولت صفویه نیک خیراندیشی
و بودوات علیه نیک غیر نکشی شاهک مقبول و معتبر صداقت پره ر قولی
اولدوغندن حالا بوبنده لری نیک اموال و اشیای صبیط و تحریرینه
ما مور بیور مشلدرو بونلر دولت شاهیده عالی قدر و منزلت لری ایکن
نه انکه شاهک خاطری بلکه قدیمی مغیر اولدوغنه دخی جواز و یره لر
جواب سادس شاهم بنم سنی مذهب اولوب لری الاصل اولدوغم
جمله یه معلوم و دولت شاهیده سنی قوللری حددن بیرون در جمله من
صدق و خلوص اوزن شاهک استقامت پرور قوللری بیوز و هیچ بروقت
و حالده دن دکا و خیانت و وقوع بولمیب مسموع اولما مشدر طرفدن
اولق اوزن لری بکلی نه یاز بلوب مهرم ايله مهر مکتوب دخی ساخته دن
مضمونی تزویر و بهتان و افک و افترا در اعمال دوله نصب اولنده غمه
لری طایفه لر بنی عصیان اوزن بولدم طوایف مرقومه نهایت مالک
ایرانده کوه البرز کی جبال رفیع التلال صعب المرور دشوار الوصولده
ساکن اولملر ايله انلرک صبیط و یر بطی لاجرم حسن تدبیر ايله گاه قهر و گاه
استمالت طریقینه موقوف اولوب اسلاف ذوالابصار بکر زمانلر نده
انلره قار شوحد و دلرده بر قاج بیک مرتب جنگجوی عسکره حاضر و اماده
طور دقلرندن ماعد اشاه عباس انلره خزینه دن سنه ده بیک بد بیوز

دومان

دومان آنچه تعیین ایدوب کند و مملکتلری نیه کند و لر ايله ضبط ایتدردب ۴۰
و اقتضا ایلد کچه بو تقریر ایلد طرف اخره دخی بر مقدار عسکر ايله مدد ایزه
حاضر اولورلر دی الحاله هذه کرک اول سرحد عسکرینک علوفه لر
و کرک لری کیلرک آنچه سی بهر سنه خزینه شاهیدن اخراج اولندوغی
معلوم کزدر لکن اول آنچه محله و ارمیوب شاهک دازه سی رجالی
پنلر نده تقسیم اولندوغی دخی معلوم کز اولسون طوایف مزبور نیک
سبب عصیانلری بود و سنیک تقریر ایلد بنم ايله اتحاده دارد عواری اواسه
کچن سنه تا دیپلری مراد اولنوب اوزر لر بنه ککوند یرلان عسکرده
سر عسکر اولان اوزر ندرشم اوغلنی قتل ایتمز لردی و اول ائشاده عصیان
ار نکاب ایدن طاغستان بکلی نیک رجال ايله شمشال بکدن ایلچی کاوب
مومی الیه شمشال اطاعت زدن رو کردان اولما مغله طوایف مرقومه ايله
صلح و صلاح عقدینه توسط و جرملری عفو اولنوب رای کاغذلری
و یرلک نیاز نده اولمشلر ایدی لکن بو خصص دخی ساخته و کند و
مصاحبتلری ایچون حیل و خدعه یه مبنی ایدی زیر اوختان خان کورجستان
والیسی بولنوب طوایف لری ایلد عادت مسمره لری اوزن کورجستانی
نهب و غارتدن بران خالی اولمیب عاقبت بالجمله کورجستان خلعتی اتفاق
ونفیر عام اولوب هنکام شتاده لری کیلر طاغلر دن زلر لری احیانده وختان
خان رأی و تدبیری اوزده الشمس تیش بیک مقداری عسکر لری کیلر اوزرینه
وارمغه حاضر و اماده اولدقلر نی لری کیلر خبر الدقه بو غایله یی دفع ایچون
صور تا صاحبه رغبت و رایه طلب کو ستر مشلر ایدی وختان خان دخی
وارقونیه تدارک کوروب حاضر و اماده و مباشرت اوزن اولدوغن

حضور بکزه عرض واعلام ابلد که رجالد دولت مشاؤون ابدوب فی الواقع
 وختان خان صرف مقدور به طاعستانه طفر بولوب اخذ وضبط
 اید جاک اولور سه اندن محمل اولان ضرر روزیان لڑکیلرک ضرر ندن
 اشدر زیرا بونجه ممالک ضبطنه کیروب مسقوا به همجوار اولور ادنا
 بهانه ابله طرف دولت شاهیدن رنجیده خاطر قلنسه اطاعتدن چاقوب
 هم اینهم مذهبی اولان مسقو کفره سیله یکدل ویک جهت دولت
 شاهی بی اتعاب ابلری مقرر دو مثلوت رها ت وصفری وکبری دنصکره
 منلا باشی و حکیم باشی الصالح خیر دیوب ایچی دخی گلش طالب اولمش
 بولمغله صاحبه جواز ودر عقب چپار ابله طاعستانه رای کاغذ لری
 ارسال و وختان طرفنه دخی کیدوشد بد رقم یاز بولوب مضموننه سنکه
 وختان خان کورجستان والیسی سن رقم شاهی سکاو صول بولدوغی
 رله طاعستان سفر ندن فراغت و بر بهانه ابله اول جانبه عزیمتدن کف
 عمان عزیمت ابدوب زینهار وزینهار رقم وصولنه اتنه سوار اولمش
 بولندک ابله اتندن ابله سن یولده بولندیک تقدیرده در حال رجعت
 ومقابله ده بولند و غل تقدیرده دخی شمشیر یکی نیامنه ادخال ابله سن
 ولز کبلره بردر لور رنجیده به جواز کوستر میه سن زیرا طرف شاهیدن اول
 طوا یغه رای ویرا شدرد یویاز بولوب چپار ابله کال سرعت اوزن ارسال
 اولمش ابدی وختان خان واقف احوال اولیحق بولکونه ندارک ابله
 فرصت فوت اولدو غندن منکسر خاطر عظیم تا سف ابله بردخی عجم
 شاهلرینک دشمنلرینه قلیچ چکمیبه چکمه علی ملاه الناس عین ابلدی
 وفی الواقع عیننده صادق اولوب من بعد شاهلره خدمت ایتمدی زین جانب

شمخالک

۴۶ شمخالک ایچسی رای کاغذ لری الوب طهر اندن طاعستانه روان اولدی
 برنجیه مدت مرورنده سائر قبایل بکرنندن دخی ایلر کلوب شاه عباسک
 قانونی اوزن وجه معاشرینی طلب ابلد کلرند نوروز سلطانده
 دیوان عیدده طقسان دورت قبایل بکرنینک ایللری صره لری و رای
 کاغذ لری الوب کتد بیلر جواب سابع قرند اشلم اوغلرینه صغیر لریکن
 خانلق و یروب بر منسوبه کوند و دیغم واقعدر خانلق قانون دولت اوزن
 خازاده لره طرف شاهیدن احسان اولنه کلشدر نیم بد عثم دکلدر
 منسوبلرینه کتد کلرند یا نلرینه عاقل و مدبر کتدالرتعین ابدوب
 ظلم وتعدالرنندن و ناهموار حرکة لرنندن بوانه کلجه شکایت آیتش بر فرد
 دخی یوقدر جواب ثامن انشتم لطفی علی خان سرعسکر اولوب بحرین
 جزیره سنه کچمدی و مسکت امامیله مقابل اولدی زیرا شاه عباس
 کوننده پورتقالک اخذ وضبط ابلدوکی رلریزی تخلیص ملاحظه سیله
 انگیز و فلنک سفینه لری ابله پورتقال اوزرینه سفر اولنوب پورتقال
 غالب کلکله قبضه تصرفنده اولان رلریزی ردومن بعد دیادن مرود
 و عبور ابدن تجاریمزه تعدی ایلامک ایچون سنه بسنه خزینه دن بیک
 بشیوز تومنان اچیه ویرلک اوزن معاهده اولنوب بزم و قمره کلجه و بزم
 زمانزده دخی بر قاج سنه لک صره لری ویرلدی کوه و دیو قیودانلرینه
 خبر کوندوب کفایت مقدار سفاین رجاء ابلدیکزده اجرت و صره لری بیک
 بقیه سن طلب ابدوب طرف ندن دخی وعد اولمغله عهد و فایله بلا عوق
 و تاخیر دو نمان کوندرد بیلر اجاره لری و بقیه صره لری خزینه دن
 هزار و اخراج اولنوب دایره شاهیده اولان رجال معتاد لری اوزن

خلافه ذاهب ودلائل و برهان را بر آید و ب مبلغ مرقومك اصفه هاندن
چقمه سنی مناسب کور میوب شاهه منع ایتدر دبلر پورتقال دوتماسی
واقف قضیه اولحق خدمتدن روگردان اولوب لر پنه عودت ایلد بلر
شاهم خز پنه دن چقان اقچه محله واصل اولماز پورتقال دوتماسی
دفتر لر پنه نظر بیورد اثره کرجالی پیلر نده انی دخی تقسیم ایدوب اکل و بلع
ایلد کلمری فی الحال معلومك او اور لطفی علی خان سفینه سر بحر پنه
یکمك ممکن اولدی کرمانه سرعت ایدوب میر محودی بوزدی و قوودی
کرمان یولیه تعقب ایلک خدامکانه اولدی بریه و چول اولوب چوق
مهماته محتاج ایدی بوملا حظه ایله شیرازدن معبور یول ایله کیمك مراد
ایلدی عسکره علوفه وزاد و ذخیره و مهمات سقریه مصرفی ویرلمکه
و جالاک مانع اولوب عسکر بولدوغی یردن المغه مجبور اولدی اعانتلری
ایچون بن دخی مالمدن اوج بیك دوه بوکی پرچ کوندر مش ایدم جواب
تاسع ایام دولت شاهیده وافر خز بنم وارد رباغن جد خان زاده خان
اولوب اقربا و تعلقا تندن ارثیه و شاهم امور عظامی بوقول لر پنه سپارش
بیور مغله وافر خزینه مالک اولدم انجق ظلم و جبر ابر فردک حقن
المدم و کندی دن کسنه بی شکایت ایتدومدم دیومواد مذکور بی وجه
مشروح اوزن اعتماد الدوله تقریر و شاه سکوت معاملة سیله دقت اوزن
استماع ایدوب حقیقت حاله واقف اولدی کندویه ندامت و پشیمانی
ال و یروب کوزلرندن ش باران کی دو کیلوب سیلان اولدی صداقت
و خلوصنی در خاطر ایدوب رقت قلب ال و یردی مسلحه دیواندن قلقوب
عجالة دفع مجلس ایلدی فی الواقع دولت شاهیده بوبله بر کامل صاحب
رأی

رأی

رأی و ندبیر کسنه گلامش ابکن بونک دخی حالی بوبله اولحق افتاب
دولت شاهان قریب غروب ایدوکی تقدیر یزدان ظاهر و اشکار اولدی
شاه حسین بی جان نان و نعمتیه پرورده قلدیکی خدام خذلان انجام
شر لر پنه اوغرا دوغنی یقینا ایلدی و بالجمله دعوا و نزاعلری اغراض فاسده دن
کنایه و افک و افترا دن عبارت ایدوکنی بالمشاهده اذعان ایدی و باعث
فساد اولنلرک حق لرندن کانون جزالری ترتیب اولنمده جان و دلدن
سعی و اهتمام قلدی و من بعد اعتماد الدوله بی پنه بو حالیه خدمتده
استخدام و بالجمله امور نده استقلال و یرمك مراد ایلدی لکن گروه
ضاله قوی الاتفاق اولوب شاهك مقصود بی لغو و ابطال ایچون پنه
براهین ابراز و سند ات و دلائل احراز ایدوب نه مفسد لک جزاسی
رتیبی ممکن و نه اعتماد الدوله نلک مقام اولده قیامنه قایل و نه کندو
ولا پنده کوشه و حدتده از وایه راضی اولوب بالاخره شیرازه نفی
و کوز حبس نده اولوب هیچ بیگانه دن بر فردیانه وار مامق و سو پلشما مك
اوزن اجلا و یومیه الی تومان اقچه ایله متقاعد اولدی بعده میر محود
اصفهان و وصول بولدوغی برله اغوانلره وصول مپسر اولسون دیو
قرلباشلر زهر لیوب قتل ایلدیلر اعتماد الدوله شیرازه نفی اولند قدده
داماد لری اولان میرزارستم و محمد قولی خان شاهك مرغوب و مقبول
الطوار قوللری بوانمغه عرض و مال لر پنه و منسوب لر پنه تعرض اولنمیوب
سائر ارباب اسنشان سنك اموال و اشیا لری مصادن و کندولری حبس
و مناسبلری دیگرانه توجیه و کماه اطلاق و مال و منال لری رد اولنمیوب
انجام نده مناسب طلبندن و اموردن بالکلیه کف بد ایللری شرطیه

گوشه از واکندلرینه مقام استقرار تعیین اولندی بیان کردن احوال لطفی
 علی خان خان مرقوم اصفهان حبس ایکن علیل المزاج اولدی شاه
 طرفندن مخصوص طبیب تعیین اولنوب نصیح مزاج ایلدوکی برله
 محاسبه سی کور بلوب عسکرک غارت ایلدوکی اموال و اشیای زمین و ولایت
 تقاعد فرمان اولندی لکن جهات اربعه ده اعدای دولت حرکت در
 مرقوم لطف علی خان رعیده خاطر قلندیکی حبسیله انلرک برینه لاحق
 اولمق سودا سندن اولور احوالیله رجال دولت طشره کمنه جواق
 و یرمیوب ینه اصفهان اقامت ایلمک اوزن کند و سنه تعیینات و یربلوب
 کوز حبسند اولدی چوق کیمیوب اصفهان محاصره سی رونا اولوب
 بخت برکشته د و لک احوالی مشتمل اولمق جمله ک انفاقیه اغوان
 عسکریه مقاومتیه سالار نصب و تعیین اولمق مراد اولندی وقتی
 یکجودی و عسکرک قلبینه خوف طاری اولدی بوتند نصکره بو خدمتک
 عهده سندن کله هم دیو اعتذار و ماجرای ذکر و یاد و علت و بهانه
 ایدوب بر طریقله قبول ایتمدی میر محمد خان مرقومک احوالنه واقف
 اولوب عبوس ایدوکن بلش ایدی اصفهان ظفر باب اولدوغی برله
 کتوردوب اگراملر ایلدی صاحب نام و شان اولمقله خان مرقومدن
 اغوانیان زیاده خوف و وهم اوزن اولد قلندن غیره موقوف تقریدله
 شاه و رجالدن رعیده خاطر اولمش بکاصداقت ایلد خدمت ایدو
 ملاحظه سیله میر محمد خدمتند استقام مراد ایلدی بوجمله برله ینه
 اجناسی قزلباشلر میل و رغبتی غالب و طهماسبیه وصوله تشنه اولمقله
 برکون اصفهاندن فرار ایلدی در حال میر محمد آگاه اولوب مناد بلر

ند

۳۸ ندا ایدوب وعد و وعیدلر ایلد ینه تنقید نام ایدوب آخر کار حواری
 اصفهان بن اصفهان نام قصبه ده قزلباشلر طوب اظهار صداقت کاذبه
 و ملاحظه انعام سو قبیله کشان و کشان قید و نید ایلد میر محمد حضور ینه
 کتوردیلر اولدخی امان و یرمیوب قتل و لاشه سن دورت شق ایدوب
 دورت یول اغزلر ینه براغوب اغوانیان کورد کله شرندن امین اولد بلر انجق
 مقتول مرقومک اوغلی طهماسب ایلد معاف ایدوب روزمان یاتند شهرت
 بولمش ایدی غفلت اولتمه که اقطار شرقیه ده واقع ممالک و بلاد و قری
 و اول جوانب بریه لرنده ممکن اجناس ناس و قبایل و عشایر و سائر طوایف
 مختلفه خلقی خلقت و جبلتلی مقتضای سجه اقطار غربیه ده ساکن
 و ممکن اولان اجناس ناسه خوریزلقه و غدر و ظلم و جورده بالطبع
 غالبلر و غایت ایلدی رحم و بی مروت ظالم بغدادلر در جنکیز خانک ممالک
 ماوراء النهره استیلا سی و هلاک و خانک خلفاء عباسیه دولتمه
 غلبه سی و نیمورک زمین ایران و غیره یه تعلی حد و حسابدن بیرون
 نفوس بشرک تلفنه بادی اولدوغی بو کافی دلیلدر عجم دولتمه دخی
 عجم دوائی خلقی همان بونلره قیاس ظلم و غدر و شقاق اوزن مجعول اولوب
 کرک اعتماد الدوله فتح علی خان و کرک انشته سی لطفی علی خان سرکشتلری
 مجرد عجملرک زورائی اولد و غندن ناشی بو قدر ایلد رتب جزالرنده اکتفا
 اولمش ایدی والا حقارنده ساخته قلند قلی زور راتک دن مقداری
 صحیح اولمش اولسنه انکه قوم بی رحم قزلباش مرقوملری حیائده
 قویه بلکه امتد عقربت ایلد قتلدن غیره اولاد و انسایلرینی دخی معتاد
 ناشایسته لری مقتضای سجه خلاف طبایع ملل عالم استیصال ایدرلر دی
 وانلردن بر فرد قومانلر دی تمه در بیان بقیه احوال لطفی علی خان بالاده

اوزن وقتا که سر عسکر لطفی علی خان شیراز دن اصفهان اخصار اولوب
حبس اولندی شیراز جانبند اولان طوایف عسکر استیدوب مهیر
اولد بلرنه کندولر بنه باش بوغ اولق ایچون دیگر سر عسکر کوندردی
ونه زاد و ذخیره و علوفه لر بنه دائر امار صادر اولدی کندولری من بعد
نه پوزدن حرکت و یا سکونت و نه ایشه مباشرت اید اچکارینی مشعر
بر کاغد وارد اولدی بر مدت انتظار یله بعضیلری و همنه تابع اولوب فران
یوز طوتد بلر عاقبت اعتماد الدوله فتح علی خاتک دخی احوالی معلوم
و مسموعلری اولحق و عسکره صاحب چقار کسنه بولند یغندن جمله سی
پریشان اولد بلر باش سز بوغ سز مرور و عبور ایلد کاری و لا بلری یقرق
بقارق چقوب کتد بلر عسکرک بالجه لر پریشان اولدوغن اصفهاندر حال
دولت استماع ایلد که حظ ایدوب ممنون اولد بلر زیار بر قاج کون
اول عسکرلری مخصوصی بینلرنه مشاؤون اولنوب بعضیلری سر عسکر
کوندرد بلوب علوفه لر و تعیناتلری و یر بلوب کله جک یاز ایچون
حاضر و اماده بولنه لرینی مناسب کوروب شاه دخی بورا یه تابع اولمش
ایدی لکن بنه شقاق و نفاقه عادتلرینی رک ایتیموب یر بلوک رجال بوبله
رای و تدبیر ایتد بلر که ایشمو ایام شتاهل اول ابدنجه بونجه عسکر
علی حاله قالوب بسلند بکی تقدیرده کزشتد علوفه لرینی وزاد
و ذخیره لرینی و سازهنکام شتاده محتاج اولد قلمری حواجلرینی طلب
ایدوب بونجه مصارف اقضا ایدر حال بو که کلچک یاز دخی بلکه
نجه زمان مرور بنه دکن عسکره احتیاجیز اولماز بوبله اولنجه اتلاف
خز بنه دن غیر بر شیشه مؤدی اولماز اغوان عسکر کرمانده منهزم

اولوب

۹۴ اولوب کتدی بر نجه زمان ابقلنه مزحضاری اغواندن دخی رای طلمی ایچون
ایاچی کله جکدر لری طایفه لر بنه جمله رای و یرلری و ختان خانک دخی
عسکر طاعلدی مسکت امامنه بر مقدار اچده و یر بلکه بحرینی تخلص
ایدن رز بوجه اوزن سهولت ایلد هرایش وجوده کاور صاند بلر فساد
مباشر نلرنه چوق احتمالرو یرد بلر خیرلر و مصاحبتلرنه صرف زهن
دخی ایتد بلر انجمنده اعتماد الدوله حقنه واقع قضا حلتلری و سر عسکر
لطفی علی خان اولان حقار نلری و وختانک دلکیر اولوب یمن غلیظ ایلد
امداد لرندن چکد بکی حالی با خصوص عسکرلرینک بو گونه و سوابق
ایلد پریشان و پراکنده ورنجیده خاطر اولوب الان ممالک عجمه بر یرده
حاضر و موجود عسکر اولدوغن جوانب اربعه ده اعدای دولتملری
خبر الدقلری کی بو فرصتی کندولر بنه غنیمت عظماء ایلد بلر شاه و رجاله
اولمش اوله جق همان بزایشیزی کون لم دبد بلر فعلی هذا طاعستانده
واقع طوایف لر کیان بکری یری برلرینی تحریک و ترغیب و جشمزدن
اولان اعتماد الدوله نک قزلباشلر بزه ر غماصلی ازکی و مذهبی سنی اولدوغی
کوزلر بن چقارد بلر دیوته و یچ و تحریک غننه ایدر رک بر قاج کون ایچنده بر عظیم
جمعیت پیدا ایتد بلر اول بهار اولدوغی برله عجم مملکتلر بنه اقین ایدوب
نجه نجه یرلرینی غارت ایتد بلر عجمک مدافعه ده اقتداری اولدوغن
حس ایتد کاری کی اتفاق اوزن شروان اوزر بنه هجوم و دار ملکی اولان
شماخی شهرینی اخذ و ضبط ایدب قار شولر بنه چقان قزلباش عسکر
قلیل و باش بوغ سز اولوب قاپچدن کچورد بلر میر محمد دخی شروان و شماخی
لر کیلردن ضبط اولندوغنی استماع برله غیرت و حجت طبعده حرکت

وکنند و به عظیم قلب قوت حاصل اولوب رجال و اعیانی جمع و مشورت
ایدوب اعتماد الدوله و سرعسكر اطفي علی خان عجم عسكرينك پريشان
اولدوغنی حالی باخصوص از کيلرک شروان اولکه سنی ضبط و حالاً ساثر
عجم دیارینی نهب و غارت مشغول اولدقارین جمله به عرض و افاده
ایلدکده جمله نك دروننده غیرت و حجت هیجان و حرکت ایدوب یلک دل
ویک جهت دیار عجمه آقنه رغبت و بوعزیتلرند سرعت و مبادرت
ایتدیلر وارقولرینی بازویه کتوروب عسكر جمع بر قاج کون ایچنده
تدارک لرین کوروب حاضر و آماده اولدیلر بیان ظهور علامات سماوییه
وارضیه فی الدوله الصفویه بیلک یوز اوتوز دردت سنه سنه خطه
نیریزده عظیم زلزله واقع اولوب شهرک اکثری بناری منهدم اولدی و بجه
زمانه مدت اولوب سکسن بیکدن زیاده نفوس بشری زمین هلاکه
متواری اولدوغنی شاهه عرض ایلدیلر اصفهان شهرنده ایام صیفیه بلوت
نادر کورلمش ایکن اول سنه ده اصفهان اوزرنده طومان و بلوت برکون
اکسک اولدی کونش طلوع ایلدوکی وقتلارده افق اصفهان قان کی
قزاروب کورنوردی شاه حسین طهراندن اصفهان کلوب شهره کیردوکی
کونده اتش پاره سی مثلور بلوت کندوسنی احاطه ایلر ایدی بمجملری
بوکونه علائم جوانب اصفهانده مثال انهار سیلان دم و قوعنه دالاتدو
دیو خبر ویرمشلر ایدی عزیت کردن میر محمود بجانب خلکت کرمان
چون میر محمود مالک ایرانه اقین تدارکن کوردی شدت شتا و صولات
سرمایه بقیمیوب صوب مقصودینه متوجه اولدی کرمان اولکه سنه
واصل اولوب شهر کرمانی دخی محاصره ایلدی بر قاج کوند نصیره درون

شهرده

شهرده موجود اتش پرستان کرمان شهرینی ویریه ابله میرمخوده تسلیم
ایلدیلر لکن قزلیاشلر بناسی برمتین قلعه سی اولوب قلعه ده متانت
وزاد و ذخیره لری و فرت اوزن بوانغله دروننده موجود لشکر قزلباش
کمال کر میت ابله جنکه اقدام ایدی بچک قلعه فتح و تسخیری طول و دران
محاصره به محتاج ایدوکن اغوانیلر فهم و ادراک ایملر بله کندی احوال لرینی
مشاورن د نصیره بر مقدار اغوان عسکرینی محاصره ده قویوب سائر لری
هنوز اصفهان غفلت اوزن ایکن الغار ایدوب اطراف و کنافنی غارت ایلمک
اوزن قول و قرار و پردیلر تا کم بوعزیتلری حصول پذیر اولدقه کرمانه
عودت ایدوب کرمان قلعه سی دخی اول مقدار زمان مرورینه دکن زاد
و ذخیره لری فنا بولق مضایقه سیله فتح و تسخیر اولنوب من بعد اغوانلر
قندهان عودت ایتیموب بوصورت اوزن کندولرینه متانت و استحکام
و باجمله اسباب سفریه لرینی انه ندارک و جمع ایدوب مراد ایلدکلری
محارک نهب و غارتنه کرماندن مباشرت ایدلر و کرمانی کندولرینه مرکز
حصن و ملجا و مقر ایدینه لر دیونیدیر ایتدیلر پس کرمان شهرندن
اصفهان شهرینه بکرمی بشق و نایق مسافه اولوب وقتاکه عجمک بریده
موجود عسکر ی اولدوغنی و هنگام شتا اولغله عجله دخی عسکر ندوکی
ایکن اولدوغنی میرمخود یقیناً خبرالدی کرمان قلعه سی محافظه سنه
کفایت مقداری عسکر قویوب کزیده و چاپک سوار عسکرینی انتخاب
ایدوب اصفهان جوانبنی نهب و غارت ایلمک سودا سیله کرماندن سرعت
و جانب اصفهانده روبراه اولدی و خفی اولیه که میرمخود بوندن اسبق سر
عسکر اطفي علی خانه مغلوب اولوب منهزم اقمدهان فرار ایلد کد نصیره

میرمرقوم نجه زمان مرورینه دکن کرمانه کله جکنه عجم زجالی قطعا حمال
 ویرمدوکی کی میرمرقوم دخی کرماندن اصفهانه کلوب اصفهانی قبضه
 تصرفه کتورمک و عجم شاهنی طوتوب صاحب تاج و تخت اولق فکر
 و ملاحظه سی میرموجودک و اغواندن بر فردک خاطرینه دخی خطورایتش
 بر معناد کل ابدی الحق میرموجودک و بالجه له اغوانک مشاوره ابله صورت
 افرای ابلدکاری مقصود لری بویه ابدی که ایام شتاده علی الغفله جواب
 اصفهانی غارت ابلدکاری تقدیرده اولاغوان عسکری غنیت عظیمه
 تحصیل ابدلر نایا ایام شتاده اطراف غارت ابلدکاری سببیه عجم خلقنک
 قلوبنه نوعا خوف و شوب کله جک یازین کرمانده اولان اغوان و وزینه
 عسکر کلیدار کندن عاجز اولور لر و اغوانلر بوتقریه فرجه بولوب
 کرمانی الوب و قتیله کیملری محب قلعیه المکن اوله و سار استحكاملرینه
 و عجم عسکری کلدوکی صورته مقاومت لازم اسباب ندارکیله اقتدار
 حاصل و من بعد کرمانی کندولرینه ملجأ و مرجع ابدینوب محل
 مزبور دن تثبیت مافی الضمیر لری بویه بوطر یقیله سهولت حاصل ابلد
 و محل جمعیتلری و مقسم عسکر لری بوندن بویه کرمان اولق اوزن اتفاق
 و اندن شیرازه لاری اصفهان جانب لری قین ابله تضیق ایلکی نصیم ابلد
 ابدی عزیت کردن میرموجود از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان
 هویزه از جانب شاه برای تجسس احوال میرموجود و خروج لشکر عجم از
 شهر اصفهان میرموجود کرمانی محاصره ابلدوکی خبر سمع شاه و رجاله
 لاحق اوله جق سکزیبک قزلباش عسکری ندارک اولنوب هویزه
 خانی کندویه مخصوص بش پیک قزلباش عسکر بیه کرمان طرفلرینه
 کوندلادی

کوندلادی تا که اولحوالیده بر مناسب محله مکث و کندولرینی کرکی کی محافظه
 ابله مقید اولوب اغوانلرک واقع حال حقیقتیه تفتیش و تجسس ابدوب
 اصفهانه عجماله بلدون و کندوسی اولجانبه توقف ابدوب اصفهاندن
 کرکی کی مهمانله عسکر کثیر و رودینه مترقب و منتظر اوله هویزه خانیله عسکر
 قزلباش عازم راه اولوب اثنای راه میرموجودک عسکر کثیر ابله کرماندن
 قالقوب شدت و صولات ابله جانب اصفهانه متوجه و وصول مرامه کمال
 کر میت ابله صرف مقدورده ابدوکن خبر الحق عسکر قزلباش مقاومت
 و اولحوالیده مکث و ارامه جرأت ابدی میوب بوخبر ابله رجعت و عجماله
 اصفهانه کلوب واقع حالی بلدرد پلر تحریر و تدارک کردن عسکر در شهر
 اصفهان برای مقابله بالشکر میرموجود بوخبر ملالت اثر شاه و رجال
 و ناسک مسوعی و ایحق جمله یه عظیم وحشت و دهشت ال و یروب تغییر
 اولد پلر و عجماله عسکر ندارکنی مراد ابلد پلر اکن جمله و همه دوستوب چندان
 عسکر یازلمغه رغبت ایتدیلر کورد پلر که ایش ایشدن چکمه قریب اولدی
 خزینه دن وفرت اوزن اچیه چقاروب اون کون مقدار زمان ایچنده اچیه
 قونیه نفس اصفهاندن خبیلی عسکر ندارک ایتدیلر و عجماله اوزن اصفهاندن
 چقوب دورت ساعتمک مسافه ده واقع کلناباد نام قریه ده قونوب
 آوردولرینی قورد پلر اعتماد الدوله قرق الی بیگ عسکر و هویزه خانی
 دخی وافر عسکر ندارک ابدوب برکروه عظیم اولد پلر نجه نجه خانلر و بکار
 و سردار و ضابطلر جمله سی معاشمت عظیمه ابله اصفهاندن چقوب برده یشت
 دهشت غا اولد پلر کثرت و فرتلرینه الدانوب عظیم غرور ابله مغرور و بو
 حال اوزن اغوان عسکرینک قدومنه اشتیاقلر اظهار ابدوب منتظر

اولدیلر و عجم عسکرلرین برفردانهزام احتمالن ویرمبوب مسافه بعینه دن
 گلش تعب طریق ابله زده لشمش عشار و قیابلدن مجمع عسکر عجمك
 توانادیمج ذوباس شدید عسکر جنگ جو بيله مقاومت قدرتنا احتمالدو
 واغواندن برفرده پنجه زور یزدن سلامت ورهانه ممکنرد بویینلر نه
 شاعرانه وادیلر ونکته امیزاییات و اشعار کفتاری رایج اولوب حتی
 هویره خانی شاهم میرمچودی دیری طوتوب اول نابکاری کشان کشان
 حضورینه کتونیم قندهار ستمه قاجسه قاجه مر عثمانلویه فرار مراد
 ابله سه دخی تازی سواران عرب تعقب ابدوب المدن خلاص اولمازدیو
 وافرلاف کزاف سو پلش ایدی قدوم لشکر میرمچود درجوار اصفهان
 و مشاونه کردن رجال عجم برای مقابله بالشکر اغوانیان ایکی کوند نصکره
 میرمچود عسکر بله کلوب عجم آورد و سینه قارشو بر ساعتك مسافه مقداری
 یرده عسکرینی قوند وروب آورد و سنی قوردی عجم عسکر روضاسی
 مشور تلمرا یتدیلر چون عسکر تدبیری اعتماد الدولیه وهویره خانه
 سپارش اولمش ایدی حرکتی بری برلرینه مخالفت اوزن اولدیلر
 بعضیلاری مترسلر یا پالم اطرافزه استحکام ویرهلم ککند و مز اغوان
 اوزرینه کلمیوب انلرک گلسته مترقب اولهلم و اگر اغوان عسکر اوزرینه
 کلیموب اصفهان شهرینه وارمق قیدینه اولورسه بز عسکر بله تعقب
 ابدوب اصفهانلودخی قارشو چاقوب مامولدرکه ایش اسان اوله
 واصل بزه توقف مناسب نام طشره دن امداد کلوب بر طر بقله
 اغوانلری قوشادوب بر محله محصور اید و زوبوبله اولد قده ذخیره لرینه
 از مدت قلمت کلوب کسه لر نه واقع جکدری دخی سد و بند ابدوب

برفرد

۵۲ برفرد الیزدن خلاص اولیه بعضیلری بوتدبیره قایل اولمبوب نام شان
 کسی دعواسنه دوستدیلر بو بله باغی هندی خزانلرینه قارشو مترسه
 کرمك قدیدن برو عالمه متوار شهر تیزی محو و لغو ایتمکد روعرض و ناموس
 دولتی احتمالدرا چقدن بونلرک اوزرینه واروب عسکر جنگ جو یز
 حمله و هجومنه بوکونه عسکرک مقاومت اقتدارینه احتمالد رما موالدرکه
 همان وهله اولاده لشکر دریا خرو شیزک حرکتی کوروب قراری فران
 تبدیل ایدلر و کادکاری بولی بوله میله لمقابله کردن لشکر عجم بالشکر
 اغوان وانهزام شدن لشکر عجم بوتدبیرک اربابی غالب اولغله بوجه اوزن
 حرکتی میل و رغبت ابدوب همان محصل بر شرف ساعت تعیین
 ابله سونلر دیو خبر کوندردیلر انلر دخی بازار کونی وقت طهرده جنگ
 مبارک کوردیو عرض ابلدیلر بو ائشاده طشره دن بر مقدار عجم عسکر
 امداده کلیمور دیو خبر گلش ایدی انلر دخی ورودینه توقف مناسب
 کورلمبوب و نام و شانلر انلر ابله شرکته جواز و یولمبوب وقت معینه
 دخی فوت اولیه دیو یوم معهودده او بله دن بر ساعت اول قوللر اغاسی
 اولان میرازر ستم قولندن اغوانلره حمله اولنوب جنگه مباشرت اولندی
 مرقوم میرزاز ستم نقشند شعیج و بهادر اولوب یاتنه مامور قزلباش
 عسکر و قیو خلقندن غیری دور تیوز کوز بده منتجب کورچی عسکر
 اولوب جمله دن اول اغوانک بر جانی اوزن هجومه اقدام ایلدی علی مردان
 خان دخی بشیموز کندویه مخصوص کز بده عسکر و سائر میر بدن
 تحریر اولنان عسکر ایله و سائر خانان و میران و ضابطان قول قول
 جمله ده سرعت و مبادرت ابدوب ناره قتال شدت اوزن اشتعال بولوب

جیم عسکری مبادی حربیه بر مرتبه ده سی و کوشش قلدیلر که اغوان
عسکرینک بر جناحی از محلاله قریب اولدی حتی هویزه خانی اغوان
عسکرینک بر جانبی منهزم اولدوغن مشاهده برله عرب عسکر بهله
اغوانلر اوردوسنه سرعت ایدوب اوردولرینی غارت و یاغما وروایتلری
اوزن میر محمدک اون ایکی قومن مقداری نقود التوتنی فیضه تصرفه
کتوردی میر محمد بو حال ملالت اشمالی مشاهده ایدیمک دروننه خوف
وهراس عارض اولوب فرار قیدند اولدی صاغ قول صول قول
سردارلری اولان امان الله ونصر الله یانه شتاب ایدوب عجه عجه ایات
قرآنییه واحادیث نبویه معنارینی ذکر و یاد ابله پند و نصیح و تقویه
ویره رک پای فرسینی قید و بند ایدوب پابند سمند اختیار ایتدیلر چون
قلبکاه عسکر اولان سردارک سپنه سنده هیجان واضطراب بر مقدار ارام
وسکونت بولدی مین و مپسرو میانه ده واقع عسکر دخی غیرته کلوب
جانب قزلباشه قصد و عزیمت و صرف مقدور و مکنت ابله مردانه
جنبش و حرکت و جان و دلدن جمله سی سلامتاری فکر و اندیشه سیله
بو خطیره عظیمه و کرداب مهلکه دن ساحل سلامتته وصول امید یله
قهر و تند میرا عداده بذل قدرت و تعب و شدت حرب و قتله تحمل
و مصابرتدن غیر ی چانه اولم دوغن ادراک ایتدیلر بواثناده اتفاقا
عساکر عجمک قلیبکاه اولان اعتماد الدوله اوزرینه بر مقدار اغوان عسکری
سرعت و کرمیت اوزن هجوم ایدیمک بازار کارزار جنگ و قتال رایج
اولیحق عسکر قزلباشک مقاومتته اقتداری درکار و پایداری اولمیوب
اغواندن روگردان و جنگیدن کریزان اولدیلر باخصوص باعث
عزت دل و درونلری اولان عسکر تو فتنکچیان قراری فران تبدیل و ثباتی

اعرافه

اعرافه تحویل ایدیمک سار عسکر طایفه سی دخی قیام ابله میوب
جانب عجمیانده علامت ملالت اثرانهم روز اولدی ستون عسکر اولان
قوللر اغاسی میرزارستمک یانه اولان شاه قوللری دخی بوز دوندروب
اقبال و اقدامی ادبار و فران تغییر ایتدیلر اغوانلر اوردوسی غارتنه مشغول
اولان عرب عسکری دخی قزلباشلرک اختلال وانه زمان مشاهده
ایدیمک اسباب و اثنالی راقدیلر خانلری اولان هویزه خانی ایسه غیرت
ایدوب الدوغنی التونیله شتاب اوزن فرار ایلدی قزلباشلرک طوپیچی
باشپسی اتفاقا مبادی جنکه هلاک اولمغله سارطو و پچیانیه کللال الوریوب
طویلر باجمله معطل قالدیلر بو حالت جست و جسارت و شجاعت و قوت
اغوانیانیه علت مستقلة اولوب مرده لر ایکن زنده و دلیر اولدیلر هر چند که
عسکر قزلباش مقاومتته اقدام اوزن اولدیلر فایده ویر میوب بنه
مغلوبیلر و عاقبت رستم میرزا و اوغلی و علی مردانک قزنداشی قتل
و کندوسی دخی مجروح اولدیلر و اغوانلردن محمد نشان نام خان کورجیلری
تعقب ایدوب جمله سن قتل و بی نشان ایلدی ضبط کردن اغوانیان
اوردوی عجمیان بعد الغلبه بو صورت و سباق اوزن طرفینک عسکرند
شدت روز کار ناهموار ابله هجوم ایدن دریای قتال ایکی جانبیدن مد
و جزرا ابله کاه تلاقی و تلاطم و کاه زوج و کاه تفرد ابله رک بریحی ساعت
نجومیه زمانی مرورند بر مقدار سکونت بوانمغله اموال و اسباب مهمات
ابله خالی قلان قزلباش اوردوسنه دک و خدعه احتمالیله اغوانیان
بردرلر و تعرض اینمیوب کند و اوردولر بنه رجعت ایتدیلر ایکی ساعت
مرورند عجم اوردوسنک احوال کرکی کی تجسس ایلد کارندن صکره

تمام اخذ و بلا حائل و مانع دلخواه لری اوزن ضبط ایلدیلر عجم
 آورد و سنده بکرمی بش عدد حاضر و آماده اولمش و اغزشش بال یزطوب
 بولنوب سائر مهمات و اسباب و ائقال بی نهایت و بکرمی بش بیک تومن
 نقود الحقه بولنوب آورد و لربنه نقل ایلدیلر نکته چونکه بوانه کله طهور
 و حدوت ایدن احوال عن قصد اولیوب جمله اتفاق واقع اولوردی
 بود فعه دخی اغوانلرک اصفهانی محاصره ایلمک فکرو سوداسی خاطر لربنه
 دخی خطور ایشش معنی دکل ایدی اول اجلدن بولد قلی طویله قطعا
 نظرو وضع بد ایلیوب انجق اسباب و اموال سائر بی آورد و لربنه نقل
 ایلدیلر و مراد و مقصود لری چالوب چار یوب اله کتورد کبری غنائم ایله
 قند هار جانلرینه عودت ایلمک مقصود ایدی و بواشاده اصفهانه اولان
 وقایع ملالت اشغال و جزع و فزع و سائر احوال قیامت نشان ذکر و بیان
 محتاج اولیوب ارباب عقوله معلوم اولمغله تحریرندن کف لسان قلم
 قلندی اغوانیان دخی بر قایح کون تنفس و راحتته محتاج اولوب اطرافه
 پی در پی قره غوللر تعیین و ارسال و بو طر بقیل صدوری تحمل قضا
 ظهورندن بصیرت اوزن حزم و احتیاط و هر جانبده طرق موارد اعدایی
 سد و بند و دیده بانلر نصب و ارسال اولندی مشورت کردن اغوانیان
 بعد الغلبه برای رجعت در کرمان وقعه کونندن برو جانب اصفهانه
 اغواندن بر فرد بمحمله کور غیوب غیری میرو رجال و اعیان و اشراف قوم
 جمع اولوب کند و احوال لربنی مشاونه و مکالمه میباش اولدی بعضی لری
 الدیکمز اموال غنائم ایله کرمانه عودت سعی و همت ایدلم و بوز اقلق ایله
 وصول زنده بیر بنی کون لم زوارمه دن قلعه فتح اولد یسه فیه اونم و الا فتح

و نه بیر بنه

و نه بیر بنه صرف مقدور ایدلم تا کم من بعد بزه بوبله بر حصن حصین جای
 قرار و هر حاله حصن ایدلم که مقام استقرار اولوب قلعه به کمال استحکام
 ویرد کد نصبره خزیننه و مهمانلری قلعه به قویوب کرکی کی محافظلر
 نصب و تعیین و زاد و ذ خیره کورلد کد نصبره عسکر خیزی طرف طرف
 اقیینه کوندر مک سهولتی تحصیل ایشش اولور ز انجق طویله کتور مک
 ندار کز اولد غندن غیری بزره مهمان ممکن سبب کماراق لازمه حال ایکن
 سرعت سیر بزه پابند بر امر خطیر اولمغله لا محاله قز ایشلار بوله عزیمتزدن
 آگاه و انجق وار قونلر بنی بازویه کتوروب بای وجه کان بر مقدار عسکر
 ندارک برله بزه عقب کیر لری اولسه لری کر کدر دبد کله جمله اغوانیان بروای
 و تدبیره راضیلر اولوب طقوز بیک عسکر انتخاب و صورتا اصفهانی
 محاصره قصدند اولد قلی بنی استعارا چون اول جانبه سرعت و سائر لری
 دخی اسباب و ائقال لربنی دوروب دوشوروب ایلر و بر مقدار عسکر اغراق
 ایله کیدوب بر مقدار در قفانظارت و اصفهانه کید جک طقوز بیک عسکر
 دخی بعد الا یام رجعت و بونلر قفادار اولق اوزن مشاونه لربنه نتیجه
 ویردیلر فرستاده شدن خان هویزه برای تجسس احوال اغوانیان و بو
 ایام ثانیه خالیه ده حوالی اصفهانه اغواندن بر فرد کور غدی یغندن عجملر
 متحیر اولدیلر اغوانلر غنمی الوب کتدیلر صاندیلر عاقبت هویزه خانی
 عرب فارس لر بله تجسس تعیین اولوب بر قره کویجه ده شهر دن چقوب
 اغوانلر متمنه رو بر امد اولدی محل معارکه یه واصل اولد قلعه اسباب و ائقال
 یا حله نقل ایشش انجق طویله وضع بد و غیوب علی حاله جنگ برنده فالحس
 و بر مقدار اغوانیان یز لربنی تجسس ایدنججه کورد بکه اغوانلر آورد و لربنه ارم

و سکونت اوزن بریره حرکتلری بوق فی الحال ایدارک کوروب طویلری
 سرعت و کمال کرمیت و شتاب ایلل اصفهانه نقل ایتدردی و اغوانلرک هنوف
 آوردولرند علی حالهم قالد قلمر بنه خبر ویرنجه اغوان فرصت بولدی
 کندولر بنه من بعد قلب قوت حاصل اولدی بزم اختلال و اختلا فز اغوانی
 جست و جسور قلدی بوندن بولل الد قلمری اموال غنائم ایلل کیر و کتمکه
 نیت و عزیت علایمی کورغدیغندن اصفهانه تعرض قصدند اولد قلمری
 ظاهر اولدی دیو جمله ناس و رجال و شاه متکدر اولد بلر اغنی اغوانلرک
 کورغدی و کی سکر کوندل فی الجمله ارام بولوب بر مقدار عسکر تدارک و طشره لره
 ر قلمر کوندروب عسکرک و رود بنه مترقب و اصفهان شهر بنه مهمال ممکن
 متانت و یرمه ده اهتمام قلمشلمر ایدی بو مقدار جه ندارک کندولر بنه
 مقاومت و باری نفس اصفهانی حفظ و حمایه یه کفایت ایدر و غالباً
 اغوانلرک دخی مطمح نظر لری جولفه و سائر حوالی اصفهان غار بنه
 محصور اولوب بومرادر لری حاصل اولد قلم اصفهان دن ال چکوب کیر و کتمکه
 قصد و عزیت ایدر لر فکر و ملاحظه سیله اضطراب لری بر مقدار سکونت
 یولش ایدی ارسال شدن مکتوب از جانب خان هویزه برای مصالحه
 باغوانیان بوائاماده بو یوزدن ظهوری روغا اولان داهیة نك حسن
 تدبیر ایلل دفع ملاحظه سیله شاه حسین هویزه خانقانیاننه چاغروب
 امر ایلل بکه میرمخوده کاغذ یازوب صورتا شاهک خبر واکاهی لولمروب
 هویزه خان بنک کند و اختر لری اولق اوزن مصالحه عقدنه فتح باب مصالحت
 ایلل لر یس شاهک تنبیعی اوزن شاه و رجال کویابی خبر و هویزه خانقانی
 کند ی قریحه سندن اولق اوزن میرمخوده کاغذ یازوب بر معتمد قاصد

۵۰
 ایلل ارسال ایلدی مفه و منند طر فکره بو گونه غلبه لر واقع اولدی بونک
 نام و شانیه اکتفا ایلدوب الد بکتر اموال و استیا ایلل و لا بکتره عودت ایلل سکر
 مناسب اولوردی احتمالدر که باد ظفر خلا فکره و زان اولوب هر بار تقدیر
 ازل مقصود بکتره موافق ظهور اثمیه بن دخی سنی مذهب و سز کله یاک
 اعتقاد اولد و غدن طرف فکره خیر اندیشلک مقتضای دیانندروب و بعیددن
 ناشی طرف فکره نافع اولق اوزن بر خدمت مبروره کزده بولنی در عهد
 و الزام ایلل ر مسلما متکدر و غند مضمهر مطلوم اولمغه شاهی و رجالی اغفال
 و تغلیط ایلل رم تام کففا کزدن عسکر کوندر لایه و مصالحه اولی کوریلوب
 موافقت ایلل بکتر صورتد قند هار او لکه سی توابع یرلر یله سزه تابید
 اولنور و من بعد شاهلر طرفندن تصرفنه تعرض اولنار عسکر یکتره
 بخش ایچون طرف شاهیدن سزه بر مقدار اچده دخی هدیه نامیه الیور ملک
 ممکنر بویندم ایلل عامل اولوب بران اول رجعت قیدند اولور سز
 طرفزه حامل ورقه ایلل نتیجه لوجواب کوندن سز بوموادده سز کله معهود
 اوله رق خصوله کتور لایه سنه متعهد اولورم همان بران اول ادمی رجعت
 ایتدون سز نیز عزیمتکتر هر بار هدف مقصوده اصابت اثمیه جکی احتمالن
 فکر و ملاحظه دن غافل اولمیه سز دیو تمهید کلام ایلدی فراغت کردن
 اغوانیان از هوای رجعت در کرمان و عزیمت ایشان بشهر اصفهان اغوان
 عسکری دخی مقدمات اتفاق ایلل کلمری صورت اوزن عودته حاضر و مهیا
 اولمش ایکن اتفاقا قاصد ایلل مکتوب چقه کلوب میرمخوده واصل اولدی
 امر او اعیان و ارکان اغوان بریره جمع اولوب جمله نك مواجهه سندن مکتوب
 مرقوم چهار یله قراءت اولنوب مفهومی معلوم اولیق مشاوی ایتد بلر

مکتوب مرقوم بعض مواد بنه نسبت اکثر چه مصنع لکن حیل حربه
احتمالاتی جهتندن عاری اولمغه همان عجملرک کمال ضعف لرنه علم خیر
اولوب اغوانلرک جانب وطنلر بنه مصمم عزیمتلر ان فراغت لرنه بنهادی ولدی
و مشورت ایدوب بعضیلری ظاهر مکتوب ابله عمل مناسب انجق قوی
سندلر و کفیلار ویرسو نلر دبدیلر ولکن اکثری خلافتنه ذاهب اولوب
بو مکتوبدن عجملرک کمال مرنبه ده خوف و ضعف اوزن اولد قلری اشکان
اولدی عون حق ابله بوفرصت بزه ال ویردی جمله مزکیرو کئمک سودا سندن
فارغ اولوب رایشه مباشر اولام دیوب هماندم میز عودک میانچپسی
یعنی معلمی و مربیسی اولان عالمه واروب دانشدیلر اول دخی بسط کلام
ایدوب قزلباش دولتی بر شهرت کاذب دن عبارت و کندولی دخی بالجله
مرحمت و شفقتدن بی نصیب و مترصد فرصت مرتکب کذب و حیل بر قوم
غدار اولد قلاری معلوم کزد در عهد لرنه اعتماد و یمینلر بنه استناد ممکن
اولمیوب چونکه صالحه میل و رغبتلری وارد ر قندهار اولکه سندن مفهوم
مکتوبلری اوزن کف بد و حضاری و بلاوج اغوانلری برنم ابله معا بولنوب
جنک کرده دخی موجود اولملر ابله انلر دن دخی بالکلیه ال چکد کد نصکره
شاه حسین قیز بنی میر محمد و ویرسون و عملکتلر قیز بنک جهاز بله معا هدیه
اولسون بعد حد و تصب و تعیین اولنوب ماینددن بو طریقیله بروت
قالقوب جدال ترک اولنور و دوستنه دوست دشمننه دشمن اولمق اوزن
شروط عقد اولنور بو جمله یراغی اولور لر ایه مصالحه عقد اولسون
دبد کده جمله اغوان مناسب کوروب هویزه خانه قاصد ابله قطع جواب
یازدیلر یاز بلان جواب رجال واعیانہ معلوم اولجق مشورتلر ایدوب

شاهه

۵۶ شاهه عرض ایلدیلر شاه انکشت تحیری دندان تفکره قویوب وادی
خیرنده سرگردان قالدی و حالنه عطف نظر ایدوب بو بابده انلر دن جواب
استدی رجال واعیان دخی شاهم جمله سی ممکن انجق قیز ویرمک نجه اولور
شاهم زرعایاسی مقوله لرنه قزین ویردوکی حالده روی زمینده موجود
ملوک و ملالی بیننده البته شایع اولوب بردخی ذن دکوا اعتبار دن قالماز بویله
بدنام اولدن جمله مزه اولمک بکدر همان عرض میز ایچون غیرت ایدلم
بو کونده یارنده طشردن عسکر یز کور اطراف شهره محکم چند قلر
کسوب نفس اصفهانی محافظه ده اهتمام ایدلم فرح آباد خلقی و رعایای
دخی ممکن اولد قچه ایچرویه الوب خدمته قوشالم شهر مزده دخی وافر
موجود عسکر یز وارد بر مدت کند و مزی محافظه ابله غوائی اشغال ایدوب
ذخیره لری دو کور بوضو رنده رجعت ابله مجبور اولور لر اول وقتده دخی
اقتصاد سینه کور حرکت اولنور پس اغوانلره ککاغد باز بلوب مطالب
سایره کز سناید که حصول پذیر اوله انجق سزستی مذهب اولد و غکزدن
غیری عجم شاهلر بنک رعایالری مقوله لرندن بولند یغکز اجلدن قیزالمق
ویرمک تقریبیله مصاهره بروجله حیر امکانده دکلدردیو جواب یاس
ویرلدی ظاهرده و باطنده بو کونه تحقیر و مزوایایی متضمن جواب
اغوانلرک معلومی اولجق غیرته کلدیلر و بونک اوزر بنه اتفاق ایلدیلر که
برقاج ایام دخی مکت ایدوب کونده برقاج دفعه اصفهان اطرافنی چالوب
چارپوب مهما ممکن غارت ایدلر و بو کونه تضمیق ابله مطلوبلر بنی تحصیل
ایدلر باری قیز ویرمز لر سه ده مواد ساره یه رضا کوستروب قوی سندلر
و کفیلار ویرلر یا خود بو دخی اولمیوب اطرافدن عسکر کله چکنی فهم
ایلدیکمزده رجعت ایدوب نصمیم اولندوغی اوزن کرمانه عزیمت ایدلر

بوریه جمله اغوان تابع اولوب اطراف وجوانبه در حال چته لر تعیین
ایدوب کوندردیلر بیان احوال فرح آباد عجملردخی فرح آبادی تخلیه ایدوب
انجق دش عدطوی کورتون میوب یه کومد کار بی اغوانیان خبر اوب
اول جانبه دخی ادملر کوندروب تجسس قلندر و فی الواقع فرح آباد نام
محل خارج اصفهانه قلعه مثالو متین دیوار ایله و خندق بعید القعر
ایله محاط دروننده حیاض و میاهی و باغچه و باغاتی جنت مثال انواع
اشجار و ازهار ایله رونق عاقص و بیوت کونا کون ایله وسعت پیدارم
ذات العماد بر سر ای بی همتا اید و کن اغوانیان مشاهد اید جگ غازیان
و مجاهدانه موعود اولان جنت فردوس یه نزول ایدوب کندولر بنه
عجیل اجر جزیل قلنش صاندیلر پس ادخلوها امنین ابی مغفور میله
عمله سرعت و شتاب ایدوب جیفه مزخرفائیه ملوس آوردولرندن
قالقوب فی الحال سرایه نقل ایتدیلر بوجه اوزن اغوان عسکری فرح
آباد سراینه قونوب دیوارلر بنه متانت و خندقلرینه توسیعه و یروب
برقات دخی قلب قوت بولدیلر و درون و بیرون سرایه عسکر قویوب
بر شکل اخره کیردیلر و مهمال مکن زاد و ذخیره ندار کی فکر نده اولدیلر بیان
احوال جولفه جولفه اصفهانک محله سی مثابه سند بر و اسع شهر مقداری
از منیلر محله سی اولوب ماینتی فصل ایدن نهر زنده رود در اغوانلرک فرح
آباد سراینه کیروب کندولر بنه استحکام و یرمک قیدنده اولدیلر بی
عجملر کوردکده جولفه یه فرمانلر کوند و روب بالجه ارمنیلر سلا حلوب
اصفهانده شاه سراینی محافظه یه کاسونلردی و تنبیه ایتدیلر زیر اقلرباش
قوللری بوکجه جولفه اطرافنده اغوانلره قارشو مترس المغه مأمور
المشردرو بوجه اوزن جنکه شروع و مشاشرت اید جکار در

۵۷
مباشرت اید جکار در بی جان ارمنیلر کال انقیاد ایله عجم حبله سنه
الدانوب کند و در دلرینه درمان فکرنندن غفلت ایله جمله سی ساحل انوب
اصفهانده کتدیلر و شاهک سراینی محافظه عزیمتده اولدیلر عجم غدارلری
بیجانلرک سلج و بساطلرینی یگ پان اوب تهی دست جولفه یه کوندردیلر
و قزلباشلردخی جولفه محافظه سنه وارمدیلر و چونکه تقدیر ازل بوبله
بر قوم بی رحم و غدارک جزالری ترتیبه تعلق ایلش ایدی هر ند بیرونلر کاری
لا محاله خلاف صواب واقع اولوردی بود فعه دخی جولفه دن بر قاج بیگ
مسلح عسکر حاضر ایدوب و عیاللری غیرتیه اولجه جنک ایتدردوب
کندولرینه تقویه و یرمک مکن ایکن اغوانه عسکر اولمیه لردی و ساحلرینی
الدقلرندن صکره مشورلری بو کامنجر اولدی که اغوانلر البته جولفه یی
اوب ضبط ایدرلر و ز صاحب چقیموب دفع قیدنده اولمیه لمر ز پر جولفه
ارمنیلر نده مال و جوهر و امتعه ذی قیمت بی حد و بی حسابدر اغوانلر کرکی
کی غنیمت اوب طویوم اولورلر و اندن صکره طور میوب کیر و کیدرلر
نرم دخی بوار القه طشره دن عسکر یز کلوب تعقب ایدرلر و جمیع ماللرینی
اللرندن الورز عسکر یز کلدو کی صورنده بر مقدار مال دخی بزور روز
بو تقدیرده جمله سی غنی اولوب ارزوی وطن درونلرینه دوستوب کندو
کندولرینه چقوب کیدرلر صاندیلر اغوانلر ایسه همان اول کجه جولفه یی
یوریش ایتدیلر لکن شهر مزبورده ارمنه طایفه سی غایت ایله کثرت
اوزن بوانغله اهل و عیال و اموال وارز اقلری غیرتیه شهر ی محافظه ایتدیلر
و شاهه فریادچی کوندروب امداد طلب ایتدیلر صورته لکجه عجملر
امداد و عد ایلدیلر لکن نه امداد ایتدیلر و نه ساحلرینی و یردیلر عاقبت

نالمیدار اولوب قزلباشلرک دخی کند ولرینه سوء قصدینی کوروب جولفه بی
 اغوانه خواه نا خواه تسلیم ابله مجبور اولد بلر اغوانلر جولفه بی ضبط
 ابلد کلری کی ارمینیلردن اللی نفر دونشش ملبس و مزین قیز اوغلان
 قیز و عسکره بخش ایچون بیش بیك تومن اچقه طلب ابلد بلر و اغوانلرک
 بو گونه مطالبه لر بی دفع و تعدیل و تسهیل بر درلو حد امکانه اولمیوب
 چار و ناجار قیزلری ندرک و الهسه فخره الپاس و بولد قلری در و جوهر
 ابله تریین واللرندن طوتوب میر محودک دازه سنه کوتوروب تسلیم
 ایتد بلر انجق تمش بیك تومن اچقه بی جمع ابلدوب و یرمک امر مشکل اولغله
 پیر و اختیار و باش بو غلری بریره جمع اولوب مشورت ابلد بلر غیرت
 ابلدوب جمع و تحصیل و اغوانه بونجه مبلغی تسلیم ابلدیکمز صورنده شاید
 که اغوان بودیارده پایدار اولمیوب کرها و یا طوعا چقوب کتد و کی نقد یرده
 مال مزایع اولد و غندن غیر قزلباش بزه جور و ستم و نچون و یرد بکر
 دیو اعداب و تعجز ایللری امر مقرر اولوب پس انفاقیله جواب و مال مز
 اصفهانده اولوب بو حالده جمع و تحصیل بر طریقیله حد امکانه اولمیوب
 شهر اصفهانده ظفر یاب اولد و عکر حالده بالتمام ادا ابلد ز دیو هزار نیاز
 و تضرع برله تسک و یرد بلر مباشرت اغوانیان بمحاصره اصفهان از جانب
 جولفه یرته سی کون اغوانلر ارمینیلردن اغنیا اولانلرک اولرینه کیروب
 اموال و اوزاق و افره لرینی غارت ایتد بلر و لکن فقرا اولرینه و کلپسارینه
 تعرض ایتمیوب بر فردی دخی قتل ابلد بلر چون یوم ایتده نوروز
 ظفر اثر و سعادت رهبر مقرر اولدی همان اولیوم فیروزده جولفه
 جانندن اصفهان محاصره سنه مباشرت ایتد بلر مایه ندر زنده رود

واقع

۵۸ واقع اولغله کج ممکن اولمیوب دوه لر بله زبیرق تعبیر اولنور طوپلری
 کتوروب قارشو قارشو جنگ ایتد بلر برنجه ایام عجم و اغوان پینده واقع
 اولان جنگ همان صبیانک لعینه مشابه بی مال بر قوری هنکامه ایدی
 طوب و توفنک احیا ناللوب ادم قتل اولنق نادر اولور دی و اصفهانی
 محاصره ده عاجزلر اولوب انجق سرای فرخ اباددن جولفه یه کلغه
 احاطه ابلد بلر ایدی انهم اغوانیان در هجوم مجسر شیراز بو حال اوزن
 ایکن بر کون اغوانلر شیراز جسرینی اخذ و ضبط ایچون یوریش ابلد بلر
 قزلباشلردن چوق عسکر کلوب اغوانلرک دفعنه کال کر میت ابله کوشش
 قلدی لر ضبط جسر و ظفر مپسر اولمیوب اغوانلردن وافر کسنه قتل
 اولند قه باقیلری رجعت ابلد بلر اند نصکره اغوانلر جنگدن چکلوب
 ایکی طرف بمقدار استراحت ابلد بلر بر قایچ ایام آرام یرلده بر کون
 اغوان بلوک بلوک اولوب جسرلرک ضبط نه مباشرت ایتد بلر الینه کمی
 تخته پارچه سن و کی قیو قنادن و کی پنجره لر قیاغن الوب سیر لندرق
 جسر شیرازی قبضه تصرفه کتوروب صودن دخی کچکه باشلد بلر انجق
 جسر مرقومک محافظه سیچون اون ایکی عدد طوب ندرک اولنمش و اصلی
 فرا نجه لو بر استاد طوپچیلری دخی بو لغله اغوانلرک ز خام اوزن
 یوریشلرینی کورد کده طوپلری صاچمه و طاش پارچه لر بله طولدروب
 اغوانلر زخامی یقلشد یغی برله یك قتلدن آتش ابلدوب اغوانلرک اکثری
 تلف اولد بلر و باقیلری دخی جنگدن روگردان اولوب فرخ اباده متوجه
 اولد بلر عجم طرفنده خادم اغالردن احمد اغا نامنده بر شجیع و جسور و دلیر
 و دلاور کسنه کندویه متعین عسکر بله جسر مرقومک محافظه سی

خدمت منه ما مور او لمش ابدی اغای مرقوم کمال شدت و کرمیت ابله اغوانلره
عقبه کبر اولوب عین زمان کورماش بر جنگ ایتدیلر اغوانلر بود فعه
مغلوب اولوب چوق کز به کسینه لری تلف اولدی و حاللری اول کونده
بر مرتبه ده دیکر کون اولمش ابد بکه اگر خادم احد اغایه امداد ایدر بر مقدار
عجم عسکری بولمیدی کلنا باد معار که سی انتقامینی عجملر بلا شبهه بو کون
اغوانلردن الملق امکافی حاصل اولمش ابدی زیر اغوانلره بو کون تلف نفوس
ابله انهم بر محله واقع اولماش ابدی اغای مرقوم دخی عجمک کیزودن
امدادی ظهورندن مایوس اولمقینه دونوب جسرک محافظه سندک ثابت
قدم اولدی و غبت کردن اغوانیان بامر مصالحه با عجمیان اغوانلرک ایشه
بالو باشلور امور دبه لری میر محوده کلوب مشاوان ایتدیلر و کلنا باد ده
صاحه رغبت ایتد کلرینه نادملر اولوب چوق تا سف ایتدیلر عسکرک
کز به سی ضایع اولوب حیوانلر یز لاغر اولد فعه قزلباشلر طشره دن
قوی امداد کلوب بزه مضایقه و یرد کلر نه حالز مشکل اولور همان بر
طریق قیله مصالحه تد بیرین کون لم دبدیلر و هماندم جولفه شهری
ارمتیلر ینک بالو باشلور ینی چاغروب دبدیلر که قزلباشلر وارک اگر
بزم ابله صلح ابلک مراد ایدر لر سه کلنا باد ده نصیم اولندوغی اوزن خلقمزی
ارضا ابدی و زو سزدخی ثقاتمزدن قورئش اولور سز اعیان ارمینان دخی
پنلر نه مشورت ایدوب صاحبه توسطی معقول کورمدیلر و بو گونه
احتمالات و یردیلر که بزین السیفین قالمش بر قوم ایز توسط ابله صلح عقد
اولندیغی برله تمسکمز موجبه یتش بیک تومان اچیهی اغوانلر لا محاله
طلب ایدوب یزدن الماری مقرر در و سز اغوانلر ابله برلک اولدو کز دیو

قزلباشلر

قزلباشلر دخی اصفهان اولان مالزی الد قلمزندن غیری اغوان چکلوب
کیتد بکی کبی نجه نجه بهانه لر ابله بزی نجه زور نجیده ابد چکلری محقدو
بزه مناسب اولان ارالینه قارشمیوب مقید اولما مقدر هر نه حاللری
وار ایشه کندولری کورسونلر بزه اهون الشریین بو اولمق کرکدر واکر
قزلباشلر امداد یتشوب اغوانی دفع ایدر لر سه بزه انلر ابله معا اغوانلری
تعقب ایدر زو تقر ببله خدمتده بوانسک احتمالدر که عجملر من بعد
رنجیده ایتیموب مالزی و یره لر و اغوانلره و یره جغمز یتش بیک تومان
دخی یاغزه قالمش اولور همان مساحه برله بو خصوصی تعویق ابد لم دیو
اتفاق ایتدیلر رسیدن پیام از جانب خان هویزه باغوانیان و فراغت کردن
ایشان از رغبت مصالحه اغوانلر بو ائاده خوف و اضطرابه دوشوب
نه یوزدن حرکت ابد چکلر ینی بلیوب اشد اختلال و اختلاف ابله عظیم
پریشان الحال اولمشلر ابدی قضا و قدر اول کجه هویزه خاتندن خفیه
ادم کلوب بو گونه خبر کتورد بکه کونیم سزی ایش کورک و بردر لو فکر
واندیشه اوزن اولمیک بن دخی سزدغم انشا الله تعالی عن قریب مراد بکر
حاصل اولور و اصفهان نه حالده ونه کیفیتده ابدو کنه و فتح و تسخیری نه
طریق قیله مبردر دیونقیر و قطمیر خبر کوند ر مکله کویا اغوانیان هاتف
غایبدن مرده سلامت صداسی کلدی و هویزه خان بیک بو گونه وضعنه
باعث بو اولمش اید بکه کندوسی سنی مذهب اولوب اگر چه خدمتده
شاهه خلوص اوزن ابدی لکن سارر جالدن نجه موادده منکسر خاطر
اولوب اعتماد الدوله فتح علی خانک موادده سنی مذهب در دیو بو نهیت
ابله قزلباشلر کوزلر ینی جقارند کاری خطیره سی در و تنه جای کیر اولمش

ابدی و خان مر قومه شاه خزینه سندن اختلال بهانه سیله بهر یوم الی
 قومن آنچه ویریلور ایکن و طشره دن امداد لری دخی کار و دیو امید لری
 غالب اولمغله صاحبه راخی دکل ابدی ندارك شدن ذخایر از جانب اغوانیان
 برای محاصره پس اغوانلر هویزه خاتندن بومکونه خبر ابله عجملرك
 احواله و وقوف تام حاصل و صلح و یاغیری طریقیله رجعت وعود نلرنده
 دخی معصوبت عظیمه فکر و ملاحظه ابلد کارنده ینه قیام و ثباته قرار ویردیلر
 واپکی ای مروهینه دکن قطعایوریش و هجوم یوللر حرکت ابله تلف نفوس
 ایتیموب کندولرینی تعایبه جواز ویرمدیلر انحق کندولرینه متانت و یروب
 اصفهانه قار شو بو حال اوزن طور ووب اطرافی محافظه دن خالی اولدیلر
 و طرفیندن مصاحت ملاحظه سیله ادملر کلوب کیمدوب شاه دخی
 طشره دن امداد کار و امیدیلر رفق و ملائمت اوزن معامله برله اغوانلری
 اغفال و تعویق و تاخیر سمته ذاهب اولمش ابدی اغوانلر دخی بواپکی ای
 ایچنده اطراف و اکنافه چتهلر کوندروب بی حد زاد و ذخیره جمع وندارك
 ابلدیلر و جوارلرنده نچدنجه بلا دو قری بی کرها و طوعافت و نه خیر ابدوب
 قبضه تصرفه کتوردیلر ار سال شدن خان هویزه از جانب شاه برای
 مصالحه باغوانیان شاه امداد انتظارنده ایکن بو قدر زمانده ظهور ایتیموب
 و اغوانلر دخی ایام خالیبه ده ندارك مالزم ابله کون بکون قوت بولد قلمرین
 فهم و ادراك ابدوب الصلح خیر دیوب مکالمه سی ایچون هویزه خانینی
 اغوانلره کوندردی چون امر مصالحه خان مر قومك دروتنه منفوری
 ابدی بو تقریه له اغوانه واروب کندویه مخصوص امورینه تشبیت
 و یروب اغوانلر ابله دوستلق و اشنالق پیدا ابلدی امر مصالحه یه صرف

۶۰ مقدور ایتیموب تعلیل و بهانه ابله تعویق و شاهه صعوبتلر کو ستردی
 هجوم اغوانیان بحسراب سایاد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر
 اصفهان اوچنخی ای دخول ابلدوکی برله ینه جنکه مباشرت اولنوب
 اغوانلر بروقت محرده علی الغفله اب سایاد جسرنه یوریش ابدوب
 ضبط ابلدیلر جسرك محافظه سنه ما مور کورچی عسکرینی یك پان هلاک
 ابدوب اصفهان جانبینه عسکر کچوردیلر شهرك جواب اربعه سنی
 محاصره ابدوب طرق و مواردی محکم سد و بند ابلدیلر احوال آمدن
 عسکر عجم برای امداد اصفهان و انهمام قرنداش علی مردان اغوانلرك
 شهر اصفهانی بو طرز اوزن محاصره ابلدکاری خبر و وحش اطراف و اکنافه
 شایع اولیحق بالجمله قزلباش قومك درونلرنده خوف و هراس و دهشت
 و وحشت جابگیر اولدی جسراب سایاد ضبط اولندقد نصمکره اطراف
 مملکتدن اصفهان امداد ینه جمع و عزیت ابدن باش سز بوغ سز قزلباش
 عسکری اوزن اپکی دفعه جنك ابدوب اکثر یا منهزم اولوب اغوانلر
 غالب اولمشلر ابدی و بومعار که لرده جمله دن زیاده اغوانلر ابله جنکه
 اقدام ابدن علی مردان خاتك قرنداشی ابدیکه ندارك اولنان ذخیره ابله
 اصفهانه کیرمك مراد ایش ابدی زیراعلی مردان خان سائرلر ایچنده
 امور دبدی کار از موده برمدیر خان اولمغله وافر ذخیره ندارك
 و بشریك قزلباش عسکرین جمع ابدوب ایوجه ندارك ابله اصفهانه
 امداد مراد ابدوب ندارك اولنان ذخیره و عسکری بر محله قویوب
 اوزرلرینه کوجك قرنداشی سردار نصب و تعیین و کندوسی بر مقدار
 عسکر دخی کتوروب قرنداشینه کلوب ملاقی اولق اوزن بر جانبه کش

ابدی سردار مرقومه اغوانلر اصفهانك فلان جانبی هنوز محاصره ايله
 احاطه ایلد بیلر اول جانب اچقدور و اول طرفه اغوانلر ك نظر و اهتمای
 بوقدر سهولت ايله شهره وصول و دخول نمکندر دیو بعض اعتنا ده
 ناشایسته خبرلر ك کذبہ احتمالن ویرمیوب سرعت و مبادرت و علی
 مردان خالك عسکر بله قدوم و ورودینه توقف ایتیمیوب یانته موجود
 بش بیک عسکر و وافر مهمات و ذخایر ايله اصفهان و وصوله عزم راه ایلش
 ابدی اغوانیان ایسه خبر الدقلری بله قارشو چوقوب عظیم جنگ ایتد بیلر
 بحملر منهزم اولوب اکثری مقتول و سردار لری کوجیه فرار ایلدی
 و بونجه زاد و ذخیره اغوان الله قالدی علی مردان خان و قعه بی خبر
 ایچق کندویه دخی یاس کلوب اصفهان و عزیمتدن فراغت ایلدی
 و اصفهان خلقینك دخی امید لری ایچق علی مردانك و قرنداشك قدومنه
 منحصراولش ایکن انلر ك دخی حالی بویو زدن اولد و غنه خبر ایچق جمله
 محزون و متحیر اولد بیلر محاربه اهای بن اصفهان باغوانیان و اخذ ذخیره
 از دست ایشان اغوانلر دخی عجم عسکرینی بوزوب زاد و ذخیره و مهماتی
 اخذ و قبض و آوردولرینه نقل ایلک مراد ایدوب بو خصوصك تشبیتی
 ایچون بر مقدار اغوان تعیین و انلر ايله ارسال ایدوب باقیلری خدمت
 مأمون لرینه کتد بیلر مکر اصفهان دن بر ساعت مقداری محمد بن اصفهان
 تعبیر اولور ایدار و هوادار و صاحبه الاشجار بر بلده مأمون اولوب
 اطراف و اکناف دن بلاد و قری خلقی اول قصبه ده جمع اولوب و اطرافنی
 حند قلمر ايله احاطه ایدوب کندولرینه کرکی کبی استحکام ویرمیشلر ابدی
 اغوانلر الدقلری غنیمی آوردولرینه نقل ایدرکن اثنای زهد قصبه

مزبور ده

۶۱ مزبور ده مجمع قزلباش خلقی کمال کثرت اوزن اغوانلره قارشو چوقوب
 بالجملة زاد و ذخیره و مهماتی اغوانلر الندن الوب بن اصفهان و نقل
 ایتد بیلر و اغواندن چوق کسنه لری اخذ و قتل ایتد بیلر انهم امیر محمود
 در جنگ باهالی قصبه بن اصفهان میر محمود بو خبری اشدی بیک عظیم الم
 و کدر و تهور ايله اغواندن وافر عسکر سچوب ککند و بنفسه قصبه
 مزبور ده تحصن ایدز قزلباش اوزرینه کیتدی لکن محل مزبور ده
 قزلباشلر ك کثرتی اولوب کمال شدت و کرمیت اوزن جنگه قیام و اقدام
 ایتد بیلر عاقبت ظفر و غلبه میسر اولمیوب میر محمودك عسکری مغلوب
 اولیچق وینه اغوانلر دن چوق کسنه قتل اولوب بجه لری دخی قزلباشلره
 اسیرد و شدی میر محمود بو وقعه دن غایت ايله مغموم و متکدر اولدی
 یا خصوص کد اقرار با و تعلقاتندن بر قاج نفر کسنه یانته موجود بولوب
 بوجنگه قزلباشلره اسیر اولمشیدی بیان سبب قتل و اسایصال اسارای
 قزلباش و عهد میثاق در میان اغوانیان برای اخذ انتقام پس میر مرقوم
 عجاله اصفهان ایلچی کوندروب شاه حسین بنه بو گونه خبر کوندرد بیکه شاه
 حسین کند و جانبندن بن اصفهان ادم و رقم کوندروب قصبه مزبور ده
 مجمع قزلباشلر زینههار و زینههار اغواندن اخذ ایلد کاری اسرانی قتل ایلیمه لر
 و نچیزه و نچیمه ایتیمیوب خوش طوته لر تا که اغوان دخی اکامکافات ايله
 قزلباش اسیر لرینه معامله ایلد لری الواقع شاه حسین وجه محرر اوزن
 رقم یازوب و مهماندار باشی میر زاراقی تام محمدینی بو تنبیهی ايله کوندروب
 و بر قاج اغوان دخی معا کیدوب بن اصفهان و اصل اولد قلمرند کورد بیلر که
 قزلباش بد نهاد اغواندن دست راسی اولان اسرادن بر فردی صاغ

قوم ميوب جمله سنی صلب ابلش و صلب اولنانلرك وجود لرنده صانع ير
 قالمیوب كاپدن ايله قوپاروب پیل موملری ايله یا قش یا ندر مش و بونلرك
 ایچده میرمچودك كوچك قرنداشی و عیسی اوغلی و خاله سی اوغلی
 واغواندن نجه نجه بلاق باشلور بولنوب جمله سی قزلباش او باش الندن
 بو كونه سكجه ايله كرفتار نجه شبر اجل اولد قلی رینی اغوان کور یجك
 فی الحال رجعت واور دولینه واروب میرمچوده و صغیر و کبیر جمله اغوان
 طائفه سنه بواحوالی اشاعت ایدوب بوفعل شنیعك و خبر موخشك
 صیت و صداسی دل دریا انقام اغوانیانی جوش و خروش و کتوروب
 بریزه جمع اولدیلر ندرخی لرنده اولان قزلباش اسیرلرینی جمله قتل و من بعد
 صلح صلاح لفظی دخی بر فرد لسانه المیوب اغواندن بر فرد صاغ قانجه
 اخذ انتقامه جان و ناسیه بدل مقدور اید جکالینه جمله سی متعهد
 و معصف شریفی اورتیه کتوروب متفق الدرون جمله سی ال اوروب ایمان
 ضلیط ايله عهد و امانلر ایدوب بونیت و عزیمتلرنده قیام و ثباتی تا کید
 و تاید ایتدیلر و من بعد عهد و امانلرینه موافق انتقامه جان حقیله
 سعی و کوشش ایتدیلر و لرنده موجود قزلباش اسیرلرینی صغیر و کبیر
 فقیر و غنی خان و رعایا علی و ادنی دیمیوب قزلباشلرك کوزلرینه قارشو
 جمله سن صلب ایتدیلر و بوحالی اذعان ایدن مسلم و نصارا و یهود و نجوس
 جمله سی يك لسان علیهم ما يستحقون دیدیلر استمداد شاه عجم از جانب
 وختان خان والی کورجستان چون کلنا بادانهای اثناسنده علی مردان
 خان اصفهانه فیانمیوب امداد ایچون عسکر تحریر و ندر اکنه کشش ایدی
 و ندر ارك ایلدوکی بش يك عسکر و ذخیره و مهمات بالاده ذکر اولندو غنی

اوزن دست رس اغوانیان اولوب كوچك قرنداشیه عسکر منهزم
 اولدی بوخبر موخشدن سار عجماره دخی نفرت و وحشت كلوب
 علی مردان یا تده بولنان بر مقدار عسکر دخی پراکنده اولمغه یوز طو توب
 اصفهانه امداد من بعد ممکن اولدو غنی بلوب کند و محافظه سی ندر اکنه
 اولدی و اصفهان خلقي دخی علی مردان و سار امداد و اعانت ما مول
 ایتد کاری کسنه لردن ما یوس و ایچق کورجستاندن غیری بر در لوا میدلری
 قالمدی چون مقدم شاه حسین و ختان خانه عظیم اعتدار ايله دعوت
 نامه یازوب هدیه بهیه لر ککوندروب اغوان النده مقتول اولان
 خسرو خانك انتقامن الملق غیرته ترغیب ایدوب بوتقریله استمداد
 و اصفهانه کله سن مراد ابلش ایدی بواثناده و ختانه فرستاده قلنان
 بیك نامه و رکوب و ختان خان مقدم ایلدوکی یمینده ثابت قدم و من
 بعد عزم اولد قچه عجم متاهلرینك دشمنلرینه عهدم اولسون قلی حکیم
 قولنده راسخ الدم اولدو غنی جواب یاس دخی كلوب باب امید امداد
 بالکلیه منسد اولدی احوال شهزاده طهما سب بوندن صکره یینه
 مشاون ایدوب طهما سبی برطر بقیله اصفهان دن طشره کوندر ملك
 ند بیرین ایلدیلر اون اپکی دفعه امداد یزه عزیمت ایدن عسکر ك انهمه
 باعث مجرد باش بوغلری اولدو غنی و شهزاده مرقوم بیرون اصفهانه
 بوانسه البته خلق اشدوب کوروب یا تده جمع اولورلر و عسکر کثیر اولوب
 زاد و ذخیره ندر ارك ایدوب اصفهانه کوندر مکه غیرت ایدر و یزه دخی
 کلیملو عسکر بله كلوب امداد و اعانت ایدر دیو مشورتلرینه نتیجه
 و یرد کارنده سکر یوز کزیده جنگی قجر عسکر بله بر شت تارده غیرت

ایدوب میان اغواندن چوب سلامت بولدی و اگر چه اطراف و کنافه
 نك و یو عسکر جمع اهنامنده اولدی لکن خلق چندان میل و رغبت
 ایتیموب عسکر یازلمد پلر ز برابر بوندن اول امداده کتمك مراد ایدن خانلره
 کرمان شاهان اورستان و شیراز و بونلرک جوارنده اولان خلق بر دفعه
 عسکر یاز بلوب بوزلمشلا ایدی بعده طوائف اکراد بکلیه مراجعت
 ایلد پلر انلر دخی بز دولت علیه عثمانیه حدودی جوارنده ساکن اولوب
 کند ویرلری هر حاله محافظه یه محتاج ایزوبله اختلال ائناسنده حرکت
 اید جك اولور سق عثمانلویه تابع اکراد و سائر ملل مختلفه مترصد
 فرصت اولوب در حال ولایتی غارت ایللمری مقرر در دیو جواب ویرد پلر
 و شروان حواله بسنده اولان قزلباش خلقی دخی طوائف از کیمان ابله
 مشغول الحال اولوب انلر دخی پابند غائبه اولملر بله نه اصفهان امداد
 ونه طهماسبه عسکر اوله پلر بعده طهماسب قزوینه کلوب او توز بیک
 مقداری در ثنی عسکر پیدا ایلدی و اصفهان امدادینه کتمك سودا سنده
 اولدی نه یوزدن حرکت اولملور و نه ندرک ونه صورت و طریق ابله
 کتملور در دیو مقر بلری اولان رجالله مشورت ایلدی چون عجم خلقی
 بونجه زماندن بروروز کارها هموار دن زده انمش تعب اختلال و اختلاف
 احوال ابله پریشان الاحوال اولمش و شداید حرب قتال دن کندولرینه
 نفرت و دهشت ککش ایدی با خصوص که شهر اصفهانك احوال دیکر کونی
 قیابندهم سنیوع بولمش ایدی اول کرداب بلادن اجتناب و اول مهلکه
 عظمادن محاشی ضمیر لرنده مکتوم ایدی بناء علی هذا طهماسبی دخی اول
 طریق بر تعبیه عزیمتدن و اولیادیه شوم دان تو جهدن منع و تجویل ایلک
 قصد ابله

۶۳ قصد ابله تعویق و تاخیر مراد ایتد پلر شاه محلله ابله کند و عسکر یز
 برخو شجه نظام ویره لم زاد و ذخیره و مهماتری کرکی کبی کون لم و بر مقدار
 عسکر دخی جمع ایدوب ندرک تام ابله وان لم ما مولد رکذجه مدت
 مرورینه دکن شهر اصفهان اغوانك دست رساری اولیمار از قضا اولدوغی
 صورنده دخی اغوان طائفه سی نهب و غارتدن صکره طور میوب
 عودت ایلک مقرر در بز دخی عسکر کثیر ابله عقبگیر لری اولور ز و اموال
 و اشیا لری اللرندن سهولت ابله الور ز دیوب طهماسبی اغفال ایتد پلر
 و بر قاج کوندن صکره یه مراد لرینه و سوء قصد لرینه تمسبت و تقویه
 و یرمك ایچون شاهم بو عسکر و افره ابله اصفهان اوزرینه وارد یکم زده
 غالب احتمال بودرک اغوانی دفع ایدرز و اغوان دفع اولدوغی برله یه
 شاه شاه اولوب رجالی رجال اولور سزی دخی میرزا سلیمان و میرزا
 صفی کبی حبس ایدر لر دیوب طهماسبی بو کونه اغوا ابله مقصودندن
 فراغت ایتد در دیلر احوال میرزا سلیمان و میرزا صفی ایام محاصره امتداد
 و شدت داهیة عجمیان اشتداد بولوب شاه حسینك معتادی دولخانه
 اولان سرای شاهیدن طشره چقمیوب و نظارت احوال عسکر و ناسه
 اقتداری منعدم اولوب رجالد دخی کیدرک نافذ الحکم مسیوع الکلام
 صاحب ند بیر عدا مه بوز طو و غله بر کون جمله عجم اتفاق ایدوب شهزاده
 میرزا سلیمانی شاه حسیننه وکیل و قائم مقام اولق اوزن تخته چقار د پلر
 شهزاده مرقوم مقتضای حال و وقته کون کیمنه قهر ابله و کیمنه لطف ابله
 معامله ایدوب روز شب سعی و اهنام ابله عسکره و خلقه حبلی نظام
 بولدرمش بکن اون کون حکومتندن صکره غدار و ظالم در و شاه حسین

تختنندن اندیروب کوزلینه میل حکمک سودا سنه دوشمشدر دیو
خلق تجمع ایدوب عزل و حبس وینه شهزاده میرزا صفی فی تخته چقاروب
شاهه ولی عهد نصب و زمام حکومتی بد تصرفنه نفویض ایتد بیلر میرزا
مرقوم برای مقداری وکالت ایدوب حکومته مستعد صاحب ذات
اولغله اگرچه نظام احوال عسکر و ناسه جدا و فی ایلدی لکن طبایع
افراد عجم بالکلیه متغیر و اصلاح پذیر اولمقدن دور و بعید سقیم المزاج
اولدوغن مشاهده ایدوب بر مقتضای قضای ازل عجمه عارض اولان
ادرده دوام پسر اولدوغن فهم و ادراک ایدیک و لم یصلح العطار ما افساه
الدهر دیوب کند و سن حکومتدن عزل ایلدی عجم رجالی فی دخی حبس
ایدوبینه حکومت شاه حسینه قمار داده اولدی ناهل کردن
طهماسب در شهر قزوین به قریک رجال بد نهادش ازین جانب ینه
طهماسبی مقر بلی تعویق و تغلیط و صغری و کبری دن عبارت
قضایای کاذبه ابله اغفال ایچون شاهم اصفهان التازدن اول واروب
مخلیص ابله شاه شاه اولور رجال ینه رجال اولور اندوغی کی واروب
بر تخت و تاجی اغوان النندن اللم تا کم بالجمله عجم نرم ازاد کرده مزاوله
بوصورنده سن تحت شاهیده برقرار اولوب سنگله معامک کشلرک
سکا رجال اوله دیوب بو کونه کلمات فساد امیز لبله طهماسبی اغفال
واغراردن غیری عاقبت اولمک سودا سنه دخی دوشورد بیلر و خاتلردن
برینک قیزینه فی الحال نامزاد اولوب قزوینده سورندارکن کورد بیلر ونجه
ایام دونما و شنلکلر ایدوب سرور و شادمانی اظهار ایتد بیلر اتفاقا ز فانی
کیجه سی اصفهانک اغوانه تسلیم اولندی فی خبر ببله سور و شنلکلرینی
ایچامه رسیده قلد بیلر اصفهانلو طهماسبک احوالین خبر ایچق مرقومی
طشهره

طشهره کوندروب بقر عسکرینی یاتنه تعیین ایلد کزینه نادم اولد بیلر
اولمک قیدینه دوشوب امداد لری اهنامنده اولدوغن ادراک ایلد کلرند
اصفهاندن طشهریه فرار سودا سنه اولد بیلر و یوما فیوما قحط غلبه
ایدوب جنکه اقتدار لری قالمیوب علنا اصفهاندن چقوب کیدر لردی
اغوانلر دخی اعماض العین ایدوب چندان ممانعت ایتمز لردی فی الواقع
طهماسب اصفهانده بولنسه اوراق دفتر انسال و انساب شاهان انکله
دور بلوب عرق خاندان صفوییه انده منقطع اولوردی و بو تقدیرده
عجملر میرمخوده بیعت ایلد امر مقرر ایدی ز بل در بیان وقایع عربیه دو
اصفهان از شدت محاصره و تجمع و مراجعت کردن ناس بد دولت خانه امر
محاصره ممتد ایچق قحط غلا و سائر کمالات مضایقه سیله و هر جانبدن
شد ایدود و هی پیاپی طهور ببله اهالی اصفهان حیز تعبیر دن بیرون
حال پریشانه کرفتار اولوب شاشوب قالد بیلر شاهلری اولان شاه
حسین ایام محاصره ده بدی ای ایچنده سرای شاهی اولان دولت
خانه دن برکز طشهره چقمدی برکون عجمک صغیر و کبیری جمع اولوب
برکروه عظیم شاهک سرایینه وارد بیلر سرای میداتنده امانت لری عیوقه
چقوب جاغر شد بیلر شاه فریاد و فغانلر ینه تحمل ایدوب میوب طشهره
چقدی قوللرم مراد و مقصود بکزدنردی و خطاب ایلد کده جمله سی
صوت بلند ابله شاهم شدت قحطدن بونجه بیک نفوس بشر و غیرینک
تلف اولدوغندن خیر بکزو بونجه قوللر بکزداید بلایادن هر روز شب
خاک مذلتده غلطان اولد قارینه اکاه کزو وار میدر شاهم کدبدار نه
اشتیاق غایتیه ایشوب قوللری شاهک حالندن بی خبر شاه دخی

قوللرينك دېكر كون احوالندن كا. دكل شاهم بوند نصكره ايش ايشدن
يكدى غيرى در ديزه دوا قالمىوب همان غيرت ابدوب سرايدن چقه سز
وقوللرك اراسنه كلوب جمله مزه قلب و اوبيك دل و درون صغير و كبير خيز
اغوانه هجوم ايدى رز بر فرديز حيانده اولد قچه جان و باشيلا جنگ ايدى رز
اجلقدن قرقلقدن بوضورنه شمشير اعدادن جمله مزه اولك اولى در
ديو جوق اغلشد بلر شاه حسين دفع قيدنده اولوب نوازش خاطر لرينه
مهما امكن رعايت ايلدى بود دفعه امورى هوزه خاتمه حواله ابدوب
انك ياتنه كيدوب معيتله اغوانه هجوم ندير يني انك راى واهنا منه
سپارش ايلدى و هوزه خاتنى وكيل مطلق ابدوب على الاستقلال
جمله يه سردار نصب و تعين اياكله دفع مجلس ايلدى مراجعت كردن
ناس. بجانب خان هوزه بوند نصكره جمله قزلباشلار هوزه خانك
ياتنه واروب غلوايتد بلر شاهك تنبيهى اوزن بزه سردار اولوب پيشرو خيز
اول بزدخى سكا پيرو اولوب اعدى اوزرينه شخون ايلدى ديو عظيم ابرام
والخاح ايله فرياد لرايتد بلر خان مرقوم دخى دفع مراد ابدوب مدار ايله
معامله و بلالو باشلور لرينى ياتنه كتوردوب عجله ايتيموك برايكى كون دخى
صبر و تحمل ايدوك بش كونه دك طهما سب لشكرى شمار عدو شكار ايله
امداد مزه بيشمك اوزن درانلر بير وندن يراندر وندن دشمنه هجوم
ايدوب بو طر بقيه انشاء الله غلبه ايدى رزو بو كچه طهما سبدن بكا
مكتوب و ادم كلوب ساخته مكتوب دخى اراز ايلىوب اول كون كو جيله
بو جمعيتى دفع ايلدى ايرته سى كون ينه تجمع ابدوب دفع ممكن اولدى
عاقبت خلقك او كونه دوشوب بر مقدار اغوانه قارشو كدلد كه

طرز

طرز عرب و عجم اوزن تطير و نغال ابدوب بكون يوم نخسدر و فالز ٤٠
نامباركدر جمله مزه لفسا و لورزد يوينه خلق دفع ايلدى بوندن صكره دخى
بر قاج دفعه جمعيتله طشره چقلوب كاه يوم نخس و كاه فال نامبارك ديوب
عجم عسكرينك اغوان اوزرينه هجومنى امهال واهمال ايلدى هجوم و غلوا
كردن ناس. سراى شاهى غيرى عجملر هوزه خانك جنگه وارمغه مرادى
اولىوب اغوانه معين شكننده اولد و غن و اراده بش كون مرور و طهما سب
صكرندن اثر ظهور ايلد و كن كوروب ينه تجمع و شاهك سز ياتنه توجه
ايتد بلر كورد بلر سراى قپورلى قپانوب محكم سد و بند اولمش فرياد لره
باشلىوب شاهك سز ياتنه مثال باران طاشلار يا غدر دبلر شاه بونلره
كور غيوب سكوت ايله معامله لكن بعضى خادم اغالى كلوب مطلق بكن
ندر ديو سوال ايتد بلر شاه مز طشره يورسونلر حيانده مبدى بله ام بزه
قلقان اولوب دشمنه هجوم ايلدى شاه مزى كورد كچه جمله مز او غربنه
فدا اولوب خاك ايلر ينه قربان اولورزد ديونيازور جاليز فرياد و فغانيله
چاغر شد بلر و اغلشد بلر حيز قبولده واقع اولىوب سوزلر ينه التفات
اولندى شاه دخى كور غيوب هر چند كه خادم اغالى دفع قيدنده
اولد بلر قاپده و ير ميوب شاهم اجلقدن هلاك اولد ق هوزه خانك
بزه سوء قصدى دركار در البته غيرت ابدوب طشره بيورك قوللرينه
سپر اولوب دشمنه وان لم شاه مزك يولنه جمله مز بكون قربان اولالم
وياد دشمنه غالب اولوب خلاص اولالم ديوب كتد كچه جمعيتلرى وفرت
و فرياد و فغانيله شاهى طلمبه اصرار لرى كرميت بولوب عاقبت دفعنده جان
بولنميوب اندرون سراى شاهيه موجود خدام سلا جلنوب مقاومت

حاضر اولد بلر و حصار سر اید موجود قولون بورنه و سایر صاحبه
طوبلرینه اتش ایدوب نجه لری هلاک و سایر لرلی برقات دخی منکسر الحال
و پریشان خاطر اولد بلر من بعد شاهدن دخی مایوس و روگردان
اولوب بلوک بلوک اصفهان دن قراری فران تبدیله یوز طوند بلر بیان
احوال خادم احمد اغا ذکر می مرو را بدن اغای مومی الیه صاحب شجاعت
دایر و بهادر کسینه اولوب سابقا جسر شیراز وقعه سنده شجاعتی
بالمشاهد جمعیله معلوم اولمش ایدی و تحت حکومتند اولان عسکر
لشکر قزلباشک کزیده سی اولغله اغای مرقوم جانندن اغوانیان دخی دائما
تخوف و احتیاط اوزن اولمشلر ایدی بود دفعه عسکرینک زاد و ذخیره لری
قالیوب شدت جوع جانلرینه طاق ایدوب اغای مومی الیه اوزرینه
طلب از قلمری سوقیله هجوم ایتد بلر اللرندن خلاص ممکن اولدوغن
بلوب تخلیص کریبان قصد بیه شاهک مطبخنه حواله ایلدی وارک هر نه
بولور سکرالوب امروز کفافلنوب فرادا ایچون رزقیزی خدای تعالی
میردن کوندور ما مول ایدرز دبد کده بر جمعیت عطیه واروب
بر تقریبه شاهک مطبخنه یول بولوب بولد قلمری ارزاقی یاغما ایلد بلر
اغای مرقومه شاه عتاب و خطاب ایدوب نچون عسکر بکه بو کونه ایش
ایتدردک دبد کده شاهم بوندیم مقصودم مجرد عسکر الندن تخلیص
کریبان محصور دکل ایدی بلکه قصدیم بو اید بکه اندرون سرای شاهید
موجود خادم و ندیلر باوی بر کجه اچ قالوب طشره ده اولان عباد الله
شدت جوع ایلنه کونه بلایه گرفتار اولد قلمری برکز خاطر کتون لر
شاه دخی اغای مرقومک بو کونه جوایندن مازم او اوب رفیقیه معامله می

شایسته

شایسته کوردی بو ائنده اغای مرقومه خبر کلد بکه طشره دن بر
مقدار عسکر بیه وافر ذخیره کلوب ایچرویه کیرمکه جسارت اید مد کلرندن
جوار اصفهان بر محله قونوب اطرافلرینه خندق کسوب بو حال اوزن
اصفهانلو ایلده نخابره و اتفاقا قلمر بیه حرکت مقرر قلمر دو اغای مرقوم فی الحال
هویزه خاتمه واروب واقع حالی بلدردی وان لم بغچه لر طرفندن اغوانلر
اورد و سندن دو کوشه دو کوشه کجه لم و اول عسکر و ذخیره می ایچرویه
اللم دبد کده هویزه خانی مخالفت ایتمیوب وافر عسکر بیه قالقوب طشره
بقد بلر احمد اغا عسکر بیه پیشرو اولوب اغوانلر ایلده عظیم جنک ایلدی
هویزه خانی قفادن امداد و اعانت ایلده مقید اولمیوب آخر کار احمد اغانک
کزیده عسکری قریلوب منهزم اولدی و کندوسی دخی فرار ایدوب
کوجیله سلامت بولدی شاه واقع حالدن خبر اولیچ احمد اغای
بافر دوب نچون هویزه خاتندن اول حرکت ایدوب دشمنه واردک
و نچون انک رای و تدبیر بیه عامل اولوب امر بینه منتظر اولدک دیو عتاب
و خطاب و تعزیر لر ایلدی اول دخی جوانیده شاهم هویزه خانی سنک
دشمنکدر امدادیمه کسه اغوانه غلبه مقرر ایدی و اول عسکر و ذخیره می
ایچرویه الماق حد امکان ایدی نکن خان مرقومک دماغنه فساد
اشکان اولغله اراقدن حالمزی تماشا ایدوب نه کندوسی اعانت ایتدی
ونه اعانت مراد اید نلره اذن و یردی چون شاهم دوستک دشمنک
بانندن قالدی بنم دخی الله ایلده عهدم اولسونک بر دخی طشره چقوب دشمنه
قارشو وارمیهیم انجق اغوانلر کلوب شاهمی تختندن اروب یاغندن
سور بیوب کوتورد کارندن بن قولک دخی کلوب صداقتی ابات و جمعیله

اعلان ایچون اول اراده شاه ملك او غورینه قلم چکوب خاکپای شاهه
وجود و جان نثار ایدیم و یاغی التمه او اوب شاه ملك قربانی اولام
دیوب شاهك حضورندن چقوب کندی خانه سنه کندی غایت
ایله غیور بر مرد جسور اولغله شاهك تعزیر بنی حضم ایدم میوب و خاین
و صادق شاهك حضورنده باندی دیو غیرتدن صبر و تحمل قراری
قالمیوب اول کعبه کندوستی زهر لیوب هلاک ایلدی اشکر قزلباش اغای
مومی الیهك فوتی خبرین استماع ایدیچك من بعد بر فردن امیداری
قالمیوب یا س کلی ایله ما یوس و نا امید اولدیلر بیان احوال قحط در شهر
اصفهان اصفهان محاصره سندن اوج ای مرورینه دکن چار سو
و بازارده کفایت مقداری نان و لحم و سایر ما کولات اقسامی بولنوردی
اوج ای مرورنده اتانك بولنمیوب دوه قاطر بار کیره و چار اتلری فروخت
اولنوردی و بر بار کیر بوغز انق ایچون اون ایکی تومنه صائلوردی بر قاج
کوند نصیره بکرمی بش تومن چقدی و چوغه وار میوب بر چار اتلی تومن
لججه یه صائلدی بعده بونلرك وجودی بولنمیوب کلب و کدی ینکه
باشلندی و بر مرتبه یه وارد بکه درون اصفهانده کلب و کد بدن بردانه
بولنزا ولدی بر کون بو فقیر مهم ایچون فرا نجه اچسی سر ایندن چقوب
انکلره بالیوزی سر اینه کئلک مراد ایلدم کورد مکه سرای قپوسی
او کوند بر بی جان خاتون بر کدی توتمش بوغز لاق استدر درمند خاتون
شدت جوعدن ضعفه واروب کدی یه کوچی تمز اللرینی طر ملیوب قان
روان اولمش ایکن جان حقیله طو توپ سلامتی ایچون اچکسی دخی فریاد
وقفان ایدر عاقبت حقیر دخی صبر و تحمل ایدم میوب بیچان حیوانی

بوغز لاقه

۹۷ بوغز لاقه خوام ناخواه خاتونه اعانته مجبور اولدم دورتی مرورنده
انسان اتی ینکه باشلندی و انسان اتن صتار بش نفر قصاب طو تلوپ
سارلره عبرت ایچون باشلرین طاش التنه قویوب ازوب قتل ایتد کلرینی
کوردیم بوند نصیره اسواقده هلاک اولمش تازه میتلرك بودلرین کسوب
یرلادی و جمله اسواق اچلقدن هلاک اولمش انسانیه رختم رختم اولمش
طولمش ایدی التمه اکر چه بو حقیر ناچیزك اعتقادیمده بو جمله مقتضای
قضای ازل بر امر بر حکمت لم یزلدر انجی قصوره کسورند بیردخی ظهوری
قضایه باعث اسباب و عالیدن ایدوکی لاریب و لا استنباهدر فعلی هذا
نفاق و اختلاف خلق و اختلال ناس و رجال و بالجمله امور لرند قصور
زای وند بیر اهالی اصفهانك بو حال حیرت اشماللرینه باعث و بادی علل
و اسباب ظاهره دن ایدوکی دخی امر بد بهدر اهالی اصفهان بلاد سائر
خالقی کی ره زمره محتاج اولد قلمی نان و لحمی هر کون بازاردن صاتون
الوب اولرند زاده و ذخایر بولماز ایدی و بر فردك خانه سنده بر ایکی ابلق
موجود کفافی بوغدی بوبله ایکن اطرافده کد بلاد و قری خالقی ذخیره سز
شهره الوب کتوردیلر محاصره احتمالی قطعادر خاطر ایتدیلر ذخایر
ندارکی ممکن ایکن صرف زهن ایتدیلر اغوانلر فرح آبادی ضبط ایلد کدن
صکره جسر اب سباده تصرفلرینه کیرنجه اوج ای مرورینه دکن اطراف
اصفهان اچق ایکن اصفهانده جنکچی یی قویوب رعایا و نسوان و صبیانی
طشره چقر میوب اخر مملکتده کوند میوب ذخیره ندارکی فکرین دخی
ایتدیلر همان بر ایکی کونلاک هنگامه در صا و لور صاندیلر دایما کفتهای
مفرحه ایله شاعرانه مبالغه لرو کفت و کوی کاذیه بله رسنه جنکار ایدوب

عکس قضیه ظهور ایدرسه حال نجه اولور دیدیلر برکون اصفهانده
مقیم فرانجه ایلمسی اعتمادالدولهیه واروب فرصت الله ایکن ندارک کورک
وبی فایده خلقی طشره چقارک انجاسانده ندامت چکر سکر دیوب ایقناط
مراد ایلدکن اعتمادالدوله شمد بلك اصفهانده بر قاج سنه یه کفایت ایدو
ذخیره مروارد دیو جواب ویردی حال بوکه بر فردیه برای کفایت ایدو
ذخیره بولندی مداهنه اربانک خوش امدی کلانته ولاف وکذاف
امیز گفتارینه الدانوب وارد بیدکاری صحیح در دیو اعتقاد ایتش ایدی
بر وقت حنطه و شعیر وار زوسا یر حمو باندن دانه اثری قالمیوب اخر کار
انجبارک پیراغنی و قیوغنی دار چین مثلاً ووز نیله فروخت و هوائلرده دوکوب
کیک ابله قارش دروب دورت و قیه سی اون تومان اچیه صائلوردی
انواع اولر وکوکلر ویاغ و پینر پوسته کیلری و ساردری پارچه لری
پیشریلوبینوردی کهنه پاپوج کون پارچه لری و بونلرک امثال قایش
پاره لری صوده اصلد بلوب پاسطرمه یوللوینور اولدی بونلر دخی
بولماز اولدقدن غیری خلق سو قاقلره دوشوب اول صاحب خاندان
خان زاده لر کونش یوزین کورمین خاغلر ثبیه و باکره صاحبلی
وصاحبسز خاتونلر و قیزلر در ویا قوت و لعل ابله دوتش عنقا بازار کان
زاده لر سو قاقلره دوشوب ماملار بیتی و جوهرلرینی باشلرینه الوب
فریاد و فغان ابله بر پارچه نان طلب ایدرلر دی نه جوهرلرینه رغبت
ایدروارونه سدر مقیچون بزنان پان سنی و یرمکه قادر کسنه وار همان
بیجان لک فریاد و فغان ابله نفسلری دوکنوب ضعف جوع ابله یره دوشوب
سورینه سورینه وهره کی ماولیه ماولیه جان و یررلر ایدی هرکس نه یره

دوشسه

دوشسه انده قالبوب دفن دخی ممکن اولمیوب اول حال اوزن قالوردی ونهر
اصفهان دخی لاشه ابله لب بر لب طولش ایدی بواحوالی کورن اهل دل
نفسی نفسی دیک حسب حالی ایکن کند و نفس و حال فراموش ایدوب
بونلرک غمیله وادی حیرنده سرگردان و لایعقل طوکا قالوردی غریبه شاه
حسینک بر عنقا میرزاسی بو حال حیرت اشتیالی مشاهده ایدی بچک فکر
واندیشه یه واردی نور دبدلری اولان اولاد و انساب و اهل بیتی بر قاج
کوندن صکره نفقه لری قالمیوب بو حال وحشت افزایه خواه نا خواه گرفتار
اوله جقلرین بقینا فهم و ادراک ایدوب ماملکن بذل ابله ایکی اوج و قیه
مقداری طعام ندارک ایلدی و بالجمله اهل بیتی و اولاد و انساب و اقرباسنی
دعوت ایدوب اطعام ایلدی بعد جمله یه خطاب ایدوب دد بکه ای نیم
نورد بدلم سوکلو قورنداش و اقربا لرم بو طعام جمله مزک صوک طعامیدو
فیرا اکل و شربه متعلق بوندن غیری برذن مز قالمی مکر میرزای مرقوم
اهل و عیال و تعلقاتی سو قاقلره دوشوب اول حال وحشت اشتیالیله
ثلف اولیه لر دیو طعامه سم هندی قاتوب بر مقدار زمان مرورنده
کندوسی و غیر بلری بالجمله خانه سنه هلاک اولد بلر اغرب غریب
بو حقیر دخی بو ائنده اسرار حکم علیه ربانیه دن بر حکمت عظیمه
مشاهده قلدم شهر اصفهانده محاصره دن اول بر قاج سنه دن روسا بلك
ایدر یر مسکین انما کوردم اثنای محاصره ده ینه سائلك ایدو کوردم
بعد المحاصره میر محمود کوننده ینه مسکین مرقومی سائلك ایدو کوردم
و بوسری ادراک غایت ابله مقیر و عاجز و در مانده قالدم احوال پایچیان
ملوک نصاری در محاصره اصفهان اصفهانده موجود ملوک نصاری

ایلماری کند لری عجمه قیاس ایتیموب و وقت اختلاله ذخیره ندارک
 کند و لری نه نسبت حد امکانه اولماز ملاحظه سیمله پاشین ندارک
 کوردیلر و ما کولات و مشرو بائلرینه متعلق حنطه و دقین وار و سه سر
 و حواچ پیوندن اولان حبوبات سائر و لحوم مقدده نی و فرت اوزن
 اد خارایتدیلر ابتدای محاصره دن اوج ای مرورینه دکن لحوم جدید
 بو لنوردی و اطراف اصفهان اجق اولوب طشره دن دخی ندارک
 و احضار ممکن ایدی شهر اصفهان محصور اولدوغی کبی ایلماری دخی
 اولرینه قیولرینی محکم قیادیلر و ناس ایله اختلاط ایتیموب تحاشی
 واجتناب و کند و لری نی لیل و نهار محافظه اوزن اولدیلر میرمخود دخی
 جاسوسلر و سائطیه احوال اچیانندن خبر ایحق عجله زخیره و برمیله
 و شکر لرین فروخت ایتیمه لر دیو خفیه تنبیه اولدیلر عدد مقتولان
 از شمشیر و هلاک سند کان از قحط در شهر اصفهان تنبیه شهر لده
 طوغوب بیویوب جنک و قتال کور میوب و هرج و مرج و فتنه فساد لری
 مشاهد ایتیموب با خصوص سرحد لده محاصره شدن لری نی بلیوب
 ناز و نیاز بله پرورده اولان بلدی و سائر بونلرک امثالی ساده دللر نعمت
 راحی اذعان ایتیموب بو گونه تقریر و خبری مبالغه یه حمل ایدر گلش لردو
 مع هذا که شهر اصفهان بر بلده عظیمه و خطه واسعه اولوب درون
 شهر ده ممکن بلدی و مسافر و مجاور و عسکری اولنلردن غیری اطراف
 بلاد و قری و لقی دخی شهره کیروب همان انساندن عبارت دریای عمان
 اولمش ایدی ثنائی عروب و قتاله مقتول اولان قزلباشلرک عددی
 بکرمی بیکه بالغ اولدوغی صدقه بقین برتواتر در لکن افات قحط دن هلاک
 اولنلرک تعداد و تخمین بروجهله حد امکانه اولیموب بر قاج کره بوزیک

اولدوغند

اولدوغند دخی اشتباه قالمیوب اولی و انسیب اولان تعیین عدد ده کف
 لسان قلم قلمقدر تسلیم کردن شاه حسین تاج شاهی و تخت ایرانی بجانب
 میرمخود و ضبط شهر اصفهان و احوال سائر در میان اغوان و عجم میرمخود
 اصفهان و وقوع بولان احواله نقیر و قطمیر خمیر و ایحق غیر شهر اصفهان
 دست رسی اوله جغند اشتباهی قالمیوب محاصره تمشینی شدن بر مقدار
 تسهیلی روا کوردی و عسکرینی بر مقدار کیر و چاکوب تلفنی من بعد جائز
 کورمدی سر بلوکارینی چاغروب عجم اوزر بنه واریمه دیو تنبیه ایلدی
 برابکی کوندن صکره عجله کیریشان حالی اغواندن علی وادنایه معلوم
 اولیحق اغوان عسکری اصفهان یوریشه اذن طلب ایلدیلر و مطلوب بلرند
 معرر اولوب میرمخود و میاچچیسی دفعنه سعی ایدوب کوجیه
 تحویل ایلدی و بنه هر فردی برلور بنه کوندروب خدمت مأمورده
 ثابت الاقدام اولدیلر و میرمخود یوریشه جواز و یرمدی زیر اموال
 و خز بنه شهر غارت اولدوغندن غیری بو محله زحمتدن و تعب و مشقتدن
 صکره عسکرندانهزام و وقوعندن خوف ایدوب حزم و احتیاط ایدردی و
 بوگونلرده شاه سراننده دخی ما کولات و مشرو باته در برذن مقداری زاد
 و ذخیره قالمیوب و باجمه اطرافدن معاون و ره دندن یاس کلی ال و یروب
 شاه عاقبت خواب غفلتدن بیدار اولدی و ایش نیه منجر اولدوغن بلدی
 لباس فاخره سن چقاروب یاس و ماتم کیاسن کیدی اندر من سرانی کزوب
 خادم و ندیم و تعلقائیه اغلشرق و داعلشیدی سر ایدن طشره چقوب
 میدان و اسواق قحط ایله هلاک اولمشلر ایله مال اولمش کوردی درونند
 وفق و شفقت هیجان ایدوب دپه لری مثال سحاب ایدار اشکیار اولدی

صوت بلند ابله اغلیوب کوردوکی ندیم وخادم وناسه متوجه او اوبه
وداعه بشلیدی وگاه خطاب وگاه عتاب ابله بوکونه کلامه اغاز ایلدی
ای بنم صاد قلم محبت ابله محنته گرفتار اولمش قوللرم بو بحر بلاده
بارداشلم نار غیرتم ابله یاخش یا قاش صد اقتکارلم بو قضای مبرمه
رضادن غیری چاه مزو بو حکم ازله تسایمدن اوز که منالمر یو قدر بناء
دولتمزی اینز ابله هدم ایتدک جناب حقندن مستغرق اولدوغمر نعمتک
شکرن بلدک نفاق و شقاق واختلافز ابله دوشمنلریزی ایقلندردق
سو ندبیر وقصور و کسور رای ابله ماملکمزی یاد الله و یردک قضای
ازل ناشایسته فعلمز ایچون تخت ایرانی بزه لایق کور میوب اخره و یردی
سری و یری تقدیر خدایه بنده قلدی چون ارادت علیه بو کاتعلق
ایتدی شاه جدید واروب جمله مز سرفرو و اکافول اولمندن غیری
چان قلمدی شهری کزوب وصوت بلند ابله والواع ای تخت شاهی
الوداع ای ملک ایران الوداع ای تاج دار الوداع ای شهر اصفهان الوداع
دیوب شاه وناس وعلی وادنی بر مرثبه ده اغلشد بلر که اه و اینینلری
افلاکه چقوب جولغه ده واغوانلر اوردوسنده اشکان اشید بلور دی
اول کون اخشامدک بو حال اوزن کزوب اغلشوب اخشامه قریب
شاه وناس سرایه واروب جمع اولد بلر و مشورت ایدوب شهری اغوانه
تسایمه اتفاق ایتد بلر چون صباح اولدی شاه حسین معتمد لردن بر قاج
کسنه یی میر محمد ابله مکالمه یه ککوندروب نور دبه سی قیز بنی دخی
تجهیز ایدوب میر محمدک ایاغنه کوندردی مکالمه یه مأمور اولانلر
کندولر بنه سپارش اولنان شروط و قیودی ایراد و میر محمد دخی قبول

ایدوب

ایدوب و یره مواد لری عقد اولند قدیم کیر و هودت اولند بلر بعد شاه
کتور ملک ایچون مخصوص ندرک وانلر انتخاب اولنوب میر محمد
کندور جالندن بر قاج کسنه یی معاکوندردی شاه حسین کوند یرلان
اتلره سوار اولوب وعادت ایران اوزن الا بلر قوروب میر محمد جانبینه رو
براه اولدی میر محمد دخی رجالیله حاضر و اماده شاهک قدومنه مترقب
اولدی و شاه ایچون براوطه حاضر لنوب بر مندر اوز و بنه سوزنی مقعد
دوشنوب اورته یره بر بالین قود بلر بعد شاهه اگرام نه صورنده اولموردن
دیومذا کره ایتد بلر بعضیلر شاه شاه ایران اولوب الان میر محمدک
قاین پدیری و مقدمه ماجله اغوانک افندیسی بولمغله استقبال و کورد بلر
لکن میر محمد استقباله تنزل ایتوب انجق دیوان خانه ده کندی
رجالیله شاه حسین ایاغ اوستنده بکلیوب شاه حسین رجالیله کلوب
دبوانخانه به چقد قلرند میر محمد بر قاج ادم یرشاهه استقبال ایدوب
بری برلر بنه سلام و یردیلر و شاه حسین میر محمدی قوجوب والندن
واپکی کوزندن بوس ایدوب قوبنندن بر صر غوج چقاروب کندی الیه
محمدک باشند طاقدی واللهم مالک الملك ایتنی او قویوب بو معنای متضمن
بر مقدار کلامد نصیحه میر محمد تقدیر ازل تاج و تخت ایرانی بنندن الوب سکا
لایق کوردی و همان مبارک اولسون دیدکده شاه حسین کندور جالنه
وبعد میر محمدک رجالنه عطف نظر ایدوب بوکونه خطاب ایتد بیکه ای رجال
وناس بوکوندکن مالک ایران شاه بن ایدم الان تخت و تاج و ملکی فراغت
ایدوب میر محمدک بد تصرفنه قصر ید ایتدم و بن دخی تحت حکمنه کیردم
بوندر نصیحه سزک و یرم شاهمز بودرد بد کده اولانکند و سنی پدیری مقامنه

قبول رجاسنه شروع تانیا اهل و عیالنه وضع یله رضا و یرمیوب والدلی
مقامنه تنزیل بالثا اولادلرینه رنجیده یی روا کور میوب کوچک قزند اشلی
مقامنده استخدا م رابعیا غده موجود رجالک صداقتلری بوانه کانه
مجر و مشاهد اولغله بکا صداقت ایلده خدمت ایلدکاری کی سکا دخی
صداقت و استقامتده ثابت الاقدام اولملری ما مول اولغله خور و حقیر
اولملرینی شایسته کور میوب عزیز طوته سن خام ساهلکتده اولان فقرانک
اوزرندن ظلم و غدر دفع و رفع سادسا احکام شرع مبینی هر حاله اجراده
صرف مقدور ایلد سن دیو نیازی تمامده میرمچود شاهلی اوطه یه دعوت
ایلدوب یرکوستردی شاه حسین مندن التفات ایتمیوب کنان اوتوردی
میرمچود دخی مندر اوستنه اتور مغه رغبت ایتمیوب مندرک اول برکنارنده
زانواوزن اوتوردی بعده شاه حسین کند و مهر بده و بالجمله ایران دولتی
خانلر بنک و معروف اولان اعیان و رجالک اسملر بده ممضا و مهر لر بده
مهور تحت و تاج و ملک ایران فراغتتی متضمن برکاغد چقاروب میرمچودک
النه صوندی اولدخی قارشو سنده قائم دیوان کاتبه و یروب جهر بده
قراآت ایلد کده ینه میرمچومک یدینه و یردی در حال معتبر و معتقدلری
اولان مشایخدن برکسینه یی احضار ایلدوب یانلر بده کلدی شاه و میر
ایکپیسی دخی دیزاوزن کلوب اولدخی برالن میرمچودک باشنه و برالن شاه
حسینک باشنه قویوب دعال و ثنار اتانمنده تخت و تاج ایلدی میرمچوده
نبریک ایلدی بعده بالجمله رجال عجم کلوب سرفرو و میرمچودک دامن
بوس ایلدوب بیعت ایتدیلر بعده خانان و ضابطان و اعیانان انعیان
کلوب انلر دخی دامن بوس ایلده رسم تبریکی احیا ایتدیلر فعلی هذا شاعر

۷۱ دانا و طربک هائف غایبدن الهام ایلده مذهبنا حق دیدوکی تاریخ نکته
امیز مفهومینه موافق شاه اسماعیلده ظهور وابتد اولان دولت شاهان
طقوز نفر شاهان کراهانک تقریبا ایکپیوز یکرمی سگز سنه مقداری مدت
ممالک ایرانیه استیلا بده حکومتلری بوکون شاه حسینک تمام اولوب غالباً
دفترلری بونده دور بلوب حتم اولدی ضبط شهر اصفهان و ترتیب الای و رفتن
میرمچود و شاه حسین بدوات خانه و جلوس میرمچود در تخت شاهلی
بعده میرمچومک خان اولی اولان امان الله خان سرای شاهلی اولان
دواتخانه ضبطنه ما مور اولوب کوندلدی و خان ثانی اولان نصر الله خان
بر مقدار عسکر بده قزوین جانبلیرینک یوللرین محافظه و اوطر قلرده
طهماسب حرکتنه نظارت ایچون ارسال اولندی شهر اصفهان ضبط
اولنوب قبولر بینه عسکر تعیین اولندی مرور ایلد جکلی سو قاطر تطهیری
ایچون ادملر تعیین اولنوب لاشه لر دفن اولنوب یوللر بیقنوب مهما
امکن رواج قبیه ازاله اولندی شاه حسین ایچون غیری اوطه دوشنوب
انده اسکان اولندی ذکر اولنان احوال جمعه کوننه مصداقت ایلدوب
ایرتیسی کون ارام و استراحت اولندی درون اصفهان ما مور اولانلر اتمام
ایلدوب ما مور اولدقلری خدمت امکان مرتبه سی یرینه کتوردی اوچنجی
کونکه یوم بازار ایلدی الایلر ترتیب اولنوب شاه و میراتلره سوار اولوب
شهر اصفهان توجه اولندی اغوانلر لندن قتل اولنان قزلباش لاشه لری
اذر جاری بغچه سنده بغلغله شاهه کوسترمک قصد بده اول یولدن
کیدلک تنبیه اولندی شیراز کور یسنه وارد قلده جمله الای و میر و شاه
کو پرویه اوغرا میوب کچردن عبور ایتدیلر ایکی یول اغزی نام محله

کاند کده مير محمود طوغری يولدن اصفهانه کيدوب شاهي ايسه دېکر
 طريقه کوندر دېلر فراجه وانکله وندرلانده باليو زلری مير محمود
 استقباله کلوب اوکونه دشدیلر وقرلماشلدن بر فرد الایه کلسون
 وسیر طریقله یوللرده بولسون دیو محکم تنبیه ایدوب منادیلر ندا
 ایتدر دیلر طرف طرف اغواندن عسکر و سواقلر باشنه زیبق تعبیر
 اولور طویلر قونلوب مستوفی توفه کچیلر حاضر واماده قلنوب
 قزلباشلرک حمله و خدعه سندن کرکی کی حزم و احتیاط ایتدیلر وجه
 حجر اوزن سرای شاهي اولان دو تختانه به واردیلر اندرون سرایه اولان
 خدما و ندما سرای شاهي بی ترین ایدوب مير محمودک مری اولان
 حولی ده سرتاپاز پریای سمند میره دیبای ذیبای ذریاف دوشیوب
 اوزندن کچوردیلر و بصورت اوزن عزت و اکرام ايله تحت شاهي به
 اجلاس ایتدیلر شاهک خادم اغاری کلوب بیعت و مقام خدمته قائم
 اولدیلر و اندرون سرایه موجود سارندما و خدمه بالجمله کلوب میره
 سرفروورسم بیعتی بر بنه کتوردیلر بعد کیر و قلان رجال دوات و خانلر
 و اختیارلر و اصفهانده موجود ایش ارلری و عسکرلری کلوب بیعت
 ایتدیلر و صداقت و استقامت برله من بعد میره خدمت و خلوص
 و طوبیعت ثابت قدم و راسخ الدم اوله جقلر بنه عهد و امان ایتدیلر میر
 محمدک دخی قحطک شد تیلله خلعتک مضایقه سی معلومی و ملغله حل و عقد
 امون مباشرندن اول ذخیره مهمه سنه صرف مقدور ایدوب اغوانلر
 آورد و سندن اصفهانه ذخیره کتورلسون دیو فرمان و همان اول کونده
 بهای ارزاق تنزله یوز طوبو خشامه دک دورت و قیه دقیق ابکی غروشه

ایندی

۷۲ ایتدی فعلی هذ ابرقاج کون ایچندن تحصیل ارزاق ناسه اهنام اولنوب دن
 و لحم ايله خلق بر مقدار کفافلندی بو خبر شایع اولوب طشره لرده
 مجموع خاص و عام اولیحق اصفهانده صاحب خانه و ملک متصرفلری
 اولوب محاصره شدندن فرار ایدیلر اولر بنه کلکه رغبت ایتدیلر و یوما
 فیوما اصفهانده خلق چوق اولغله باشتیلر بعد میر محمود رسم عجمه
 مراعت کوستروب ضیافت ترینین امر ایلدی و امورد وائی مشورت ایچون
 کند و سندن بیعت ایدن عجم خانلر بی و بکلر بی و سار اسانشان اربانی
 دعوت ایلدی شاه حسین خلو ص و صداقت پایدار اولانلره اکرام
 صورتن اظهار و خیانتندن بولنلری جمله قتل ایلدی انجق هویزه خانی
 ايله مير محمود بهننده مقدمه عهد و امان جاری اولغله انی قتل ایتیوب
 حبس موئبد ايله حبس ایلدی خان مرقومک عوجه سی اوغلی
 محاصره دن اول مير محمود کلوب مسبوق خدمت و مشهود الصداقت
 بولغله بر بنه هویزه خان نصب و تعیین ایلدی مير مرقوم شاه حسین
 خلوص و صداقتی مجرب اولان رجاله خطاب ایدوب شاهکزه ایلدیکز
 صداقت و استقامتکز مجرد رفعتکزه علت مستقله اولوب بکادخی خلوص
 اوزن خدمته اولور سکز ملاحظه سیله بولندیکز مناسبی سزه ایقا
 و مقرر ایتدم واروب ما مور اولدیکز خدمته سعی بلیغ و جدا و فی ایدوسز
 فعلی هذ شاهکرجالی مير محموده رجال اولوب اعتماد الدوله سی بنه اعتماد
 الدوله اولدی مرقوم اعتماد الدوله و ته دن بروایعن جد عجم شاهلر بنک
 خدمتنده صداقت و استقامت برله شهرت بولمش کسنه لردن اولوب
 بود فعه مير محمود جانبندن خدمت مرقومه اعتماد الدوله مرقومک

ذمت خلوص و همت استقامت نه تفویض اولنوب الباس خلعت برله
امتیاز قلند قد میرمچودک یا غنه رو نهاده قلوب بوکونه نیاز مندان
تضرع ایلد بکه میرم هر حاله امر بنه طاعت و انقیاد برله مأمور بمیورد قلمری
خدمانده صدق خلوص اوزن صرف مکنت ایدرم انجق طهما سب
طهور ایدوب انکله جدال و قتال اقتضا ایلسه شاه زاده مرقوم کر منه
مستغرق اولدینم ولی نعم افندیك اوغلی اولوب خاندان شاهیدن
اوز ریمه اولان حقوق نان و نعمت باشمدن اشمش برحالت لازمه الرعایه
اولمغه اولمای نعم افندی بریمه عدویانه سل شمشیر و کافرانه انکار نم برله
جانم بریمه قصد یله انداختن کان و تیر بو قوللار بنه نسبت امر دشوار
الجسارت بلکه بویله بر فعل شنیع ارتکابی محالاندن اولمغه میرم بو قوللاری
طهما سب ایلد حروب و قتاله امر ایلد و بوگونه عنان اختیارم الیم
اولم و غی خصوصه قولنی کر مندن عفو ایلد دبد که میرمچود اعتماد
الدوله نیک بوکونه ناشر الکرم و شا کر النعم حق شناس و خاطر پرور صداقت
شعار کلامندن غایت ایلد حظ ایدوب من بعد خدمت و کالتدن عزل ایلما مک
و عدلر بنی متضمن وافر تحسین و جوق افرینلر سو بلدی و رجال عجمه
علی مراتبهم اطهار ملاطفت و نوازش خاطرلر بنه رعایت کو ستروب
هر فردی منسوب بنده ابقا و تقریر قلند قد اغواندن اوزرلر بنه برناظر دخی
تعیین ایلدی انجق تعدیل و تسویه منازعات و دعوائی حقوق عبادده
حل مشکلات و احقاق حق خصماده اجرای شریعت قانون یرانی اوزن
دیوان بکلرینک عهد ذمتلرینه تفویض اولنه کلد و کونه بناء بو مقام
ع الیمه دیگرانک استخدا می روا کورلیوب جنس اغویانندن صاحب زهد

و تقوی

و تقوی کامل ورشید عالم قواعد شریعت مستقیم و معتدل اعتقاد
ایلد کلمری برکسنه بی انتخاب و امتیاز ایدوب دیوان بکی نصب و تعیین
و بو خدمت واجب الدقت و لازم العفی انک ذمت اهنمانه سپارش
ایلدی دیوان بکی مرقوم دخی اجرای قوانین شرع نموبد بر مرنبه
جد و سعی و اظهار عفت و عصمت ایلد بکه جمله قزلباش انکست بحیری
دندان تفکره قویوب باعث زوال دولتمری اولان اسبابی هنوز فکر
واذعانه باشلد بلر و سبب زوال دولتمری اولان سوء حاللرینه ندامت ولن
ینفعهم الندم ایلد نادملر اولمغه یوز طوند بلر احوال جمع و تحصیل
خزیننه از جانب میرمچود عجم شاهلرینک خزیننه مندم و جود ذی قیم
الات و اسباب و جواهر و بساط اگرچه وفرت اوزن بولندی لکن سیم
وزن دارنقود اقل قلیل ایدی میرمچود جانتندن جمله سی ضبط اولندی
بعد رجال عجمک هر برندن بر مبلغ آنچه و جوهر طلبا و انوب خواه
نا خواه تحصیل اولندی حال بو که رجال عجم شاهلرندن زیاده خزیننه
مالک اولمشلر ایدی جوالغه دن و اصفهان دن تاجرلردن و غیر بلردن
حتی ملوک نصارا یا جیلرندن دخی بر بهانه ایلد مبلغ و افره طلبا و انوب
طوعا و کرها جمع و تحصیل و میرمچوده تسایم اولندی میرمچوددن
غیری رجالی و سرکارده اولانلری دخی جروج جمع اموال سودا لری غالب
اولمغه انلر دخی بر تقریب و بهانه ایلد اموال کثیره جمع و ادخار ایلد بلر
و عسکر اغوانده متعین علوقه لو عسکر اولمیوب کسب و تحصیل ایلد کلمری
اموال غنائیک خمس حاکم لرینه تسایم و با قیسن بیلرند تقسیم ایدوب
طوائف عسکر دخی اموال غنائیدن منقول اولد بلر حاکم لری طرفندن

بخشش و قوعی دخی نادر واقع اولوب انجق اصفهان فتحند نصیره
سرکارده اولانلرینه تعیینات ویریلوب عسکر طواغتنه دخی احیاناً
ذخیره ویریلوردی ارسال کردن عسکر برای فتح قزوین و وقعه قزوین
اصفهان شهری وجه محرر اوزن فتح و تسخیر اولند قد نصیره برای قدر
زمان مرورند قزوین شهری دخی فتح و تسخیر اولنق مراد اولنوب میر
محمد خان اولی اولان امان الله خان سکزیبک عسکر ابله قزوینه
تعیین و ارسال اولندی و میر محمد طرفندن قزوین اهل بسنه خطابا
امریازیلوب کوندلدی مضمونده سز که قزوین اهل بسی سز ارم
وصولند انقیاد ابدوب شهر قزوینی اول جانبه مأمور سر عسکریه
تسلیم ابد سز و طهمااسب اند بولنور سه بلا عوق و تاخیر طر فزه
کوندن سز امره انقیاد ابد بکک صورتده اموال و اهل عیالکز و عرض
و امتیازکزه تعرض اولنوب ینه اولدوغکز حال اوزن منال و مناسبکز
کند و کزه ابقا و مقرر قلنوب اسوده حال اولور سز و اغوانلر دن طرفکزه
بردر لوضر و کز ند ترتیب ابد جلد اولور سه طرفزدن تضمین و تکمیل اولنور
والا امره اطاعت ایتیموب عناد و مخالفت و مقاومتیه جمارت اید جک
اولور سکز عون جنای حق ابله باد ظفر و غلبه طر فزه و زان اولد قد
بر فرد بکزه بر طر بقله امان ویرلیموب عموما قتل و استیصال اولنور سکز و بو
سیاقد شاه حسین طرفندن دخی مکتوبلری یازلدی و ندر کار کوریلوب
لشکر اغوان جانب قزوینه روان اولدی قطع منازل طی مراحل ابد رک
قزوینه یقین اولد قلرند طهمااسب خبرالوب یاننده موجود عسکر ابله
نیرزه فرار ابدی اغوانلر وصولند شهر قزوین عسکر دن خالی
اولحق

۷۴ اولحق و کند ولری دخی طهمااسبه استناد ابله جنگ و محافظه ندر کار گیری
چندان اهتمام ابله کور میوب غفلت اوزن بولنلر ابله لشکر اغوانک بخانه
وصولند میر محمد ک امرینی واکام منظم شاه حسین مکتوبلری
کورده کاری بر له شهر قزوینی بلا قتال و جدال و بلا منازعه لشکر اغوانه
تسلیم ایتدیلر و درون قزوینده قوناقلر ندر ارك اولنوب با جمله اغوانی
قوناقلره توزیع ابدوب بشقه بشقه قوندیلر لهالی قزوین لشکر اغوانه
و سردارلری اولان امان الله اکرام ابدوب وافر هدیه لر و یردیله علی
روایه سردار و اغوان قناعت ایتیموب طمع خامه دوشدیلر و میر محمد
امر و وعده بنه مخالف حرکتیه وضع اقدام ایتدیلر عاقبت قزوینلی طاقت
گتور میوب خفیه مشورتلره باشلدیلر و قزوین شهرند یوز بیک قزلباش
موجود تخمین اولنوب سکزیبک اغوانی کوزلرینه کستر دیلر سکز
طقوز کون مقداری زمان بو حال اوزن کچوب قزلباشلر اغوانلره سوء
قصدده یکدل و یکجهت مترصد فرصت اولدیلر چون معتاد
بلدلی اوزن کجهلرده جاملر اچلدقد جماعیلر بوری چالوب بووجه
اوزن خلعتی نومدن ابقا ط و جاملر اچلد بغن اعلام ابدلر مش پس بو حال
ملعنترلرینه اتفاق اوزن مباشرته و سیمله ابد بنوب بر کجه اغوانیان خواب
راحت و پستر غفلتده بالین امن و امانه باش قوبوب کند و حاللرند ایکن
قزلباشلر ابد ملعنتمده جمله معهود و فساد تشبته متفق اندرون
اولوب انلر دن هر فردیدار و اتفاقلری اوزن اغوانلر بر طر بقله اکاه اولمیه لر
دو معتاد اولان وقتندن اول جماعیلر بوریلرینی اوفر و بوریلرینک
خدا سی اشدلدیکی بر له قزلباشدن هر مهماندار اغواندن کند و خانسنده

اولان مهمانی بلا توقف هر نه طریقه ممکن اولور سه قتل ایلیمه دیوسرا
 وخفیه اتفاق وسوقا قلرده دخی حاضر واماده بولماق اوزن قول قول
 ادملر تعیین اولغنی ترکیم ونصیم ایتدیلر واغوللردن بر فرد اللرندن
 بر طریقه رها بولماق اوزن عظیم تدارک کوردهلر شب معهودده
 اتفاقاری اوزن تمشینی مراملرینه مباشرت دخی ایتدیلر اغواندن بر بلوک
 بیدار بولنوب احوالنه یوزدن اید وکن فهم ایتدیلر وعجالة ائله بنوب
 چارستوله چقدیلر هر جانبدن قزلباشلر هجوم ایدوب عظیم قتال ایتدیلر
 سردار اغوانیان اولان امان الله مجروح اولوب بیک مقدار چایک اغوانیه
 کوجیلر فرار ایدوب اصفهانه دوشدی دورت بیکدن مجاوز اغوان
 قزلباشلر ائله مقتول اولدیلر ماملر کله رینی باطله رک ایدوب نجه لری
 عریان و بریان جانلرین قورتاروب کادیلر ونجه لری یول بولموب
 چول ایلر قند هارسمتن طوقوب کیمتدیلر بیان قتل عظیم در اصفهان
 بیک یوز اوتوز بش تاریمخنده بووقعه ظهور ایدوب غیری اغوانیان فکر
 واندیشه واروب کندولرینه عارض اولان ضعف ملاحظه سی موجب
 الم وکدر لری اولدی واصفهانلوردخی بو حال اشدوب بوکونه فساد
 جسارت ایدوب جکلرین عین الیقین بلوب کمال مرتبه ده خوف ایتدیلر
 وطائفه قزلباش اسمالت ایلر ونوازش خاطر لرینه رعایت اولنوب
 لباس لباس کرام وتوجیه مناسب ایلر کندولر بنه دوست اولیمه جقلرینی
 بالمشاهده اذعان وادراک وتحقیق ایتدیلر ودفع محذوره کمال حزم
 واحتیاطی وسرعت ومیادرتی اهم مهمانن شمار ایلر هماندم میر محمد
 جانبندن عموم ضیافتی ترتیب اولنوب شهر اصفهانده بقیه السیوف

والقسط

۷۰ والقسط رجال واعیان وایش ارلری بیروجوان میرک ضیافتنه دعوت
 اولنوب مهمان اولدیلر اکر ام صورتلری اظهار اولنوب معتاد عجمیانه
 رعایت مرامی احیا اولندی ولمصلحه مألوف اولد قلمری عیش وعشرت
 محبتلرینه جواز کوسترلدی اوج بیک مقداری قزلباش بو حال اوزن
 ضیافت میرده موجود اولوب جمله سی قتل وطعمه شمشیر اغوانیان
 اولدیلر میرزارستک اون ایکی یاشنده برنوجوان پرهیز وصاحب معارف
 ثوغلی اولوب کبار اغواندن بری کندویه اوغول ایدغش ایدی قضا ایلر
 مجلسه حاضر بولنوب هر چند که اغوانلر شفاعت ایدوب تخلصی باند
 میر محمد نیازمند اولدیلر رجاری قرین قبول اولموب اول نور سید
 جوان پرهیزی دخی قتل ایتدیلر پس بو طریقه قزوین وقعه سی
 ظهورندن اغوانیانه واقع اولان وحشت ودهشت بر مقدار دفع و رفع
 اولوب قلوب اغوانه نوعا امنیت حصولیه یوزلرینه ابراحت سر یلدی
 ومقتول اولان قزلباشلرک لاشه لری شاه سرانی اوکنده میدانرا غلدی
 بوکادخی قناعت اولموب مقتول اولانلرک اولاد لری ارانوب وشهر
 اصفهانده کوزه کورینوب جنکه قادر اولان قزلباشلر اخذ اولنوب
 قتل اولندی اندرون سرای شاهیده پرورده اولان ایکی یوز نفر مقداری
 عجم خان زاده وکوری بیک زاده لر بنه دبلد کلمری محله کیکه رخصت
 ویرلر وهر بری بر جانبیه باشن الوب کتمک ملاحظه سیله شهر دن طشره
 چقد قند قفادن اغوانلر تعیین اولنوب قتل اولندیلر و دورت بشر کون
 ایچنده اغوانلر حوالی شهری گشت وکندار ایدوب قزلباشلردن
 بولد قلمری ایش ارلری وسوز صاحب لری وجنکه قادر اولنلر بنه امان

و در میوب قتل ابلد بلر رجال عجمدن انجق بکرمی بش نفر کسغه فی
 صاغ قوپوب باقیلری استیصال اولندی و بوند نصکره اعنای الدوله
 دخی اطفیله معامله بر طرف قلنوب کند و سندن عنفیله یمش بیک
 تو من انچه طلب اولنوب تحصیل اولندی و بالحمه مقتوللرک اموال
 و اشباری مصادن اولنوب در خزینه قلندی اشبو قزوین و قعه سی
 سیمه سی اولان مقتل عظیمه متواری خاک هلاک اولان قزلباشلرک
 عددی بالحمه جنکارده قتل اولنلارک عددی اشدی و اغوانلرک
 دخی جمع اموال سودا سنه و ادخار خزینه هوالرینه باعث و بادی بو
 اولدی و افراد قزلباشدن بر فرده من بعد بر طرف بقیله اعنای یابی بو محله
 محکم سد و بند اولدی گفتاری پند امیز سیاح ای دل بیکانلر در دین
 گوروب شاد اولمه دشمنک بلاد کوروب مغرور اولمه بو کون بکایارین
 سکا مضمونن او تیه بو چرخ فلکک اقبال و ادبارینه اعتبار ایتمه سندن
 وفاتونه محسند بقاز بنهار بر در او حالنه طینه بنده سی اولدوغک دولتک
 دکل مهمانی اولدوغک کسه نک زوالن کورمه ای کوکل عاقل ایسک تماشا
 ارزوسیه بو بله رهنکامه قیامت نشانده بولنه ولی نعمتندن رنج و الم
 کوردک ایهده زوال دولتن تنی قله مرد اول نفاق و شقاق و خیانتی
 ارتکاب ایتمه اشنادن بیکانه بکایکدر دیمه قصور اعمالک و سوء افعالک
 تحتند سکا حقندن مقدار اولان جزا دشمنک الیه ترتیب و انق ارزو سندن
 اولمه جرم و جنایتک ابله دشمن و بیکانه نک پیغه قهرینه و دست بی
 رحمنه گرفتار اولوب ولی نعمتک افندک اشناک الینه دشمنکی سکا نعمت
 عد ابله دوست النندن سم و حنظل دشمن النندن و سکر عسل آنا و النندن
 سکا اولی شمار ابله احوال عالم کون و فسادی چون بو مرتبهده بحر به
 قلدرک

قلدرک طبایع ناسی لختلاف اوزن بولدرک مالک غرب خاقینی قتل نفوسه
 اتق و ارحم اجناس عثمانیانی انعام و احسانده اچود و اکر اهلای شرقی سفک
 دماده خلف و عدده لاف و کذا فده ابلع و اغلب بلدک بونجه امور عظامی
 چون بالمعاينه کوردک حسب حالک فهم و ادراک برابینه مجلا بولدرک من
 بعد عاقل ایسک دعای دوام استغالیله بولند غک دولتک قدرنی بلدک
 رفیع شدن قدر اغوان و تعیین حدود و مراقب در میان ناس بوندن
 صکره میر محمود کند و اجناسی و عسکری اولان اغوان طایفه لرینه رفیع
 قدر و تعظیم شان و اعتبار طریقه دخی نوازش خاطر لرینه رعایتلر
 مراد ایدوب منادیلرندا ایتدردی ممالک ایرانده و با خصوص شهر
 اصفهانده واقع اولان طوایف مختلفه من بعد اغوانلره اکر آمده
 مراسم تعظیم رعایت و اغوانلره مصادفت ابلد کلمری محالرده یا غه
 قالقوب و قار شورلنده قائملر اولوب وال بغلیوب بوللرده دخی قالدرمدن
 اینوب تعظیم ایله پول و یروب هر حالده لازم کلان اکر آمده قصور
 ایتیمه لر دیونتیله ابلدی و اجناس ناسک هر صنفینه مرتبهده حد تعیین
 ایدوب جمله نک رتبهده اعلی و اقدمی اغوانیان ثانیان در کر بنیان ثالثا
 ارمینیان رابعاهنددن کلان منتانین خامسا تش پرستان سادسا
 بهودیان سابعار فاضیان که جمله دن ادنا و احقر اولمق رتبه سنه نزیل
 مراد اولنوب صورت و سباق مرقومه حفظ و صیانت اولمق محکم تنبیه
 اولندی ندارک کردن ذخایر برای اصفهان بواشناده شهر اصفهانده
 واقع زاد و ذخیره قلت بولوب خلقه مضایقهال و یردی پس میر محمود
 فکر و ملاحظه و رجالیه مشورت ایدوب نصر الله نام خانی اوج بیک
 کر پده اغوانله چته لر تعیین ایدوب کوندردی مملکتی گشت و کذا ایدوب
 اطاعت ایدن بلاد و قری خلقه فی علی حالهم ابقا

وقری اهلنه رای و یروب اصفهانه بر مقدار زخیره کوندون لرو اطاعت
ایتمنلر اهل بسن قتل و اموال و ارزاقلری نهب و غارت ابله لرد بو فرمان
ایلدی منوال مشروح اوزن نصر الله خان اصفهان دن چقوب همدان
جانبلرینه متوجه اولدی نجه نجه بلاد قری اهل بسی اطاعت ایدوب
رای ویرلدی و ذخیره و یروب اصفهانه کوندردی نجلری دخی عناد
و مخالفت و مقاومت مباشرت ایدوب قتل و اموال و ارزاقلری یاغما
و غارت اولدی و نجلری ککندولرینه کمال مرتبه ده استحکام ویرمیش
یوانغله ظفر میسر اولمیوب علی حالهم ترک اولندی همدان قریبند درکزی
نام شهره وارد قلمرنده اهل بسی استقباله چقوب نصر الله تبریک قدوم
درمن اجر اوکندولری تابع اولدیلر شهر مزبورنک اهل بسی سنی مذهبلر
اولوب شاه عباس عصر نده موصول حواله بسندن اجلای وطن و همدان
نواحبسندده اسکان اولمشلر ایددی نصر الله خان درکزی نده بر قاج کون
مکت ایدوب انلردن دخی الی بیک عسکرندارک ایدوب طقوز بیک
عسکر ابله همدان حواله بسندده غارت مباشر اولدی اطاعت ایدنلره رای
و یروب مخالفت کومسترنلر ابله مقاتله و مغلوبی اولنلری قتل و اموال
اشیالرینی یاغما و ابکی بیک قزلباش عسکر بله شاهک هرکله سنه راست
کلوب بر مقدار مقاومت نکره قزلباشلر مغلوب اولحق هرکله بی اللرندن
الوب کزیده لرینی میرمخوده کوندردی النان بی حد و بی حساب حیوانانندن
و اموال غنیمتدن ماعد اللی بیک دوه یه ذخیره تحمیل ایدوب بونجه
عسکر ابله سکسن کون مقداری زمان مرورنده اصفهانه کلندی بر قاج
کوند نصکره عسکر تعیین اولنوب یوز بیک نفوسدن مجاوز دوکزی
اهل بسی اموال و ارزاقلریله اصفهانه نقل و شهر مزبورده صاحب سر

اولان

اولان خانه لرده اسکان ایلدی و انلره مراد لری اوزن نجه نجه املاک دخی
توزیع و تکلیک ایلدی بونجه نفوس اصفهان ایچنده غایب اولوب هیچ
عدم و وجود لری معلوم اولدی و بینه شهرک اکثری محالری خالی قالدی
مشورت کردن اغوانیان برای ندارک عسکر بوندن بوبله اصفهان شهری
محافظه سنه درکزی ن اهل بسی کفایت ایتدوکن میرمخود ادراک و اغوان
عسکرینک دخی کزیده سی بونجه وقایع تقریبله تلف اولوب اشد احتیاج
ایله عسکر جدید و اصفهانی طولدرمغه بونجه خلقه محتاج اولد قلمرین
ملاحظه ایدوب پیرو دانیلری اولان ارباب استشان ابله بوباید مشورت
ایتدیلر و خلاف جنسلری و عدوی دینلری اولان عسکر و خلقه دخی
اعتماد کلی ممکن اولمیوب مهمال ممکن ککند و جنسلرندن عسکر و رعایا
و بریائندارکی اهتمامنده اولدیلر و اصفهان شهر بیک انا فانا محافظه سی
عسکر وافر وجود بینه محتاج اولد و غندن غیری بر طرفدن دشمن ظهور
ایدرا حتمالیه بولمر واجب لاذعانده تاخیر و قانی مناسب کورلمیوب
قند هار جانبلرینه عسکرندارکی ایچون عجاله تعمد کسندلر کوند رملک
مناسب کورلدی و میرمخودک ایشکلر اغاسی اولان عبدالله اغا نام کسنه
انتخاب اولنوب هدایای کثیره و خز بینه و افره ابله قند هار ارسال اولندی
وصول بولد قده ارسال اولنان هدایای تسلیم نصکره عسکر تحریرینه
مباشرا وادی از زمانده مراد لرینه موافق اهل و عیاللر بله معال اصفهانه کلک
اوزن وافر اغوان تحریر اولنوب حاضر و اماده قلندی صغار و کبار و ذکور
وانث مجموعی او توز بیک دوه یه تحمیل اولنوب بر بلوک عسکر ابله اغای
مرقوم ابله معاسلامت برله اصفهانه واصل اولدیلر بعد قند هار خلعی

گروانیله کوچوب و یانلرینه برر مقدار اغوان مسکری قوشلوب اصفهانه
کلمکه باشلد بلرگاه اون بیک دوه وگاه بش بیک دوه ابله الی بدی دفعه ده
وافر خلق کارب نهاییه تنه میر محمد وک والد سی دخی اوج بیک دوه دن
مرتب کار بان ابله دوه یه سوار اولمش اصفهانه کلدی بر صورت اوزن کلان
کار بانیله برر بلوک عسکر کلوب میر محمد وک عسکری کفایت مرتبه سی
وفرت ولدی انجق اغوان یغندن بخشش وهدایا عادی و عسکره متعین
علوفه نظامی جاری اولمیوب کلان عسکره برر طرف ککوستروب
وارک فلان محلی فتح ابدک اطاعت ایتمز لایسه قتل و غارت ابدوب غنیمت
الوک دیوب بو طریقله اغنا لوردی خزینه سندن بر فرد بر حبه ویرمزدی
تدارک اغوانیان برای فتح و تسخیر بلاد در حوالی اصفهان میر محمد وک
عسکری وفرت بولجه کند ولرینه هجوم اعدا دن نوعا امینت کلوب قلوب
عسکره دخی قوت کلدی بر مقدار نظام و انتظام عسکر دن صکره تضییع
اوقات و اکورلیوب عسکری ایش ایله مشغول قلمق مصاحبت عدا ولندی
چون طهماسبک احوالی پریشان اولوب عجم طایفه سی ککند و سینه
عسکری از لغمه رغبت ایتمد کاری اغوانک معلومی اولمش ابدی اول جانبدن
چندان خوف و اندیشه قالمیوب اصفهان حواله سندن واقع بلادک
تسخیری تدارکی کورلدی و زبردست نامنده برخان سر عسکر تعیین
اولنوب بر مقدار عسکر ابله تسخیر بلاد تعیین اولنوب قرب اصفهان اوج
ساعت مسافه مقداری یرده واقع کز نام قصبه فتنه عازم ولدی قصبه
مزبونه وافر قزلباش تجمع ایدوب اطرافه عمیق چند قلر و طوپراقدن
قوی بدنلر ابله استحکام ویروب وافر زاد و ذخیره دخی تدارک ابلر ابله

اغوانلره

اغوانلره اطاعت ایتمیوب مقاومت اقدام ایتمد بلر عاقبت لاغم ابدوب
یوریشیلله ابدلر اندن ینه قرب اصفهان واقع بن اصفهان نام قصبه یه
وارد بلرانی دخی محاصره ابدوب عظیم جنک لرایتمد بلر قصبه مرقومه ده
مجمع قزلباش غایت ابله کثرت اوزن اولد و غندن غیری مقدمه دخی اغوانلر
جانبدن دفعاتله کند ولرینه تعرض سبقت ایتمکله کند ولرینه غایت ابله
متانت ویرمشلر ابدی بود دفعه محاصره ابله طفره پسر اولمیوب عاقبت
کعب تعبیر اولنور اتش برستلری کتوردوب لاغم امرینه مباشرت ویریش
تدارکی کورلدی لاغم ابله بر طرف اچلوب عسکر اغوان یوریش اوزن اچکن
قزلباشلردن ادملر کلوب امان دبلد بلر سر عسکر اولان زبردست
خان دخی فی الاصل بن اصفهانی اولوب قصبه مرقومه اهل بسنک سلامتی
عمده مافی الضمیری اولمقله شروط و قیود ویره متانت اوزن عقد
اولنوب قصبه مرقومه ضبط و اچمند بولنان زاد و ذخیره اصفهان
تقل اولندی میر محمد وک خبر واصل اولد قلدر فی الاصل قصبه مزبوره
قزلباشلرینه عداوتی زیاده اولمقله ویره ابله انوب ککند ولرینه امان
ویرلد یغندن حظ ایتمیوب من بعد وسیله انتقام اولمق اچون بر تهمت
ابله متهم قلمقه چوق سعی ابلدی قزلباشلردن خال دن خبر اولوب اغوانک
نجیز و جفالرینه حمل ابدوب هر در او ناشایسته حرکتلری تی حضم
ایتمد بلر و بر در لو تهمت و بهانه و علت طرفلار ندن ظم و رده عظیم تحاشی
ایتمد بلر و بوائنده لطف علی خان اصفهان دن فرار ابدوب بن اصفهان
داخل اولمقله قزلباشلر اخذ و قید و بند ابله میر محمد وک و توروب تسلیم
ایتملر بله صداقت اوزن اولد قلر بنی اثبات ابدوب میر محمد وک مرقوملرک

حقنه اولان نارغی بو تفریله برمقدار سکونت بولدی فرستادن عسکر برای
فتح شیراز میر محمد نصر الله خانی بنه سر عسکر نصب و تعیین ایدوب اوج
بیك اغوان والی بیك درک زین عسکر یله شیراز فتحنه تعیین وارسال
ایلدی خان مرقومه انای راهه مرور ایلدی وکی قصبات وقری اها الیسی
اطاعت ایدوب بر محله مخالفت کوسترمد بلر و فی الاصل نصر الله خان
هندستانه کعب طایفه سمندن اولوب عجم ایچنده شجاعت و بهادر اقل ایلله
شهرت بولوب اغوانلر پهننده بختی کشاده بلدرم خان دیکله معروف
اولمش ایدی حتی اصفهانک محاصره سی اثناسنده اصفهان امدادینه طشردن
کلان قزلباش عسکر یله اغوانلر پهننده اون ایکی دفعه صواش واقع اولوب
یدی دفعه ده اغوانلر غالب و بش دفعه ده مغلوب و منهزم اولمشلر ایکن
نصر الله خان امدادلر بنه بنشوب وسیله سلامت و باعث ظفر و غلبه لری
اولمش ایدی و کندیوسی سر عسکر بولندوغی جنگلرده مغلوبیت
وانهزام طرفلر نده وقوع بولمیبوسمیدن اغوانیانک معتقدی و مسند
غلبه سی اولوب قزلباشلردخی کندیوسندن خوف و خشیت اوزن
اولدقلری اعتقاد ایلله خان مرقومه عظیم ازایت و غرورال ویرمش ایدی
بو حال اوزن فتح بلاد ایدرک طقوز بیك عسکر یله وقتا ککه قرب
سیرازه وصول بولدی شیراز اها الیسی دخی سائرلره قیاس بلا توقف
شهر و قلعه شیرازی اغوانلره تسلیم ایدرلر امید و اعتقاد نده ایکن عکس
قضیه ظهور ایدوب اهای شیرازی حرب و قتاله حاضر و مقاومتیه اماده
بولدیلر و هماندم مدافعه یه اقدام ایتدیلر نصر الله خان قزلباشلرک
بو گونه حرکت و جسارتلرینی کوریک ککندوسنه غیرت الی و یروپ

و در حال

در حال عسکرینی ترتیب و تنظیم ایدوب یوریش ایلدی و شدت
و کرمیت اوزن طرفیندن جنک اوله رق شهره تقرب ایتدیلر خان
مرقومک ایه غیرت و شجاعتی حسن ندیرینه غالب اولمغله جبهه
عسکرده بولنوب دانه توفنک اصابیلله انداخته زمین تلف اولدی
اغوانلر سردارلرینک زمین هلاک کک غلطان اولدوغن کوروب
هجوملر نده اقدامدن ادبار و مقابله دن روگردان اولوب سردارلرینک
نعمشیلر رجعت و برمقدار کک پروچک کک بر حواله دیوارینه سپر لنوب
طورو دیلر واللر نده بولنن قزلباشلرک جمله سن شیراز لویه قارشو قتل
و بو حال ایلله اوزاقدن بنه محاصره امر بنه اقدام و کندولرینی محافظه یه کمال
اهتمام ایدوب واقع حالی اصفهانده میر محمدده عرض و افاده ایتدیلر میر
محمد نصر الله خانک شهید اولدوغن اسماع ایدیکک غایتله ملول اولوب
ماتملر کیدی و برمصنوع بر به بنا اولنوب نعشه سن نقل و انده دفن اولنق
اوزن نذیمه و ایکی بر به دارنصب ایدوب اوقاف تعیین ایلدی و زبردست
خانی نصر الله برینه سر عسکر تعیین ایدوب عجله عسکره کوندردی
نصر الله خانک فوقی خبری شیوع بویحق معرفتیه اطاعت ایدن بلاد
و قری خلقی بنه جمله عصیان ایلدی زبردست خان عسکر اغوانه وصول
بولدقه مشتمد و نمادی جنگلر اولوب شیرازه ظفر مفسر اولدی زیرا
شیراز خانی عاقل و مدبر کسینه بولنوب شهر شیرازه کمال مرتبه استحکام
ویروپ زو دود خایر و عسکرده کرکی کی ندارک ایلله صرف مقدور ایلش ایدی
حتی قبل المحاصره مسکت قارشو سنده سواحل بحر فارسه ساکن قبایل
عربدن الحاجی عبداله ایقی نام خانه و افراچه کوندروب برمقدار عسکر یله

استند در جابلش ابدی اولدغی الثامی اوزن شیراز آمد دینه وافر عسکر به
کملکی متعهد اولمش ابدی شیراز خانی واهالپسی الحاجی عبدالباقی خان متعهد
اولدوغی اوزن آمد اولدغی نه کلور امید به سکرای مقداری مدت شد ابد
محاصره یه تحمل و اغوانلردخی بویا آمد جنک وجد الله کریمت اوزن
حرکتدن خالی اولموب عسکرلری نصف مرتبه سی تلف اولمش ابدی
ونصر الله خانک شهادتی تقریه به مقدمه اطاعت ابدن بلاد وقری اهلپسی
دخی هم میان ابدوب اغوانلر زاد و ذخیره ده مضایقه اوزن اولمشلر ابدی
برکون اتفاقا وقت عصر ده الحاجی عبدالباقی خان الی بیگ عرب و بر مقدار
فرز له اش عسکرین جمع ابدوب بی حساب ذخیره ابله شیراز آمد دینه
کلور دیو اغوانلره خبر کلدی سر عسکرز بردست خان بو خبری اشد یجک
سکر بوز اغوانله فی الحال اتلنوب قارشو واردی و بر محله شیراز آمد دینه
کلان عرب و عجم عسکر به ملاقی اولوب رسمانه جنک ایتدی و عجم
عسکر بنک چوغی طعمه شمشیر اغوانیان اولوب ایکی یوز نفر مقداری
عرب ابله الحاجی عبدالباقی خان میدانده قالدی خان مرقوم دخی غیور
و جسور و شجیع و بهادر کسنه اولغله بو حال ابله مقاومتدن بوزد و ندموب
عاقبت اولدخی قتل اولندی بازار کارکرار قتال کاسد اولغله زبردست خان
مهمات و ذخایری اغوانلر آورد و سینه نقل ابدوب جمله سی غنی اولد بلر وادم
کوندروب شیراز خلقنه واقع حالی بلدر دبلر یام محنت و نایب بالغ اولوب
چون طول محاصره شیراز اهلپسنه مضایقه و یروب زحمته ککر فتاو
اولمشلر ایدی و امداد لری امید دخی بو یوزدن یا سه مبدل اولدی
غیری شهر شیرازک اغوانلره تسامی کند ولرینه مصاحت کورندی

خان واعیان شیراز و سائر ایش ارلری اتفاقیه خانک قرنداشی ویره
موادی مکالمه سنه طشره کوندردی چون اغوانیان شیراز اهلپسنک
کمال مضایقه سنه و قوف نام تحصیل ابلشلر ایدی شیراز خلقنه امان
ویرمکه میل و رغبتلری اولد و غندن کلن ادمه جوابی عوق و تاخیر
ابدوب برکون خجاقه یوریش ابله شیرازی اخذ و ضبط ابلد بلر سر عسکر
مرقوم شهره ظفر مپسر اولد قده اموال وارزاق ناسر یا غمه و غارت اولنسون
دیو اغوانله اذن و رخصت ویردی انحق قتل نفوسدن احتراز ابلد بلر
دیو محکم تنبیه ابلدی وجه مشروح اوزن شهرک ضبطی مپسر اولد قده
نجه فقرانک اچلق ابله هلاک اولدوغن کورد بلر و بر عنقا محتمکریازر کانک
انبارنده مجموع شیراز خلقنه اوج ای مقداری زمان کفایت ابد جنک
بغدا ی بولندوغن زبردست خانه خبر ویرد بلر صاحبی بولد و رب نچون
یور فقرایه بغدای اتفاق ایتدک دیو عتاب و حبس ابدوب اچلق ابله هلاک
مرتبه سی تعزیر ابلدی شهر ضبط اولد قده بر مقدار محافظ تعیین اولنوب
باقی عسکر اطرافه چته لره تعیین اولنوب کوندردی دورتیوز مقداری
اغوان بندر عباس جانبینه راهی اولوب مرور ایلد کلری بلاد وقری اهلپسنی
اطاعت ایتدردوب حاله و حاللر نجه بر مقدار ماللرین الوب بندر عباسه
وارد بلر محل مزبور اهلپسی اغوانلرک کله جکی اشد یجک اموال وارزاقلر به
سفینه لره سوار و هر مز جزیره سنه کو چد بلر بندر عباسه انحق انکار
وفلنک اچیلری توابعلر به قالب اولدغی اولرینک اطرافنه چند و کلر
کسمک ابله کند ولرینه استحکام و یروب جنکه حاضر اولمشلر ایکن اغوانلره
ستقبال ایچون ادم کوندرد بلر قزلباشلر اموال وارزاقلر به هر مز جزیره
سنه نقل و کند ولری اچیلک تقریه اول دیارده مسافرنه اقامت اوزن

اولد قلر بنه خبر وپرد کلر نه اغوانلر تعدی و دست دراز لاق ایتمیوب بر مقدار
 ماکولات و مشرو بائیه اکتفا ایدوب رجعت ایلدیلر و لکن اثنای
 طر بقلر نه کند ولر بنه خسته لک اصابت ایدوب اللی نفری سلامت ایلد
 عودت باقیسی یولده وفات ایتدیلر سر عسکری فریدون خان از جانب
 طهماسب و عزیمتش بایالت بریه قزوین معارکه سفدن صکره طهماسب
 ینه تبریزدن قالقوب گاه قزوین و کاه طهراند مکث و اقامت و گاه
 حوالیلر نه کشت و گزار و مهما مکن عسکر تدارکندن حالی اولمیوب
 شیراز شهری اغواندن محاصره اولندوغنی اشمنش و بلش و الحاجی عبد
 الباقی خانی شیراز امداد ینه وارمق ایلد متهدد اولدوغنی معلومی اولمش
 ایدی پس اغوانک بر فرقه سی شیراز جانبیلر بله مشغول ایکن برورده
 بر مصاحت کور بلور ملا خطه سیمله سکر بیک قزلباش و بر مقدار
 شتهو نلو و سائر درنی بکرمی بیک مقداری عسکره فریدون خانی سر
 عسکر نصب ایدوب جوار اصفهانده بریه ایالتی اوزر بنه کوندردی و بو گونه
 نتمیه و تنویه ایلد بیکه اول یالته وصولده عجله ایدک زیرالحوالیله نجه نجه
 بلاد قری هنوز اغوانلره اطاعت ایتمیوب بئانلردن دخی ممکن مرئیه ده
 عسکر تحریر و جمع ایدک بعد کل یکتدمام شهره واروب انده مکث ایدک
 و شهر منور و ریلد عظیمه اولوب اطرافده واقع قزلباشلر انده جمع
 و چند قلر و دیوارلر ایلد کند ولر بنه عظیم استحکام و یرمشلر درو شهرک
 انباری و ملق اوزن شهره بر ساعت مقداری مسافه ده قلعه مثالو طوپر اقدن
 خند کلر و دیوارلر ایلد محاط بر حصار یا یوب ایچنه عسکر و ذخیره
 یغمشلر در بوتقر بیلد اول جانبیه کلان اغوان بلوکار بنه غلبه
 اقتدارین تحمیل و وافر اغوان تلف ایلد در طهماسبک ایسه دی کونه

ند بیرده

۸۱ تدبیرندن مرادی بوا بد بیکه سر عسکر مرقوم محل مز بورده اقامت و محصن
 ایدوب شهر اصفهان اطرافنه اول محلدن بیای عسکر کوندن و بوتقر بیلد
 اغوانی نجیزدن خالی اولمیوب میر محمود عاقبت غیرته کلوب و بالذات
 اخذ انتقام سودا سنده و شوب بونلرک اوزر بنه حرکت ایلد اصفهان
 شهر بنی خالی قویه و بوسورتده اغوانک بر بلوکی شیرازده و میر محمود
 دخی اصفهان دن اوج دورت قوناق مسافه ده بولمق صورتند طهماسب
 مترصد فرصت اولوب کند و عسکر بله اصفهان شهر بنه دخولده فرجه
 بوله و شهری بوتقر بیلد ضبط اید میر محمود و نوب شهره قصد ایدر سه
 فریدون خان در قفا اغوانی اشغال اید و شیرازده دخی عبد الباقی خان
 اغوانلری اشغال ایدوب بوتقر بیلد بینلر نه افتراق واقع اولوب یری
 برلر بنه امداد و اعانتدن عاجز اولد قلری حاله طهماسب تمشیت مافی
 الضمیر ینه سهولت بوله پس اشبو مصمم اولان صورت قوندن فعله کلک
 ملا خطه سیمله فریدون خان عسکر بله صوب مامور بنه راهی اولدی
 ایالت مرقومیه و وصول بولد قده نجه نجه ارامنه قریه لری اغوانلره اطاعت
 اینمش و کند ولر بنه طرفلرندن رای و یرمش بولندی ایش ارلری و سوز
 صاحبیلر بنی کتور و ب نچون اغوانلره اطاعت ایتد بکزدیوالی یوزدن مجاور
 رعایا کله سنی قلعه ایدوب طهماسبه کوندردی و اغوان کله سیدردیو
 عرض ایلدی بوا ثماده الحاجی عبد الباقی خانک انهرامی و سیرازک اغوانلر
 الینه گرفتار اولمشی خبری کلوب فریدون خانک اورد و سنده داستان
 اولدی و سمع طهماسبه دخی حقیقتی اوزن لاحق اولدی بو خبر موخش
 کرک طهماسبک و کرک فریدون خانک همتلر بنه فتور و عزیمتلر بنه

قصور و کسور کتور و ب عسکر لینه دخی و حشت و د هشت ال و یردی
طهماسب و فریدون بو حالت حیرت اشتغال تفکرند ایکن میر محمود
بنفسه اصفهانند وافر عسکر ابله حرکت و فریدون خان صوبه
سرعت ابلدی فریدون خان دخی میر محمود ک بنفسه حرکت و عزیمتن
خبر الحق اندیشه یه واردی و عسکر بنی جمع ابدوب حاضر و آماده قلدی
و کندوسی بر پوکسک یره چاقوب میر محمود ک عسکری کثرت اوزن
و حرکت شدت و کرمیت اوزن اولدوغن مشاهده اید یجک دروننه
خوف و هراس عارض اولوب قفای عسکره توجه برله فرار سمتن
کوستردی خان مرقومی عسا کر قزلباش قفاده کور یجک قراری فران
تبدیل نیتند اولدوغنه حمل ابدوب جمله عسکر قزلباش جنکه مباشرندن
فی الحال روگردان اولوب فران یوز طوند بلر میر محمود ک عسکری قزلباش
عسکر بنی فرار ایتمش بولد قلرند کل پکند شهر بنه قصد و یوریش
ایتمد بلر لکن شهر مزبوره کمال استحکام و یریلوب اطرافنه بعید القعر
خند قلر قازلمش و خارجند بر یوجه دیوار بنا اولمش بولند و غندن
اغوانلرک شهره د خولنه حایط مرقوم سد سدید مقامند مانع حاجز
اولدی چون اغوانلرک جنک ابله ما اوف نیمون غرق اولمش بر معل فیلاری
وار ابدی دیواری فیله یقدر و ب ثله اچد بلر و اول ثله دن هجوم ابدوب
شهری کل پکندی فتح ابدوب درونند موجود قزلباشلرک اکثرین طعمه
شمشیر قلد بلر و در عقب شهر مزبور جوازنده قلعه مثالو بنا اولمان جمع
ذخائر و محل تحصینلری اولان حصار لینه توجه و محاصره برله مضایقه
و یرد کارند درونند موجود قزلباشلر امان دیوب و یره ایتمد بلر میر

۷۲ محمود دخی و یره لرین قبول ابدوب حصار ی اخذ و قزلباشلره مال
و جانلر بله امان و یروب سلامت بولد بلر فریدون خانک انهمزای کامکند
شهر بنک قهر بله فتح حصارک ضبطی و الحاصل بو وقایعک مجموعی
اوج ساعت مقداری زمانه تمام اولدی اطاعت کردن اهالی کشان بو حال
اطراف بلاد خلقی مشاهده اید یجک نجه لری طوعا اغوانلره اطاعتی
معقول و مناسب کور و ب کند ولری تسلیم اولدیلر ایالت مزبوره ده واقع
کشان شهری اهالیسی دخی بورانی حسب حال لینه مناسب عد ابدوب
وافر هدایا ابله میر محموده ایچی کوندرد بلر و شروط و قید و یره یی تحریر
ابدوب کوندرد بلر میر محمود دخی و یره لر بنی قبول و کند و بنفسه کشانه
واروب اخذ و ضبط و کفایت مرتبه سی محافظت نصب و تعیین ابدوب
جنب اصفهان روان اولدی اصفهان داخل اولدوغی کونده عظیم الابلر
قور بلوب اوج کون دخی دو نماوشنلرک ایتد بلر و بوند نصکره میر محمود
بر جانب حرکت سودا سنند اولیوب من بعد اصفهانده اقامت عزیمتند
قرار و یردی وقعه امان الله خان میر محمود ک خان اولی اولان امان الله خان
اغواندن اولیوب میر محمود ک او ابل حکومتند سرحد هندستاندن
کابل نام شهر دن قندهار کلوب میر محموده انساب ابدوب و کتداسی مقامند
اولمش ابدی مرقوم امان الله عاقل و کامل و جنک امور ند غایت ابله مدبر
کسنه اولوب میر محمود ک عجم دیار بنه بومر بنه ده تعرضند و بو کونه مور
عظامه وضع ید و مباشرت باعث و بادی امان الله خانک رغیبی و توصیه
و تریبه سیله اولمشدر حتی هنوز کرمانه حرکتلرندن اول میر محمود ابله
امان الله بدینند جاری اولان عهد میثاق بونک اوزر بنه جاری اولمش

ایلدیکه صوب مراملرینه حرکت ایلدکاری کوندن حصول مراملری
 وقتنه دکن عجم دیارندن کسب و تحصیل قادر اولدقلری اموال و اشیا
 هر نه دکلر اولور سه نصیفی میر محمودک و نصف اخری امان الله خانک اوله
 برکون میر محمود ایله امان الله خان بریره کلوب محبت و سلفه وقوع بولان
 بعضی احوال لرینی در خاطر و مکالمه و مذاکره اثنا سنده امان الله مایینلرنده
 واقع میثاق و عهد سابقه یی یاد و ندکیر و میر محموده برکونه خطاب
 ایلدیکه جناب خدای متعال حضرتلری بزم کبی عاجزله خاطر و فکر یزه
 کلیان وحد و وظیفه مزاولیان امور عظامی محضی عناینندن فتح و تسخیر
 ایدوب بونعمت عظمایک شکر و نشری و هر حاله حقوقک احقاقی
 و عدل و انصاف قانونلرینک احیاسی اوزر یزه فرض منزله سنده
 اولوب دوام و قیام سلامت بوجمله یه رعایت ایله مقدر اولوق امر محقدور
 بوبله اولدقد مبادی مباشرت اموره مایینزده واقع عهد و میثاقه وفا
 ایدوب لطف حق ایله قبضه تصرفه وصولی مبسر اولان اموال غنائیک
 و ممالک و افره نک نصیفی بنم حق صریحیم اولوب میثاق و عهد یز مقتضا سنجه
 طرفه تسلیم اوانق مطلوب بدر دبدکده میر محمود بولکل مدن غایت
 انکسار خاطر ایله مألول اولوب فکر و اندیشه یه واردی و امان الله خانه
 خطاب و عتاب ایدوب بوقدر الله کیرن مال کثیر ایله اکتفا ایدوب بنم
 مال و ملکده شرکت سود اسندن فراغت و بودعوائی من بعد فراموش
 ایله دبدکده دفع مجلس قلوب امان الله خانه سنده کیتدی و در عقب
 شاهلر عمر غوجنه تقلید بر صرغوج یایدروب باشنه کیدی و کمال
 تهورندن نه ایدجکئی بلیموب میر محموده جواب کوندردیکه چونکه عهد

وامانه

۸۳ و امانه و فایتموب خلف ایتدک بن دخی من بعد سنک خدمتده اولم
 وفی الاصل سنک قبیلمندن دکام هندستان پادشاهی توابعندم سنک
 بکار در او حکمک جاری دکلر و شمد نصیره توابع اولان عسکر بی الوب
 و طئم اولان کابل کیدرم دیوب بر قاج کوند نصیره کابل اطرافنده اولان
 عسکر دن ابکی بیکنن مجاوز عسکر ایله اصفهان دن قالقوب عازم راه
 اولدی میر محمود دخی اغماض العین ایدوب امان اللهک کیتدی و کی چندان
 مهمی اولدوغی صورتی اظهار ایتدی اوج کوند نصیره امان الله
 خان کابل سود اسندن فراغت و طهما سبک یانته عزیمت ایلش دیو
 میر محموده خبر کایک میر محموده عظیم خوف و وحشت ال و یروب
 در حال قی و خلقیه انلره سوار اولوب اصفهان دن طشره اوغرا دی و بحاله
 قفادن اون بیک عسکر سرعت ایله کلوک پشوک دیو نییه ایلدی چون
 اغوان عسکری سریع حرکتلر اولوب چاپک سوارلر در وایام خالی ده
 ترتیب نظاملری دخی حسن صورتیه افراغ اولش بولندی بر ساعت ایچنده
 حاضر و اماده لر اولوب میر محموده قفادن پشیدلار و الغار ایدوب ابکیجی
 کون امان الله ملاقی اولد بلر میر محمود عسکرندن بلاوج محمد خان نام
 کسنه امان اللهی کوروب سو قصد یله حمله ایلدی میر محمود بحاله دفع
 ایدوب و کند و بنفسه دوستانه وضع اوزن امان اللهک یانته واروب
 او پوشوب قوجشد بلر بر مقدار عسکر دن ایریلوب خلوت ایتد بلر
 و میر محمود امان الله خانه نیاز مندانه معامله برله بنی خاک ایله یکسان
 ایلکی روا کورمه دبو اثنا سله ایله خاطرین اله الوب ارضا ایلدی و بنه
 پینلرنده عهد و میثاق رسمی تجرید اولنوب میر محمود امان الله خانک

عسکرین الوب کندو عسکر بنه ضم و الحاق و امان الله معتمد کسنه لر
قوشوب اصفهانه ارسال و عزت و اکرامی کافی الاول کالد اولوب انجق
کوزدن ایرمیوب یا نه مخصوص ادملر تعیین اولمق اوزن قائم مقامی
اولانه کاغد تحریر ایلدی میرمچود ایسه بو غایله سنی دفع ایلد کده حاضر
واماده اولمش عسکر و افره ایله بر مقدار بلاد تسخیری ملاحظه سیله
بختیاری و لورستان و کوک کیلان مملکتلر بنه عزم راه ایلدی نکته
اصحاب فراست و دقت و حقیقت شناس ارباب فطنت تفرسلر بنه
کون میرمچود امان الله خانه غدرو عهد و میثاقده وفادار و یمننده پایدار
اولمیوب بو فحیه امور عظامه مباشرت و فحیه مملکه دن رها و سلامت
و میرمچود ک مشار بالبنان اولمسنه سبب و علت مجرد امان الله اولدوغی
جمله یه معلوم و مسلم ایکن تطیب خاطر امان الله ایله اهتمام لازمه امور دن
اولمش ابدی سلطنت و حکومت شرکت قبول ایتر دیسه بنه طریق
اخر ایله تطیت خاطر لری ممکن ایکن نفسانیت و بی وفالک و عهد
و میثاقده بی ثبات و یمننده حانت اولمقی ارنکاب ایدوب بو حالت
ناسیایسته من بعد میرمچود ک حقنه نخت بر کشته لکنه بادی اولدی دیو
اصحاب فراست حکم ایتدی لر فعلی هذا میرمچود ایالت اصفهانک جنوب
و غرب بنده و لورستانک اتصالنده واقع بلاد بختیاری یه عزیت و واصل اولمق
بختیاری قومی عسکر ندارک و حاضر واماده بولنوب علی الغفله میر
مچود ک عسکر ینه هجوم ایتدی لر و چوق کسنه لر بی قتل و اموال
و اشیا لر بی غارت ایدوب بنه رجعت ایتدی لر میرمچوده ایسه غیرت

ال

ال و یروب اندانتقام هو اسيله بونلرک دیار بی کشت و کذا رونه ب و غارت
سود اسيله کوک کیلان نواحیسنه توجه ایتدی اتفاقا بر کچه عظیم قار
باغوب میرمچود اول نواحیدن بر جانیه چاقوب کتمکه مجال بولمیوب هر
طرف دن مری اولان طریق لری برف شتا ایله محکم سد و بند اولمق قزلباشلار
فرجه بواوب اطراف و کنافن احاطه ایتدی لر اوج ای مقداری شدت
شتا و صولت برد و کثرت برف سد ممانعت ایدوب اولمق ایلده پابند اختیار
اولدی لر هر جانیه جست و جوی صحرای نیمه سرگردان اولمش اسباط
بنی اسرایله دوندی لر اوج ای مروند قارلار پیوب انهار صغار و کبار طغیان
ایلدی قزلباشلر دخی جسر لری قطع ایدوب بو بوزدن دخی عظیم مضایقه
و یردی لر خواه نا خواه صولردن یکمکه مجبور لر اولوب چوق اموال
و عسکر تلف ایتدی لر ینه سلامت لری حد امکان اولمیوب مکر بختیاری
خانی قاسم خان اصفهان النقد نصره میرمچوده کلوب حدندن زیاده
خان مرقومه میرمچود جانبندن التفات و اکرام اولمش بو انغله دوستلغه
بناء خان مرقوم میرمچوده خفیه ادملر کوندر و بول کر داب بلادن اغواندن
بر فرد ساحل سلامتته چقمق متصور دکل ایکن خانک ادملری دلیل
ور هر اولوب رها بولدی لر و بالجمله مهماتلر بی براغوب یا لکرا وچ بیگ
اغوان سواری و پیاده عریان و بریان اصفهانه دوشوب کیچدنک
بر وقتنده خفیه شهره کیردی لر بو وقعه ده میرمچود ک عسکری
کند و سندن دلگیر اولوب جمله سی روگردان اولمق یوز طووش ایدی
و نار فتنه اشتعال بواغه چوق قالماش ایدی میرمچود دخی مهم امکان
تطیب خاطر عسکر یله اهتمام ایدوب نوازش خاطر لر ینه رعایت واللی

تومن آنچه چقاروب عسکرینه بخش ایلدی چون بویوزدن عسکر
اغوانیانه ضعف طاری اولدی اول ایام صیفه برجانبه حرکت ممکن
اولیوب کندیورین محافظه برله اصفهانه مقیم اولدیلر بعد زمان
قندهاردن بمقدار اغوان و هند عسکری کلوب و درگزینیلردن
عسکریازوب بمقدار قوت بولدیلر اغوانک ضعیفی طهماسبه معلوم
اولوب اولدخی اصفهانه کلک اوزن ندارکن کورمش ابدی لکن طرف
دولت علیه دن تبریز شهر بیک فتح و تسخیری مراد اولنوب طهماسب تبریز
امدادنده بولمغی اصفهانه کیمکه و جیح ایدوب اول جانبه عزیمت ایلش
بولندی عزیمت کردن میرمحمد و برای تادیب اهالی شهر کز بواثناده
قندهاردن اصفهانه یکی بیک کوچ دوه سی کلورکن اثنای طریق
کز شهر بیک خلقی عصیان ایدوب قارشولرینه چقوب جمله سنی اخذ
وضبط و اغواندینچه کسنه لری قتل ایلدکاری خبر اصفهانه شیوع بولمغی
میرمحمد و اغوان تهون کلوب شهر مزبورک خلقی استیصال اولنوب من
بعد قندهاردن کلوب کیدنلره قزلباشلردن بر درلومانع قالماق اوزن
وای وندیبر ایتدیلر بر قاجا کوند نصیره اغوان عسکری حاضر اولوب
کز شهر بینه عزیمت ایتدیلر شهر مزبورده واقع قزلباشلر بوار القه حوالی
شهرده بولنان خلقک جنکه قادر اولنلرینی ایچرویه الوب بر عظیم جمعیت
اولدیلر و شهر اطرافنه خندقلر ایله برقات دخی استحکام و یروب
وافر ذخیره دخی ندارک و جنکه یرامیان صبیان و نسوان و پیران
مقوللرینی طشره چقاروب طاغمره قاجور دیلر و اطرافنه واقع نباتاتی
اتشه اورب علف و ما ککولات اقسامی بالکلیمافنا ایتدیلر بواثناده
کعب طایفه سندن بروافر کسنه اتفاقا کز شهرنده بولنوب قزلباشلر ایله
معاقیماقی اقتضا ایتدی طایفه مزبور نك ايسه اغوانلره میل ورغینی

عجلردن

۸۰
عجلردن زیاده اولمغله میرمحمد خفیه ادم کوندروب بزرگب طایفه سی
شهرک فلان طرفنده فلان قیوم محافظه سنده ایزکادی کزده طرفه کلکه
سی ایدوک بزرگه جنک ایتیموب قیولری اچه رزدیو خبر کوندروب مشلر
ایدی وقتا که میرمحمد عسکر ایله کز شهرینه واردی حوالی شهرده علف
وما کولاته دایریشی قالمیوب خراب و بیاب اولمش بولدی چون کعبلرک
دخی و عدلرینه اعتمادی درکار ایدی رؤساء عسکری احضار و شهر دایرا
مادار محاصره ایله احاطه اولنوب کتوردیکم ز ذخیره فنا بولمازدن فتح
و تسخیره اقدام و اهتنام اولنده دیو محکم تنبیه ایلدی و بونیت اوزن مباشرت
اولنوب درون شهرده واقع کعب طایفه سی اغوانلره خفیه قیو اچمق
تدبیرنده ایکن قزلباشلر اطلاع حاصل ایدوب جمله سن قتل ایلدیلر
و بالذفات طشره چقوب اغوانلر ایله جنک و جان حقیله اوغراش ایدوب
و وافر کله و دل الوب غالب کلدیلر عاقبت اغوانلرک بر قاجا کون ایچنده
ذخیره لری دخی دو کتوب بلای قحطه گرفتار اولدیلر ناچار تسخیر شهردن
ما بوسلر اولوب رجعت و اصفهانه عود ته عزیمت ایتدیلر قزلباشلر
اغوانلرک رجعت عزیمتلرنده اولدقلرین مشاهده ایدی بچک صغیر و کبیری
زنه سی و مرده سی سوار و پیاده سی اغوانلرک اردینه دوشوب بئشدیلر
مردانه حرکت ایدوب صواش ایتدیلر اغوانلر منهزم اولوب اکثریائلف
اولدیلر و بالجمله مهمانلرینی براغوب کیتدیلر بقیمه السبوف اولنلر
بر جزء عسکر اولوب میرمحمد ایله اصفهانه داخل اولدیلر ظهور جنون
میرمحمد بوابکی وقعه د نصیره میرمحمد فکر اندیشه یه واروب بی حضور
اولدی غعفی ادرک ایدوب عدولرندن خوف و و همه دوشدی بخت

برگشته لکنه حمل ایتک غیله لیل ونهار اکل و شرابی و خواب و راحتی رک
 ابدوب عقلنه خفت ال ویردی و و هم و سوسه یه تابع اولوب کند و سندن
 اثر جنون ظاهر اولمغه یوز طوتدی انجامنده شیخلر کتوردوب او قوتدیلر
 انلاردن برینه تسایم اولوب تعایم و تربیه سیمله قرق کون خلقدن کسلوب
 و برکوشه ازواده خلوت و جله چکوب ار بعینه کردی شیخک کند و سندن
 ویرد اولمق اوزن تعیین ایلدی و کی اسم اعظمه مداومت ایتدی بو حالت
 میرمچوده سبب سلامت اولر و ملحوظ و ما مول ایتک برکون جنونی عقلنه
 غالب اولوب چله دن چقدی و سوسو تکو پو کند و کند و سیمله سوبلشوب
 طشله و دیوارله و انجلره سلام ویره رک کز مکه باشلدی و یاتنه کلوب
 کیدن احباب و اشنایه یهوده سوزلر سو بلکه و بی معناعتاب و خطاب
 گفتار بنده باشلدی شیخ یاتدن لیل ونهار ایرلیوب خدمتده مقدم اولدی
 و ندما و خدمایه بو حالت نشانی کشف کرامت و اثر مبادی ولایت دردیو
 جنونی ستر و کتم ایلکه عظیم اجتهاد ایلدی و قرق کون مدتی بو حال
 اوزن گاه عاقل و گاه جنون ال و یروب چکوردی مدت از و انعام اولمق یینه بو
 حالت کند و سندن زایل اولمیب یومافیه و مامرض جنون زیاده اولوب
 رقی بولدی قتل کردن و استیصال کردن میرمچود شهزادگان عجم میرمقوم
 برکون دیوانخانه ده کزینورکن اثنای افکارده اتش تهوری اشتهال بولوب
 امر ایلد بکه شاهک اولادلر نی و قرنده شلر نی و سارژ کوردن اولوب خاندان
 شاهی دن اولان اقربا و پیوند قرابت ایلله شاهلره تعلقلری ثابت اولوب
 دیوانخانه ده موجود کسندن لری بریره کتوردوب و میانلرندن قوشاقلر نی
 چوزوب اول قوشاقلر ایلله الارین اردلر یینه بغلیه لرو بو صورت اوزن حضورینه
 کتور لر اغوانلر امرینه امتثال برله اولاد و اقربا دن یوز بش نفر کسندن

وشاه

وشاه عباس اولادلرندن اولوب پیرو اختیار اولمش و شاه سایمان عصر نه
 کوزلر یینه میل چکلش اوج نفر کسندن یی جمله وجه مشروح اوزن قید و بند ایلله
 گشان گشان دیوانخانه ده میرمچودک حضورینه کتوردیلر و صف صفا بدب
 قارشو سندن بطور در دیلر و باشدن باشلیوب آخرینه کلمه جمله سنک بونی
 اورلسون دیو امر ایلدی جلا دی امانلر امره مباشرت ایدی بچک شهزاده لرک
 لالاری و خادم اغاری و سارژ خدمتلرند بولنان امکدارلری کیر پیمانلر بن چاک
 و چاک ابدوب اغلشدیلر پیر صاحب شفقت بواه واهی و فریاد اینی اشد بچک
 درد مند فی الاصل بیتاق اولمغه لنگ و لنگ افغان و خیزان فریاد رس اولمغه
 سرعت ایتدی و هر چند که میرمچود ایلله سبقت ایدن عهد و میثاقی ذکر و یاد
 و عهد و فانیاز ایلله نوردیلر لری اولادلر یی کلامی ایچون صوت حزن و فریاد
 غریب ایلله میرمچوده خاکپای اولوب جبین رقیبی زمین مزلته نهاده و سوده
 قلدی تیر نیازی هدف مقصوده اصابت اینیوب رجا و نیازی قبوله قرین
 اولدی مر قومون اراسنده شاه حسین اولادلرندن ایکی کوچک شهزاده
 بوانوب پد رلری شاه حسینک صوتن اشدوب کادیکن کور بچک بیجان
 معصوملر پد رلری فریاد رسلری اولور امید ایلله قوشوب پد رلر یینه جان
 اندیلر مجود جانلرندن اثر رحمت کور بچک شاه حسین بوزی قویون اولادلری
 اوزرینه قیانتوب شاه و معصوملر قنار قصابه کیرمش غم و بره کی
 چاغر شدیلر و شاه حسین بنی قتل ایلله معصوملره قیله دیو فریاد و فغان ایلله
 یوزین یره سوروب چوقی یا واردی عاقبت میرمچودک بغری سنک
 نشاتنه بر مقدار تأثیر و شاه حسیننه خطاب ابدوب سکا بغشلمدم دبدی
 چه فایده بوهنکامه قیامت اترده معصوملرک ذهره لری چاک اولوب

ایک کون ایچند ایکسی دخی وفات ایدوب کتید پلر روایت کاذبه فی سبب
اسنیصال شهراده کان اشبو شاه حسین اوغلارینک و خاندان شاهدن
اولان سائر کسینه لک قتل واسنیصال اولنلرینه باعث مجرمیر محمودک ایکی دفعه
انهمز امندن صکره کند و سنه عارض اولان وهم ووسوسه در کند و ضعف
حالت ادراک ایلد کده خوفه دوشوب اغوانلرک دخی کند و سنه اولکی کبی
اعتباری قالمیوب عیملردن دخی کند سنه وحشت و دهشت ال و یروب
برطریق له فرصت یاب اولمیه لردیو عرق شاهی فی قطع واسنیصال فکرن
ایلدی و اگر چه بعضلرک رهائی بوبله در که بالاده ذکر اولندوغی اوزن اثنای
محاصره ده طهماسبک فرارند نصکره تخت شاهی یه اجلاس اولنوب بش
اون کون شاهه ولی عهد اولان میرزا صفی بواثنا ده دولت خانه دن فرار ایدوب
بختیاری یه وصول و اول دخی اول جانبلر ده تسلطن دعواسنه ذاهت اولمش
اوله حنی طهماسب خبر الدقه کند و سنه ادم و کاغد کوندروب معینه دعوت
ایلد کده میرزا مرقوم بنم سکا بردر لوضارم یوقدرو یانکه وارم و ایشکه دخی
مانع اولم دیو جواب و برمش دیو کفت و کوی اولمش ایدی لکن بوجه له نک
اصلی اولیوب مطلق اولاد و انساب شاهی اسنیصال ایچون بر بهانه و تصنع بر خیر
غیر صادق در بیماری میر محمود وقتا کده میر محمود شیخک تعلیم و تربیه سیله
اربعینی تکمیل ایدوب چله دن چقدی و من بعد دفع و وسوسه ایچون شاهک
اولاد و انسابی بومر تبه ده قتل واسنیصال ایتدی نه مرض جنونه دوام پسر
اولیوب یوما فیوم ارقی بوادی جابجاء عقلی بالکلیله زایل اولوب یانده موجود
بولنلری بلیوب انلری دخی ضرب و قتل مباشر اووردی گاه سرخوش
ومدهوش کی بلند اواز ایلد چاغرر باغرردی خدماوند مایه وحشت
ودهشت ال و یروب یانندن قاچر کیدر لردی مرقوملر عاقبت دیوانه نک ضبط

وربطنه

وربطنه عاجزلر اولوب براوطه یه قیاد پلر و اوزرینه قیولی محکم سدو
بند و طشره دن محافظه ایلد پلر اول دخی نجه ایام ییوب ایچمیوب یا تیموب
او یومیوب بی تاب و طاقه صاحب فراش اولدی هر چند که معالجه باند
دقیقه فوت ایتمیوب سعی و کوشش قلد پلر افاقته نشان بر اثر ظهور ایتمیوب
مایوس و ناامید اولد پلر خزینه سندن اچه چقاروب چوق صدقه
و یرد پلر کند و سندن رنجیده اولمشلرک تطیب خاطر لرنده اهتمام ایتد پلر
جولفه خلقنک نوازش خاطر لرنه رعایب ایچون راهب لرنه بیگ تومن
نقد و جوهر و یرد پلر و فلنک ایچسنه دخی بیگ تومن اچه و یروب نجه نجه
رعایت و اگر اسلر و عیدین ایتد پلر لکن کون بکون خسته لکی مشدد اولوب
بطمنده بروجع پیدا اولدی وجع شدتدن اللربنی و اوموز لرنی دیشلر بله
قویاروب فریاد ایدردی بر قاج کوند نصکره وجودنده یان لراچلوب بدی
غریبال کی دلاک دلاک اولدی تازی چوریوب قورلنمغه باشلدی طیب پلر
و جراح لرنمارندن عاجز اولوب وجودی منشش و بدراجه اولدی
فرستادن سید علی خان بجانب قزوین و انهمز ای اوست میر محمودک
حیاتندن طوا بفاغوان مایوس و لحق کند و احوال لری مشورتنه مباشر
اولد پلر چون طهماسبک جمعینی قزوین طرفلرنده شیوع بولمش ایدی
میر محمودک دخی بو حاله کرفتار اولدوغی اطراف و کنافده اسنید پلوب
شایع اولور سه دشمنلر او یانوب بوبله بفرصتی لایحاله کند و لرنه غنیمت
عدایدوب حرکت ایدر لردیو خوفه دوشد پلر بو محذورک دفعنده حزم
و احتیاط ایدوب قزوین طرفلرینه طهماسبه نظارت و اول طرفلر ده
دیده بان اولق ایچون سکر بیگ اغوانه سید علی نام خانی سر عسکر ایدوب
صوب مقصوده مایور قلد پلر اغوان عسکری قزوین جانبلرینه قریب

اولد قلزنده مكرطه ماسيك تيرز امدادى ايچون حاضر و اماده قلديغى
 وافر قزلباش عسكرى اغوانلر ك اول جانلرله كلدوكن خبر ايچق على الغفله
 اغوانلرله هجوم ايتد بيلر و عظيم جنگ ايتدوب اغوانلر منهز مافرار و اصفهان
 واصل اولد بيلر انهزام خبرى اغوانلرى تشويشه براغوب عظيم كدر چكد بيلر
 جلوس اشرف بجاي محود و قتل كردن محود راغبرى خواه ناخواه مير محود
 يرينه كند و يرينه حاكم نصب و تعيين اولتى فكر و انديشنده اولد بيلر مير محودك
 بيوك قزلباش قند هاردن كتور مك مناسب كورد بيلر ايچق مسافه بعينه
 و ايام صيف اولد بنگندن ناشى طول زمانه محتاج اولوب بومقدار مدت
 عجز كردن امنيت و عسكردنه دخی باش اولمغه نظام جمعيت و برایشه مباشرت
 حصول تشييت حد امكانده اولماق ملاحظه سيلاه مير محودك عيسى
 مير عبد اللهك اوغلى اشرف سلطاني محودك يرينه كند و يرينه حاكم نصب
 ايلكي جملة اغوان مناسب كورد بيلر و بر بلوك اغوانى كوندروب اشرف
 سلطاني زنداندن چقارد بيلر و شاه سرانته تحت حكومته اجلاس مراد
 ايتد بيلر مير محودك خادملرى وقعنه دن خبر و ايچق سراى قپولر ينى
 قپابوب مدافعه ايتد بيلر و ايكي ساعت مقدارى زمان طوب و توفنك ايله
 جنگ و قتال ايتد بيلر انجامنده برتقريبيله بول بولوب سرايه كيرد بيلر و
 قپولرى اچدروب اشرف سلطاني سرايه كوتوروب تحت حكومته اجلاس
 مراد ايتد بيلر چونكه سابقه هنوز قند هارده ايكن اشرفك پدرى مير
 عبد اللهى مير محود قتل ايتدوب تحت قند هار اول تقرريبيله جلوس
 ايلش ايدى اشرفك در و تيره پدرى انتقامى چا پكيرا اولوب مترصد فرصت
 اولمش ايدى و مير محود دخی هر حالده اشرفدن امين اولموب بر بهانه ايله
 در زندان ايلش ايدى بواشاده فرصت ال و يروب محود دن انتقام

سودا سنده

سودا سنده دامن درميان قلدى و اغوانه خطاب ايتدوب پدرم قتل
 ايچون مير محود قصاص اولد قچه تحت حكومته صعود ايتم و بوغاييله
 عظيمه ينى بوينه الم دپو جواب قطعى ويرد كده القتل بالقتل ديوب اغوانلر
 مير محودك فراستنده باشن كسوب اشرفك حضورينه كتورد بيلر و اشرفى
 مقصودنده بو طر بقله ارضا و تحت شاهى يه اجلاس ايتدوب رسم مألوف
 اوزن بيعت ايتد بيلر اشرف سلطان دخی تحت حكومته قرار دان
 اولد و غنى كى مير محودك خادم و نديلر ينى و كند و محافظه سى خدمتنده
 اولان بشيوز نفر حضارى اغوانلر ينى قتل و سائر تعلقات و محرم اسرارى
 اولنلرى اخذ و حبس ايتدردى ذكرى سبقت ايدن امان الله خان
 دخی بواراده نفسانيت ايتدوب مير محود ايله اولان ماجرا دن ناشى اشرفى
 بوكونه افعال ناشايسته يه وضع يله چوق كچيوب ترغيب دن خالى اولدى
 و جزاء سيئه سيئه مثلها مفهومي مقتضا سنجه امان الله دخی اشرف خان
 الندن جزا سن بولدى اوصاف و مناقب مير محود مير محود اورتبه بويلو
 بغداى بگز لو كو جك كوز او كسنه ايدى و كوزلرى دائما حركت ايتدردى
 عبوس چهره او قبيح المنظر ايدى تازه مدور قرال صقالو و باشى كويا
 اموزلرينه ياشمش قصه بيونلو ايدى غايت ايله ضابط و حكمنى اجرا ده غيور
 وعد و لرى حقند جبار و قهار ايدى و بالجملة اغوانى قورقودوب كند و سنده
 اطاعت ايتد رمش ايدى بو مرتبه ده كه جنگ شد تلر نده دخی كند و سنده
 مخالفته اقتدار لى قالماش ايدى مير مرقومك كچه جود و كرم و انعامى
 يوغيدى لكن خلقى مال غنيت ايله احياده علوه مت ايدى جنگلرده
 عسكرينك اكونه دوشوب بنفسمه مقصود ينى حصوله كتور مك اه تمام
 ايتدردى بردفعه ده حصول پذير اولميان ماده يه تكرر و تكرر اقدام

و حصونه جد تام ایدردی او بخوینی از او یوب اکثر اوقات بیدار ایدی
 نفسی عزتیه و تن پرور لکه راغب اولیوب طعام دن هر نه بولنسه یرایدی
 ونه یرده اولسه یا توردی نجه دفعه بر یغمورلق ابله قناعت ایدوب برقاج
 کونلاک یوله هجوم اعدایه بو حال اوزن کیدردی غایت چاپک سوار فارس ایدی
 سفر اشناسنده قره غوللری هر بار کند و کزوب یوقلاردی و بر کسنه یه
 بوا مر خطیری اینا غازی شرع مبین اوزن اقتضا ایدن قصاص و تعزیر
 و تادیبه بر کسنه نك شفاعة یاتنده مقبول اولیوب حکم شرعی تنفیذ
 ایدردی و بر در لو کیفه مبتلا دکل ایدی شاه حسینک قیزی نکاح ایدوب
 من بعد جاریه رغبت و بقینلق ایتدی شاه حسینک قیزندن برارکاک
 اوغلی اولوب بعضیلر قولی اوزن اشرف جلوسنده قتل اولندی و بعضیلر
 کوزلرینه میل چکادی دیرلرکن بوعاجزه حقیقی معلوم اولدی بیان
 احوال برادر میر محمد و میر محمد دقند هارده تحت حکومته صعود ایلدی کی
 وقتده بیوک برادری قندهان والی نصب اولمش ایدی و محمودک بمالک ایرانیه
 کلوب اصفهانده قرار داده اولدوغی ایامده ینه قنده هارده والی و محمودک قائم
 مقامی اولوب بوا ثناده محمودک برینه جلوس مر قومک ارثا و عرفا حتی ایکن
 صاحب مقصد و غنه ار باب فراست برقاج سبب بیان ابلشدر اولوالی
 مر قوم درویش نهاد اولوب اصلا کند و سنده سلطنت هواسی یوغیدی
 ثانیاً اشرف سلطان حسن اختیار و ارادتیه تحت اصفهانی کند و سنده
 قصرید و فراغت و سودای سلطنتدن طوعاً کف ید ایتیه جگنی
 عین الیقین بیلوب مقاومتیه کفایت مقدای عسکرندار کی دخی دشوار الحول
 اولمش ایدی زیرا قندهار اطرافنده ایشه و کوجه یار عسکر قالمیوب میر
 محمودک کوتله اصفهانیه نقل اولمش ایدی و هندستان حد و دنده واقع

طوائف

طوائف مختلفه دن اگر چه عسکرندار کی ینه ممکن اولوردی لکن
 کندوسی اوتدن برودرویش طبیعت اولوب نقود ادا خارنده چندان
 طبعی اولیوب خزینه تدارکند اولماش ایدی پس بو مثالو علل وار
 ایکن مع الاستحقاق قزنداشی میر محمدک برینه بر در لو رغبت طهار ایتدی
 بیان مقدار عسکر اغوان و عدایشان میر محمد اصفهانیه کلد بغنده
 نه مقدار موجود عسکری اید و کند و روایات اختلاف اوزن درو بو
 خصوص تخمین و تقریبی اولعله اصابت دخی امر مشکدر مبادی
 قد و ملرنده شاه حسین کلان اغوان نه مقدار عسکر در د پوامور د پده کاو
 از موده ادمار کوندروب تحسین و تخمین ایتدر مش ایدی جمله جاسوسان
 اون بش یلک عسکر در د بو تخمینلر نه اتفاق ایدوب شاه و ناس دخی جمله
 بوعاقتاده ذاهب و عجملر پندنده توأ بر برله بو بله گفت و کوی اولمش ایدی
 بعضی عسکر احوال کور میان بلیمان رامننه طایغه سی افراط ایدوب بوزالی
 بیک عسکر در د بو تخمین ایدر لردی بوفقیه ایه اقام اور و پاده
 سیاحت ابله کشت و کذار و نجه نجه ملوکک معدود الافراد و معلوم
 المقدار عسکر لر نی مشاهد ابلش بولند و ندن بنم غالباً اصابتیه قرین اولان
 تخمین بو بله در که اغوانلرک عسکری اصفهانیه کلد کلرنده قرق بیکه بالغ
 اولوب زیاده اولمق احتمالی دخی بوغیدی و عسکر اغوانک قدومی اشناسنده
 جولفنده بولنوب و فرح ابادیه کلد کلرنده و بعد جولفیه محاصره و بعد
 اصفهانی محاصره ایلد کلرنده اوج دفعه اغوان عسکر نی اچقدن کوروب
 بالمشاهده بو مقدار ایدوغنی تقریباً ببلش ایدم فی الواقع نصف جهان
 عنوانیه شهرت بولمش شهر اصفهان کی بر خطه واسعه محاصره
 و احاطه اولنوب ینه اطرافدن امداد قصد نده اولوب کلان عد و هجومه سد

مانعت عقلا دخی انجق بو مقدار عسکر ايله صورت امکان بولمق بدیدیدر
مع هذا که طشهره دن اصفهان امدادینه شد رحل ایدن قزلباش عسکر ايله
جنگ ایدوب وجسر شیرازه هجوم ایدوب بدی سکر دفعه اغوانلرده
عظیم انهزام واقع اولوب چوق عسکر لری تلف واجل ايله دخی چوق
گسنه لری اولمش ایدی حنی اصفهان اخذ وضبط اولندقدن صکره
بر مقدار غایله لری بر طرف اولوب میرمچودر و ساء عسکرینی حضورینه
کتوردوب نه مقدار صاغ و سالم عسکر لری وار شمار اولنوب دفعه
اولنسون دیوتیمیه ایلدی بر قاج کون مهلت ايله اهنام اولنوب برالودن
غیری جنگه یارار بکرمی بیک عسکر موجود در دیومیرمچوده دفعه بر دبلر
حالا که بوندن اقدام بجه لری دخی مال غنیمت ايله ولایتلرینه عودت و جولغه
تعمیرند نصکره حضاری اغواتک اکثری وطنلرینه کشش ایدی بو عبد
حقیر ایسه علم طب ايله بر مقدار استنا اولوب بازار کار کزار قتال
صا ولدقه تقریب طبابت ايله اشراق اغوانيله اکثریا کوریشوب
الفت و مولست پیدا ایش ایدم حنی میرمچودک اشکار اغاسی عبدالله
اغایله کوریشوب اثنای مصاحبتده دپدم کدیم افندم اصفهانی
سکر بیک ویا اون بش بیک ادم ايله محاصره ایدوب الدبکر دیومیان
خلقه تواتر بولمش بر امر عجیبدر بونک حقیقتن افاده بیورک دبدکه
ایکی قول دخی غلطدر دیو جواب و یروب دبدیکه قندهاردن بوجانبه
توجه ایلدیکم زده ایشه کوجه یارار اما زط قسان بیک ادم ندارک ایدوب
یوله روانه اولمش ایدک بر قاج مرحله برویکلدیکم زده پیر و اختیار مقوله سی
عجزه و سائر لر اون سکر بیک ادم ایریلوب کیر و کیمتد بیلر اولمش و خسته

اولمشلریز

اولمشلریز دخی ایکی بیکه بالغ اولور و الحاصل اصفهانی محاصره ایلدیکم ز
اثناده میراویس وقتندن قالمش جنگ کورمش اون دورت بیک اغوانلر
وار ایدی و سکر بیک حضاری اغوانيله دورت بیک بالوج عسکر لری
دخی بولنوب سائر عسکر لری کعب و هندستان عسکر لری ایدی دیوب
اغای مرقومک تقریری بزم تهنیه مزه قریبدر احوال اشرف سلطان
میر اشرف میرمچود ايله قندهاردن معا چقوب اکثریا جنگلرده بله
بولمشلر ایدی بعد میرمچود میر اشرفه خانلق و یروب کند و سینه
مخصوص بر بلوک عسکر ايله بعضی یرلره تعیین ایدوب کوندوردی
اشرف دخی عاقل و صاحب رأی و ندبیر اولوب مأمور اولدوغی
خدمت لری وجوده کتوردوب شمع و بهادر و خلقنه خیر خواه و متواضع
اولدوغندن عسکر طایفه سی کند و سینه میل و محبت ایتمش ایدی
و بعضی امور لرینی مشورتلرندن رأی و ندبیری پسندیده اولوب خیلی
اعتبار بولمش ایدی حنی کلنا بادنام محمد شاه حسین مصالحه یه طالب
اولوب اشرف سلطان قوی سندات ايله صاحبی جایز کورنلردن اولمش
ایدی میرمچودک ایسه دماغنه عجم عسکرینک انهر امند نصکره شاهلق
هواسی جابگیر اولدوغندن اشرف صاحبه رغبت کوستر دیغندن
اشرفه دلگیر و خاطر مانده اولمش ایدی لکن کتم ايله مقید اولوب اظهار
ایتماش ایدی و اشرف دخی خبیر واکاه اولوب محموددن خوف و تحاشی
اوزن اولمقدن خالی دکل ایدی حنی روایت اولنور که اصفهانک
محاصره سی اثناسندن شاهک سراینده زاد و ذخیره نیک کمال مرتبه ده
قلعه مضایقه اوزن اولدیغنه اشرف سلطان اطلاع حاصل ایدوب

میرمحموده سوء قصد ایچون یا خود برغیری مقصودینه وصول ایچون
برکجه بولندوغی جانبدن ایچروده شاه حسینیه برعقداد میلایک بطمان
مقداری ذخیره کوندردی و مکتوب یازوب مفهومنده شاهدن بر مقدار
خزینیه طلب ایدوب دبد بکه بکا تابع اولان عسکرک قلوبنی صید ایچون
طرفزه بر مقدار خزینیه کوندرسک بن عسکرک ابله ایریلوب میر
محمود ابله مقاومت مباشرت ایدرم و سن دخی ایچرودن عسکرک ابله هجوم
ایدوب بو طریقله سلامت بولورسن ایچق معلومک اواسونکه بنم
مرادم اغوانلره قصد اولوب بلمکه بو طریقله میرمحموده بررحنه
ویرمکدر مبلغ مزبوری ویرمکه قایل اولدوغک حالده بو یوزدن
مرادیز حاصل وایش بر طرف اولدقده بکا و اغوانلردن بر فرده طرف کزدن
بردراو ضرور و زیان ترتیب ایلیمه جنکه عهد و میثاقلر ایدوب اعتماد
ویره سز دیو تحریر ایش ایدی شاه حسین خدعه حرییه حمل ایدوب
اشرفک تحریراته اعتبار ایشوب مقید اولدی میرمحمود قضیه یه
واقف اولیحق غایت ابله مغیرا خاطر اولدی لکن ستروکنم ایدوب انفعال
خاطرین کسنه یه بلد و مدی بر قاج کوندن صکره اشرف سلطانی
اصفهاندن تبعید و بو طریقله شاهله مکاتبه و معامله طریقلرینی سده
ویند ایلک مراد ایدوب اشرفی بر مقدار عسکرک ابله اطراف و اکنافدن
اصفهان امداد کلیه دیو دبدبان اولمغه کوندردی بیان فرستاده کردن
میرمحمود اشرف خان را بنزدان اصفهان فتح و تسخیر اولدوغی یزله اشرفی
حضورینه احضار ایدوب ایچون شاه حسینیه ذخیره ویردک دیو
غضب و بانه خطاب و عتاب ایدوب در حال زندانه کوندروب حبس

ایتدردی

۹۱ ایتدردی وینه حبس اولدوغی رده تعیناتی ویریلوب اکرام اولنق اوزن
تیمیه ایلدی زیر اغوان عسکری ایچنده بخی کشاده لکن نصرالله جمله یه
غالب حسن ند بیرده ایسه اشرف سلطان فایق الاقران اولوب بونلرک
وامان الله خانک و میاجی اولان عالمک رأی وند بیرلری محمودک اب رویی
اولوب دولت و رفعتنه باعث واعدایه غلبه سینه بادی اولمش ایدی
استمالت دادن اشرف خان باهالی ایران اشرف سلطان تحت شاهی یه
جلوس ایدوب صاحب حکم و حکومت اولیحق رفیق و ملائمت اظهار
ایدوب حلم و تواضع و عدل و عدالت قصدن کوستروب کسنه یه
دخی حدینی تجاوزه رضا ویرمدی اطراف و اکنافه ادملر و کاغذلر
کوندروب مفهومنده اهالی بلاد و قری یه اعلام و افاده ایدوب اشاعت
ایلدی که بوانه کلنجه کرک بزه تابع اولان و کرک تابع اولمیان بلاد و قری
اهالیسی بوندن بوبله راحت و اسوده حال اوزن اولوب اغوان عسکرکندن
بالکلیه امین اوله سز لاشاله چوق زمان مرور ایشوب ایران دولتی کیمه
قراردان اوله جق ایسه غایان اولور باوی مملکت خراب اولیوب تقدیرازل
کیمه نصیب و مقدر قلدیسه معمور و آبادان بولوب متصرف اولمش
اولورد پواسمالت ویردی تطیب کردن اشرف خان شاه حسین را و نسلی
دادن خاطر اوست و ارسال کردن نعشه شهزادگان بشهرقم بعد شاه
حسینک یا غنه واروب انک دخی نسلی خاطرینه اهتمام ایدوب دبد بکم
بنم بدرم الم اوزن اولمه من بعد سنک انکسار خاطرینه باعث اوله جق
برایشه وضع بد و رضا که مخالف امور عزیمت ایتیم زینهار بنی ظالم
وغدار و جبارونی و فاعوجم اوغلو میرمحموده قیاس ابله بی جرم و گناه

اولاد لری یکی قتل ایدوب کند و سنده ذن دکلو مرتحت اثری و ذائده و فائشان
یو غیش چون وقوع بولش بر قضا در بو کا صبردن غیری علاج یوق
و جناب حقدن اجر جزیل برله مکافاتده دخی شبهه یوق انجق دپلر سگ
تطیب خاطرک ایچون اولاد لک کککری نی جمع و صند و قه لره قویوب
اجرادک مدفن اولان قم شهرینه کوندروب دفن ایتدوونیم دبد کده
شاه حسین بر مقدار مطیب اولوب و بو خصوص غایت ارزوی درونی
ایدوکنی اشرف خان فهم و ادراک ایدیمچک امر ایلدیکه شاه حسینک
مقتول اولان اولاد لرندن هربری ایچون برر صند و قه یا پلوب بحال
احضار اولنه مقتول اولنلرک ایسه نعشه لری باعجه نک برکوشه سنده
شاهان سالفه نک بو گونه مصاحت ایچون بناوند ایدک لری زیرزمینه
وضع اولنش ایدی اشرف خالک امر بله صند و قه لری کتوروب وزیر
زمیندن شهزاده لرنعشه لری نی چقاروب شاه حسینک حضورند عود
و عنبر و کافور و سایر انجیره ایلد معتاد لری اوزن ترییه دن صکره کککری نی
یشقه بشقه صند و قه لره قویوب محکم قیاد پلر و اوج قطار دوه احضار
اولنوب صند و قه لری تمجیل ایتد پلر و صند و قه لری و دوه لری ابرشیم
قالیچه لر و سیم و زرا بله اسلانش چوقه لرا بله شاهانه تجهیز ایتد پلر و قم شهری
فقراسنه تصدق ایچون بیك تومن اچقه و یرد پلر و اول قاپله و چوقه لری
شاهزاده لک مدفن اوله حق تریه لره وضع ایدوب بر مبلغ اچقه دخی وقف
ایچون یرد پلر و معاکمک اوزن بر بیراق اغوان ایلد بر بیراق قزلباش عسکر نی
دخی تعیین ایتد پلر و بو خبر ایلد بر کورچی ضابطی مقدجه قم شهرینه
کوندرد پلر ضابط مرقوم واروب واقع حالدن خبر و یرد کده قم اهالسنه

اعتماد

اعتماد گلیوب بوامری محالاندن عدا بدوب حمله یه حمل ایتد پلر و خبر
۹۲ رسان ضابطک کوزلرینده فی الحال میل چکد پلر ازین جانب اشرف خان
کمال مرتبه ده استمالت مراد ایدوب امر ایلدیکه مناد پلرند ایدوب اصفهان
شهرندن نعشه لری الا پلر ایلد چقان لر و رسم قدیم لری اوزن قاعده
دیرینه لری نی اجر او مراد ایدنلر تا قم شهرینه وارنجه تشبیع ایلد لر و معتاد لری
اوزن تعظیم و نکریه رخصت و یر پلوب اجرا ایلد لر پس بر یوم معیند
الا پلر قور پلوب اغوان بیراخی صند و قه لر تمجیل اولنان دوه لر قدامند
و عجلر بیراخی خلفند شهر اصفهان دن طشره چقد پلر اصفهان خلقینک
صغیر و کبیری ذکور و انائی پیر و صبیانی تشبیعه حاضر و فریاد و فغان
ایدک برهنکامه قیامت نشانیله شهر دن طشره چقد پلر و اصفهان دن
یدی مرحله مسافه ده اولان قم شهرینه متوجه اولد پلر بر ایکی ساعت
مسافه دن صکره نسوان و صبیان عودت ایدوب قزلباش لک مجده لری قم
شهرینه وارنجه معاکیتد پلریدی کوند قم شهرینه واروب درون شهره
برکشنه قوم یوب طشره ده قوندرد پلر طهما سبه بحال و واقع حالی اعلام
ایدوب صند و قه لر دفتند استیذان ایتد پلر طهما سب دخی اذن و یروب
صند و قه لر استقبال ایلد لر و کمال تعظیم برله رسم و الو فلر نی یرینه
کتوروب دفن ایلد لر دیو تنبید ایلدی فعلی هذا کون شهره کیر و بتره لری
اجدیلر و جزع و قزع عظیم ایلد صند و قه لری تریه لره معتاد لری اوزن
دفن ایلد پلر اشرف خان جانبندن ارسال اولنان مبالغی فقرایه تصدق
و بقیده سن وقف ایدوب خدمت تمامند عودت ایلد مراد ایدوب
عجلر اغوان لره علی مرتهم هدوه رفردک رحایت خاطر بله اهتمام ایتد پلر

و بوجال اوزن اصفهانه روبراه اولوب کلد پلر شاه حسين بوجه دن
 خبير او بحق درونی مخطوط اولوب خاطر پریشانی غایت خوش اولدی
 تجربه کردن اشرف خان شاه حسين را در ارزوی تخت شاهی اشرف
 سلطان بوندن بوبله شاه حسينک دروننده سلطنت سوداسی وار میدور
 دیو تخریب مراد ایدوب برکون زیارت طریقله شاهک یاتنه واردی انای
 محبتله شاهه خطاب ایدوب شاهم بن بوخت ایرانک رجلی اولدوغی
 بلدم و بوجا بله عظمی یه و شاهلغک بار کیرانه تحمل ایدمیه حکمی فهم
 وادراک ایتدم دپلر سک ملک و تاج ایرانی نه سکا قصه ایدوب تخت
 شاهی یه جلوس ابله دپدیکنده شاه حسين دخی اشرف سلطانک بوکونه
 تکلیفی قصه مقارن ایدوکن اذعان ایدوب جوابنده اگر تخت شاهی یه
 بنم لیاقتم اولیدی جناب متعال الیدن الوب سکا ویرمزدی چون تقدیر
 اذل سکا لایق کوردی مبارک اولسون و دنیا لطور دچه طور و پاید او
 اوله سن بنم مروت شعارم او غم قضا و قدر ابله ظهور ایدوب شاه
 بولندوغم تقریبله باشمه کلان بونجه سرانجام دنصکره تخت و تاج
 سوداسی و حکومت هواسی محیفه دروغدن بالکلیه محور ایل اولوب
 بوکونه ستمه رغبت اثری دخی قالمشدر و بقیه عمری کوشه انواده دوام
 دولتکده دعای خیر ابله اشتغال اوزن چکور ملک اقصای مرام و خلوص
 اوزن مافی الضمیر مدروسندن نیازمند اولدوغم انحق بودرکه بر قاج کون
 عمرم دخی واریسه بکاضرورت چکمکی روا کورمیه سز عمرم اخرا و نجه اولاد
 اچیشی دروغدن زایل اولدوغن بلوب دل مجروحی صیانت ایدوب بکا
 صنف و قهر بله معامله بی لایق کورمه دپد کده شاه حسینک بوکونه عاطفت

و شفقت

۹۴ و شفقت انگیز نیازمندانه کلامندن اشرف سلطانه مرحمت ال و یروب
 شاه حسیننه مدار معاش ایچون ماه به ماه ویره کلد کلدی چب پولی تعبیر
 اولنور اکیوز تو من اچه بی تضعیف ایدوب بر قاج ایام مرورنده چب پولی
 یرینه اید اکیوز تو من اچه تعیین ایتد پلر و شاه حسین اندرون سرای
 شاهیده واقع با نجه لره و قصور بی نظیره و سرایک دبلدیکی محالینه واروب
 دبلدوکی وجه اوزن صفای خاطر بن محصیله و شاهک محبتی اینه احدا شه
 غالب اولمغله ناتمام اولان قصورک مقتضای طبیعتی اوزن نکه بلنه اذن
 ویر بلوب بر فرد ممانعت ایلیمه دیو حکم تنبیه ایتد پلر تکلیف کردن شاه
 حسین تزویجی دخترش با اشرف خان بویابده دخی شاه حسین
 مخطوط و اشرف سلطانک کند و سنه بوکونه عاطفت و مودت آثار وضع
 و حرکتندن دلشاد اولوب بر کون اشرف سلطانله ملاقاتنده
 مافی الضمیرینی کشف ایدوب دپد بکه بنم او غلوم شان و شهرت ملوکه
 شایان هدیه بهیه علاقه افزایه دار بر شیمه مالک اولدوغم معلوم کزد
 انحق نور دپد لرم اولاد لریدن بر با کره دخترم جاریه کز باقی قالمشدرانی
 سزه و یروب قبول بیرون سز و سز بر اولادم و اول دخی بر اولادم اولوب
 بنی پدر بکر مقامنه قویوب دپدار بکر ابله دلشاد بیرون سز و یانکزدن
 دور و مهاجور اولمغی روا کورمیه سز دپد کده اشرف سلطان حظ موفور
 اظهار ایدوب فی الحال اطراف و اکناف ممالکه اسمالت ایچون تکرار و تکرار
 مفصل کاغذ لریازوب مفه و منده بوند نصکره جمله کز طر فزدن امین
 اولوب راحت و اسوده اولک من بعد بوییهوده حروب و قتال ابله تلف
 نفوس روا کور لمیوب مابنده اولان برودت و عداوت عن قریب الفت

و موافقه و ستقاق و اتفاق صدق و وفاقه متبدل اولمق اسمك حصول
 قوت قریبیه کلوب و پیترده اوزاشلوب دوستلق بر قوی صورت افراغ
 اولمق مأمول و ماحوظ بر دردیو تحریر اولندی فرستادن اباجی از جانب
 اشرف سلطان بجانب شهرزاده طهماسب اشرف سلطان اطراف ممالک
 واقع قزلباشلره وجه محرر اوزن اسمالت کاغذ لینی کوندر دکنصکره
 طهماسب طرفلرینک دخی خاطر لرین اله الملق مناسب عد ایدوب عظیم
 ندارک ابله اباجی کوندر مکه قرار و یردی و اون عددا ت حاضر ایدوب
 شاهک خزینه سنه بولمان مجوهر اکر لر و ذی قیمت رختلر و مزین
 بساطلر ابله تجهیز و تزین ایدوب اباجی ابله طهماسبه هدیه نامیه
 کوندر دی و محبت نامه یازوب مفهومند نمردوسم بوانه کلجه مایند
 وقوع بولان احوال من بعد نسیا منسیا فراموش اولنسه سزادو
 و ما پیتر وجه مناسب اوزن توفیق اولنسه شایاندر و بوند نصکره برودت
 و عداوت معامله سی طرفینه موجب ملالتدر و ما پیترده اوزلشلوب
 ممالک ایرانک نظامی اهتمامه علی الاتفاق بذل مقدور قلمق الزم اوزمندن
 اولمشدر زیر بر قاج سنه دن بر و وقوع بولان اختلال سببیه اطراف
 ملک ممالک ایرانه وضع بد عزیمت اولوب سزه و بزه قصد قیدند
 اولد قلمری امر محققدر مسقو کفره سی دخی فرصت بولوب حالیاچه
 برلره استیلا اینمشدر و دوات علیه عثمانیه یوم افیو ممالک ایرانه وضع بد
 اینمکه در بودردک علاجنه بر کون اول اهتمام طرفینه نافع بر مصاحدر
 پس اباجیمز و اروب مراد و مقصود دیز معلوم اولد قده مملکت الدن کتمدن
 نظامی ندارکنه بالذات کند و مز مباشر اولالم اباجلر توسطیه اولسه

طول

طول و دراز زمانه محتاج اولوب احوال در که ایش ایشدن کلوب مراد دیز
 حاصل اولمیه انسب و اوفق اولان بودر که طهران ابله تم مایند بر مناسب
 محل مکالمه ایچون تعیین اولنوب سز و بز بالذات معلوم المقدار و متساوی
 الاقتدار عسکر ابله اول محله جمع و طرفینک عسکری قوندر یلوب
 کند و مز میانه ده دوستانه کوریشوب ایشمزی کند و مز کون لم و صلح
 و صلاحی شروط و قیود قویه اوزن بنا ایدوب قوی عهد و میثاقلر ابله
 تأکید ایدلم دیوب مضمون نامه شهرزاده طهماسبک مفهومی و اباجی
 قطعاً دعه احوال فکر اندیشه و حزم احتیاط طریقن ملاحظه اینیوب
 مضمونیه علامه حاضر و اماده اولدی زیرا بوندن اقدام دخی اشرفک
 سوزلرینه اعتماد حاصل ایدوب مکاتب دلفریبی مضمونیه فریفته اولمش
 ایدی بیان فرستادن نامه از جانب اشرف بجانب طهماسب در سابق
 اصفهانک محاصره سی احیاننده اشرف سلطان شاه حسینیه خفیه بر
 مقدار ذخیره کوندر دیک بیانه ابله فتح و تسخیر شهر واقع اولدوغی برله
 میرمچود بالاده ذکر اولندوغی اوزن اشرف سلطانی زندانه وضع ایش
 ایدی اشرف سلطان زندانده محبوس لیکن طهماسبه خفیه نامه
 کوندر یوب مفهومند قزلباش عسکرینی جمع ایدوب اصفهان اوزرینه
 کلکه بذل مقدور اید سن و براغوانلرک اولورند معلوم الاسامی عجه
 کسنه لر ابله اتفاق و اتحاد و سوز بر لکین ایشدر اصفهان کلوب عسکر بکر
 کورند یکی کیمر قومون اغوان اولوری کلوب نی زنداندن اطلاق
 وجهه سی بکاقتد ایدوب سکا تابع اولورنزم یو حالزی مشاهده ایدن
 اغوانلرک اکثری کلوب بزه تابع اولورلر و ما پیترده عهد و میثاق ایدوب

اطمینان حاصل اولدوغی برله وار قوتی بازویه کتوروب میر محمودی
 اخذ ایدرز و سنک الینه تسایم ایدرز دیو تحریر اولمش ایدی و میر
 محمود عجم رجائی قتل عام ایلدیغی ائشاده لمصاحت حیالده قودوغی بکرمی
 بش نفر رجال عجمک دخی اشرفک نامه سی مفهومی موکد مکتوبلری
 واروب طهماسبک منظوری اولدقد اشرفک تحریراتی صدق و خلوص
 اوزن دردیو اعتماد ایلش و عجمه جواب یازوب اشرفه کوندر مش
 ایدی و بوتد بیره مخالفت ایدنه لعنت اولسون کلامن نامه سنه خاتمه
 یازمش ایدی اشرف ایل طهماسب بومصاحت تمشینی تدبیرنده ایکن میر
 محمود جانبندن سید علی خان سر عسکر تعیین اولوب بر مقدار عسکر
 ایل طهماسب احوالی تجسس و حرکتنه نظارته ما مور اولوب قزوین
 جانبلرینه عزیمت ایتمشلر ایدی اتفاقا تبریز آمد دینه کیده جک عجم
 عسکر بله اغوان عسکری مصدا دفت ایدوب حروب و قتال عظیمدن
 صکره اغوان عسکری منهزم اصفهانه عازم اولدی و بواشاده اشرف
 سلطانک زنداندن چقوب تحته جلوسی و میر محمودک قتل و قعه سی
 دخی واقع اولمش بولغله میر محمودک قتل ایتدوکی رجال عجمدن بقیه
 السیوف اولان مارالذکر بکرمی بش نفر رجال عجم اتفاق و عزل
 و نصب و قتل و سائر اصفهانده متداول اموری نقیرو قطنیر تحریر ایدوب
 نهائنده اشرف سلطانک بوک و نلرده سزه ارسال ایلدیغی نامه سنه
 متعهد اولدوغی دوستلق و عهد و امان جمله فسخ و اغوا اولوب غافل
 اولیه سرزیرا زندانده اولدوغی وقتده سرکله ایلدوکی اتفاق ضروری
 و لغرض ایدی شمیدی ایسه طریق اخرا بله مرادی حاصل اولوب قوانده

صادق

۹۰ صادق اوله جفی روجهله ما مول دکلدر دیوب مکتوبی تبدیل نام و قیافه
 برکسنه نیک الینه و یروب طهماسبه کوندر دبلر سر عسکر سید علی خان
 بعد الانهزام اصفهانه کاورکن مکتوبی کوتورن کسنه یی اخذ و مکتوبی
 النندن الوب نظر ایلدکده غیابنده وقوع بولان احواله و قوف حاصل
 ایدوب اشرف سلطانک حضورینه شتاب و مکتوبی الینه و یردی دقت
 ایلده منظوری اولدقد مفهومی کتم ایدوب کسنه یه سو ایلدی و سید
 علی خانه دخی زینههار وزینههار ستر و کتم ایدسن دیو محکم تنبیه ایلدی
 سفر کردن اشرف خان بجانب قزوین برای اخذ طهماسب بر قاج کون
 مرورنده اشرف سلطان فرح اباده بش ایدوب بعضی رجال دعوت
 ایلدی و بقیه السیوف اولان بکرمی بش نفر رجال عجمی دعوت ایدوب
 جمله سن قتل ایلدی بر مقدار ارامدن صکره رجالنه خطاب ایدوب
 معلوم المقدار عسکر بله متعین ضابطان و سر بلاوکاری عجمه حاضر و آماده
 اولوب یاغنه کلوک دیو تنبیه ایلدی معتمداری اولنلرینه طهماسب وزینه
 عزیمتین بلدردی اشرف سلطان سرایه کتمیوب فرح اباددن قیو خلقیله
 اثره سوار اولوب صوب مقصوده متوجه اولدی ایکی ساعت ایچنده
 بکرمی بیگ مقداری چاپک سوار اغوان عسکری حاضر و اشرف سلطان
 قفادار اولوب ینشد بلر بوندن اقدام مصالحه اموری ایچون ارسال
 ایلدیغی ایلخی دخی قزوینه واروب اشرفک اصفهاندن چقدوغی کوندن
 برکون اولجه نامه سن طهماسبه تسایم ایدوب کند و سنه و افر اکرام اولمش
 ایدی اصفهانده وقوع بولان وقایعدن طهما سب و رجالی جمله غافل
 و ایچخی یی بر قاج کون اکر امامکث و نامه ده تحریر اولنان مصالحه احوالینی

مشاؤون ابدوب جمله سی معقول و مناسب کورد پلر وارسلان نام خانی
بر مقدار عسکر ابله عجماله وارمق اوزن تم شهرینه تعیین ابلد پلر تا کم طهران
ابله تم اراسنده محل مکالمه والتقای عسکرین اوله جق یرلرده اغوانلرک
بومصاحت تنفیذ و تمشینی بقیله زاد و ذخیره جمع وندارکنه مباشرت
ایتد کلرینی تجسس ابدوب طهماسبه عرض و سائر اقتضا ابدن احوالی
دخی بلدروب اکا کون طهماسب دخی محل مزبونی وجه مصمم اوزن امر
مصالحه مکالمه سی ایچون عازم راه اوله عزیت کردن ارسلان خان از جانب
طهماسب بجانب شهر تم و قدوم عسکر اشرف خان بقزوین و مقابله
وانهزام لشکر عجم ارسلان خان بر مقدار عسکر ابله قزویندن چقوب تم
شهری جاننده روان اولدی همان چقدوغی کون بر مقدار مسافه قطع
ابلد کده کورد بکه قارشو سنه بر عظیم عسکر کلیور حال نه یوزدن ابد و کن
فهم ابدوب سرعت ابله رجعت و طهماسبک یاتنه جان اندی شاهم
باشمزلک ندارکن کون لم زیر اشرف سلطان نجمیه عسکر ابله شتاب
ابدوب اوزر یزه کلیور طهماسبک رجالی فی الحال جمع اولوب مشاؤون
ایتد پلر چون وفرت اوزن حاضر و اماده عسکر لری بولندی اغوانه
قارشو چقوب مقاومت اقدامی مناسب کورد پلر و بونیت اوزن جمله سی
انلنوب شهر دن طشره چقد پلر اغوانه قارشو وارمق اوزن ابلکن قجر
عسکر بریره تجمع ابدوب طهماسبه عرض ابلد پلر که شاهم بز جمله مز
او غورینه فدالور زو انشاء الله دشمنه غالب اولور زانچق من بعد سکا
اعتماد الدوله اولنلری قزلباشلردن نصب ایتیموب قجر طایفه سندن
نصب ابدوب جکنه عهد و الیمزه قوی سند احسان ابله دبد کلر نده

طهماسب

۹۶ طهماسب خواه ناخواه راضی اولوب متعهد اولدی طوایف قزلباش
ایسه خمیر اولیجق انلردخی تجمع و بزد و لتیزده سنی اعتماد الدوله استمیز
دیوب پینلر نده عظیم نزاع ابله شقاق واقع اولدوغن طهماسب مشاهد
ابدی بچک بو کورنه عسکر ابله دشمنه غلبه مبسر اولدوغن جزم ابدوب
اغوان عسکر دخی کورنمکله همان بر مقدار ادم ابله طریق مازند رانی
طو توب اول جانبه فرار ابلدی ارسلان خان ایسه قزلباش عسکر ابله اغوانه
یقین بوانوب جنکه اقدام و قزلباش عسکر منهزم و کندوسی کوچیله
سلامت بولوب طهماسبک اردنجه مازند رانه قاچدی اشرف خان دخی
سالما غانما اصفهانه عودت ابلدی بود فعه دنصکره اشرف سلطانک
عجم طوایفنه ابلد و کی استمالت و کولریوز ابله رفق و مرحمت اوزن معامله
والچی کوندروب مصالحه رغبته و انعام و احسان و هدایا ابله خاطر لرینه
رعایت جمله سی حبله و خدعه حریبه اولدوغی ظاهر و آشکار اولدی
الحق زندانده ابلکن میرمچود کندوسی قتل ابدرخوفندن و میرمچوددن
انتقام الملق سودا سندن ناشی طهماسبه یازدوغی مکتوبک مالی غالباً
حقیقت حال الملق اوزن ابدی باقی مدارا و استمالت دایر عجلار حقندن
اطهار ابلد و کی ملائمت محض دك اولوب اقصای مرای طهماسبی اناندروب
بر طریقیله طهران و تم شهر لری اراسنه کتوروب اطرافن احاطه و برقریرله
له کتوروب اخذ ابلد ابدی زیر طهماسبی اله کتوروب اخذ ابلسمه غیری
جمله قزلباشلر کند و سنه اطاعت ابدلر و ممالک ایران بونقریرله شاه و ملقه
اقتدار حاصل ابدر ملا خطه و اعتقادی کند و سنه جاپکیدرون اولمش
ابدی با خصوص کد دولت علیه عثمانیه ابله مسقوجاری پینندن طهماسبی

تحت شاهی به اجلاس و عدول رفتی دفع باینده اتفاق اولمش دیو اشرف
 خانك سمعنه بو پله برخبر موخش لاحق اولمغله طهما سبك غایله سنه
 دوشوب مراسله و بوجه دوناغش ات وهدایا کوندروب طهما سبی
 هجالة برطرف ایلکه مسارعنی بوندن ناشی اولمش ایدی اهتمام کردن اشرف
 خان برای جمع و تحصیل خزینه چون اشرف خان طهما سبی مازندران
 قاجروب اول طرف غایله سی بر مقدار بر طرف اولدی بزجاج پام اصفهان
 مکت و اقامت امکانی روغنا اولدی غیری جراموال ناس ایلکه تحصیل خزینه
 سود اسنه دوشدی اغوان طایفه سی خانلرندن عنقاو ممول اون ابکی
 کسنه نی اخذ و قتل ایدوب ماللرین مصادن ایلدی و سائر رجالنندن
 ممول اولنلری خبر الوب اکثری ماللرین الوب کندولرین زندانه وضع
 ایلدی میر محمدك مرض موشه جوالغه لویه و فلنك ایلکسنه و سایرله
 انعام ایلدی وکی مال نه ایسه تحصیل ایدوب الدی احوال امان الله خان
 اشرف خان میر محمدك یریه تخته جلوس ایلد که امان الله خانی
 کند و سنه اعتماد الدوله نصب و تعیین ایلش ایدی خان مرقومك دخی
 طمع غالی اولوب بر هفته ایچنده قزلباشلردن طقساز بیك تومن اچقه
 الدی اشرف خان خبر الوب امان الله خانی احضار و ابقلرندن صلب
 ایدوب برکون و برکجه اول حال اوزن قویوب بالجه مالک اولدوغی
 جواهر و نقودی اظهار ایله مجبور قلدی جمله سن اشرف خان اخذ و قبض
 ایدوب من بعد امان الله خانك حیاتی و نمائی معلوم اولیوب نجه
 اولدوغنی برکسنه بلدی بیان احوال میانی میر محمد بعد اشرف خان
 میر محمدك میانیچسی اولان شیخی اخذ ایدوب حبس ایلدی و جمع و تحصیل

ایلدی

ایلدی و نقود و جواهر کثیره فی الندن الدقه اطلاق وهدیه طریقیله
 بر مقدار شی و یروب و یانته ادملر قوشوب کند و ولایتی اولان کابل
 شهرینه کوندردی امان الله خان مزبور شیخك همشیره زاده سی اولوب
 کابلدن کلوب میر محموده معا انساب و نجه نجه امور عظامه بولمشلر
 ایدی و ابکیسی دخی اغوان عسکرینك ایدوی اولمشلر ایدی و شیخك
 خارق عاده نجه نجه احوالی سو بیلنوب کرامته حمل ایتمشلر ایدی
 و معتاد لری اوزن جنکه شروع ایلد کلرند شیخ عسکرک اوکونه کچوب دعا
 و ثنار ایدوب بعد عدویه جمله و هجوم ایدرلردی و دعاسیله مباشرت
 ایلد کلری جنکرده غالب اولورلردی اول سبیدن جمله اغوانك معتبری
 و معتقدی اولمش ایدی میر محمود دخی یانته کلرکجه استقبال ایدوب
 دست بوس ایدردی فی الواقع تمام اغوان ایچنده مرقوم میانی مثل و کولر
 یوز لوطه ملو دلولو حایم و سایر برکسنه یوغیدی اغوان ایچنده محمد بلاوج
 خان و سید علی خان و عجمیانندن زبردست خان اشرف خانك
 وضعندن متضرر اولیوب عزت و رفعت بولد پلر سائر لری متضرر اولوب
 کیمك مالنه و کیمك عرضنه نقصان کلدك کسنه از قالدی احوال قرنداش
 اشرف خان اشرف خانك کوچك قرنداشی اشرفك جلوسن کوردوکی
 کی فرار ایلدی عاقبت اشرف خان اخذ ایتدردوب هکوزلرینه
 میل چکدی احوال مادر میر محمود اشرف خان میر محمدك والد سنی
 احضار ایدوب نچون زندانه اولدوغم حاله بکاصاحب چقمک دیو
 خطاب و عتاب و شهر زاده لرك نعشی اولدوغنی زیر زمینده اوج کون و اوج
 کجه حبس ایلدی بعد اطلاق ایدوب خانه سنه کوندردی بعد شاه

حسبك باكره قيزيني كند وسنه تزوج ايلدي ومير مجود اهلنه حرم
جوارنده برسر اي ويروب انده اسكان ايلدي وكفاف اوزن تعينات
ويردي لكن طشهره چقمغه وان وارمغه اذن ويرمدي خاتمه چون بو حقير
وفقير سياح بر قصورك زمين ايرانده خطه واسعه اصفهانده سيره تماشا اي
وقايح برله مدت مكث واقامت بر محنتم بكرمي التي سنه يه بالغ اولدي وينه
حوادث غريبه ظهوري وهرج ومرج ملل متنوعه وقوعي ارام وسكونت
بوليروب كاه ميان اغوايانده فتنه وكاه عجميانده شقاق ونفاق وعصيان
ونميه وقوعي تقريله هر يوم توج دري اي حروب وقتال احتمالي دركار
ايلدي بو بحر بلا مهلكه سندن بركنان چقمق و بونهلكه عظيمه كرد ايندن
ساحل سلامتته جان اتقى فكر وملاحظه سي انديشه سيله سر كردان
وادي حيرت ايكن اشرف خان جانبندن در دولت عليه يه كوند رملك
اوزن اباجي تعيين بولغوب صوب مامون سنه عزيمت اتمكله بويجان دخی
رفاقت وبوفرصتي غنيمت عدايدوب حمدائم حمد ابوبله برتقريب دلفريب
ايله ممالك محروسه دولت عليه عثمانيه يه وصول برله سلامت و راحت
واطمینان مبسر اولدي الحمد لله على كل الحال واليه المرجع والمآل
تمت الترجمة بعون المالك الوهاب في غرة شهر ذي الحجه سنه احدى
واربعين ومائه والى الف تمت النسخة الغريبه على ايلدي الضعفا المأمورين
بعمل الطبع بدار الطباعة المعهون في غرة صفر الخير سنه اثني واربعين
وما يه والى الف في البلدة الطيبة قسطنطينيه

صاتها الله عن الافات

والبليه